

■ فرانک ونکلی، آنا ماریا استیوز
ایلزه آکامپ، دانیل فرانکس

ارزیابی تاثیر اجتماعی

راهنمای ارزیابی و مدیریت
تاثیرات اجتماعی پروژه‌ها

■ ترجمه‌ی سلیمان پاک‌سرشت و فردین علیخواه



■ فرانک ونکلی | ارزیابی تاثیر اجتماعی

■ ترجمه‌ی سلیمان پاک‌سرشت
و فردین علیخواه





نشرهمشهری

به	نام	خدا	وند
----	-----	-----	-----



نشر همشهری



ارزیابی تأثیر اجتماعی

راهنمای ارزیابی و مدیریت
تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها

فرانک ونکلی

آنا ماریا استیوز، ایلزه آکامپ، دانیل فرانکس

مترجمان: سلیمان پاک سرشت، فردین علیخواه

ارزیابی تأثیر اجتماعی

راهنمای ارزیابی و مدیریت
تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها

مؤلف: فرانک ونکلی

نویسندگان همکار: آنا ماریا استیوز

ایلزه آکامپ، دانیل فرانکس

مترجمان:

سلیمان پاک‌سرشت (عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان)

فریدین علیخواه (عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان)

مدیر تولید: علی لبافی

صفحه‌آرا: سعید غفوری



چاپ اول / پاییز ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: همشهری

سرشناسه	ونکلی، فرانک، ۱۹۶۰-م.
عنوان و نام پدیدآور	ارزیابی تأثیر اجتماعی: راهنمای ارزیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها/فرانک ونکلی، [با همکاری] آنا ماریا استیوز، ایلزه آکامپ، دانیل فرانکس؛ مترجمان: سلیمان پاک‌سرشت، فریدین علیخواه.
مشخصات نشر	تهران: همشهری، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۲۱۱ص.: جدول؛ ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۱-۳۴۲-۳
یادداشت	عنوان اصلی: Social impact assessment: guidance for assessing and managing the social impacts of projects, 2015.
عنوان دیگر	راهنمای ارزیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها.
موضوع	برنامه‌ریزی اجتماعی — ارزیابی Social planning — Evaluation سیاست اجتماعی — ارزیابی Social policy — Evaluation ارزیابی طرح‌ها (Evaluation research (Social action programs
شناسه افزوده	استیوز، آنا ماریا
شناسه افزوده	Esteves, Ana Maria
شناسه افزوده	اوکمپ، ایلز کارین
شناسه افزوده	(Aucamp, Ilse C. (Ilse Carin
شناسه افزوده	فرانکس، دانیل ام.
شناسه افزوده	Franks, Daniel M.
شناسه افزوده	پاک‌سرشت، سلیمان، ۱۳۵۱- مترجم
شناسه افزوده	علیخواه، فریدین، ۱۳۵۱- مترجم
رده‌بندی کنگره	HN۷۸
رده‌بندی دیویی	۳۶۱/۲۵
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۰۱۲۶

مدیر فروش: مهدی لبافی

تلفن: ۲۳۰۲۳۲۷۳



فروش اینترنتی:

www.hamshahrimarket.com

تلفن: ۲۳۰۲۳۲۷۴



نشر
همشهری
روای عاقلانه

hamshahripub

hamshahripub@gmail.com

نشانی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، نرسیده به
پارکوی کوچی توج، شماره ۱۴، طبقه دوم غربی
تلفن: ۲۳۰۲۳۲۷۳، دورنگار: ۲۳۰۲۳۲۹۸



نشر همشهری



فهرست

۷	مقدمه‌ی مترجمان
۱۱	هدف و مخاطبان این راهنما
۱۳	تقدیر و تشکر
۱۵	رفع مسئولیت
۱۷	درباره‌ی نویسندگان
۲۱	نکات کلیدی این راهنما
۲۵	مفاهیم رایج در ارزیابی تأثیر اجتماعی
۳۱	فصل ۱: اصول کلی ارزیابی تأثیر اجتماعی
۳۱	ارزیابی تأثیر اجتماعی نه یک محصول بلکه یک فرایند مدیریتی است
۳۳	تأثیرات اجتماعی شامل هر آن چیزی است زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد
۳۷	مدیریت و ارزیابی تأثیر اجتماعی و عملکرد اجتماعی
۴۰	ارزیابی تأثیر اجتماعی به همه‌ی مراحل اجرای یک پروژه ارتباط دارد
۴۱	کارفرما، بهره‌بردار و مجری ارزیابی تأثیر اجتماعی کیست؟
۴۲	مراحل و وظایف ارزیابی تأثیر اجتماعی

ارزیابی تأثیر اجتماعی هم یک کسب و کار خوب و هم خوب برای کسب و کارها است..	۴۵
اهداف همه‌ی پروژه‌ها باید توسعه‌ی پایدار اجتماعی باشد.....	۴۷
حقوق بشر باید مورد توجه قرار گیرد.....	۵۲
جایگاه بومیان، اجتماعات سنتی، گروه‌های قبیله‌ای و سرزمینی باید به رسمیت شناخته شده و مورد توجه ویژه قرار گیرد.....	۵۵
ارزیابی تأثیر اجتماعی همان جلب مشارکت عمومی نیست.....	۶۱
جایجایی و اسکان مجدد یکی از علل اصلی آسیب دیدن اجتماعات تحت تأثیر و یکی از مخاطرات اصلی پروژه‌ها است.....	۶۷
سهم محلی به ایجاد ارزش مشترک کمک می‌کند.....	۷۶
برای خاتمه‌ی پروژه از همان ابتدا برنامه‌ریزی کنید.....	۸۰
اصول اخلاقی برای کارشناسان ارزیابی تأثیر اجتماعی.....	۸۴

فصل ۲: مراحل اجرای ارزیابی تأثیر اجتماعی..... ۸۹

مرحله‌ی اول: فهم موضوعات.....	۹۰
مرحله‌ی دوم: پیش‌بینی، تحلیل و ارزیابی خط‌سیرهای تأثیرات احتمالی.....	۱۱۲
مرحله‌ی سوم: توسعه و اجرای راهبردها.....	۱۲۲
مرحله‌ی چهارم: طراحی و اجرای برنامه‌ی پایش.....	۱۳۷

فصل ۳: گزارش ارزیابی تأثیر اجتماعی..... ۱۴۵

اصول تنظیم گزارش.....	۱۴۵
معیارهای ارزیابی گزارش.....	۱۴۷

نتیجه‌گیری..... ۱۵۷

منابع..... ۱۶۱

منابع جهت مطالعه‌ی بیشتر.....	۱۶۱
منابع کلیدی ارزیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی.....	۱۷۳
سایر منابع کلیدی و پیوندهای مرتبط با ارزیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی.....	۱۷۵

فرهنگ واژگان..... ۱۷۷



روش‌های مشارکتی

ارزیابی تأثیر اجتماعی یا (اتا) گونه‌ای از مطالعات اجتماعی کاربردی است که در دو دهه‌ی اخیر در کشور رواج پیدا کرده و به ویژه در یک دهه‌ی گذشته به اصطلاحی آشنا در بین محققان اجتماعی و مدیران حوزه‌ی مدیریت شهری تبدیل شده است. به مانند سایر حوزه‌های مطالعات کاربردی، ورود و استقرار ادبیات ارزیابی تأثیر اجتماعی در کشور با افت و خیزهای زیادی همراه بوده است. طیفی از اصحاب علوم اجتماعی که معتقد بودند کار علم اجتماعی تبیین و تفسیر است و لاغیر، از همان آغاز ساز ناسازگاری کوک کردند و این حوزه‌ی مطالعاتی را به مانند سایر حوزه‌های مطالعات کاربردی فاقد وجهت علمی و در اختیار قدرت و مصلحت معرفی کرده و از آن حذر کردند. طیف دیگری تلاش کردند با تأکید بر دانسته‌های قبلی خود در مورد سایر حوزه‌های مطالعات کاربردی، با تقلیل آن به مجموعه‌ای از پیمایش‌ها و مصاحبه‌ها در مورد ابعاد اجتماعی پروژه‌ها از اختصاصات و ویژگی‌های تمایز بخش ارزیابی تأثیر اجتماعی و البته اعتبار آن کم کنند. در مقابل این دو دسته، گروهی از محققان و دانش‌آموختگان علوم اجتماعی بودند که ارزیابی تأثیر اجتماعی را به مانند گمشده‌ای نه فقط برای فارغ‌التحصیل فاقد مهارت کاربردی علوم

اجتماعی، بلکه برای حوزه‌ی تصمیم‌سازی و سیاستگذاری اجتماعی و اقتصادی کشور یافتند. گروه اخیر طی یک دهه‌ی اخیر نقش کلیدی در توسعه‌ی این حوزه‌ی مطالعاتی داشته‌اند و در اثر استقبال و تلاش آن‌هاست که امروز اصطلاحاتی مانند اتا، اتاف، پیوست اجتماعی و پیوست فرهنگی برای مدیران و صاحب‌علوم اجتماعی ناآشنا و نامانوس نیست. البته این بدان معنی نیست که همه‌ی آنچه در این سال‌ها در ارتباط با این مطالعات اتفاق افتاده است یکسره درست و قابل دفاع است. چرا که این مطالعات همواره از جانب افرادی که در پس این مطالعات، به منافع و سوداگری خود می‌اندیشند و نیز مدیرانی که این مطالعات را صرفاً برای تایید اقدامات خود و زینت دفتر کارشان می‌خواهند در مخاطره بوده و هست. اما روشن است که فواید اجتماعی رشد این حوزه‌ی مطالعاتی برای کشور بسیار بیشتر از آن بوده است که بشود با دست‌آویز قرار دادن این کاستی‌ها، آن را نادیده گرفت. امروز در حالی این مقدمه را می‌نویسیم که کتاب‌های زیادی در این حوزه منتشر شده است. چندین مرکز مطالعاتی با عنوان و مأموریت ارزیابی تأثیر اجتماعی فعالیت می‌کنند و چندین ژورنال تخصصی یا ترویجی با عنوان ارزیابی تأثیر اجتماعی منتشر می‌شوند. ژورنال‌های تخصصی علوم اجتماعی مقالات محققان این حوزه را کمتر با این نقد رایج سال‌ها قبل "به حوزه اجتماعی ارتباط ندارد" رد می‌کنند. در انجمن جامعه‌شناسی بخشی تحت همین عنوان فعالیت می‌کند و البته در این مورد خاص و بسیار پراهمیت باید قدردان حمایت بی‌دریغ مرحوم دکتر قانع‌راد بود که با دشواری تمام و با وجود همه‌ی مخالفت‌ها، با تاسیس و آغاز فعالیت این بخش موافقت کردند. پایان‌نامه‌های دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری فراوانی در این سال‌ها متدولوژی خود را، ارزیابی تأثیر اجتماعی معرفی کرده‌اند. بنابراین به تأکید می‌توان ادعا کرد ارزیابی تأثیر اجتماعی دوره‌ی تاسیس راپشت سر گذشته و وارد دوره‌ی استقرار و رشد شده است. دوره‌ای که انتظار می‌رود این حوزه‌ی مطالعات کاربردی از احتیاط‌های روش‌شناسانه و فرمالیسم ناگزیر روزهای آغازین فاصله گرفته و گام در مسیری بگذارد که فواید اجتماعی آن بیش از پیش آشکار شود. به دغدغه‌های اجتماعی و تکرار شونده مرتبط با کیفیت خاص نظام سیاستگذاری و مدیریت امور اجرایی کشور بیشتر مرتبط شده و با اعتماد به نفس بیشتر و اتکاء به تجربه‌های اندوخته در سال‌های قبل و بازخوانی آن‌ها، اصلاح مداخلات سیاستی را فراتر از پروژه‌ها بلکه در سطح سیاست‌ها و از آن مهم‌تر در فرایندهای سیاست‌گذاری دنبال کند. رویکرد کلان در طراحی

و اجرای مطالعات توسعه‌ی پایدار و پایداری توسعه در ایران نه فقط در نظر بلکه در عمل و با اتکاء به جعبه ابزار متنوعی از مطالعات کاربردی متشکل از ارزیابی تأثیر اجتماعی و زیست‌محیطی، ارزشیابی پروژه‌ها و سیاست‌ها، ارزیابی پایداری و..... باشد.

کتاب راهنمای حاضر در واقع با نگاه به چنین ضرورت و منظری برای نهادینه کردن موضوع ارزیابی تأثیر اجتماعی در ایران و پیوند آن با جریان اصلی توسعه و استقرار آن در قلمرو وسیع‌تر توسعه‌ی اجتماعی، برای ترجمه انتخاب شده است. این راهنما، ارزیابی تأثیر اجتماعی را در پیوند با توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی و نیز پایداری توسعه آن‌ها با ارجاع به نمونه‌های تجربی پیشرو و متعدد مرور می‌کند و یکی از منابع مهم و مرجع انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر^۱ محسوب می‌شود که تاکنون به بیش از ۱۰ زبان ترجمه شده است. ترجمه‌ی فارسی این اثر با هماهنگی و صدور مجوز این انجمن صورت گرفته و در مراحل مختلف این هماهنگی از حمایت فرانک وانکلی به عنوان نویسنده‌ی اصلی اثر برخوردار بوده‌ایم که لازم است بدین وسیله از ایشان قدردانی کنیم.

این راهنما مدت طولانی به دلایل اداری در مراحل آماده سازی برای انتشار در اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران معطل ماند و در نهایت اگر پیگیری‌ها و اهتمام شایسته‌ی تقدیر آقای مجید شمس، مدیر فرهیخته‌ی انتشارات همشهری نبود، در اختیار علاقه‌مندان قرار نمی‌گرفت. بهزاد رئیس‌یان با ارائه‌ی نقطه‌نظرات پیشنهادی و سازنده‌ی خود کمک شایانی به افزایش دقت فرهنگ وازگان پایان کتاب کرد و انسجام و یکدستی متن نیز حاصل تلاش مریم نجیبی و ویرایش همراه با دقت و وسواس اوست که ضرورت دارد مراتب قدردانی خود را از آن‌ها اعلام کنیم.

در خاتمه از خوانندگان محترم این راهنما بابت نقایص و کاستی‌های احتمالی در ترجمه یا انتقال محتوی پوزش خواسته و آمادگی خود را برای دریافت نقطه‌نظرات اصلاحی و لحاظ آن در نسخه‌های آتی اعلام می‌کنیم. موفق باشید.

متن اصلی سند در نشانی زیر قابل دسترسی است:

https://www.iaia.org/uploads/pdf/SIA_Guidance_Document_IAIA.pdf

سلیمان پاک‌سرشت

فردین علیخواه





هدف و مخاطبان این راهنما

راهنمای حاضر می‌کوشد تا به ذی‌مدخلان^۱ مختلف یک اقدام توسعه‌ای در زمینه‌ی انتظاراتی که می‌توانند از یک مطالعه‌ی مطلوب ارزیابی تأثیر اجتماعی (پس از این در سراسر متن، اتا) و فرایندهای مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها داشته باشند، مشاوره بدهد و در مورد طیف وسیعی از پروژه‌ها شامل احداث سدها، معادن، تأسیسات حفاری نفت و گاز، کارخانه‌ها، بنادر، فرودگاه‌ها، خطوط لوله، مسیرهای انتقال برق، راه‌ها، خطوط راه‌آهن و سایر زیرساخت‌ها شامل پروژه‌های بزرگ کشاورزی، جنگلداری و پرورش آبزیان کاربرد دارد. راهنمای حاضر در پیوند و بر اساس اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی (۲۰۰۳) نگاشته شده است، بدین معنی که اصول بین‌المللی یادشده، چارچوب کلی درک حوزه‌ی اتا و همچنین ارزش‌های بنیادین این حرفه را تعیین می‌کنند و سند حاضر ویژگی‌های یک نمونه‌ی موفق و مطلوب از طراحی و اجرای اتا و مدیریت پروژه‌ها در ارتباط با موضوعات اجتماعی را تشریح می‌کند. در این سند نمونه‌های خوب و گاهی پیشرو اتا معرفی شده‌اند و در نتیجه از اطلاعات آن

1. Stakeholders

نمی‌توان در هر موقعیتی استفاده کرد و کسانی که قصد استفاده از این راهنما را دارند باید به ویژگی‌های خاص هر پروژه توجه کنند.

مخاطبان اصلی این سند عبارتند از:

■ کارشناسان^۱ و مشاوران اِتا که می‌خواهند تجربه‌ی خود را با تجارب برتر بین‌المللی مقایسه کنند؛

■ حامیان و مجریان پروژه‌ها (در بخش خصوصی و دولتی) برای ارزیابی کار مشاوران اِتا و تعیین انتظاراتی که باید از آنان داشته باشند؛

■ سازمان‌های نظارتی^۲ برای داوری در مورد کیفیت و فرایندهای ارزیابی گزارش‌های اِتا و تعیین رویه‌ها و انتظاراتی که در این ارتباط باید مورد توجه قرار گیرد؛

■ متخصصان اجتماعی شاغل در بانک‌های توسعه‌ی چندملیتی (MDBs) مانند بانک جهانی، مؤسسه‌ی مالی بین‌المللی (IFC)، بانک توسعه‌ی آسیایی (ADB)، بانک توسعه‌ی آفریقایی (AFDB)، بانک ترمیم و توسعه‌ی اروپایی (EBRD)، بانک سرمایه‌گذاری اروپایی (EIB)، و بانک توسعه‌ی داخلی آمریکا (IDB)؛

■ کارکنان شاغل در سایر نهادهای مالی به‌ویژه بانک‌های پیرو اصول اکواتور (خط استوا)^۳؛

■ سازمان‌های همکاری توسعه؛

■ سازمان‌های برنامه‌ریز دولتی؛

■ اجتماعات و مردم محلی؛

■ سازمان‌های جامعه‌ی مدنی؛

■ افراد مسئول در تعیین چارچوب‌ها و مقررات اِتا.

1. Practitioners

2. Regulatory Agencies

3. Equator Principles Banks



تشکر و تشکر

کلیه‌ی شرکت‌کنندگان در کنفرانس‌های انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر^۱، در شکل‌گیری این سند راهنما نقش داشته‌اند. اما برخی به دلیل نقش خاص و مؤثرشان شایسته‌ی ذکر نام هستند؛ سن ماری آکامپ، جیمز باینز، هیلدا زودنهوت، الکو دگروت، دامین ایگلینگ، گابریله فاکتور، کورنلیا فلورا، نورا گوتزمن، فیلیپه هانا، آنجلو امپریاله، دینا کمپ، ایوو لورنکو، لوسی مک کامب، بهروز مرواریدی، سیاران او فرچیلگ، ماریله روان، هلن راسل، رونو سائرین، آرن سائر، فرانک سیر، ادی اسمیت، مایک استین، نیک تایلور، لیدویج وان در پلوگ، فرانچسکا ویلینی و جورج ویلگاس^۲.

1. International Association for Impact Assessment (IAIA)

2. San-Marie Aucamp, James Baines, Hilda Bezuidenhout, Elco de Groot, Damien Eagling, Gabriela Factor, Cornelia Flora, Nora Götzmann, Philippe Hanna, Angelo Imperiale, Deanna Kemp, Ivo Lourenço, Lucy McCombes, Behrooz Morvaridi, Ciaran O'Faircheallaigh, Marielle Rowan, Helen Russell, Rauno Sairinen, Arn Sauer, Frank Seier, Eddie Smyth, Mike Steyn, Nick Taylor, Lidewij van der Ploeg, Francesca Viliani, and Jorge Villegas.





رفع مسئولیت

این سند بر اساس نمونه‌های برتر اجرای ارزیابی تأثیر اجتماعی از نظر انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر در زمان انتشار آن، تهیه شده و هدف آن نه ارائه‌ی مشاوره‌ی فنی و حقوقی، بلکه کمک به جامعه‌ی حرفه‌ای ارزیابی تأثیر است. بدیهی است هر محدوددهی قضایی دارای قوانین و الزامات خاصی است و لذا کارشناسان اِتا باید همواره به انتظارات قانونی و خاص محیطی که در آن کار می‌کنند واقف بوده و پاسخگوی آن باشند. ذکر نام شرکت‌ها و موسسات در این سند لزوماً به معنی تایید یا حمایت از آن‌ها نیست. انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر هیچ گونه مسئولیتی در قبال اشتباهات و عواقب ناشی از اجرای این راهنمایی‌پذیرد.





در پاروی نرپسندگان

پروفسور فرانک ونکلی، اصالتاً استرالیایی و در حال حاضر استاد جغرافیای فرهنگی در دانشکده‌ی علوم فضایی دانشگاه گرونینگن^۱ هلند است. توسعه‌ی شتابان شمال شرق استرالیا، منطقه‌ای که وی دوران رشد خود را در آن گذراند، در او علاقه‌ای بلندمدت به ارزیابی تأثیرات اجتماعی و حکمرانی توسعه ایجاد کرد. با وجود جایگاه دانشگاهی، فرانک علاقه‌ی عمیقی به پژوهش اجتماعی کاربردی و ضرورت فایده‌مندی و اهمیت اجتماعی پژوهش‌های دانشگاهی دارد و در همین راستا به عنوان مشاور حوزه‌ی اجتماعی و به طور خاص ارزیابی تأثیر اجتماعی با طیف وسیعی از سازمان‌ها مانند کمیسیون جهانی سدها، بانک جهانی، سازمان‌های دولتی در کشورهای مختلف، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی متعدد و سازمان‌های صنعتی همکاری کرده است. او استاد میهمان دانشگاه فنلاند شرقی و دانشگاه سائوپائولو نیز بوده است. وی به مدت بیش از ۲۵ سال با انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر همکاری کرده و موقعیت‌های مدیریتی مختلفی

1. University of Groningen

را مانند رئیس هیات تحریریه‌ی ژورنال انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر^۱، برعهده داشته است. فرانک اسناد کلیدی زیادی را در حوزه‌ی ارزیابی تأثیر اجتماعی به رشته‌ی تحریر درآورده و در سال ۲۰۱۴ به خاطر خدماتش در زمینه‌ی توسعه‌ی نظری و عملی رشته‌ی ارزیابی تأثیر اجتماعی، جایزه‌ی انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر را دریافت کرده است.^۲

دکتر آنا ماریا استیوز، که متولد موزامبیک و در حال حاضر ساکن هلند است به نقش صنایع معدنی در توسعه‌ی اجتماعی علاقه‌ای دیرپا دارد. او در سال ۲۰۰۲ یک شرکت مشاوره را در زمینه‌ی عملکرد اجتماعی^۳ به نام (CIG)^۴ تأسیس کرد که تاکنون در زمینه‌ی عملکرد اجتماعی و تدارک سهم محلی^۵ با شرکت‌های بزرگ و مهمی در نقاط مختلف جهان مانند شل، بی.جی، تولوایل، آنگلوامریکن، ریو تینتو و بی.اچ بی بیلیتون^۶ همکاری کرده است. آنا ماریا در زمینه‌ی اتا و تدارک سهم محلی دارای تالیفات متعددی بوده و در حال حاضر استاد میهمان دپارتمان مهندسی عمران و محیط زیست دانشگاه استراتکلاید^۷ گلاسکو است. او در دوره ۲۰۱۶-۲۰۱۷ رئیس انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر بود و پیشتر نیز در موقعیت‌های مدیریتی مختلفی در این انجمن فعالیت کرده است. وی بنیانگذار و مدیر یک پلتفرم برخط برای کارشناسان اتا به نام هاب ارزیابی تأثیر اجتماعی^۸ است.^۹

دکتر ایلزه آکامپ، در افریقای جنوبی متولد شده است. او مدت‌ها به عنوان کارشناس اتا فعالیت کرده و یک مددکار مجرب اجتماعی است. تحصیلات دوره‌ی کارشناسی خود را در رشته‌ی مدیریت محیط زیست گذرانده و اخیراً از تز دکتری

1. Impact Assessment & Project Appraisal

2. Frank.vanclay@rug.nl

3. Social Performance

4. Community Insights Group

5. Local Content

6. Shell, BG, Tullow Oil, Anglo American, Rio Tinto and BHP Billiton

7. University of Strathclyde

8. SIAhub (www.socialimpactassessment.com)

9. amesteves@communityinsights.eu

خود با عنوان "نقش اِتا به مثابه‌ی ابزار توسعه‌ی اجتماعی" دفاع کرده است. او مدیر شرکت (ERCS) است که حوزه‌ی تخصصی فعالیت آن پژوهش اجتماعی و ابعاد اجتماعی مدیریت محیط زیست است. ایلزه بیشتر در آفریقا کار کرده و تاکنون بیش از یکصد مطالعه‌ی اِتا را در پروژه‌های معدنی و زیرساختی انجام داده است. پایش ابعاد اجتماعی حین اجرای پروژه‌ها یکی دیگر از اشتغالات دیرینه‌ی او محسوب می‌شود. ایلزه در عین حال مدرس اِتا در دوره‌ی تحصیلات تکمیلی تعدادی از دانشگاه‌های افریقای جنوبی است. وی عضو کمیته‌ی مدیریت ملی انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر در افریقای جنوبی و مدیر سابق بخش اِتا در این انجمن بوده است. ایلزه عضو پانل مشورتی مرکز حقوق زیست‌محیطی، یک سازمان غیردولتی فعال در زمینه‌ی عدالت اجتماعی و زیست‌محیطی در آفریقای جنوبی است. به نظر او کار با اجتماعات سودمندترین بخش فعالیت اِتا است.^۲

دکتر دانیل فرانکس، استرالیایی و معاون مرکز مسئولیت اجتماعی در استخراج معدن، وابسته به مؤسسه‌ی مواد معدنی پایدار دانشگاه کوینسلند^۳ است. وی تحصیلات خود را در حوزه‌های زمین‌شناسی، علوم و سیاست اجتماعی سپری کرده و موضوع اصلی مطالعات او چالش‌های پایداری توسعه‌ی منابع انرژی و معدنی است. دانیل از سال ۲۰۱۱ به همراه آنا ماریا استیوز مدیر بخش اِتا در انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر بود و در حال حاضر نیز عضو گروه حکمرانی خوب در مدیریت منابع معدنی و مبتنی بر زمین، وابسته به شبکه‌ی راهکارهای توسعه‌ی پایدار سازمان ملل است. او تالیفات دانشگاهی متعددی دارد و با سازمان‌هایی چون برنامه‌ی عمران ملل متحد، بانک جهانی، اکسفام^۴، بنیاد فورد، صلح سبز^۵، آژانس استرالیایی توسعه‌ی بین‌الملل، شورای بین‌الملل معدن و فلزات و شرکت‌های استخراج معادن مهمی، همکاری پژوهشی داشته است. ایشان استادیار میهمان

1. Equispectives Research and Consulting Services

2. ilse@equispectives.co.za

3. The University of Queensland's Sustainable minerals Institute

4. Oxfam

5. Greenpeace

دانشگاه کاتولیک شمال^۱ در شیلی، دانشگاه کلمبیا در نیویورک، دانشگاه فنلاند شرقی و دانشگاه استرالایای غربی نیز بوده است.^۲



1. Universidad Catolica del Norte

2. d.franks@smi.edu.au



نکات کلیدی این راهنما

مطابق یک تعریف عام و پذیرفته شده، اتا فرایند شناسایی و مدیریت موضوعات اجتماعی پروژه‌ها بوده و مشتمل بر دخالت مؤثر اجتماعات تحت تأثیر در فرایندهای مشارکتی شناسایی، ارزیابی و مدیریت آثار اجتماعی است. هرچند هنوز اتا به عنوان سازوکاری برای پیش‌بینی تأثیرات و ابزاری برای رعایت مقررات موجود از طریق بررسی تأثیرات اجتماعی پیش از صدور مجوز یا تایید آن مورد استفاده قرار می‌گیرد اما نقش آن در کمک به مدیریت مستمر موضوعات اجتماعی در کل چرخه‌ی پروژه، از شکل‌گیری طرح اولیه‌ی آن گرفته تا مرحله‌ی بعد از اختتام پروژه^۱ نیز به همان اندازه حایز اهمیت است. اتا مانند سایر حوزه‌های مطالعات کاربردی مشتمل بر مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که ویژگی مشترک آن‌ها تعلق پارادایمی به گروهی منسجم از نظریه‌ها، روش‌ها، پیشینه‌نگاری موردی^۲، برداشت‌ها و ارزش‌های مورد انتظار است و تنها با لحاظ این تعلق پارادایمی است که می‌توان فراتر از تعریف

1. Post-closure

2. Case Histories

واژگانی و جداگانه‌ی مفاهیم تشکیل دهنده‌ی آن یعنی «ارزیابی»، «تأثیر» و «اجتماعی»، به دریافت صحیحی از هدف اِتا دست یافت. چارچوب این پارادایم به خوبی در سند اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی و هم‌چنین راهنمای حاضر ارائه شده است.

مطالعات اِتا در دهه‌ی ۱۹۷۰ و هم‌زمان با مطالعات ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی^۱ توسعه یافت و در بدو امر بیشتر به صورت بخشی از ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی و معمولاً به صورت ناقص و ضعیف اجرا می‌شد. اما با گذشت زمان آشکار شد که مسایل اجتماعی با مسایل بیوفیزیکی تفاوت‌های بنیادینی دارند و در نتیجه وظیفه و کارکرد اصلی اِتا نه فقط تایید یا رد پروژه^۲، بلکه باید بهبود مدیریت موضوعات اجتماعی باشد. به علاوه اِتا برای آن که نتایج مطلوبی برای اجتماعات تحت تأثیر پروژه‌ها در برداشته باشد باید در پیوند و ارتباط مستمر با حامیان (مجریان بخش عمومی یا تجاری) پروژه اجرا شود. بدین ترتیب به مرور اجرای اِتا از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی جدا شد. البته ناگفته پیداست که موضوعات زیست‌محیطی، اجتماعی و سلامت را نمی‌توان به راحتی از یکدیگر جدا کرد و ارتباط و تعاملات پیچیده‌ای بین آن‌ها برقرار است. به همین دلیل نیز امروزه ارزیابی‌ها اغلب به صورت یکپارچه اجرا شده و ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، اجتماعی و سلامت^۳ به فعالیت استاندارد^۴ی در پروژه‌های بخش خصوصی تبدیل شده است. یکی از تفاوت‌های تأثیرات اجتماعی با سایر انواع تأثیرات در این است که تأثیرات اجتماعی قبل از آغاز عملیات اجرایی پروژه آشکار می‌شوند؛ به عنوان مثال شایعاتی که قبل از شروع عملیات اجرایی یک پروژه به راه می‌افتند، خود بخشی از تأثیرات اجتماعی آن پروژه محسوب می‌شوند. پس لازم است از همان آغاز پروژه و پیش از شروع عملیات اجرایی پروژه‌ها، مدیریت موضوعات اجتماعی و ارزیابی تأثیرات پروژه در دستور کار قرار گیرد.

تفاوت دیگر اِتا با ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی در هدف آن برای پیشینه کردن منافع پروژه‌ها برای اجتماعات تحت تأثیر است. برای اِتا، نه فقط شناسایی و

1. Environmental impact assessment (EIA)

2. Go/no go Decisions

3. Environmental, Social, and Health Impact Assessment, (ESHIA)

مدیریت مؤثر تأثیرات منفی، بلکه امکان بازنگری پروژه و تضمین منافع بیشتر آن برای اجتماعات تحت تأثیر نیز از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است. تاکید بر منافع پروژه برای اجتماعات تحت تأثیر صدور مجوز اجتماعی عملیات را از جانب آن‌ها تسهیل می‌کند. در بسیاری از موارد تلاش برای شناسایی و کاهش مضرات و آسیب‌های یک مداخله برای اجتماع متأثر از یک پروژه (یعنی وظایف سنتی اِتا)، به تنهایی برای پذیرش پروژه از ناحیه ذی‌مدخلان محلی و عدم بروز صدمات مهم ناشی از پروژه در عمل کافی نیست. می‌توان بهره‌مندی اجتماع تحت تأثیر یک پروژه را از منافع آن با اقداماتی افزایش داد؛ تغییر زیرساخت‌های پروژه برای اطمینان از این‌که کفاف نیازهای اجتماع محلی را می‌کند، تامین منابع مالی سرمایه‌گذاری اجتماعی برای حمایت از توسعه‌ی اجتماعی پایدار محلی و ترسیم چشم‌انداز اجتماع برای شناسایی برنامه‌های راهبردی توسعه‌ی اجتماع محلی، تعهد جدی به بیشینه کردن فرصت‌ها برای بهره‌مندی محلی (به عنوان مثال ایجاد شغل برای مردم محلی و پیش‌بینی تامین تدارکات پروژه به صورت محلی) با رفع موانع و تسهیل عرضه کالاها و خدمات از سوی شرکت‌های محلی و آموزش و حمایت از مردم محلی از جمله این اقدامات به شمار می‌روند. در مواردی که ادامه‌ی پروژه مستلزم جابجایی مردم محلی باشد باید تضمین کرد که کیفیت شرایط زندگی آنان بعد از اسکان نه تنها کاهش پیدا نمی‌کند بلکه بهبود نیز می‌یابد. مواجهه‌ی احترام‌آمیز با اجتماعات جهت کسب مجوز اجتماعی عملیات پروژه، مهم است. مشارکت هدفمند، شفاف و مداوم ذینفعان از همان مراحل آغازین هر نوع مداخله‌ای، جهت توسعه‌ی روابط مبتنی بر احترام و اعتماد، حیاتی است.

طبق اصول و ارزش‌های کلیدی اِتا که در سند اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی تعیین و تشریح شده است، هدف اِتا و پروژه باید کمک به توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع باشد؛ باید در همه‌ی ارزیابی‌ها ملاحظات جنسیتی و رعایت حقوق بشر مورد توجه قرار گیرد. با شکل‌گیری گفتمان تجارت و حقوق بشر و به‌ویژه با پذیرش اصول راهنمای سازمان ملل در تجارت و حقوق بشر^۱، احترام به حقوق بشر دیگر به یکی از مسئولیت‌های بنیادین بخش خصوصی در اجرای

1. United Nations Guiding Principles on Business and Human Right

اقدامات توسعه‌ای بدل شده است. روشن است که تفسیرپذیری تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی در ارتباط با حقوق بشر، به وسعت عمل بیشتر اِتا می‌انجامد و در نتیجه‌ی آن، مردم متأثر از یک اقدام توسعه‌ای واجد حقوق قانونی قلمداد شده و اِتا در عمل به روشی برای کاهش مواجهه با ریسک و کمک به سازگاری شرکت‌ها با استانداردهای بین‌المللی تبدیل می‌شود. بنابراین توجه به موضوعات حقوق بشری در اجرای اِتا و سایر ارزیابی‌های جامع زیست‌محیطی، اجتماعی و سلامت از اهمیت زیادی برخوردار است.





مثالیم رایج در ارزیابی تأثیر اجتماعی

هر چند واژه نامه‌ی مبسوطی در پایان این سند ارائه شده است، در ادامه به معرفی و توصیف تعدادی از مفاهیم کلیدی که آشنایی آن‌ها برای درک بهتر مدیریت تأثیرات اجتماعی ضروری است، می‌پردازیم.

مجوز اجتماعی عملیات پروژه^۱، به میزان پذیرش و تایید فعالیت‌های یک سازمان از سوی ذیمدخلان و به‌ویژه اجتماعات محلی تحت تأثیر اشاره دارد. شرکت‌های پیشرو اکنون دریافته‌اند که برای اجرای یک پروژه یا مداخله، پایبندی به مقررات و قوانین موجود به‌تنهایی کافی نیست و باید به انتظارات طیف وسیعی از ذیمدخلان شامل سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و اجتماعات محلی پاسخ داده و یا دست کم آن‌ها را مد نظر قرار دهند. در غیر این صورت نه تنها شهرت‌شان آسیب دیده و فرصت‌هایشان کاهش پیدا می‌کند، بلکه در معرض اعتصابات، اعتراضات، راه‌بندان‌ها، خرابکاری‌ها، اقدامات حقوقی و پیامدهای مالی ناشی از فعالیت‌هایشان قرار می‌گیرند. در بسیاری از کشورها، اصطلاح مجوز اجتماعی

1. Social license to operate

عملیات در زبان کسب و کار وارد شده، راهبردهای کسب و کار بسیاری از شرکت‌ها را فعالانه تحت تأثیر قرار داده و به بخشی از چشم‌انداز حکمرانی آن‌ها تبدیل شده است.^[۱]

اصل رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه^۲، یک سازوکار رویه‌ای برای تضمین برخورداری مردمان بومی از حق تعیین سرنوشت^۳ است. مفهومی که با ورود در اعلامیه‌ی حقوق مردمان بومی سازمان ملل^۴ (۲۰۰۷) و مقاوله‌نامه‌ی شماره ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار (۱۹۸۹) جایگاه و اهمیت یافته است. شأن حقوقی این اصل در کشورهای مختلف بسته به این که اسناد مورد اشاره یا سایر اسنادی از این دست را امضاء کرده و به شکل مؤثری در قوانین داخلی خود دخالت داده باشند، متفاوت است. "آزادانه" بودن رضایت بدان معنی است که شرکت‌ها و حکومت‌ها برای جلب رضایت ذیمدخلان از اهرم اجبار، آزار، ارباب و دخالت استفاده نکنند و پاسخ منفی یک اجتماع محلی به اجرای یک پروژه، اقدام تلافی‌جویانه‌ای را از جانب حامیان پروژه به دنبال نداشته باشد. "پیشینی" بودن رضایت بدان معنی است که پیش از آن که هر گونه فعالیتی در اراضی متعلق به یک اجتماع آغاز شود، رضایت آنان جلب شده و اجتماعات تحت تأثیر، زمان کافی برای تصمیم‌گیری در اختیار داشته باشند. "آگاهانه" بودن رضایت نیز به معنی آن است که اجتماعات متأثر به زبان و شیوه‌ی مناسبی در معرض کلیه‌ی اطلاعات مربوط به پیامدهای اجتماعی پروژه‌ها بر زندگی خود و ظرفیت پروژه‌ها برای توسعه‌ی محلی قرار گیرند. "رضایت" آگاهانه‌ی اجتماعات تحت تأثیر در اصل متضمن آن است که مردم بتوانند اگر از مزایا و فرصت‌های توسعه‌ی ناشی از پروژه راضی بودند، به اجرای آن "بله" بگویند و در صورتی که از آن ناراضی بودند و یا مکانیسم مؤثری برای تعیین وجود یا عدم وجود حمایت کل اجتماع از اقدام وجود نداشت، به اجرای آن "نه" بگویند و لذا اجرای اصل رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه در عمل اغلب دشوار و ناقص است. اصل رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه کم و بیش توسط موسسه‌ی مالی بین‌المللی و بسیاری از

۱. منابع به ترتیب همین اعداد در پایان کتاب در قسمت «منابع جهت مطالعه بیشتر» آمده است.

2. Free, Prior and Informed Consent

3. Self-determination

4. United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples

سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یک الزام مورد پذیرش قرار گرفته است. در مورد این‌که آیا مفاد اصل رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه باید برای اثبات احترام به اجتماعات و دریافت مجوز اجتماعی عملیات پروژه بکار گرفته شود یا خیر، مباحث مهمی در جریان است.^[۲]

رویکرد مبتنی بر حقوق بشر^۱، یک چارچوب مفهومی و رویه‌ای برای تضمین ارتقاء و حفظ حقوق بشر در سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌هاست. این رویکرد بنیان همه‌ی اسناد و اقدامات مرتبط با حقوق بشر بوده و در حوزه‌های وسیعی (به‌ویژه همکاری‌های مربوط به سلامت و توسعه) اعمال شده است. هدف این رویکرد آن است که:

- ۱) حقوق بشر و اصول آن را به مولفه‌ی مرکزی هر مداخله‌ای تبدیل کند؛
- ۲) پاسخگویی و شفافیت صاحبان تکالیف را در قبال صاحبان حقوق مطالبه کند؛
- ۳) توانمندسازی و ظرفیت‌سازی صاحبان حقوق را تقویت کند؛
- ۴) مشارکت هدفمند صاحبان حقوق را در فرایندهای توسعه‌ای و مداخلات برنامه‌ریزی شده به عنوان یک حق ذاتی، و نه فقط به عنوان یک اقدام سودمند تضمین کند و
- ۵) مشارکت غیرتبعیض‌آمیز صاحبان حقوق و اولویت‌بندی گروه‌ها و افراد به حاشیه‌رانده شده و آسیب‌پذیر (مانند زنان، سالمندان، کودکان و جوانان، اقلیت‌ها و مردمان بومی) را تضمین کند.^[۳]

مراقبت مقتضی حقوق بشری^۲، به اصلی در اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل^۳ اشاره دارد که طبق آن شرکت‌ها به منظور تضمین این‌که کسب و کار پیشنهادی آن‌ها و یا معامله یا تملک اراضی مورد نظرشان، در بردارنده‌ی هیچ‌گونه مخاطره‌ی حقوق بشری پنهان (به بیان بهتر، مخاطره برای مردم و اجتماعات و نه صرفاً برای شرکت) نیست، باید مراقبت مقتضی را اعمال کنند. با توجه به این‌که بیشتر تأثیرات اجتماعی به نوعی تأثیرات حقوق بشری نیز محسوب می‌شوند از این رو ذیمدخلان متأثر از پروژه صاحبان حقوق قانونی نیز محسوب می‌شوند. این موضوع، اهمیت تأثیرات اجتماعی و جایگاه‌ات را ارتقاء داده و در نتیجه شرکت‌ها

1. A human rights-based approach

2. Human rights due diligence

3. United Nations Guiding Principles on Business and Human Rights

باید به تأثیرات اجتماعی به عنوان یک مسأله‌ی مهم توجه کنند. [۴]

مخاطرات غیر فنی^۱، به موضوعات مدیریتی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی مرتبط با یک پروژه، در مقابل مخاطرات فنی (مانند مخاطرات فیزیکی، ساختاری، مهندسی و زیست محیطی) اشاره دارند. به دلیل تربیت فن‌محورانه‌ی بیشتر کارکنان پروژه‌ها، (و ذهنیت غیرجامعه‌ای^۲ آن‌ها) مخاطرات فنی معمولاً به طور کامل بررسی شده و در مقابل مخاطرات غیر فنی اغلب مورد غفلت واقع می‌شوند. اما همین مخاطرات غیر فنی به صورت بالقوه مخاطرات مالی جدی پروژه محسوب می‌شوند، چرا که می‌توانند موجب بروز اعتراضات از سوی اجتماعات محلی شوند و بنابراین باید به طور کامل مرتفع گردند. [۵]

ریسک اجتماعی^۳، در گفتمان‌های متفاوت دارای معانی مختلفی است. در گفتمان اتا و پروژه، ریسک اجتماعی قرابت مفهومی زیادی با ریسک غیر فنی داشته و در مقام مقایسه بر آن ارجحیت دارد. طبق تعریف بانک جهانی، منظور از ریسک اجتماعی، احتمال تأثیر یک مداخله در ایجاد، تشدید و تعمیق نابرابری یا تضاد اجتماعی، تأثیر نگرش‌ها و کنش‌های ذیمدخلان کلیدی بر ممانعت از تحقق نتایج توسعه، و عدم بهره‌مندی ذیمدخلان کلیدی از نتایج توسعه و ابزارهای دستیابی به آن است. از نظر بانک جهانی، ریسک اجتماعی هم شامل تهدیدهای معطوف به موفقیت پروژه و هم ریسک ناشی از موضوعات اجتماعی پروژه است که ممکن است به نوبه‌ی خود به تهدیدی برای پروژه تبدیل شوند. در محیط شرکت‌ها، منظور از ریسک اجتماعی همان ریسک کسب و کار (مانند هزینه‌های اضافی) شرکت‌هاست که ریشه در تأثیرات اجتماعی یا مسایل اجتماعی ناشی از پروژه، مانند هزینه‌های پیش‌بینی نشده برای تعدیل آثار منفی^۴، طرح دعاوی قضایی یا جبران خسارات در آینده، اعتصابات کارگری، انجام اقدامات مورد نیاز در برابر خرابکاری‌ها، و آسیب شهرتی آن‌ها دارد. [۶]

1. Non-technical Risks
2. asocietal mentality
3. Social Risks
4. Mitigation

توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع^۱ (یا توسعه‌ی اجتماع) به توافقات حاصل از مذاکره‌ی بین مجریان پروژه و اجتماع تحت تأثیر گفته می‌شود. این توافقی‌ها معمولاً بین مجری پروژه و ذینفعان آن و گاهی نیز با دولت‌ها برقرار می‌شوند و ممکن است انگیزه‌ی شکل‌گیری و یا محتوای آن از سیاست یا مقررات دولتی تأثیر پذیرفته باشد و موضوع آن‌ها معمولاً اموری از قبیل تأثیرات باقی‌مانده^۲ محتمل، مدیریت تأثیرات، منافع تعهدشده و فرایندهای حکمرانی برای مدیریت رابطه‌ی طرفین توافق است. [۷]

معیشت پایدار^۳ به دیدگاهی در مورد اجتماعات و مردم اشاره دارد که به امکانات، منابع زندگی (دارایی‌ها و سرمایه‌ها) و استراتژی‌هایی (فعالیت‌هایی) که با آن زندگی خود را به شیوه‌ی خاصی اداره می‌کنند، اهمیت زیادی می‌دهد. معیشت به روش زندگی یک فرد یا خانواده و شیوه‌ی تامین آن و به ویژه چگونگی رفع نیازهای اساسی مانند غذا، آب، سرپناه و لباس و همچنین زندگی در کنار اجتماع اشاره دارد. شیوه‌های معیشت به یکدیگر و به محیط بیوفیزیکی وابسته هستند. پایداری یک شیوه‌ی معیشت منوط به دوام آن در برابر فشارها و تکان‌ها (یعنی تاب‌آوری و ترمیم‌پذیری^۴) و همچنین حفظ و ارتقای توانایی‌ها و دارایی‌های آن برای شرایط حال و آینده با اتکاء بر بنیان‌های طبیعی آن است. مردم برای زیستن به یک شیوه‌ی معیشت پایدار نیازمندند و در نتیجه همه‌ی مداخلات باید تأثیرات بر شیوه‌ی معیشت مردم را در نظر بگیرند. [۸]

ارزش مشترک^۵ عنوان رویکردی در تحلیل نقش شرکت‌هاست که نه فقط نیازهای اقتصادی متعارف بلکه نیازهای جامعه‌ای^۶ را نیز در تعریف بازار دخالت می‌دهد و هدف شرکت‌ها را نه فقط تولید سود برای ذینفعان، بلکه خلق ارزش‌های مشترکی می‌داند که انتفاع توامان جامعه و شرکت را در پی دارند. همچنین طبق این دیدگاه مخاطرات اجتماعی هزینه‌های زیادی برای شرکت‌ها تولید می‌کنند و در نتیجه باید به دقت مدیریت شوند. [۹]

1. Impacts & benefits agreements

2. Residual Impacts

3. Sustainable Livelihood

4. Resilient

5. Shared Value

6. Societal

اصول اکواتور یک چارچوب ارزیابی پایداری و مسئولیت اجتماعی سازمانی در صنعت مالی جهانی است. به بیان دقیق‌تر، چارچوب مدیریت ریسک مورد پذیرش و رایج در نهادهای مالی (مانند بانک‌ها) برای تعیین، ارزیابی و مدیریت مخاطرات زیست‌محیطی و اجتماعی در پروژه‌های بخش‌های مختلف صنعتی و در مناطق مختلف جهان است. این چارچوب در وهله‌ی اول ناظر بر تعیین استاندارد حداقلی برای اعمال مراقبت مقتضی در راستای حمایت از تصمیم‌گیری مسئولانه در مورد مخاطرات است. بانک‌هایی که اصول اکواتور را می‌پذیرند متعهد می‌شوند که این اصول را در مورد سیاست‌های زیست‌محیطی و اجتماعی داخلی، رویه‌ها و استانداردهای تامین مالی پروژه‌ها به کار ببندند و در صورتی که مشتری آنان از این اصول پیروی نکند یا قادر به پیروی از آن نباشد، تامین مالی پروژه و یا اعطای تسهیلات به آن را متوقف کنند. بانک‌های متعهد به اصول اکواتور منبع اصلی تامین مالی تعداد زیادی از پروژه‌های بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه هستند. (۱۰)



نشره‌مشرقی اصول کلی ارزیابی تأثیر اجتماعی

|| ارزیابی تأثیر اجتماعی نه یک محصول بلکه یک فرایند مدیریتی است
بر اساس سند اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی، اما به فرایندهای تحلیل،
پایش و مدیریت پیامدهای اجتماعی خواسته و ناخواسته، مثبت و منفی مداخلات
برنامه‌ریزی‌شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) و هر گونه تغییر اجتماعی ناشی
از این مداخلات اطلاق می‌شود. با این که اما در تحلیل آثار اجتماعی انواع مداخلات کاربرد
دارد، در این راهنما تمرکز اصلی بر کاربرد اما در سطح پروژه و احداث زیرساخت‌هایی مانند
فرودگاه‌ها، پل‌ها، گذرگاه‌ها، سدها، بزرگراه‌ها، معادن، خطوط لوله، بنادر، مسیرهای انتقال،
مزارع بادی و پروژه‌های کشاورزی تجاری و جنگلداری و ایجاد مناطق حفاظت‌شده‌ی
طبیعی است. برنامه‌ریزی و ساخت این پروژه‌ها می‌تواند سبب بروز تأثیرات اجتماعی
زیادی شود. از همان مراحل ابتدایی، نوعی سوداگری پیرامون پروژه شکل می‌گیرد که
می‌تواند بر قیمت املاک تأثیر گذاشته و به مهاجرت مردم از آن منطقه و یا برعکس هجوم
جمعیت به آن منطقه منجر شود؛ پدیده‌ای که از آن به اثر کوزه عسل^۱ یاد می‌شود.

پروژه‌ها در کنار فرصت‌ها و منافع می‌کنند ممکن است تأثیرات زیان‌باری را نیز از خود برجای بگذارند. هزینه‌ها و منافع پروژه‌ها برای اجتماعات پیرامون آن‌ها به صورت یکسان توزیع نمی‌شود و در نتیجه نمی‌توان در مورد آن‌ها به صورت مطلق و با عبارات "خوب" یا "بد" داوری کرد. تقسیم‌بندی ذیمدخلان به برندگان و بازندگان مبتنی بر برداشت ساده‌انگارانه‌ای از رابطه‌ی بین مردم و پروژه است؛ چرا که محتمل است مردم همزمان از یک پروژه هم منتفع و هم متضرر شوند. با مدیریت مطلوب تأثیرات می‌توان اطمینان حاصل کرد که منافع و فرصت‌های پروژه‌ها به شکل پایداری افزایش و صدمات و خسارات آن‌ها کاهش یابد. اثرا فرایندی است که می‌تواند در تضمین تحقق منافع و پیشگیری از بروز صدمات ناشی از یک پروژه بسیار مؤثر باشد.

اثرا فرایند مدیریت تأثیرات اجتماعی توسعه است و از طریق بهبود نتایج مداخله برای اجتماعات محلی و نیز مجری خصوصی یا دولتی پروژه، به افزایش ارزش مشترک پروژه برای همه‌ی طرف‌های درگیر کمک می‌کند. بنابراین مجریان پروژه‌ها صرف‌نظر از این که به موجب قانون ملزم به اجرای اثرا باشند یا نه، باید آن را اجرا کنند. مهم است که بین سرمایه‌گذاری در اثرا و تلاش برای شناسایی و مدیریت تأثیرات اجتماعی یک پروژه با حجم تأثیرات و مخاطرات احتمالی آن تناسب وجود داشته باشد و در این راستا دامنه‌یابی مقدماتی می‌تواند به کارشناسان اثرا در تعیین سطح و گستره‌ی فعالیت‌های اثرا متناسب با پروژه کمک شایانی کند.

گزارش اثرا به عنوان مهم‌ترین خروجی فعالیت‌ها و اقدامات صورت گرفته برای شناسایی و مدیریت تأثیرات اجتماعی باید مشتمل بر مواردی چون برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی^۱ و اسناد مدیریتی مرتبط مانند برنامه‌ی سلامت و ایمنی اجتماع، برنامه‌ی عملیاتی اسکان مجدد، برنامه‌ی جلب مشارکت ذیمدخلان و برنامه‌ی تدارک محلی^۲ باشد که در کنار هم مجموعه‌ی منسجمی از اقدامات و رویه‌ها را برای مدیریت موضوعات اجتماعی مرتبط با پروژه ارائه کنند. در یک برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی، راهبردهای پایش، گزارش‌دهی، ارزشیابی، مرور و واکنش فعالانه به

1. Social Impact Management Plan (SIMP)

2. Local procurement Plan

تغییرات پیش‌بینی نشده در هر يك از مراحل پروژه (شامل مرحله‌ی حذف پروژه) تعیین می‌شود. مدیریت انطباقی^۱ بخش مهمی از مدیریت تأثیرات اجتماعی است. امروزه تهیه‌ی برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی بیش از پیش به مطالبه و الزام دولت‌ها و سرمایه‌گذاران پروژه تبدیل شده است و معمولاً به عنوان نتیجه و محصول نهایی گزارش‌ها یا بیانیه‌های ارزیابی تأثیر قبل از اجرای پروژه‌ها تهیه شده و به صورت منظم و در فواصل زمانی معین نیز به‌هنگام‌سازی می‌شود. ایده‌آل آن است که برنامه‌های مدیریت تأثیرات اجتماعی در هماهنگی با نظام‌های مدیریت داخلی شرکت‌ها و برای استفاده‌ی آن‌ها تهیه شده و یا این که شرکت‌ها، نظام مدیریت تأثیرات اجتماعی را به عنوان بخشی از فرایندهای کلی برنامه‌ریزی خود بپذیرند. [۱۱]

II تأثیرات اجتماعی شامل هر آن چیزی است که زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد

طبق اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی، منظور از تأثیرات اجتماعی همه‌ی موضوعات مربوط به یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده (یعنی یک پروژه) است که خواه به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر مردم اثرگذار بوده یا برایشان مهم باشد. به بیان دقیق‌تر، تأثیر اجتماعی به هر آن چیزی اطلاق می‌شود که به صورت ذهنی (شناختی) یا ملموس (جسمی و فیزیکی) در سطوح مختلف؛ از یک جانب یک شخص یا واحد اقتصادی (خانواده/خانوار)، گروه اجتماعی (گروه دوستان)، واحد سازمانی (شرکت یا سازمان دولتی) یا اجتماع/جامعه، تجربه یا احساس می‌شود. در هر یک از این سطوح، تأثیر یا اقدام مولد تأثیر به شیوه‌ی متفاوتی درک و تجربه می‌شود.

اگر بپذیریم که تأثیر اجتماعی به همه‌ی امور مربوط به یک پروژه اطلاق می‌شود تقریباً هر چیزی به صورت بالقوه و بسته به میزان ارزش و اهمیت آن، می‌تواند برای گروه خاصی، تأثیر اجتماعی قلمداد شود. به عنوان مثال تأثیرات زیست‌محیطی همزمان می‌توانند تأثیرات اجتماعی نیز باشند چرا که شیوه‌ی زندگی مردم به محیط زیست وابسته است و ممکن است مردم به محل اجرای پروژه‌ها، احساس تعلق مکانی داشته باشند. به همین اعتبار تأثیر بر سلامت و

1. Adaptive management

رفاه مردم را نیز می‌توان در زمره‌ی تأثیرات اجتماعی دسته‌بندی کرد. از بین رفتن میراث فرهنگی، زیست‌گاه‌های مهم یا تنوع زیستی را نیز به دلیل آن که برای مردم مهم و ارزشمند است می‌توان جزو تأثیرات اجتماعی به شمار آورد. پس انا باید به همه‌ی موضوعاتی که به مردم و شیوه‌ی زندگی آن‌ها مربوط است، بپردازد. این بدان معنی است که فهرست‌های از پیش آماده‌ی تأثیرات بالقوه برای آغاز انا مناسب نیستند و کارشناس انا باید تأثیرات اجتماعی را با اتکاء بر آگاهی از جزییات پروژه و درک چگونگی تأثیر آن بر هر آن‌چه که برای ذیمدخلان مهم است، شناسایی کند. برای درک بهتر این موضوع در قالب شماره یک به فهرستی از مصادیق تأثیرات اجتماعی توجه کنید.

قالب شماره‌ی یک: تأثیرات اجتماعی کدامند؟

نشر همشهری

به تغییرات ناشی از یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی‌شده در مولفه‌های مهم یک اجتماع انسانی به شرح زیر، تأثیر اجتماعی اطلاق می‌شود:

- شیوه‌ی زندگی مردم - شیوه‌ی زندگی، کار، تفریح و تعامل آنان با یکدیگر در جریان زندگی روزمره؛
- فرهنگ - باورها، آداب، ارزش‌ها و زبان یا گویش مشترک؛
- اجتماع - انسجام، ثبات، خصلت جمعی، خدمات و امکانات؛
- نظام‌های سیاسی - میزان توانایی مردم برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر زندگی‌شان، سطح دموکراسی و منابع تخصیص‌یافته به آن؛
- محیط زیست - کیفیت هوا و آب مورد استفاده مردم، سطح دسترسی و کیفیت غذای مورد استفاده، سطح مخاطره و ریسک، گرد و غبار و سر و صدایی که در معرض آن قرار دارند، پوشش سیستم فاضلاب، میزان ایمنی جسمی آنان، و دسترسی و کنترل‌شان بر منابع؛
- سلامت و رفاه - سلامت برآیند به‌روزی کامل جسمی، روانی، اجتماعی و روحی افراد بوده و به معنی فقدان بیماری یا ناتوانی نیست؛
- حقوق شخصی و مالکانه - به‌ویژه اگر مردم به لحاظ اقتصادی تحت تأثیر اجرای یک پروژه قرار گیرند و یا دچار محرومیت‌های فردی شوند که ناقض آزادی‌های مدنی آنان نیز باشد؛
- بیمه‌ها و آرزوها - پنداشت مردم از ایمنی‌شان، بیمه‌هایشان در مورد آینده‌ی اجتماع و آرزوهایشان برای آینده‌ی خود و فرزندان‌شان.

Source: Vanclay, F. 2003 International Principles for Social Impact Assessment. Impact Assessment & Project Appraisal 21(1), 5-11. <http://dx.doi.org/10.3152/147154603781766491>

از حیث مفهومی بین فرایند تغییر اجتماعی و تأثیر اجتماعی تفاوت وجود دارد. همه‌ی فرایندهای مولد تغییر در یک اجتماع لزوماً به تأثیرات اجتماعی نمی‌انجامند. برای مثال، افزایش محدود جمعیت لزوماً یک تأثیر اجتماعی منفی محسوب نمی‌شود.

و در موارد زیادی می‌تواند فرصتی برای رشد اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی باشد. در مقابل، اما افزایش گسترده، سریع و برنامه‌ریزی‌نشده‌ی جمعیت ناشی از ورود نیروی کار پروژه، می‌تواند تأثیرات اجتماعی زیادی بر جای بگذارد و این وظیفه‌اتاست که اطمینان دهد که تدارک و پیش‌بینی لازم برای کاهش تأثیرات منفی و افزایش منافع بالقوه‌ی آن صورت گرفته است.

گاهی اتا به عنوان نسخه‌ی اجتماعی ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی معرفی و توصیف می‌شود، اما باید به این نکته توجه کرد که تفاوت‌هایی بین ارزیابی تأثیر اجتماعی و ارزیابی تأثیر زیست‌محیطی وجود دارد. به عنوان مثال، تأثیرات زیست‌محیطی تنها با شروع عملیات فیزیکی پروژه آغاز می‌شوند، اما تأثیرات اجتماعی حتی پیش از شروع پروژه نیز ممکن است شکل بگیرند. شایعه‌های مرتبط با پروژه از جمله‌ی سازوکارهای بروز تأثیرات اجتماعی پیش از آغاز پروژه هستند. به عنوان مثال در مواردی چون احداث کارخانه‌ای که توجه اجتماعی ندارد یا تغییر کاربری زمین بدون موافقت محلی، شایعه‌ها، صرف نظر از این که پایه و اساسی داشته باشند و یا این که در عمل پروژه دارای چه آثاری باشد، می‌توانند بیم‌ها و نگرانی‌هایی را در بین مردم منتشر و تشدید کنند. چنین بیم و نگرانی‌هایی درست مانند تأثیرات اجتماعی واقعی عمل می‌کنند و در نتیجه نباید مورد غفلت قرار گیرند و لازم است به شکل مؤثری مدیریت شوند. گستره و اثربخشی دخالت اجتماع در مدیریت پروژه، سهم مهمی در میزان بیم و نگرانی تولید شده ناشی از اجرای پروژه دارد. وسعت تأثیرات اجتماعی تا اندازه‌ی زیادی تابع عوامل زمینه‌ای مانند میزان اثربخشی سازوکار استفاده‌شده برای دخالت دادن اجتماع در پروژه و میزان توجه به نظرات ذی‌مدخلان و انعکاس آن در گزارش‌های مختلف و اقدامات ناظر بر تعدیل تأثیرات منفی است.

پروژه‌هایی که خواه از طریق وعده‌های تحقق‌ناپذیر مدیران پروژه و یا مدیریت ضعیف انتظارات موجود و زمینه‌سازی برای رشد شایعات، انتظارات نادرستی را در یک اجتماع ایجاد می‌کنند نیز موجب بروز تأثیرات اجتماعی می‌شوند. به عنوان مثال، بسیار مهم است که مجریان پروژه در مورد تعداد و نوع مشاغل حاصل از پروژه برای مردم محلی، واقع بین باشند. اجتماعات تحت تأثیر اگر به منافع

پیش‌بینی‌شده‌ی پروژه دست‌نیابند ممکن است احساس کنند مورد بهره‌کشی قرار گرفته‌اند. این موضوع به سلب اعتماد از مجری پروژه و از دست دادن مجوز اجتماعی عملیات آن منجر می‌شود.

همان‌گونه که در ادامه‌ی همین سند خواهد آمد (فعالیت ۱۰)، تأثیرات اجتماعی به ندرت محصول روابط علت و معلولی منفرد و یا یک علت یا عامل خاص بوده و معمولاً محصول الگوهای پیچیده‌ای از روابط بین‌بخشی هستند. اموری چون سلامت، رفاه و تبعات اجتماعی همواره چندعاملی هستند. برای مثال تغییرات در محیط فیزیکی زندگی ساکنین می‌تواند محیط ارگانیزم‌های بیماری‌زا را تغییر داده و تغییر در ترتیبات زندگی و سبک زندگی مردم از طریق تغییر الگوهای انتشار ارگانیزم‌های ناقل^۱ (مانند پشه‌ها) می‌تواند منجر به افزایش بیماری و حتی مرگ و میر شود. الگوهای فعالیت (به‌ویژه شیفت‌های کاری گردشی و یا فهرست‌های طولانی وظایف) می‌توانند نه تنها بر سلامت کارگران بلکه بر سلامتی همسر و فرزندان آن‌ها نیز تأثیرگذار باشند. اختلالات خواب، افسردگی، سوء مصرف الکل یا مواد مخدر و خشونت خانوادگی، هر یک به نوعی با کار شیفتی ارتباط دارند.

موضوع مهم دیگر این که پروژه‌ها نوعاً موجب افزایش تورم محلی می‌شوند که این خود به ایجاد گسست و فاصله بین افراد شاغل در پروژه و سایرین می‌انجامد. در حالی که کارگران شاغل در پروژه دستمزد دریافت کرده و در نتیجه از عهده‌ی تورم ایجاد شده بر می‌آیند (و در آن نقش دارند) سایر افراد و گروه‌ها بدون آن که افزایشی در درآمدشان به وجود آمده باشد، هزینه‌های بیشتری را متحمل می‌شوند. این‌گونه است که همواره پروژه‌ها، نابرابری را در اجتماع افزایش می‌دهند و همین امر دلیلی بر اهمیت و ضرورت کمک پروژه‌ها به برنامه‌های محلی سرمایه‌گذاری اجتماعی است. تامین نیروی کار پروژه از اجتماعات ساکن در مناطقی که رشد شتابانی دارند سبب کاهش کارگران فعال در مشاغل خدماتی با درآمد پایین می‌شود. هجوم کارکنان سایر بخش‌ها و همچنین سازمان‌های دولتی برای کار در پروژه نیز مساله‌ای است که به افزایش تعداد کارکنان پروژه، بدون آن که ظرفیت کافی موجود باشد، منتهی می‌شود. [۱۲]

II مدیریت و ارزیابی تأثیر اجتماعی و عملکرد اجتماعی^۱

اتا در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ و در بدو امر ذیل ارزیابی تأثیر زیست محیطی و بیشتر به عنوان یک تکلیف قانونی رشد کرد. به مرور زمان، روش اجرای اتا دچار تغییراتی شد و بارشد علاقه‌مندی به آن و تشکیل اجتماع حرفه‌ای کارشناسان اتا، گفتمانی پیرامون ارزیابی تأثیر اجتماعی شکل گرفت. به مانند سایر حوزه‌های فعالیت حرفه‌ای، در درون این گفتمان نیز برداشت از موضوع و عنوان اتا دستخوش تغییر شده است. در رویکردهای متاخر توجه به تأثیرات اجتماعی مستلزم مدیریت فعالانه‌ی موضوعات اجتماعی از ابتدای پروژه و قبل از صدور مجوز قانونی آن است. به علاوه آشکار شده است که اجتماعات تحت تأثیر پروژه‌ها نمی‌خواهند صرفاً تماشاگر تأثیرات پروژه‌ها باشند بلکه شرکت فعالانه و همکارانه در پروژه و برخورداری از منافع پروژه‌های بخش خصوصی از مطالبات جدی آنهاست. دیگر کسی تردید ندارد که سازمان‌های دولتی امروزه تنها مرجع تنظیم مقررات و پایش اقدامات توسعه‌ای نیستند بلکه سازمان‌های غیردولتی محلی و جهانی (به ویژه سازمان‌های غیردولتی نظارتی)، انجمن‌های بین‌المللی صنایع، صنایع امور مالی و بیمه‌ای و خود اجتماعات تحت تأثیر پروژه‌ها نیز واجد نقش موثری هستند. در موضوع تنظیم استانداردها و مقررات، علاوه بر نهادهای مقررات‌گذار ملی، انجمن‌های بین‌المللی صنایع (مانند شورای بین‌المللی معادن و فلزات^۲، انجمن بین‌المللی حفاظت از محیط زیست صنعت نفت^۳، انجمن بین‌المللی برق‌آبی^۴) و نهادهای مالی (مؤسسه مالی بین‌المللی، بانک‌های پیرو اصول اکواتور) نیز نقش ایفای می‌کنند. پروژه‌هایی که این استانداردهای بین‌المللی را رعایت نمی‌کنند ممکن است در جلب حمایت‌های مالی و بیمه‌ای با دشواری روبرو شده و با کنش‌های اعتراضی، چالش‌های حقوقی و یا فشارهای دیگری از سوی فعالان مواجه شوند. این‌ها همه بدان معنی است که پروژه‌ها مجبورند نه فقط از سازمان‌های تصمیم‌گیرنده‌ی دولتی بلکه از ذیم‌خلان متعددی که لزوماً منافع همگرا و مکملی نیز ندارند مجوز اجتماعی عملیات خود را دریافت کرده و آن را حفظ کنند.

1. Social Performance

2. International Council on Mining and Metals (ICMM)

3. International Petroleum Industry Environmental Conservation Association (IPIECA)

4. International Hydropower Association

در نتیجه‌ی چنین تغییری در گفتمان و اجرای اِتا، امروزه دیگر اِتا صرفاً به معنی تعیین مجموعه‌ای از تأثیرات اجتماعی و اِرائی سندی برای اخذ تاییدیه‌های قانونی نیست و در برداشتی موسع‌تر ناظر بر تنوعی از وظایف است که در متن تعامل بین مجری پروژه، پروژه و اجتماعات محلی تحت تأثیر آن، اجرا می‌شوند. در ادبیات سازمانی، برای اشاره به این نوع فعالیت‌ها و متمایز کردن آن‌ها از اقدامات مورد نیاز برای کسب تاییدیه‌های قانونی، از اصطلاح عملکرد اجتماعی استفاده می‌شود.

مدیریت موضوعات اجتماعی پروژه‌ها و در نتیجه گستره‌ی کامل کار کارشناسان اِتا به صورت بالقوه مشتمل بر فعالیت‌های زیر است؛ اما باید توجه داشت که همه‌ی این فعالیت‌ها به صورت هم‌زمان انجام نمی‌شوند و آنچه یک کارشناس اِتا باید در ارتباط با یک پروژه خاص انجام دهد به زمینه و شرایطی که پروژه در آن اجرا می‌شود، بستگی دارد.

■ انجام ارزیابی پیش از وقوع آثار اجتماعی احتمالی؛

■ ارتباط با تیم ارزیابی زیست‌محیطی (و هر تیم ارزیابی دیگری) برای اطمینان از این که ابعاد اجتماعی آثار زیست‌محیطی و تنوع زیستی و همچنین ابعاد زیست‌محیطی تغییرات اجتماعی در برنامه‌های ارزیابی و مدیریت تأثیرات پروژه مورد توجه قرار گرفته است؛

■ تهیه نمایه‌ی اجتماع تحت تأثیر (به بیان دیگر توصیف زمینه‌ی اجتماع محلی)؛
 ■ تعیین وضعیت پایه‌ی اجتماعی^۱ برای تصمیم‌گیری و مستندسازی تغییرات اجتماعی (گردآوری داده‌های مربوط به متغیرهای اجتماعی کلیدی به منظور مستندسازی وضعیت پیش از بروز تأثیرات پروژه)؛

■ تعیین و اعمال تغییرات مورد نیاز در پروژه و سایر اقدامات مورد نیاز دیگر برای کاهش تأثیرات اجتماعی؛

■ طراحی برنامه‌ی اسکان مجدد و یا جبران خسارت وارده بر افرادی که به ناگزیر جابجایی اقتصادی را تجربه خواهند کرد؛

■ تهیه‌ی چارچوب سیاست اسکان مجدد، برنامه‌ی اقدام اسکان مجدد، برنامه‌ی احیاء و بهبود معیشت اجتماع تحت تأثیر و برنامه‌ی بهسازی و اطمینان از این که این

- موارد در برنامه‌های توسعه‌ی پروژه و برنامه‌ی زمانی اجرای آن گنجانده شده‌اند؛
- انجام مراقبت مقتضی حقوق بشری و ارزیابی تأثیرات حقوق بشری در صورت لزوم با حضور متخصصان حقوق بشر؛
 - شناسایی راهکارهای افزایش منافع پروژه؛
 - شناسایی ذی‌مدخلان و ترسیم نقشه‌ی منافع، روابط و تأثیرات بالقوه‌ی متقابل بین پروژه و ذی‌مدخلان؛
 - تسهیل فرایندهای دخالت همه‌ی گروه‌های اجتماع مطابق اصول رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه؛
 - کمک به انطباق فرایندهای پروژه با الزامات رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه، در صورتی که اجتماعات بومی تحت تأثیر پروژه قرار می‌گیرند؛
 - کمک به اجتماعات تحت تأثیر برای شناخت و کسب آگاهی از تأثیرات اجتماعی یک پروژه‌ی خاص؛
 - ارتقای هماهنگی‌های مربوط به تدارک محلی پروژه^۱ و استفاده از سهم محلی^۲؛
 - پایش امور و موضوعات اجتماعی؛
 - طراحی و اجرای اقدامات سرمایه‌گذاری اجتماعی؛
 - تعبیه سازوکارهای مناسب برای جبران خسارت؛
 - طراحی و عملیاتی کردن سازوکارهای اعتراض و شکایت؛
 - به بحث گذاردن توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع پروژه؛
 - تهیه‌ی برنامه‌های مدیریت تأثیرات اجتماعی؛
 - انجام مستندسازی مورد نیاز مراجع قانونی؛
 - شناسایی موضوعات و الزاماتی که به منظور مدیریت تأثیرات اجتماعی باید در قراردادها و پروژه با پیمانکاران منظور شود؛
 - تهیه‌ی اسناد پیروی از استانداردهای اجرای پروژه برای نهادهای مالی (بانک جهانی، مؤسسه مالی بین‌المللی، سایر بانک‌های توسعه چندملیتی یا بانک‌های پیرو اصول اکواتور)؛

1. Local Procurement

2. Local Content

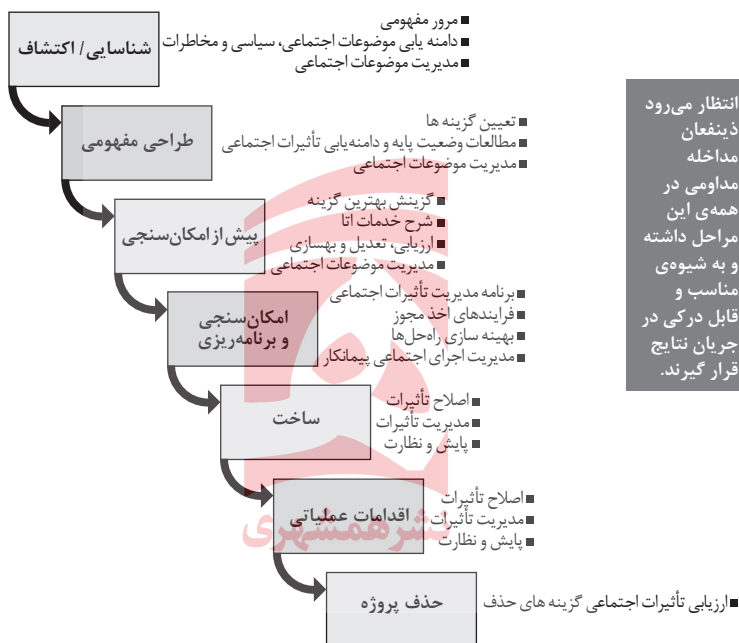
- ارزیابی یا نظارت بر عملکرد اجتماعی برای ارائه به اجتماع، سازمان‌های غیردولتی یا نهادهای مالی؛
- کمک به برنامه‌ریزی مرحله‌ی خاتمه‌ی پروژه.^۱

بدین ترتیب اِتا (یا حداقل عملکرد اجتماعی)، به معنی مدیریت موضوعات اجتماعی، مجموعه‌ی وسیعی از فعالیت‌ها را پوشش داده، به کل چرخه‌ی حیات یک پروژه ارتباط داشته و افراد زیادی درگیر آن می‌شوند. به همین دلیل احساس مسئولیت در قبال مدیریت موضوعات اجتماعی باید به بخش اصلی فرهنگ شرکتی^۲ و فرهنگ محیط کار^۳ پروژه‌ها تبدیل شده و درست به مانند مقوله‌ی ایمنی، همه در قبال آن مسئول باشند. با این همه، وجود فردی که مسئولیت عملکرد اجتماعی پروژه برعهده‌ی او باشد نیز ضروری است. معمولاً بخش اعظم وظایف مربوط به عملکرد اجتماعی پروژه‌ها به مشاورانی خارج از شرکت مانند کارشناسان اِتا سپرده می‌شود. البته هیچ قرارداد مشاوره‌ای را نمی‌توان یافت که همه‌ی این وظایف را پوشش دهد و آنچه در این سند آمده است اصول کلی مواجهه با موضوعات اجتماعی در سراسر چرخه‌ی عمر یک پروژه است. به همین دلیل موضوعیت و ارتباط بخش‌های مختلف آن برای گروه‌های مختلف دخیل در اجرای پروژه‌ها متفاوت است. [۱۳]

II ارزیابی تأثیر اجتماعی به همه‌ی مراحل اجرای پروژه ارتباط دارد

اتا، فرایند مدیریت موضوعات اجتماعی در مراحل مختلف چرخه‌ی عمر یک پروژه است. شکل شماره‌ی یک، چرخه‌ی عمر یک پروژه را به تصویر کشیده و نقش بالقوه‌ی اِتا را در هر مرحله بیان می‌کند. نکته‌ی جالب توجه آن است که اِتا در هر مرحله‌ای از اجرای پروژه، نقش و مأموریتی دارد. با این که اغلب چرخه‌ی پروژه به صورت خطی نشان داده می‌شود اما در عمل یک پروژه هرگز به صورت خطی اجرا نمی‌شود. پروژه‌ها مرحله به مرحله پیش نمی‌روند و ممکن است در مرحله‌ی معینی متوقف شده و یا به مراحل قبل بازگردند.

1. Closure Planning
2. Corporate Culture
3. Workplace Culture



شکل شماره ی یک: اتاد ر همه ی مراحل چرخه ی عمر یک پروژه قابل اجراست

کارفرما، بهره بردار و مجری ارزیابی تأثیر اجتماعی کیست؟

ذیمدخلان یک پروژه ممکن است با اهداف مختلفی اقدام به اجرای انا کنند. به طور معمول مجریان پروژه ها توسط نهادهای نظارتی موظف می شوند که از طریق عقد قرارداد با شرکت های مشاور خصوصی، گزارش ارزیابی تأثیر اجتماعی یا زیست محیطی تهیه و ارائه کنند. در این صورت گزارش باید طبق اصول و معیارهای تعیین شده توسط نهاد ناظر تهیه شده و در مواردی نیز به طور رسمی در فرایند ارزیابی و داوری قرار می گیرد. معمولاً فرصتی نیز برای بررسی بازخورد عمومی تعیین می شود که طی آن مشاور باید به نقطه نظرات شهروندان پاسخ دهد. اگر گزارش از استانداردهای لازم برخوردار نباشد، ممکن است سازمان های غیردولتی علیه پروژه وارد اقدام قانونی و قضایی شوند. البته این مدل اعمال

نظارت چندان مؤثر نبوده است؛ چرا که ذیمدخلان پروژه اغلب از آن ناراضی بوده و مجریان پروژه نیز آن را جدی نمی گیرند. به علاوه گزارش هنگامی آماده می شود که دیگر فرصت تأثیرگذاری بر فرایند برنامه ریزی پروژه از دست رفته است و دستگاه های نظارتی الزامی به پایش میزان پایبندی مجریان به تکالیف و استانداردهای تعیین شده ندارند. هنگامی اِتا می تواند در طراحی پروژه تأثیر بگذارد و نتایج و منافع برای اجتماع تحت تأثیر در برداشته باشد که به بخشی کلیدی از فرایندهای برنامه ریزی و مدیریت ریسک کارفرما تبدیل شود. با این که بیشتر مشاوران مجری مطالعات اِتا از منافع اجتماعات تحت تأثیر دفاع می کنند، هنوز عدم تعادل آشکاری بین قدرت کارفرمایان و اجتماعات تحت تأثیر پروژه ها وجود دارد. یکی از مدل هایی که در شرایط اعتماد پایین بین کارفرما و اجتماع تحت تأثیر قابلیت کاربرد دارد این است که کارفرما منابع مالی مورد نیاز را در اختیار اجتماع تحت تأثیر قرار دهد تا ارزیابی تأثیرات پروژه از طریق مشاوران مورد اعتماد آن اجرا شود. این نوع اِتا که می توان آن را اجتماع-محور نام نهاد در آگاه سازی اجتماع نسبت به عواقب مداخله ی برنامه ریزی شده بسیار موفق تر است و فرایند بحث و مذاکرات در آن با اصل جلب رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه اجتماع تحت تأثیر بیشتر انطباق دارد.

II مراحل و وظایف ارزیابی تأثیر اجتماعی

مجموعه فعالیت های فرایند اجرای اِتا را می توان به شیوه های مختلف به تصویر کشید. برخی اِتا را چیزی شبیه ارزیابی تأثیرات زیست محیطی معرفی می کنند. برخی دیگر با برجسته کردن ماهیت رفت و برگشتی فرایند اِتا و تلقی آن به مثابه فرایندی از بهبود مداوم، اِتا را نسخه ی اجتماعی یک نظام مدیریت زیست محیطی معرفی می کنند. ما در این سند اِتا را متشکل از چهار مرحله ی تا اندازه ای متوالی و هم چنین متداخل در نظر خواهیم گرفت (شکل دو). خاصیت گردآوری و تحلیل مداوم داده ها، اِتا را به یک فرایند یادگیرنده تبدیل می کند که در نتیجه ی آن پیش فرض های اولیه و شناخت های مقدماتی در پرتو اطلاعات جدید مورد بازنگری قرار می گیرند. بنابراین لازم است یک فرایند رفت و برگشتی اعتباریابی و

به هنگام سازی داده‌ها، متکی بر یک جریان مداوم مشاوره با مجریان پروژه و سایر ذی‌مدخلان، به ویژه اجتماعات تحت تأثیر، وجود داشته باشد.



شکل شماره‌ی دو: مراحل ارزیابی تأثیر اجتماعی

در یک نمونه‌ی مطلوب اجرای اتا همه‌ی فعالیت‌ها و وظایف مورد اشاره در قالب شماره‌ی دو انجام می‌شوند. با این که توجه به نظم و ترتیب زمانی این وظایف اهمیت دارد باید به یاد داشت که نتایج هر مرحله در کیفیت اجرای مرحله‌ی بعد تأثیرگذار است و به موازات تراکم اطلاعات در جریان اجرای اتا، تصمیم‌های اتخاذ شده در مورد دامنه، حوزه نفوذ و ذی‌مدخلان باید مورد بازنگری قرار گیرد. به این اعتبار، اتا یک فرایند رفت و برگشتی است. لیست وظایف و فعالیت‌های تشکیل دهنده‌ی فرایند اتا در صفحه بعد ارائه شده و در ادامه این سند به تفصیل بیشتری در مورد آن‌ها بحث خواهیم کرد.

قاب شماره ۵۶: فعالیتی که ارزیابی تأثیر اجتماعی را تشکیل می‌دهند

مرحله ۱: فهم موضوعات

۱. سعی کنید به شناخت مطلوبی از پروژه و پیشنهادی دست یافته و مشخص کنید اجرای پروژه مستلزم کدام فعالیت‌های فرعی است؟
۲. مسئولیت‌ها و نقش‌های افراد دخیل در اجرای اِتا و همچنین ارتباط اِتا با سایر مطالعات تخصصی در دست اجرا را روشن کرده و مشخص کنید که در اجرای مطالعه، کدام قوانین ملی و یا استانداردها و راهنماهای بین‌المللی باید مورد ملاحظه قرار گیرند.
۳. حوزه‌ی اولیه نفوذ اجتماعی پروژه، اجتماعات تحت تأثیر و ذینفعان احتمالی (دور و نزدیک) و ذیمدخلان را شناسایی کنید.
۴. تلاش کنید که به شناخت خوبی از اجتماعاتی که محتمل است تحت تأثیر پروژه قرار گیرند، دست یابید. این کار را از طریق تهیه‌ی گزارش نمایه‌ی اجتماعی متشکل از این بخش‌ها انجام دهید: (الف) تحلیل فراگیر ذیمدخلان؛ (ب) بررسی زمینه سیاسی- اجتماعی؛ (ج) ارزیابی نیازها، علائق، ارزش‌ها و آرمان‌های زیرگروه‌های متنوع اجتماعات تحت تأثیر به همراه تحلیل جنسیتی؛ (د) ارزیابی سابقه‌ی تأثیر، یعنی تجربه‌ی آن‌ها در ارتباط با پروژه‌های پیشین و سایر وقایع تاریخی؛ (ه) بررسی روندهای جاری اجتماعات؛ (و) بررسی دارایی‌ها، نقاط قوت و ضعف اجتماعات؛ و (ز) در صورت نیاز، نتایج نظرسنجی. به مجموع این فعالیت‌ها تهیه‌ی نمایه اجتماع اطلاق می‌شود.
۵. به اعضای اجتماع تحت تأثیر در ارتباط با مواردی چون (الف) ویژگی‌های پروژه؛ (ب) پروژه‌های مشابه اجراشده در مناطق دیگر برای داشتن برداشتی از تأثیرات احتمالی پروژه؛ (ج) شیوه‌ی جلب مشارکت آن‌ها در اِتا؛ (د) حقوق رویه‌ای آن‌ها طبق چارچوب‌های قانونی و عملکرد اجتماعی پروژه؛ و (ه) دسترسی آنان به سازوکارهای شکایت و بازخورد اطلاع‌رسانی کنید.
۶. با تدارک فرایندهای مشارکتی فراگیر و فضاهای داوطلبانه به اعضای اجتماع کمک کنید: (الف) به برداشتی در مورد این که چگونه تأثیرات پروژه را تجربه خواهند کرد، دست یابند؛ (ب) امکان پذیرش تأثیرات احتمالی و منافع پیشنهادی پروژه را تعیین کنید؛ (ج) تصمیمات آگاهانه‌ای در مورد پروژه اتخاذ کنند؛ (د) به چشم‌انداز اجتماع درباره شرایط مطلوب در آینده بیاندیشند؛ (ه) در طراحی برنامه‌های کاهش و پایش تأثیرات اجتماعی نقش داشته باشند؛ و (و) برای تغییرات آماده شوند.
۷. موضوعات اجتماعی و حقوق بشری را که پتانسیل آن را دارند که موجب نگرانی شوند، شناسایی کنید (دامنه‌یابی)
۸. داده‌های وضعیت پایه را در مورد موضوعات اجتماعی گردآوری کنید.

مرحله ۲: پیش‌بینی، تحلیل و ارزیابی خط‌سیرهای تأثیرات احتمالی

۹. تغییرات و تأثیرات احتمالی ناشی از پروژه و جایگزین‌های آن را تجزیه و تحلیل کنید.
۱۰. تأثیرات غیرمستقیم (ثانویه یا مرتبه چندم) را به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.
۱۱. بروز اثرات تجمعی ناشی از پروژه را در اجتماعات میزبان مورد بررسی قرار دهید.
۱۲. واکنش احتمالی گروه‌های اجتماعی مختلف تحت تأثیر پروژه را تعیین کنید.
۱۳. اهمیت تغییرات پیش‌بینی‌شده را تعیین و آن‌ها را اولویت‌بندی کنید.
۱۴. به طور فعالانه در طراحی و ارزیابی جایگزین‌های پروژه شامل عدم اجرا یا سایر گزینه‌ها مشارکت کنید.

مرحله ۳: توسعه و اجرای راهبردها

۱۵. شیوه‌های مواجهه با تأثیرات منفی بالقوه را (بر اساس درجه‌بندی اثر کاهشی آن‌ها) شناسایی کنید
۱۶. روش‌هایی را برای تقویت مزایا و فرصت‌های مرتبط با پروژه طراحی و اجرا کنید
۱۷. با راهبردهایی به اجتماعات کمک کنید که با تغییر کنار بیایند.
۱۸. سازوکارهای مناسبی را برای دریافت بازخوردها و شکایات طراحی و اجرا کنید.
۱۹. فرایند حصول توافق بین اجتماعات و مجریان اقدام توسعه‌ای را با هدف دستیابی به پیش‌نویس توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع تسهیل کنید.
۲۰. به حامیان پروژه در تسهیل دخالت ذیمدخلان و تهیه‌ی پیش‌نویس برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی که مزایای پروژه، اقدامات معطوف به کاهش آثار آن و ترتیبات نظارتی و حکمرانی مندرج در توافق‌نامه تأثیرات و مزایا را عملیاتی می‌کند، و به علاوه برنامه‌های مواجهه با امور پیش‌بینی‌نشده، کمک کنید.
۲۱. فرایندهایی را طراحی کنید تا مجریان، مقامات دولتی و ذیمدخلان جامعه مدنی بتوانند ترتیبات تعیین‌شده در برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه و توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع را اجرا و اقدامات اجرایی متناسب را در سازمان متبوعشان طراحی کرده و جا بیاندازند. همچنین بتوانند نقش‌ها و مسئولیت‌های عوامل را در اجرای اقدامات اجرایی تعیین کرده و در اجرای برنامه‌ی پایش نقش ایفا کنند.
۲۲. به مجری پروژه کمک کنید تا برنامه‌های عملکرد اجتماعی مستمری را برای نظارت بر اجرای تعهدات تعیین‌شده برای پیمانکار در برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه طراحی و پیاده کند.

مرحله ۴: طراحی و اجرای برنامه‌ی پایش

۲۳. نشانگرهایی را جهت پایش تغییرات در طول زمان توسعه دهید.
۲۴. یک برنامه پایش مشارکتی تدوین کنید.
۲۵. چگونگی اجرای یک مدیریت انطباقی و یک نظام مدیریت اجتماعی را در نظر بگیرید.
۲۶. ارزشیابی و بررسی (بازرسی) دوره‌ای را انجام دهید.

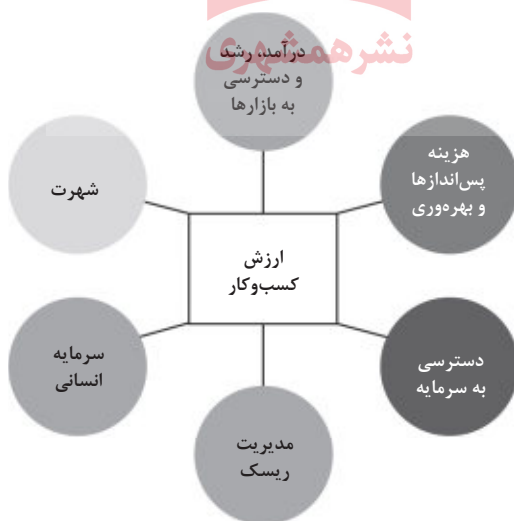
II ارزیابی تأثیر اجتماعی، هم یک کسب و کار خوب و هم خوب برای کسب و کارها است

به طور کلی اِتا به دنبال آن است که تضمین کند مداخلات توسعه‌ای نتایج مطلوب‌تری برای مردم و اجتماعات دربردارند اما این هدف زمانی به بهترین وجه حاصل می‌شود که شرکت‌ها و سایر کنشگران به این باور برسند که پذیرش و اجرای اِتا برای آن‌ها سودمند است. بنابراین، دستیابی به اهداف اِتا مانند کاهش آسیب‌ها و افزایش مزایای اقدامات توسعه‌ای برای اجتماعات تحت تأثیر صرف نظر از این که اجرای آن به لحاظ قانونی الزام‌آور باشد یا نباشد، مستلزم آن است که اِتا در فرایندها و جدول زمانی فعالیت‌های شرکت‌ها گنجانده شده و بر آن‌ها تأثیر بگذارد و شرکت‌ها هنگامی به اجرای صحیح اِتا متعهد شده و راهکارهای پیشنهادی برای تعدیل و بهسازی را با اطمینان اجرا خواهند کرد که به ارزش آن پی ببرند.

با این که در مواردی اِتا به موجب الزامات قانونی اجرا می‌شود، اجتماعات تحت تأثیر بیشتر بر اساس یک استدلال اخلاقی یا هنجاری است که از شرکت‌ها انتظار دارند ارزیابی درستی از تأثیرات اجتماعی اقدامات خود داشته باشند و در نتیجه اجرای اِتا به بخشی از الزامات مسئولیت اجتماعی این شرکت‌ها تبدیل می‌شود. البته توجیه نوع دوستانه‌ای که در پس این استدلال قرار دارد الزاماً آن دسته از شرکت‌هایی را که معتقدند وظیفه‌شان افزایش سود سهامداران خود در چارچوب قانون است، متقاعد نمی‌کند. به همین ترتیب، این استدلال منفعت‌طلبانه که شرکت‌ها برای کسب مجوز اجتماعی عملیات خود به انجام اِتا نیاز دارند برای قانع کردن مدیران این شرکت‌ها کافی نیست، چرا که در این صورت اِتا صرفاً هزینه یا قیمت اخذ و تایید چنین مجوزی قلمداد می‌شود. روشن است که شرکت‌ها همواره درصدد کاهش هزینه‌ها بوده و از طرف دیگر بین هزینه‌ی اجرای اِتا و سود آن در قالب تایید اجتماعی هیچ رابطه‌ی مستقیم، پایدار و شناخته‌شده‌ای وجود ندارد. در مقابل، ما معتقدیم که انجام درست اِتا نه تنها هزینه محسوب نمی‌شود، بلکه حتی نوعی سرمایه‌گذاری در مدیریت ریسک است. اِتا با شناسایی مسائل بالقوه، هزینه‌های آتی احتمالی شرکت‌ها را کاهش داده و از رهگذر کاهش احتمال طرح دعاوی حقوقی، به تعویق افتادن کسب مجوزها، کاهش هزینه‌های مدیریت اعتراضات و خشونت علیه کارکنان و دارایی‌ها و کاهش

ضرر شرکت‌ها به خاطر خدشه‌دار شدن نام و شهرت‌شان، موجب کاهش ریسک‌های آتی می‌شود. کاهش ریسک نیز منجر به کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای و افزایش منافع سهامداران می‌شود.

اما این توان و پتانسیل را دارد که دانش محلی را شناسایی کند و این دانش محلی می‌تواند راهنمای تصمیم‌گیری در خصوص مکان‌یابی پروژه باشد و هزینه‌ی شرکت‌ها را در جایی که ریشه در تصمیمات ضعیف مرتبط با مکان‌یابی پروژه دارد کاهش دهد. گرچه از پیمایش‌های فنی و مدل‌های پیش‌بینی می‌توان اطلاعات بسیاری کسب کرد، اما این اطلاعات نمی‌توانند جای تجارب زیسته‌ی افراد محلی را بگیرند. برخورداری از حمایت مثبت اجتماعات محلی می‌تواند کمک زیادی به پیشرفت پروژه‌ها بکند.



شکل شماره ۵: سه معرف‌ی شماتیک عوامل ایجاد ارزش کسب و کار که آتا تأثیر مثبتی بر آن‌ها دارد

اما می‌تواند به ایجاد اشتغال محلی و خدمات محور کمک کند. دسترسی به کارکنان با صلاحیت و تامین‌کنندگان خدمات مستقر در مجاورت پروژه‌ها، هزینه‌های حمل و نقل، تدارکات و انبارداری را کاهش داده و ناکارآمدی زنجیره تامین را جبران می‌کند. حمایت از توسعه‌ی اجتماعات پر رونق و سالم که مکان جذابی برای زندگی

و کار هستند، امکان جذب و حفظ کارکنان با کیفیت کار بالا و توانمند را افزایش می‌دهد. به علاوه، اگر اجتماعات و دولت‌ها باور داشته باشند که شرکت‌ها کمک شایانی به رفع مسایل اجتماعات می‌کنند، تقاضا برای افزایش سرمایه‌گذاری اجتماعی و دریافت مالیات بیشتر از این بخش احتمالاً کاهش می‌یابد. بنابراین، دلایل متعددی وجود دارد که چرا انجام اتا تا این اندازه برای کسب و کارها یک مزیت تلقی می‌شود. اتا باعث تولید ارزش در تمامی عوامل و محرک‌های ارزش کسب و کار می‌شود (ر.ک به شکل سه). (۱۴)



شکل شماره ۱: چهار سرمایه‌های اجتماع

Source: Cornelia Butler, North Central Regional Center for Rural Development
(used with permission)

اهداف همه‌ی پروژه‌ها باید توسعه‌ی پایدار اجتماعی باشد

شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی خارجی، علاوه بر مجوز قانونی فعالیت در یک کشور خاص، به مجوز اجتماعی عملیات پروژه و حفظ آن نیز نیازمندند و بدین منظور باید فراتر از عمل به تعهدات مالیاتی و اعطای امتیازات رایج قانونی، نقش مثبت و موثری در کشور مربوطه و از آن مهم‌تر در اجتماعات محلی میزبان پروژه داشته باشند. حق این شرکت‌ها برای دسترسی به فرصت‌های سودآور در ازای فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی فراهم می‌شود که برای توسعه‌ی اجتماعی

کشور میزبان و اجتماعات محلی فراهم می کنند. در مقابل، این کار سبب می شود که این شرکت ها، قابل اعتماد و به لحاظ اجتماعی مسئولیت پذیر و فرصت ساز شناخته شده و به منافع ناشی از شهرت خوب و دسترسی به بازارها در نقاط دیگر دست پیدا کنند.

اخذ یک مجوز اجتماعی معتبر برای اجرای عملیات پروژه در یک اجتماع و حفظ آن مستلزم آن است که هدف پروژه کمک به توسعه ای اجتماعی باشد. توسعه ای اجتماعی چیزی بیش از ایجاد اشتغال و تامین بودجه ای احداث مدارس یا استخر شنای جدید است. توسعه ای اجتماعی نیازمند آن است که همکاری پروژه با اجتماعات محلی به نیرویی برای تحول اجتماعی مثبت و توسعه ای اجتماعی سودمند تبدیل شود. توسعه ای اجتماعی باید یک فرآیند مشارکتی برای ایجاد تحول اجتماعی برنامه ریزی شده باشد که هدفش بهبود رفاه کل اجتماع و به ویژه گروه های آسیب پذیر، محروم و به حاشیه رانده شده در یک منطقه است. توسعه ای اجتماعی فقط معطوف به منافع فردی نیست بلکه ناظر بر تسهیل تغییر در نهادها و جامعه در راستای کاهش طرد و افتراق اجتماعی^۱، ارتقای شمول اجتماعی و دموکراسی و ظرفیت سازی در نهادها و حکمرانی است. توسعه ای اجتماعی فراتر از مشکلات و کاستی های جاری اجتماع، بر افزایش توانمندی های مردم و نهادها و نحوه ی تقویت آن ها متمرکز است. با این همه، شرکت ها نباید در نقش و مسئولیت های مقامات محلی دخالت کرده و آن را تصاحب کنند و بدین منظور باید در مداخلات شان بسیار شفاف و هدفگذاری شده عمل کنند.

سرمایه گذاری اجتماعی به کمک مالی و غیرنقدی یک پروژه برای توسعه ای اجتماعی در یک اجتماع محلی اشاره دارد. ایده ال آن است که منابع یک پروژه به جای تقاضاهای ناپایدار و غیرعملی، صرف دستیابی به توسعه ای اجتماعی شود. در این صورت باید طی یک فرآیند ارزیابی، گزینه های موجود برای سرمایه گذاری اجتماعی، انتخاب و اولویت بندی شوند. اصطلاح سرمایه گذاری اجتماعی راهبردی هنگامی به کار می رود که سرمایه گذاری صورت گرفته علاوه بر آن که نتایجی برای توسعه ای اجتماعی جامعه ی محلی در پی دارد برای شرکت

سرمایه‌گذار نیز عواید اقتصادی به دنبال داشته باشد. کمک مالی به برنامه‌های آموزش مهارتی برای ایجاد مهارت‌های لازم در نیروی کار محلی برای آن که بتوانند نیروی کار و خدمات مورد نیاز پروژه را تامین کنند، نمونه‌ی روشنی از این منافع مشترک محسوب می‌شود.

اهداف توسعه‌ی اجتماعی در هر محیط و شرایطی متفاوت است. شناسایی این اهداف باید از رهگذر یک فرآیند مشارکتی تحت رهبری و مدیریت اجتماع محلی صورت گیرد. در این ارتباط مجموعه‌ی اهداف توسعه‌ی پایدار سازمان ملل (ر. ک به شکل شماره پنج) شایسته‌ی توجه است. شناسایی و ارزیابی گزینه‌های ممکن برای سرمایه‌گذاری اجتماعی در عین حال مستلزم توجه به نقاط قوت و ضعف اجتماعات محلی است. چارچوبی که عمدتاً در این ارتباط مورد استفاده قرار می‌گیرد، "رویکرد سرمایه‌های اجتماع" است (گاهی از آن به مدل هر می یاد می‌شود) که بر رویکرد معیشت پایدار^۱ (و مشابه آن) مبتنی است (ر. ک به قاب شماره سه و شکل شماره چهار). رویکرد معیشت پایدار به توانایی‌ها، منابع معیشت (دارایی‌ها، سرمایه‌ها) و راهبردهای تامین معیشت (فعالیت‌ها) اشاره دارد که مردم برای تامین معاش خود و اداره‌ی امور زندگی‌شان از آن‌ها استفاده می‌کنند. در بطن این مدل، این دریافت نهفته است که تمامی منابع و دارایی‌های یک اجتماع را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از سرمایه‌ها در نظر گرفت. ارزیابی راهبردهای سرمایه‌گذاری اجتماعی را می‌توان با محوریت این سرمایه‌ها و این که چگونه تقویت یک یا تعدادی از این سرمایه‌ها می‌تواند به‌زیستی کل جامعه را بالا ببرد، انجام داد. [۱۵]

اهداف توسعه پایدار

هدف ۱

پایان بخشی به فقر در همه اشکال آن و در همه جا

هدف ۲

پایان بخشی به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و تغذیه بهتر و ارتقاء سطح کشاورزی پایدار

هدف ۳

تأمین زندگی سالم و ارتقاء سطح بهزیستی برای تمامی افراد در همه سنین

هدف ۴

تأمین آموزش کیفی فراگیر و عادلانه و ارتقاء فرصتهای یادگیری دائمی برای همه

هدف ۵

دستیابی به برابری جنسی و توانمندسازی همه زنان و دختران

هدف ۶

تأمین و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه

هدف ۷

تأمین دسترسی به انرژی قابل توجه، قابل اعتماد، پایدار و ملایم برای همه

هدف ۸

ارتقاء سطح رشد اقتصادی پایدار، فراگیر و دائمی، اشتغال دائمی و مولد و کار شایسته برای همه

هدف ۹

ایجاد زیرساخت‌ها، ارتقاء صنعتی شدن پایدار و فراگیر و تقویت نوآوری

هدف ۱۰

کاهش نابرابری در درون و بین کشورها

هدف ۱۱

فراگیر، سالم، ترمیم پذیر و پایدار کردن شهرها و سکونتگاههای انسانی

هدف ۱۲

تضمین الگوهای پایدار مصرف و تولید

هدف ۱۳

اقدام فوری برای مواجهه با تغییر آب و هوا و تأثیرات آن

هدف ۱۴

استفاده پایدار و حفاظت محصور از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی در راستای توسعه پایدار

هدف ۱۵

محافظت احیا و ارتقاء استفاده دائمی از اکوسیستمهای زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، سرازه یا بیابان‌زایی، متوقف و معکوس کردن روند تخریب زمین و توقف از بین رفتن تنوع زیستی

هدف ۱۶

استقرار جوامع صلح طلب و فراگیر برای توسعه پایدار، فراهم کردن دسترسی همه به عدالت و ایجاد نهادهایی مؤثر، پاسخگو و فراگیر در تمامی سطوح

هدف ۱۷

تقویت اوزان و ابزارهای اجرا و احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار

شکل شماره پنج: اهداف توسعه پایدار

نکته: سرمایه (داری یا منابع)، اشکال مختلفی دارد و شیوه‌های متفاوتی برای دسته‌بندی و تعریف آن وجود دارد. مصادیق مفهوم سرمایه، بسته به این که در چه زمینه‌ای استفاده شود، متفاوت است. اصطلاح سرمایه‌های فردی در واقع نوعی استعاره و بیشتر برای بیان دریافتی کلی از این مفهوم است تا تعریف و تفسیر دقیق منابع یا دارایی‌های افراد. مفهوم سرمایه (ها) را می‌توان در سطوح مختلف تحلیل مانند فرد، خانوار، اجتماع محلی یا یک منطقه به کار برد. رویکرد سرمایه‌ها در بدو امر برای درک راهبردهای افراد ساکن در اجتماعات فقیر و محروم روستایی کشورهای در حال توسعه در زمینه تامین معیشت، بسط و توسعه پیدا کرد. اما امروزه در حوزه‌ها و موقعیت‌های مختلفی کاربرد پیدا کرده است.

سرمایه‌ی طبیعی: شامل موجودی و روند دارایی‌های مُلهم از طبیعت (یعنی خدمات اکوسیستمی) مانند ذخایر غذا و منابع کشاورزی، منابع جنگلی، ذخایر معدنی، خاک، آب، تالاب‌ها و ماهی است. سرمایه‌ی مادی (که سرمایه‌ی تولیدشده، ساخته‌شده و مصنوع نیز خوانده می‌شود): شامل ذخیره‌ی تجهیزات، تأسیسات مادی (برای مثال کارخانه‌ها)، زیرساخت‌ها (برای مثال جاده‌ها، فرودگاه‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس) و سایر منابع مولد تحت مالکیت افراد، بخش تجارت یا یک کشور است و همچنین نظام‌های مدیریتی مورد نیاز برای اداری آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد.

سرمایه‌ی مالی: سرمایه‌های مالی در اختیار افراد شامل پس‌اندازهای و دسترسی آن‌ها به اعتبارات است. این نوع سرمایه شامل دیون و وثیقه‌ها نیز می‌شود.

سرمایه‌ی انسانی: شامل سطوح شناخت و مهارت، آموزش رسمی، بهداشت و تغذیه افراد و همین‌طور انگیزه و استعداد آن‌ها است.

سرمایه‌ی اجتماعی: که گاهی برای اشاره به شبکه‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی استفاده شده و در عین حال شامل قواعد، هنجارها و وظایف اجتماعی و ترتیبات کنش متقابل نهفته در روابط اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و ترتیبات نهادهای جامعه نیز می‌شود.

سرمایه‌ی سیاسی یا نهادی: به وجود و کارکرد مؤثر (یعنی ظرفیت) سازوکارهای حکمرانی جامعه اشاره دارد- نهادهای حکمرانی و معیارها، قواعد و مقرراتی که اعمال و اجرا می‌کنند.

سرمایه‌ی فرهنگی و معنوی: شامل آنچه مردم در مورد جهان پیرامونشان، جایگاهشان در آن و نیز شیوه‌ی عملشان در آن باور دارند. همچنین به این موضوع اشاره دارد که تا چه اندازه فرهنگ محلی، سنت‌ها و زبان و غیره موجب ارتقای بهزیستی، شمول اجتماعی و توسعه‌ی اجتماعی شده یا مانع آن می‌گردد. سرمایه‌ی معنوی به حفظ تعادل سرمایه‌های مختلف و به حفظ رابطه با ارزش‌های مشترک عمیق و چیزهایی که به زندگی معنا و مفهوم می‌بخشند، کمک می‌کند. سرمایه‌ی فرهنگی بر این موضوع که به چه آرا و نظرانی باید گوش داد، کدام آراء و نظرات در چه حوزه‌ای تأثیرگذارند و چگونه خلاقیت، نوآوری و نفوذ پدید آمده و پرورش پیدا می‌کند، تأثیر می‌گذارد.

II حقوق بشر باید مورد توجه قرار گیرد

سازمان ملل حقوق بشر را چنین تعریف کرده است: "تضمین‌های قانونی جهان‌شمول که افراد و گروه‌ها را در مقابل اقدامات ناقض آزادی‌های بنیادین و کرامت انسانی محافظت می‌کنند." حقوق بشر ناظر بر تضمین نیازهای اساسی انسان‌هاست. اصل جهانی بودن این حقوق بدان معناست که همه‌ی انسان‌ها به حکم انسان بودن از آن برخوردارند. در گفتمان حقوق بشر، عدم تبعیض یک موضوع محوری است و طبق این اصل گروه‌های خاصی از افراد صاحب حقوق، به ویژه افراد آسیب‌پذیر، زنان، کودکان، مردمان بومی و سایر گروه‌های به حاشیه رانده‌شده برای بهره‌مندی از حقوق انسانی خود نیازمند کمک و توجه ویژه هستند. حقوق بشر، به هم‌پیوسته، غیرقابل سلب و تفکیک ناپذیرند و همه‌ی انواع حقوق بشر از اهمیت و جایگاه برابری برخوردار بوده و باید رعایت شوند.

با پذیرش اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل^۱ در ۲۰۱۱، مسئولیت شرکت‌ها در احترام به حقوق بشر رسمیت پیدا کرد. طبق چنین مسئولیتی، شرکت‌ها ملزم‌اند برای شناسایی و مدیریت آثار نامطلوب حقوق بشری فعالیت‌هایشان مراقبت لازم را اعمال کنند. مراقبت مقتضی^۲ فرایندی است که توسط آن شرکت‌ها می‌توانند از میزان پایبندی خود به حقوق بشر آگاهی پیدا کرده و آن را نشان دهند و شامل این موارد است: ۱- برخورداری از یک پایبندی سیاستی عملیاتی‌شده به حقوق بشر ۲- ارزیابی تأثیرات بر حقوق بشر ۳- نهادینه کردن به کارگیری نتایج این ارزیابی در نظام مدیریت شرکت، پایش و پیگیری عملکرد آن و ۴- ارائه‌ی گزارش و اطلاع‌رسانی در مورد مراقبت صورت گرفته و اثربخشی آن در شناسایی و ارزیابی آثار. نکته‌ی مهم این که، شرکت‌ها در این فرایند نه فقط آثار نامطلوب ناشی از فعالیت‌های خود بلکه کلیه‌ی آثار مستقیماً مربوط به عملیات، محصولات و خدمات شرکاء و طرف‌های تجاری خود را نیز باید شناسایی و مدیریت کنند. این بدان معناست که شرکت‌ها نباید با اقدامات ناقض حقوق بشر توسط شرکای تجاری خود همراه شوند و در صورت اطلاع از بروز چنین آثار و تأثیرات منفی

1. United Nations Guiding Principles on Business and Human Rights (UNGPs)

2. Due Diligence

حقوق بشری، لازم است تمام تلاش و نفوذ خود را برای جلوگیری و کاهش این آثار به کار بسته و این کار را بخشی از فرآیند شناسایی و مدیریت ریسک شرکت خود در نظر بگیرند. همچنین از شرکت‌ها انتظار می‌رود به عنوان بخشی از پابندی به مراقبت مقتضی در مورد حقوق بشر، مسیرها و سازوکارهای مناسبی برای جبران موارد نقض حقوق بشر مرتبط با فعالیت‌هایشان را تدارک دیده و در این ارتباط با یکدیگر همکاری کنند. در سطح پروژه، این به معنی راه‌اندازی یک سازوکار دریافت شکایت برای انعکاس موثر هر نوع نارضایتی از سوی اعضای اجتماع تحت تأثیر است. همچنین انتظار می‌رود شرکت‌ها به طور مداوم برای بهبود نحوه‌ی مدیریت آثار حقوق بشری اقدامات خود بکشند.

در اصل دوازدهم از اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل، استانداردهای حداقلی رعایت حقوق بشر این‌گونه تعیین شده است: "مسئولیت شرکت‌های تجاری در زمینه‌ی رعایت حقوق بشر بر اساس اصول به رسمیت شناخته‌شده‌ی بین‌المللی شامل اصول مندرج در لایحه‌ی بین‌المللی حقوق بشر و اصول مربوط به حقوق بنیادین در اعلامیه‌ی اصول و حقوق بنیادین کار سازمان بین‌المللی کار تعریف می‌شود". چهار اصل اعلامیه‌ی سازمان بین‌المللی کار در مورد اصول و حقوق بنیادین کار عبارتند از: الف) آزادی فعالیت انجمنی و به رسمیت شناخته شدن مؤثر حق چانه‌زنی جمعی^۱، ب) حذف تمامی اشکال کار اجباری، ج) محو مؤثر کار کودکان و د) حذف تبعیض در ارتباط با اشتغال و شغل. اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل تصریح می‌کند که شرکت‌های تجاری ممکن است بسته به شرایط کشور میزبان، مجبور به رعایت استانداردهای دیگری نیز باشند.

بسیاری از تأثیرات اجتماعی را می‌توان با ادبیات و در چارچوب حقوق بشر تفسیر کرد. از این منظر افراد و اجتماعات متأثر از پروژه‌ها به موجب اسناد قانونی، صاحب حقوق انسانی و از جمله حق برخورداری از جبران تأثیرات منفی پروژه قلمداد می‌شوند. بنابراین، تأثیرات اجتماعی ناشی از یک پروژه ممکن است به معنی تخطی از مسئولیت آن در قبال رعایت حقوق بشر نیز تفسیر شود. این امر

اهمیت تأثیرات اجتماعی و ارزیابی تأثیر اجتماعی را دو چندان می‌کند.

طبق اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل، شرکت‌ها موظف‌اند حقوق قربانیان تأثیرات حقوق بشری ناشی از فعالیت‌ها و عملیات خود را به نحو مؤثری جبران کنند. دسترسی به فرصت جبران خسارت، حقی است که به موجب معاهده‌ی بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. وجود سازوکارهای رسیدگی به شکایات جدا از این که امکان مطالبه‌ی حقوق افراد از طریق سازوکارهای دادرسی قانونی را فراهم می‌کند می‌تواند نقش مهمی در تشخیص به موقع نارضایتی‌ها، جلوگیری از تشدید آن‌ها و ارائه‌ی راه‌حل‌های مؤثر داشته باشد.

مهم است که صاحبان حقوق قانونی بتوانند در هر حال حقوقشان را مطالبه کنند. بدین منظور لازم است اطلاعات کافی در مورد این که چه حقوقی دارند و برای اعاده‌ی آن باید چه مسیری را طی کنند به آن‌ها داده شود. تضمین این که حقوق بشر رعایت می‌شود و مردم می‌دانند و می‌توانند حقوق خود را مطالبه کنند از وظایف اولیه‌ی حکومت‌هاست. با این وجود، شرکت‌ها نیز می‌توانند در افزایش آگاهی اجتماعات همسایه‌ی خود از حق و حقوق قانونی‌شان، نقش ایفا کنند.

بین رویکرد مبتنی بر حقوق بشر^۱، ارزیابی آثار حقوق بشری^۲ و ارزیابی تأثیر اجتماعی تفاوت‌هایی وجود دارد و به همین دلیل نیز ارزیابی تأثیر اجتماعی در گذشته علاقه‌ای به بررسی منظم موضوعات حقوق بشری نداشته است. با این حال، با تصویب اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل در ۲۰۱۱، امروزه حقوق بشر بخشی از مجموعه معیارهای بین‌المللی حاکم بر کسب و کار است و در نتیجه یک ارزیابی تأثیر اجتماعی برتر باید به طور کامل موضوعات حقوق بشر را نیز پوشش دهد مگر آن که ارزیابی آثار حقوق بشری به طور جداگانه پیش‌بینی شده باشد. در این راستا، لازم است مجموعه‌ی مهارت‌های کارشناسان ارزیابی تأثیر اجتماعی برای پوشش موضوعات حقوق بشری مانند حقوق کارگران، کار کودکان، کار اجباری و آزادی فعالیت انجمنی توسعه یابد. [۱۶]

1. Human rights-based approach

2. Human rights impact assessment

II جایگاه بومیان، اجتماعات سنتی، گروه‌های قبیله‌ای و سرزمینی باید به رسمیت شناخته شده و مورد توجه ویژه قرار گیرد

اصطلاح "بومیان" به عنوان یک اصطلاح عام در سراسر جهان کاربرد گسترده‌ای دارد؛ هرچند تعریف دقیق آن کار دشوار است و برخی از خود بومیان و یا ذیمدخلان (به ویژه در سطح محلی و منطقه‌ای) اصطلاحات مترادف دیگری نظیر گروه‌های قبیله‌ای، گروه‌های نخستین، ملت‌های نخستین، مردم اصیل، اقلیت‌های قومی، ساکنان بومی^۱، مردم سنتی و یا اصطلاحات دیگری بر اساس روش غالب معیشت و یا محل استقرار این اجتماعات مانند شکارچی و گردآورنده خوراک، اجتماعات ماهیگیر، گوزن چران‌ها، عشایر، دهقانان، کوه‌نشینان، یا عناوین رسمی نظیر قبایل تحت برنامه^۲ را ترجیح می‌دهند. در بعضی کشورها، به ویژه بسیاری از کشورهای آفریقایی، استفاده از اصطلاح "بومی" به خاطر کاربردها و سابقه‌ی مفهومی آن در دوره‌ی استعمار مخالفان جدی دارد. در سایر کشورها، به ویژه در آمریکای مرکزی و جنوبی، به خاطر وجود مارون‌ها، شاخه‌ای از بردگان سیاه‌پوستی که اجتماعات مجزایی تشکیل داده و با گذشت زمان فرهنگ و هویت واحدی را به وجود آورده‌اند، تعریف و مرزبندی این مفاهیم پیچیده‌تر شده است. رواج مفهوم گروه قومی^۳ این پیچیدگی‌ها را بیشتر کرد؛ مفهومی که به ظهور و پیدایش گروه‌هایی از مردم اشاره دارد که پیشتر به رسمیت شناخته نشده‌اند و مدعی میراث اجتماعی و فرهنگی مجزا و متفاوت از جامعه‌ی بزرگتر هستند. این پیچیدگی‌ها و پیچیدگی‌های دیگر، انتخاب یک اصطلاح خاص و تعریف دقیق آن را به طوری که کاربرد فراگیری داشته باشد، دشوار کرده است. صرف نظر از این که چه اصطلاحی را برای اشاره به این گروه‌ها به کار ببریم، تقریباً در ۹۰ کشور دنیا چنین گروه‌هایی با هویت فرهنگی متمایز از فرهنگ حاکم این کشورها و مدعی یک قلمرو سرزمینی معین وجود دارند. برآورد سازمان ملل این است که جمعیت این گروه‌ها در سراسر جهان بالغ بر ۳۷۰ میلیون نفر بوده و به بیش از ۴۰۰۰ زبان تکلم می‌کنند. در این سند به مانند بیشتر اسناد بین‌المللی، به خاطر سهولت کاربرد

۱. Adivasi، این واژه از زبان سانسکریت اقتباس شده و به ساکنان بومی هند اطلاق می‌شود. م

۲. Scheduled Tribes، عنوانی در قانون اساسی هند برای اشاره به قبایلی که تبعیض مثبت در مورد آن‌ها اعمال می‌شود. م

و برای اشاره عام به این گروه‌ها از اصطلاح مردمان بومی و در موقعیت‌های خاص از اصطلاحات دقیق‌تری استفاده خواهیم کرد.

این گروه‌ها با این که ذیل عنوان فراگیر "بومیان" گروه‌بندی می‌شوند، نه فقط در زبان و فرهنگ بلکه در طیف وسیعی از ویژگی‌ها مانند باورها و اعتقادات بنیادی، ساختارهای حکمرانی، کیهان‌شناسی^۱، شیوه‌های زندگی و معیشت با یکدیگر تفاوت دارند. با این حال، اعضای این گروه‌ها در یک یا چند مورد از ویژگی‌های زیر مشترکند:

- احساس هویت به عنوان یک فرد بومی (یا حداقل به عنوان عضوی از یک گروه‌بندی فرهنگی خاص) و پذیرش این ادعا از سوی سایر افرادی که چنین هویتی دارند؛
- پیوند و تعلق خاطر شدید به زمین، قلمرو سرزمینی و منابع طبیعی مرتبط با آن؛
- نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشخص؛
- یک فرهنگ متمایز (دست کم مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورها) و احتمالاً یک زبان واحد؛

- برخورداری از یک گروه‌بندی اجتماعی جدا از گروه‌های مسلط جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند؛
- میل به حفظ و بازتولید محیط زندگی و نظام‌های اجدادی به عنوان مردمان و اجتماعات متمایز.

مردمان بومی به خاطر پیوند خاص‌شان با قلمرو سرزمینی، اصولاً در برابر فعالیت‌هایی که بر زمین و منابع طبیعی تأثیر می‌گذارند، آسیب‌پذیرند. بخش زیادی از جمعیت فقرای جهان را همین مردمان بومی تشکیل می‌دهند و موقعیت و سطح زندگی آن‌ها در اکثر شاخص‌های سلامت و رفاه، پایین است. در ارتباط با این گروه‌ها، دو موافقت‌نامه‌ی بین‌المللی مهم وجود دارد: مقاله‌نامه‌ی شماره ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار در خصوص بومیان و قبایل کشورهای مستقل در سال ۱۹۸۹، و اعلامیه‌ی سال ۲۰۰۷ سازمان ملل در خصوص حقوق مردمان بومی. این اسناد تأکید می‌کنند که مردمان بومی همانند سایر مردم جهان از حقوق اساسی بشر برخوردارند

و به خاطر پیوند خاصی که این افراد با قلمرو سرزمینی دارند و البته آسیب پذیریشان، باید مراقبت ویژه‌ای در مورد احترام به حقوق آن‌ها اعمال شود. در این اسناد هم‌چنین به مفهوم حقوق جمعی اشاره شده است. در حالی که بیشتر حقوق بشر بر مبنای فردی تعریف شده و به هر فردی به حکم انسان بودن، تعلق می‌گیرد، هدف حقوق جمعی، محافظت از آن دسته از ویژگی‌های مردم بومی است که از زندگی گروهی آنان ناشی می‌شود. حقوق جمعی بومیان تضمین می‌کند که آنان قادر به حفظ فرهنگ خود بوده، از حق تعیین سرنوشت برخوردارند و به عنوان گروه‌های اجتماعی و فرهنگی متمایز در متن یک جامعه‌ی بزرگتر می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند. طبق حق جمعی تعیین سرنوشت، بومیان در تعیین موقعیت سیاسی و پیگیری توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود آزادند. مطابق یکی دیگر از موارد این حقوق جمعی، آنان حق دارند به عنوان یک گروه متمایز در صلح، امنیت و آزادی زندگی کنند و در معرض هیچ اقدامی با هدف یا امکان نفی هویت‌شان به عنوان یک گروه فرهنگی متمایز، قرار نگیرند.

یک مفهوم مهم در این دو سند، مفهوم رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه است. رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه، اصلی است که در بردارنده احترام به حق تعیین سرنوشت بومیان بوده و فرآیندی را برای تضمین رسمیت یافتن مؤثر این احترام و مراقبت از آن را فراهم می‌کند. در واقع این اصل ناظر بر ایجاد ارتباط و جلب مشارکت احترام‌آمیز اجتماعات است. مفهوم رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه، اولین بار در گفتمان حقوق بومیان مطرح شد اما بعضی از مفسران معتقدند که از این اصل می‌توان برای جلب مشارکت همه‌ی اجتماعات مدد گرفت، به ویژه اگر پروژه‌ها موظف به کسب مجوز اجتماعی برای عملیات خود باشند. آزادانه بودن رضایت به این معنا است که نباید حاصل زور، تهدید، آزار و اذیت یا دخالتی از سوی شرکت‌ها یا دولت‌ها باشد و اگر جامعه‌ای به پروژه "نه" بگوید نباید در معرض اقدام تلافی‌جویانه یا تهدید به آن قرار گیرد. پیشینی بودن رضایت به این معنا است که باید قبل از شروع هرگونه فعالیتی رضایت جلب شود و اجتماعات تحت تأثیر فرصت کافی برای بررسی موضوع و تصمیم‌گیری داشته باشند. منظور از آگاهانه بودن رضایت آن است که طراحان پروژه باید جزئیات برنامه‌های خود را به زبان و شیوه‌ی قابل فهمی با اجتماعات تحت تأثیر پروژه در میان بگذارند و هر اجتماعی بتواند درک درستی از برنامه‌ها و آثار اجتماعی

آن‌ها داشته باشد. تضمین تحقق اصل آگاهانه بودن رضایت نیازمند ظرفیت‌سازی و امری زمانبر است. رضایت بدان معنی است که اجتماعات انسانی به معنای واقعی مختارند که اگر جریان سود و فرصت‌های توسعه‌ی ناشی از یک پروژه یا مداخله برایشان مناسب باشد "آری" بگویند و اگر از آن راضی نبودند، "نه" بگویند و در ضمن برای تعیین این که رضایت اعلام شده مربوط به کل اجتماع است و نه گروه کوچکی از نخبگان، سازوکارهای مناسبی وجود دارد.

با این که روح اصل رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه، فلسفه‌ی ارزشمندی در مورد احترام است؛ اعمال آن در قوانین و در عمل، چالش‌هایی را برای پروژه‌ها، اجتماعات و ذیمدخلان دولتی، به ویژه در ارتباط با چگونگی حصول رضایت، به همراه دارد. به عنوان مثال مؤسسه‌ی مالی بین‌المللی تأکید می‌کند که رضایت کامل و متفق‌القول همه‌ی افراد یک اجتماع، ضرورتی ندارد و حمایت گسترده و نسبی اجتماع کافی است. همچنین، برخلاف برداشت عمومی، رضایت را نباید به برخورداری از حق و توتفسیر کرد. بعضی از سازمان‌های بین‌المللی معتقدند که حصول رضایت یکی از اهداف اصل رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه است و شرط مطلق تحقق آن نیست. صرف‌نظر از معنای قانونی اصل رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه، برخورد احترام‌آمیز با اجتماعات (بومی یا غیربومی) باید ناظر بر اعطای قدرت به آن‌ها برای عمل به ایده‌ی بنیادین این اصل و توانایی دادن پاسخ منفی به پروژه‌های پیشنهادی باشد. به سختی می‌توان مذاکره‌ای را که در آن یکی از طرفین حق طرف مقابل را برای مخالفت و دادن پاسخ منفی به رسمیت نمی‌شناسد و تازه از حق قانونی برای تملک اجباری نیز برخوردار است، یک مذاکره‌ی منصفانه و برابر قلمداد کرد.

برخورد احترام‌آمیز با مردمان بومی مستلزم رعایت نکات زیر است:

- پذیرش وجود آن‌ها و به رسمیت شناختن حقوق‌شان به عنوان افراد بومی حتی زمانی که این موضوع در قانون ملی به رسمیت شناخته نشده است؛
- رعایت کامل روح رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه، از جمله احترام به حق آن‌ها در مخالفت با پروژه و دادن پاسخ منفی به آن؛
- انتصاب یک رابط بومی و ایجاد سازوکاری دائمی برای تعامل با بومیان که با فرهنگ متمایز آن‌ها تناسب داشته باشد؛

- تامین فرصت‌های برابر و عدم تبعیض در محل کار؛
- ارتقاء مسئولیت‌پذیری فرهنگی کارکنان شرکت‌ها و پیمانکاران و استقرار فرهنگ آن؛
- انطباق با نیازهای فرهنگی آنان برای مثال از طریق انعطاف در اعمال مقررات کاری جهت حصول اطمینان از این که همه‌ی کارکنان و افراد محلی می‌توانند سنت‌های فرهنگی و دینی‌شان را حفظ کنند؛
- ترویج پذیرش و گرامیداشت فرهنگ‌های مختلف افراد محلی در میان کارکنان شرکت و پیمانکاران؛
- احترام به شیوه‌ی معیشت سنتی و تقویت امکان همزیستی با آن؛
- احترام به میراث فرهنگی ملموس و ناملموس بومیان، نظیر اماکن مقدس و برخورداری از رویکردی حمایت‌گرانه^۱ در شناسایی و حفاظت از آن‌ها؛
- برخورد احترام‌آمیز و حمایت از حقوق سرزمینی قانونی و عرفی مردمان بومی (ر.ک به قاب شماره‌ی چهار)؛
- پذیرش وجود قانون عرفی و به رسمیت شناختن و گنجاندن عدالت سنتی در سازوکارهای رسیدگی به شکایات؛
- هماهنگی اعمال سهم محلی^۲ به طوری که مردم بومی و محلی بتوانند از فرصت‌های تامین نیروی کار، کالا و خدمات برای پروژه برخورداری باشند و کمک به آن‌ها در انجام این کار؛
- پذیرش دانش و جهان‌بینی سنتی در کنار علوم غربی و توجه به ملاحظات این دانش در گزارش‌های ارزیابی تأثیر و سایر گزارش‌های علمی؛
- حمایت از مالکیت معنوی بومیان و احترام به آن؛
- دادن امتیاز یا اجاره بهای مناسب به زمینداران سنتی بومی که زمین و منابع‌شان در اجرای پروژه مورد استفاده قرار گرفته است؛
- تعریف یا انتخاب شاخص‌های ثبت وضعیت پایه‌ی اجتماع تحت تأثیر در حوزه سلامت و بهزیستی و نیز پایش آن با ملاحظه ارزش‌ها، منافع و جهان‌بینی

1. Proactive

2. Local Content

گروه‌های خاص بومی ساکن در منطقه؛

■ مواجهه با مردم بومی به عنوان شرکای حقیقی و نه فقط ذیمدخلان صرف و اطلاع‌رسانی و جلب مشارکت آنان در همه‌ی تصمیمات و فرآیندهایی که ممکن است بر حقوق و منافعشان تأثیر بگذارد، درست همان گونه که با هر شریک تجاری دیگری برخورد می‌شود.

احترام به مردم بومی نه به معنای کار کردن برای آن‌ها، بلکه به معنی کار کردن با آن‌هاست. رفتار و نگرش از باب منشانه در این ارتباط جایی ندارد. با درگیر کردن مردمان بومی در فرایند تصمیم‌گیری بر اساس فلسفه‌ی یادگیری با هم و مدیریت با هم، می‌توان تضمین کرد که حقوق و منافع ایشان در ارزیابی تأثیرات، تدوین و اعمال اقدامات اصلاحی و برنامه‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی به طور کامل مد نظر قرار گرفته و قبل از هرگونه اقدامی خواه در راستای پروژه، منافع آن‌ها و یا به نمایندگی از آن‌ها، رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه آنان جلب می‌شود. تصمیم‌گیری در بین مردم بومی اغلب بر اساس اجماع یا دست کم با ملاحظه‌ی ایجاد فرصت برای مشارکت همه‌ی افراد انجام می‌گیرد و باید مراقبت کرد که این فرایندها به همان شیوه‌ی متعارف و فارغ از فشار و محدودیت زمانی نامعقول انجام شوند. هرچند مفهوم توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر در چرخه‌های توسعه و ارزیابی تأثیر اجتماعی (به عنوان مثال در اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی) بسیار کاربرد دارد، عملی کردن آن نیازمند احتیاط فراوانی است و نباید به شکل ترحم^۱ جلوه کند. به علاوه، باید مراقب بود تا فرآیندهای توانمندسازی باعث بدتر شدن شرایط و منجر به نابرابری در میان گروه یا رشد سایر اختلافات و تنش‌ها نشود.

یکی از ابعاد احترام به مردم بومی، قبول آسیبی است که آن‌ها در گذشته از استعمار، تاریخ معاصر و حتی از پروژه‌های قبلی دیده‌اند. برای قبول خطا یا مسئولیت آسیبی که به آن‌ها وارد شده است، عذرخواهی کافی نیست و برای اثبات رعایت احترام و درک شدن شرایط آن‌ها اقدامات زیادی باید انجام گیرد (ر.ک به قاب شماره‌ی پنج). (۱۷)

قاب شماره‌ی چهار: نمونه‌ای از خلق منفعت برای مردم بومی

پروژه‌ی عظیم خط لوله‌ی نفت در آمریکای جنوبی متعهد بود حقوق بومیان را به رسمیت شناخته و به آنها احترام بگذارد و با وجود این که به‌طور موقت تحت تأثیر پروژه قرار می‌گرفتند از سود پروژه بهره‌مند شوند. طراحان پروژه در اقدامی داوطلبانه برنامه‌ای برای تثبیت حق مالکیت بومیان بر زمین اجرا کردند که طبق آن بومیان این فرصت را پیدا می‌کردند تا در امتداد خط لوله، مالکیت قانونی و رسمی خود را بر زمین‌هایشان تضمین و تثبیت کنند (حقی که در گذشته از آن محروم بودند). به‌علاوه در سطح ملی، برای تعیین قلمرو سرزمینی بومیان و حمایت از دعاوی آن‌ها در مورد اراضی، منابع مالی در نظر گرفته شد.

قاب شماره‌ی پنج: نمونه‌ای از ابراز احترام به بومیان: آئین «به کشور ما خوش آمدید»

در استرالیا، اکثر گروه‌هایی‌های عمومی با اعلام نمادین پذیرش حقوق بومیان و اجرای مراسم «به استرالیا خوش آمدید» شروع می‌شوند. در این مراسم، از ریش سفید و بزرگ بومیان محلی (یا مالک سنتی) یا نماینده‌ی وی درخواست می‌شود در آغاز جلسه به صورت رسمی ورود میهمانان و بازدیدکنندگان (افراد غیربومی) را به سرزمین‌شان خوش‌آمد بگوید. این کار ممکن است با مراسم آیینی مانند نواختن ساز محلی استرالیا، آواز و رقص (کورووری) و گاهی با مراسم دود کردن سیگار برای دفع ارواح خبیثه همراه باشد. در پروتکل آمده است که میهمانان رسمی که بعد از این مراسم خوش‌آمدگویی صحبت می‌کنند باید با تأکید بر حقوق بومیان و اجحافی که در گذشته در مورد آن‌ها روا داشته شده است به این مراسم واکنش نشان دهند. نمونه‌ای از عباراتی که بدین منظور باید استفاده کنند به شرح زیر است:

کلامم را با ادای احترام به صاحبان سنتی سرزمینی که میزبان این نشست است و خاصه همه‌ی بزرگانی که امروز در این جلسه حضور دارند، ابراز تأسف از کشمکش‌هایی که در این مورد از سر گذرانده‌ام و باور به سهمی که بومیان استرالیا می‌توانند در ساختن جامعه و فرهنگ ما داشته باشند، آغاز می‌کنم.

طبق پروتکل، در صورتی که هیچ یک از بومیان نتوانند در خوش‌آمدگویی حاضر شوند این تقدیر و تشکر در قالب درخواست ورود به سرزمین آنان که نوع دیگری از مراسم خوش‌آمدگویی است ابراز می‌شود. عباراتی که بدین منظور استفاده می‌شوند بسته به هدف نشست متفاوتند و مؤدبانه آن است که در آن‌ها به نام مکان‌های بومی و یا قبایل اشاره شود.

II ارزیابی تأثیر اجتماعی همان جلب مشارکت عمومی نیست

دخالت مردم تحت تأثیر پروژه و سایر ذیمدخلان در تحلیل آثار و تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و راهبردهای توزیع منافع پروژه‌ها، ضروریست. به علاوه برخورداری یک پروژه از مجوز اجتماعی عملیات، ارزشمند است. رویکردهای سنتی از بالا به پایین در تصمیم‌گیری - که اغلب به آن‌ها (تصمیم‌گیری، ابلاغ و توجیه)^۱ یا حتی (تصمیم‌گیری، آموزش، ابلاغ و توجیه)^۲ گفته می‌شود - در بیشتر جوامع دیگر مقبولیتی ندارند و در گذشته نیز به ندرت

1. Decide, announce, defend (DAD)

2. Decide, educate, announce and defend (DEAD)

مؤثر و پایدار بوده‌اند. به جای آن‌ها امروزه صحبت از فلسفه‌های جدید مشارکت است که گاهی به اختصار (آشنایی، فهم و تغییر)^۱ یا (مردم، مالک پروژه)^۲ نامیده می‌شوند. در بسیاری از قلمروهای قضایی، امکان مشارکت حقی است که افراد به موجب قانون از آن برخوردار می‌شوند و حق مشارکت همگانی در بسیاری از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی (مانند توافق‌نامه‌ی ۱۹۹۸ آرهوس در خصوص دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در موضوعات زیست‌محیطی) به رسمیت شناخته شده است. مطابق اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی، یکی از ارزش‌های بنیادین این حرفه عبارت است از این که مردم حق دارند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مداخلات برنامه‌ریزی شده تأثیرگذار بر زندگی‌شان، دخالت کنند.

اما باید بدانیم که اتا و مشارکت عمومی مترادف هم نیستند. اتا یک فرآیند پژوهشی و تحلیلی معطوف به تصمیم‌گیری و مدیریت موضوعات اجتماعی است که اجرای مؤثر آن بدون تردید مستلزم مشارکت واقعی مردم یا به بیان دیگر تعامل معنادار و گفت‌وگوی صادقانه با کسانی است که از قدرت واقعی برای تأثیرگذاری در مدیریت موضوعات اجتماعی برخوردارند. اما فرایند جلب مشارکت عمومی، بیشتر ریشه در الزام قانونی به اطلاع‌رسانی عمومی مداخلات برنامه‌ریزی شده و برخورداری مردم از فرصت اظهارنظر در مورد آن‌ها دارد. متأسفانه در بیشتر این رویه‌های دستوری، تصمیم‌گیران نظرات مردم را نادیده می‌انگارند و بیشتر مشارکت‌کنندگان از فرایند مشارکت رضایت چندانی حاصل نمی‌کنند. چنین فرایندهایی از جلب مشارکت در عمل چیزی بیش از مشروعیت بخشیدن به نتایج از پیش تعیین‌شده و عمل به مقررات اداری موجود از طریق مناسک تکمیل فرم‌های اداری نیستند. چنین سوءکاربردهایی در مورد مشارکت نه تنها فریب کارانه است بلکه با ایجاد سرخوردگی و بدبینی در مردم محلی نسبت به امر جلب مشارکت و اجرای پروژه‌ها می‌تواند برای مداخلات جاری و آتی زیانبار باشد. اگر مردم تصور کنند تصمیم‌ها از قبل گرفته شده و اراده‌ای برای اجرای پروژه به هر قیمتی وجود دارد، مشارکت خود را بی‌مورد و بی‌فایده خواهند دانست و در نتیجه انرژی خود

1. Meet, understand, modify (MUM)

2. Public owns project (POP)

را به جای مشارکت در یک فرایند معیوب و غیر عادلانه ارزیابی، در مسیر رفتارهای اعتراضی علیه پروژه به کار خواهند بست. بنابراین لازم است مدیران پروژه‌ها، به دخالت واقعی و معنی دار مردم در فرایندها نه برای تامین لوازم و تکالیف قانونی و حقوقی، بلکه با هدف احترام به اجتماعات محلی و فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری مشترک برای حصول نتایج سودمند و ایجاد ارزش مشترک، التزام و تعهد کامل داشته باشند.

اعمال روش‌ها و رویکردهای مشارکتی اثربخش، منافع و مزایای زیادی به شرح زیر دربردارد:

۱. فراهم کردن امکان درک بهتر ارزش‌ها، دانش و تجارب محلی گروه‌های مختلف ذی‌مدخلان؛

۲. ایجاد فرصت تایید اعتبار داده‌ها؛

۳. کمک به اجتماع تحت تأثیر برای شناخت مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده و الزامات آن به منظور مدیریت تغییرات و حصول سازگاری با آن؛

۴. کمک به حل منازعات بر سر استفاده از منابع؛

۵. کمک به بهبود طراحی پروژه؛

۶. کمک به جلب حمایت اجتماع از اهداف پروژه و اجرای آن (یعنی مجوز اجتماعی عملیات پروژه) و جلوگیری از اقدامات اعتراضی علیه آن؛

اصطلاحاتی مانند مداخله‌ی عمومی^۱، مشارکت عمومی و دخالت اجتماع^۲ مترادفند. این مفاهیم - که از این پس اصطلاح دخالت اجتماع را برای اشاره به همه‌ی آن‌ها استفاده خواهیم کرد- فراتر از مشاوره، اطلاع‌رسانی به مردم و گرفتن اطلاعات از آن‌ها، بر یک فلسفه‌ی دموکراتیک در مورد حقوق مردم برای دخالت در تصمیم‌های مؤثر بر زندگی ایشان و همچنین طیفی از کردارها، روش‌ها و ابزارهای مورد نیاز برای تحقق دخالت مؤثر مردم تاکید می‌کنند و همچنین به یک فلسفه‌ی بنیادین در مورد ضرورت توانمندسازی و توسعه‌ی شمول اجتماعی به ویژه در مورد گروه‌های آسیب‌پذیر و اقلیت‌ها اشاره دارند.

1. Public Involvement

2. Community Engagement

جنبه‌ی مهمی از دخالت اجتماع، پتانسیل آن برای شور و مشورت^۱ و نتایج شورایی و نیز یادگیری همیارانه و حاکمیت همیارانه است. مشورت و شورایی بودن^۲ مفاهیم چندبعدی هستند و در تعریف به گفتگوی معطوف به اخذ بازتاب‌های عمیق (یا ملاحظات جدی) اجتماع تحت تأثیر در مورد گزینه‌ها و امکان‌های مختلف پروژه به شیوه‌ای باز و فراگیر (بدون دخالت قدرت و سیاست) و با لحاظ دیدگاه‌ها و علایق همه‌ی ذیمدخلان اشاره دارند. روش‌های شورایی به این دلیل اهمیت دارند که به مردم این امکان و مجال را می‌دهند که با اندیشه و تامل در مورد موضوعات مختلف، به نتایج مطمئن و بالقوه متفاوتی دست یابند که در غیر این صورت حاصل نمی‌شدند. استفاده از تکنیک‌های شورایی و توانمندسازی به دلایل دیگری نیز مفید است؛ از جمله این که به اخذ تصمیم‌های واجد پذیرش و مشروعیت منتهی می‌شوند. با این وجود، این روش‌ها نقاط ضعفی نیز دارند؛ از جمله این که پرهزینه (دست کم در کوتاه مدت) و زمان‌بر هستند و اگر شرکت کنندگان به اهمیت آن‌ها واقف نباشند، استقبال چندانی از آن‌ها نخواهند کرد. احساس مسئولیت پاسخگویان^۳ (خواست و علاقه‌ی آنان برای مشارکت) و خستگی آنان (زمانی که به دلیل مراجعات مکرر، علاقه‌ی خود را به موضوع از دست می‌دهند) مشکلاتی هستند که باید شناسایی و مدیریت شوند. این نوع مشکلات هنگامی بیشتر پیش می‌آیند که مردم احساس کنند به نقش آن‌ها بهای چندانی داده نمی‌شود و امیدی به اثرگذاری نقش خود نداشته باشند. بنابراین، طراحی دقیق فرآیند مشارکت برای همسو کردن آن با انتظارات ذیمدخلان و اهمیت موضوع، ضروری است. هم‌چنین ضرورت دارد تا این فرایند به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد که منافع و علایق متغیر همه‌ی ذیمدخلان را پوشش دهد. منافع و میل مردم به مشارکت، در طول زمان و بسته به کم و کیف اتفاقات دستخوش تغییر می‌شود.

اغلب به هنگام صحبت از مشارکت و رفتارهای مشارکتی اجتماعات انسانی، از طیف‌ها یا پیوستارهایی استفاده می‌شود که مشارکت را بر اساس درجات مختلف نقش مردم و میزان شورایی بودن تقسیم‌بندی شده‌اند (ر. ک به قاب شماره‌ی شش).

1. Deliberation

2. Deleberativeness

3. Respondent Burden

برای مدیریت موضوع زحمت پاسخگویی و خستگی ناشی از پاسخگویی، باید بین تکنیک‌های مورد استفاده و موقعیت‌های جلب مشارکت، تناسب برقرار باشد. استفاده از تکنیک‌های شورایی فشرده‌تر، نه همیشه اما در موقعیت مناسب می‌توانند مفید باشند. در مواردی که یک پروژه برای اجرای عملیات خود دارای مجوز اجتماعی معتبری است ممکن است استفاده از تکنیک‌های اطلاع‌رسانی و مشاوره کافی باشد.

قاب شماره‌ی شش: نمونه‌ای از پیوستار دخالت اجتماع

طیف مشارکت عمومی انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی
انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی، پیوستاری برای کمک به تعریف نقش مردم در فرآیند مشارکت عمومی ارائه کرده است. این طیف به سرعت در حال تبدیل شدن به یک معیار بین‌المللی است.

افزایش تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری

توانمندسازی	همکاری	دخالت	مشورت	اطلاع‌رسانی	هدف مشارکت مردمی
سپردن تصمیم‌گیری نهایی به خود مردم	همکاری و ایفای نقش مردم در تمامی ابعاد تصمیم‌گیری شامل تعیین جایگزین‌ها و شناسایی راه حل ترجیحی	کار مستقیم با مردم در کل فرآیند جهت حصول اطمینان از این که دغدغه‌ها و خواسته‌های آنان مورد توجه قرار گرفته و در تصمیم‌گیری اعمال می‌شود.	در یافت بازخورد از مردم در زمینه تحلیل جایگزین‌ها و یا تصمیم‌ها	ارائه اطلاعات جامع و عینی به منظور کمک به مردم در فهم مساله، جایگزین‌ها، فرصت‌ها و راه حل‌ها	هدف مشارکت مردمی
مان‌چرا که شما تصمیم‌بگیرید اجرا خواهیم کرد.	ما با همکاری شما راه-حل‌هایی را تدوین خواهیم کرد و توصیه-ها و مشاوره‌های شما را تا جای ممکن در تصمیمات خواهیم گنجاند.	ما با شما کار می‌کنیم تا مطمئن شویم که دغدغه‌ها و خواسته-های شما مستقیماً در طراحی راهکارهای جایگزین دخالت داده شده و در مورد این که نقش و نظر شما چه تأثیری بر تصمیم‌ها خواهد داشت، بازخورد خواهیم داد.	ما شمارا در جریان امور قرار داده و به دغدغه‌ها و خواسته‌های شما گوش خواهیم داد. در مورد نحوه تأثیرگذاری نظرات شما در تصمیم‌گیری‌ها بازخورد داده و در مورد هر تصمیم یا پیشنهاد جدیدی نظر شمارا جویا خواهیم شد.	ما شمارا در جریان مسائل قرار خواهیم داد.	وعده به مردم

Source: International Association for Public Participation (<http://www.iap2.org>) (reproduced with permission)

گاهی گفته می‌شود که برای نشان دادن ارزش نقش مشارکت کنندگان و تضمین مشارکت بیشتر آنان در فرایندهای آتی تصمیم‌گیری، باید به آن‌ها و جوهی تحت عنوان حق جلسه پرداخت شود. گرچه ممکن است پرداخت حق جلسه در مواردی ایده‌ی خوبی باشد در عین حال نباید از نتایج معکوس احتمالی آن غافل بود. شاید موضوع مهم‌تر تضمین این موضوع باشد که مردم با مشاهده‌ی سازوکارهای مناسبی که برای جلب بازخوردها تعبیه شده و از طریق آن‌ها نظرات و آرای همه‌ی مردم گردآوری و به شیوه‌ی احترام‌آمیزی به آن‌ها پاسخ داده می‌شود، اطمینان حاصل کنند که صدایشان شنیده می‌شود.

با این حال تشویق مردم به مشارکت همیشه کار ساده‌ای نیست. در بسیاری از کشورها، فرهنگ مشارکت در فرهنگ اجتماعی و یا فرهنگ سیاسی این جوامع جایی ندارد. در مناطقی که رژیم‌های سرکوبگر قدرت را در دست داشته یا دارند ترویج مشارکت معنی‌دار و مؤثر، یا دشواری‌های خاصی روبروست و کارشناس‌اتا حتی با وجود ابراز حسن نیت خود نیز به سختی خواهد توانست مردم محلی را قانع کند که اظهاراتشان در مورد پروژهی پیشنهادی یا موجود، عواقبی به دنبال نخواهد داشت. به ویژه اگر مردم فکر کنند که دولت حامی مالی پروژه و یا کارشناس‌اتا نماینده‌ی دولت است، این مساله حادتر می‌شود.

هنگامی که جامعه صحنه‌ی اختلاف نظرهای جدی است، برای اطمینان از این که هیچ سرّی ناگفته نخواهد ماند، شاید استفاده از فرایندهای گروه-محور برای گردآوری اطلاعات ضرورت پیدا کند. در موقعیت‌های دیگری ممکن است مصاحبه ساخت‌نیافته با ساکنان محلی بهترین شیوه برای اطلاع کامل از تجارب زندگی در اجتماع مورد بررسی باشد.

در بعضی کشورها و برخی مداخلات برنامه‌ریزی‌شده، مساله این است که مردم تحت تأثیر پروژه آشنایی کافی با اقدام پیشنهادی ندارند. به عنوان مثال، برای مردمی که نمی‌دانند برق چیست، خطوط انتقال برق با ولتاژ بالا چه معنایی دارد؟ چه می‌دانند رآکتور اتمی چیست؟ با این حال، چنین موانعی را نیز می‌توان رفع کرد و همواره می‌توان راه‌هایی برای انتقال حسی از ماهیت تأثیرات قابل پیش‌بینی پیدا کرد. این بدان معنی است که فرآیند مشارکت زمان‌بر و نیازمند تفکر خلاقانه است. در همه‌ی موارد، باید مطمئن شد که شکل مشارکت مورد استفاده با ارزش‌های فرهنگ

محلی همخوانی دارد. مشارکت معنایی فراتر از گرفتن آراء و نظرات افراد منتخب و سپس نادیده گرفتن آن دارد. مشارکت در یک نمونه‌ی مطلوب اتا به معنی دخالت فعال مردم تحت تأثیر و مرتبط با یک مداخله در فرایندهای تصمیم‌گیری روشن و قابل فهم برای همه است. [۱۸]

II جابجایی و اسکان مجدد یکی از علل اصلی آسیب دیدن اجتماعات تحت تأثیر و یکی از مخاطرات اصلی پروژه‌ها است

پروژه‌های بزرگ، معمولاً جابجایی مردم و اختلال در نظم معیشت آن‌ها را به دنبال دارند. اجرای این پروژه‌ها و خدمات جانبی آن‌ها به اراضی وسیعی برای اموری مانند تامین مسکن کارگران، دفاتر، جاده‌ها، خطوط لوله، خطوط ریلی، مسیرهای انتقال برق، سدهای تامین آب و غیره نیاز دارد و ممکن است مستلزم جابجایی و اسکان مجدد صدها و حتی شاید هزاران نفر باشد. جابجایی و اسکان مجدد می‌تواند به تجربه‌ی دردناکی برای مردم تبدیل شده و به گسست در حس تعلق مکانی، شیوه‌ی معیشت، شبکه‌های اجتماعی و پیوستگی اجتماع آنان منجر شود. اسکان مجدد، یک منبع مهم مخاطرات حقوق بشری برای شرکت‌هاست. اما اگر پروژه‌ها به راستی و در عمل به اصل تولید ارزش و منافع مشترک پایبند باشند، می‌توان رنج عاطفی ناشی از جابجایی فیزیکی و اقتصادی را کاهش داد و منافع زیادی را از طریق اجرای مؤثر فرایندهای اسکان مجدد برای معشیت اجتماعات تحت تأثیر ایجاد کرد.

جابجایی و اسکان مجدد، آثار اجتماعی زیادی به همراه دارد، مخاطرات حقوق بشری پروژه را افزایش داده و نوعاً نیز برای پروژه‌ها پرهزینه هستند. از این رو نباید به راحتی به آن تن داد و در صورتی که این امر اجتناب‌ناپذیر باشد، باید همه‌ی گزینه‌های موجود برای کاستن از تعداد جمعیت نیازمند جابجایی، شناسایی شود. متأسفانه، اغلب هزینه و زمان لازم برای اسکان مجدد کمتر از میزان واقعی آن برآورد می‌شود و همین امر خود منجر به بروز تاخیر در اجرای پروژه‌ها و افزایش هزینه‌های آن‌ها می‌شود. درست همانند خود پروژه، اسکان مجدد نیز یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده است که تأثیرات اجتماعی وسیعی به دنبال دارد و فرآیندی است که باید با دقت مدیریت و به شیوه مشارکتی، برنامه‌ریزی و اجرا شود. هر فرایند اسکان

مجدد، همزمان در خود پتانسیل فقیرسازی^۱ اجتماع تحت تأثیر و یا ایجاد فرصت توسعه برای آنان به ویژه اگر همه‌ی امکان‌های ارتقای معیشت و ظرفیت تولید محلی در نظر گرفته شده باشد، دارد.

اسکان مجدد، فرآیند برنامه‌ریزی شده انتقال افراد و اجتماعات از یک محل به محل دیگر برای تملک اراضی مورد نیاز برای اجرای پروژه است. هدف فرآیند اسکان مجدد، بازاستقرار افراد در اجتماعاتی است که عملکرد مطلوبی داشته و از معیشت پایدار و مناسبی برخوردارند. دارایی‌های از دست رفته و هرگونه زحمت و نابسامانی ناشی از فرایند اسکان مجدد باید به طور کامل و منصفانه جبران شود. اسکان مجدد هنگامی اجباری خوانده می‌شود که محل احداث پروژه مشخص شده و شرکت بر پایه حق تصرف در اموال خصوصی برای منافع عمومی، آن را تملک می‌کند و در نتیجه اجتماعات محلی ساکن در آن عمدتاً چاره‌ای جز جابجایی و اسکان مجدد ندارند. اسکان مجدد زمانی اختیاری تلقی می‌شود که امکان استفاده و یا تهدید به استفاده از حق تصرف در اموال خصوصی برای منافع عمومی موضوعیت ندارد و مردم محلی در حالی که حق دارند از فروش اراضی خود استنکاف ورزند، آزادانه و در ازای جبران عادلانه و تأمین سایر مزایای معیشتی، اسکان مجدد را انتخاب کنند.

جابجایی فیزیکی به موقعیتی اطلاق می‌شود که در آن مردم به دلیل تملک اراضی توسط پروژه و یا سایر محدودیت‌های اعمال شده از جانب پروژه برای کاربری اراضی، مجبور به نقل مکان از محل زندگی خود می‌شوند. اما منظور از جابجایی اقتصادی، موقعیتی است که در آن مردم نه محل سکونت بلکه دارایی‌های دیگر خود و یا دسترسی به این دارایی‌ها (برای مثال، اراضی کشاورزی) را از دست می‌دهند و این امر منجر به گسست در معیشت و کاهش درآمد آن‌ها می‌شود.

در هر پروژه‌ای که باعث جابجایی فیزیکی و اقتصادی اجتماعات شود باید پیش‌بینی لازم برای جبران خسارات ناشی از آن صورت پذیرد و تضمین شود که راهکارهای موثری برای بهبود یا دست کم حفظ شرایط پیشین زندگی و معیشت مردم قبل از جابجایی وجود دارد. جابجایی فیزیکی باید طی یک فرایند رسمی اسکان مجدد صورت پذیرد. اما در جابجایی اقتصادی، مادامی که فرآیند منصفانه‌ای برای جبران

خسارت و جایگزینی و ارتقای معیشت مردم وجود داشته باشد، نیازی به فرایند رسمی اسکان مجدد نیست. انتظار می‌رود پروژه‌ها علاوه بر التزام به جبران و حمایت از احیای معیشت پیشین مردم و ارتقای آن، مزایا و منافع را نیز برای اجتماعات آسیب‌دیده در نظر گرفته و تأمین کنند. هم‌چنین لازم است تأثیرات اجتماعی پروژه بر اجتماعات میزبان (اجتماعاتی که میزبان مردم جابجا شده خواهند بود) مورد توجه قرار گیرد. مدیریت ریسک و تولید منفعت برای اجتماعات میزبان به اندازه‌ی مردم جابجا شده اهمیت دارد. باید توجه داشت که جبران خسارت، فقط به معنی پرداخت نقدی نیست، و باید مشتمل بر مجموعه‌ای از مداخلات مانند مساعدت اجتماعی، مهارت‌آموزی و غیره نیز باشد که برای بهبود وضعیت افراد تحت تأثیر پروژه یا دست‌کم حفظ شرایط زندگی و معیشت قبلی آن‌ها اجرا می‌شوند.

پروژه‌های بزرگ مصوب مراجع تصمیم‌گیری ملی، واجد اهمیت و منافع ملی قلمداد شده و اغلب برای به ثمر نشستن آن‌ها از حق دولت برای تصاحب اراضی (مصادره یا تصاحب اجباری) و دست‌کم امکان به کارگیری آن استفاده می‌شود. در نتیجه در بیشتر کشورها مقرراتی برای سلب مالکیت و استحقاق جمعیت‌های واجد شرایط اسکان مجدد تعریف شده است. اسکان مجدد در پروژه‌هایی که تأمین مالی آن‌ها از سوی بانک جهانی، مؤسسه مالی بین‌المللی، و یا سایر بانک‌های توسعه‌ی بین‌الملل یا سازمان‌های کمک‌رسان بین‌المللی، و یا نهاد مالی اصول اکواتور، صورت گرفته باشد، علاوه بر مقررات ملی، باید از استانداردهای بین‌المللی معینی نیز تبعیت کنند. رعایت این معیارهای بین‌المللی و اسکان مجدد مناسب می‌تواند هزینه‌های کلی و ریسک‌های پروژه را به شکل مؤثری کاهش دهد. این معیارها عبارتند از:

■ بانک جهانی: راهنمای عملی ۴،۱۲، اسکان مجدد اجباری^۱؛

■ مؤسسه‌ی مالی بین‌المللی: استاندارد عملکرد شماره‌ی ۵، تملک اراضی و اسکان مجدد اجباری^۲؛

■ اصول اکواتور (مطابق این اصول رعایت استاندارد اجرای شماره‌ی ۵ مؤسسه‌ی مالی بین‌المللی ضرورت دارد)^۳؛

1. <http://go.worldbank.org/96LQB2JT50>

2. <http://www.ifc.org/wps/wcm/>

3. <http://www.equator-principles.com/>

■ سایر بانک‌های توسعه‌ای دوجانبه و چندجانبه و سازمان‌های دوجانبه کمک‌رسان شرایط و مقررات خود را دارند.

این استانداردهای بین‌المللی، معمولاً رویه‌ها و انتظارات مشابهی دارند. در مراحل آغازین یک پروژه، باید چارچوب سیاست اسکان مجدد^۱ مشتمل بر سیاست پروژه و رویه‌های کلی مربوط به نحوه تملک اراضی، اسکان مجدد، جبران خسارت و احیاء و تقویت معیشت مردم تعیین شود. مهم است که این چارچوب در مراحل بسیار اولیه‌ی پروژه تعریف شود تا هیچ وعده‌ی غلطی در ابتدای پروژه به مردم به عنوان مثال در موضوعاتی چون مساحی اراضی^۲ و اکتشافات زمین‌شناختی و یا از سوی مشاورین اتا داده نشود. در ادامه باید یک برنامه‌ی عملیاتی اسکان مجدد^۳ برای تعیین جزییات فعالیت‌ها و اقدامات لازم برای اجرای اسکان مجدد طراحی شود. برای جلوگیری از رفتار فرصت‌طلبانه و سوداگرانه‌ی مردم محلی و مدیریت مهاجرت به داخل محدوده، باید در اسرع وقت فهرستی از منازل مسکونی، سایر ساختمان‌ها و تمامی دارایی‌ها تهیه شود. لازم است یک تاریخ قطعی برای خاتمه‌ی بررسی دارایی‌های مشمول جبران خسارت تعیین و اعلام شود که بعد از آن به هیچ درخواستی رسیدگی نخواهد شد. ارتباط خوب با اجتماعات تحت تأثیر و یک فرآیند منصفانه‌ی اسکان مجدد و جبران خسارت، می‌تواند دستیابی به یک اجماع گسترده بر سر ضرب‌الاجل پایان بررسی دارایی‌های مشمول جبران خسارت را تسهیل کند. چون اسکان مجدد در واقع پروژه‌ای درون پروژه بزرگ‌تر محسوب می‌شود باید بین اقدامات مربوط به اسکان مجدد و بقیه‌ی پروژه، هماهنگی بسیار زیادی وجود داشته باشد. ضرورت دارد اقدامات مربوط به فرآیند اسکان مجدد با برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی در سطح پروژه و برنامه‌های دیگر پروژه مانند برنامه‌ی ایمنی و بهداشت اجتماع، برنامه‌ی توسعه‌ی اجتماع، برنامه‌ی مشارکت ذیمدخلان، برنامه‌ی تدارک و اشتغال محلی و برنامه‌ی سلامت پیوند و هماهنگی کامل داشته باشد. در اسکان مجدد جمعیت‌های بزرگ، ممکن است برنامه‌های جداگانه‌ای برای مراحل مختلف فرآیند اسکان مجدد و جدای از کل پروژه وجود داشته باشد. در هر حال، وجود

1. Resettlement Policy Framework (RPF)

2. Land Surveying

3. Resettlement Action Plan (RAP)

برنامه‌ی احیاء و ارتقای معیشت^۱ به عنوان بخشی از برنامه‌ی عملیاتی اسکان مجدد ضرورت دارد. تازمانی که تمامی آثار سوء اسکان مجدد مدیریت نشده است نباید فرآیند اسکان مجدد را کامل و تمام شده تلقی کرد. در خاتمه‌ی پروژه باید یک ناظر مستقل و بیرونی، میزان پوشش همه‌ی آثار پروژه توسط مجریان، تفاوت استاندارد زندگی جمعیت جابجا شده با دوره قبل از جابجایی، نارضایتی‌های احتمالی مردم از فرایند اسکان مجدد، میزان پایبندی به استانداردهای بین‌المللی و مقررات ملی و اجرای تمام مفاد برنامه‌ی عملیاتی اسکان مجدد و برنامه‌ی احیاء و ارتقای معیشت را ارزیابی کند. نظارت پایان کار^۲ باید هنگامی اجرا شود که کلیه‌ی اقدامات جبرانی پیاده شده و اطمینان حاصل شود که افراد جابجا شده از همه‌ی فرصت‌ها و مساعدت‌های لازم برای احیای شیوه‌ی معیشت خود به صورت پایدار استفاده کرده‌اند. زمان مناسب برای انجام چنین کاری نه بلافاصله بعد از اتمام پروژه، بلکه سال‌ها پس از انجام جابجایی و اسکان مجدد است. پایداری یک فرایند اسکان مجدد، مستلزم خروج شرکت مجری پس از خاتمه‌ی مسئولانه‌ی فعالیت‌ها از اجتماع جابجا شده است. بنابراین، درست به همان شکل که در همان ابتدای پروژه، زمانی برای خاتمه‌ی فعالیت و بهره‌برداری از آن در نظر گرفته می‌شود، باید حین طراحی برنامه‌ی عملیاتی اسکان مجدد در مورد زمان خروج از اجتماع تحت تأثیر نیز برنامه‌ریزی کرد. برنامه‌ی خروج^۳، باید با موافقت اجتماع و تایید مقامات تصمیم‌گیر و ذیربط دولتی تعیین شود. به علاوه بسیار مهم است که حکومت محلی به لحاظ انسانی و مالی از ظرفیت کافی برای عهده‌داری امور مربوط به اجتماعات جدید حاصل از اسکان مجدد برخوردار باشد. این امر برای بهبود بلندمدت معیشت و زندگی مردم حیاتی است و از آن رو باید ایجاد این ظرفیت در حکومت محلی بخشی از برنامه‌ریزی برای خروج از قلمرو پروژه و خاتمه‌ی آن باشد.

به طور کلی، با رعایت استانداردهای بین‌المللی انتظار می‌رود در صورت امکان در هر پروژه‌ای:

■ با بررسی طرح‌های جایگزین پروژه، از جابجایی اجتناب شده یا حجم آن کاهش یابد؛

1. Livelihood Restoration & Enhancement Plan (LRP or LREP)
2. Completion Audit
3. Exit Plan

- با مذاکره و حصول توافق، ضرورت تخلیه‌ی اجباری از بین برود؛
- تأثیرات منفی اجتماعی، اقتصادی و حقوق بشری پیش‌بینی و کاهش داده شود؛
- زمینه انتقال درست اطلاعات و مشارکت آگاهانه افراد تحت تأثیر پروژه فراهم شود (به معنی تأمین رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه)؛
- تضمین شود که دیدگاه‌های زنان اخذ و علایق و منافع آن‌ها در تمامی ابعاد برنامه‌ریزی و اجرای اسکان مجدد لحاظ می‌شود؛
- رویه‌های جبران خسارت به شیوه‌ی شفاف و یکسان در مورد تمامی افراد و اجتماعات اعمال شود؛
- خسارات وارده به دارایی‌ها به طور کامل و برابر هزینه‌ی جایگزینی آن‌ها صورت پذیرد؛
- از پرداخت خسارت به صورت نقدی، دست کم به افراد آسیب‌پذیر، اجتناب شود، یعنی با جبران خسارت به صورت غیرنقدی مانع هدررفت دارایی‌های آن‌ها شود؛
- اصل «زمین در برابر زمین» رعایت شود- جایی که معیشت افراد جابجا شده به زمین وابسته است یا مالکیت زمین به صورت مشاع است، جبران خسارت باید به صورت زمین معوض انجام شود؛
- معیشت و گذران زندگی افراد جابجا شده بهبود پیدا کند؛
- افراد و گروه‌هایی که ممکن است به خاطر محرومیت یا آسیب‌پذیری شان بیش از سایرین تحت تأثیر آثار سوء پروژه قرار گرفته باشند، شناسایی شده و تدابیری اندیشیده شود تا این افراد به مزایا و فرصت‌های توسعه دسترسی داشته باشند؛
- با فراهم کردن مسکن کافی و بهبود یافته همراه با امنیت تصرف در محدوده‌های سکونت‌ی حاصل از اسکان مجدد، شرایط زندگی افراد جابجا شده را بهبود بخشد؛
- افراد تحت تأثیر پروژه از حق انتخاب برخوردار باشند و به اجتماعات در خصوص دارایی‌ها و منابع اجتماع مشورت داده شود؛
- فرصت‌هایی برای اجتماعات و افراد جابجا شده ایجاد شود تا بتوانند از مزایای توسعه‌ای پروژه بهره‌مند شوند؛
- برای مدت زمان معقولی در دوره‌ی گذار از مردم حمایت شود تا بتوانند به سطوح درآمد، تولید و استاندارد زندگی قبل از جابجایی بازگردند؛

- تلاش شود تا لازم نباشد مردم بیش از یک نوبت جابجا شوند؛
- حتی المقدور در ابتدای فعالیت پروژه ساز و کارهای اعلام و رسیدگی مؤثر به شکایات و نارضایتی‌ها تعریف شود؛
- رویه‌هایی برای پایش و ارزشیابی اجرای برنامه‌ی عملیاتی اسکان مجدد و برنامه‌ی احیای معیشت وجود داشته باشد تا در صورت لزوم اقدام اصلاحی انجام شود.

یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌انگیزترین ابعاد اسکان مجدد، موضوع جبران خسارت است. جایی که مردم به لحاظ فیزیکی جابجا شده‌اند، حامیان و طرفداران پروژه باید با فراهم کردن مسکن جایگزین و کمک به آن‌ها جهت احیاء و بهبود معیشتشان، آنها را مجدداً اسکان دهند. در صورتی که مردم به لحاظ اقتصادی دستخوش جابجایی شوند، مستحق جبران دارایی‌های از دست رفته و دریافت کمک برای احیاء و ارتقای معیشت هستند. یکی از شروط استاندارد‌های بین‌المللی این است که جبران خسارت باید بر اساس ارزش دارایی از دست رفته به هنگام جابجایی، محاسبه شده و هم‌چنین به تأثیر تورم در فاصله‌ی زمانی تعیین خسارت و پرداخت آن توجه شود. اگر ارزش دارایی‌های از دست رفته فراتر از میزانی باشد که مردم به‌طور عادی قادر به تحمل و مدیریت آن هستند، پرداخت خسارت باید به‌صورت غیرنقدی باشد. پرداخت زیاد به‌صورت نقدی می‌تواند برای پروژه مشکل‌آفرین بوده و بلافاصله منجر به تورم محلی شود و حتی ممکن است به جای سرمایه‌گذاری در احیاء و ارتقای پایدار معیشت، منابع را به سوی خرید کالاهای مصرفی سوق دهد. تجارب گذشته به کرات نشان داده است که جبران نقدی خسارت، عامل اصلی ایجاد فقر در اجتماعات در معرض اسکان مجدد است. بخشی از برنامه‌ی احیاء و ارتقای معیشت مردم باید بر ظرفیت‌سازی در اجتماع تحت تأثیر برای فراگیری شیوه‌ی مدیریت دارایی‌ها متمرکز باشد. باید از طریق بررسی، فرصت‌هایی را برای دخالت دادن افراد مشمول جابجایی در فرایندهای اسکان مجدد شناسایی و پیدا کرد.

سالانه میلیون‌ها نفر در معرض برنامه‌های جابجایی و اسکان مجدد قرار می‌گیرند و عواقب آن دیگر بر کسی پوشیده نیست. با این وجود متأسفانه هنوز برنامه‌های جابجایی و اسکان مجدد به درستی و با موفقیت اجرا نمی‌شوند. از

مجموع تجارب موجود می‌توان درس‌هایی آموخت. اول این که اسکان مجدد بیشتر به مردم تحمیل می‌شود و به همین دلیل یافتن فرصت‌هایی برای توانمندسازی افراد طی این فرآیند و دادن آزادی و حق انتخاب به آن‌ها مهم است. دوم این که اسکان مجدد برای افرادی که در معرض آن هستند، تجربه‌ای تلخ و تکان‌دهنده است، لذا توجه به نیازهای عاطفی و سلامت آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. با همفکری و مذاکره با مردم می‌توان راه‌هایی را برای اثرگذاری مثبت فرایند اسکان مجدد بر تقویت اجتماع پیدا کرد. برای مثال، می‌توان ابتدا افراد کلیدی و مهم اجتماع را جابجا کرد و این افراد نقش کمیته‌ی استقبال را برای سایرین بازی کنند. برگزاری مراسم خداحافظی از محل سکونت قدیمی و برگزاری جشن ورود به محل سکونت جدید، مهم است. باید به مردم فرصت داد تا حس دلتنگی خود نسبت به گذشته و هیجان و شادی خود را در مورد هر آنچه جدید است، ابراز کنند. برای تضمین نگرش مثبت نسبت به تغییرات در بین مردم، باید به نگرانی‌های آنان توجه کرد و در اسرع وقت به آن‌ها واکنش نشان داد. برخی دیگر از درس‌آموخته‌های اسکان مجدد عبارتند از:

۱. همواره هزینه و زمان لازم برای اسکان مجدد کمتر از میزان واقعی آن برآورد می‌شود.
۲. شروع به موقع، حیاتی است و برنامه‌ریزی برای اسکان مجدد باید در فرآیند برنامه‌ریزی پروژه گنجانده شود.
۳. باید برای گسترش پروژه، برنامه‌ریزی وجود داشته باشد. افراد نباید در مکان‌هایی اسکان داده شوند که در آینده مجبور شوند از آن‌جا به نقطه‌ی دیگری نقل مکان کنند. قلمرو جغرافیایی و اراضی مورد نیاز برای گسترش پروژه در آینده، باید در مقابل مهاجرت جمعیت از سایر مناطق حفظ شود.
۴. زمان بین طراحی و تصویب برنامه‌ی اسکان مجدد و اجرای آن باید به حداقل کاهش یابد. هراندازه این زمان طولانی‌تر باشد، اجرای برنامه سخت‌تر می‌شود.
۵. برای حصول نتایج مورد انتظار و موفق در اسکان مجدد، به‌ویژه موضوع احیاء و ارتقای معیشت افراد، ویژگی‌های محل اسکان جدید بسیار حیاتی است. انتخاب محل اسکان جدید باید بر اساس طیفی از معیارهای مختلف مانند دوری از محل اسکان

قبلی و میزان سازگاری و ویژگی‌های آن (یعنی کیفیت زمین، ذخیره آب و بهره‌وری کشاورزی) با معیشت افرادی که قرار است جابجا شوند، صورت گیرد.

۶. به طور طبیعی اسکان مجدد یک فرآیند هزینه‌بر و گران است. با این حال، اگر به درستی انجام شود هزینه‌ی کلی و دراز مدت آن برای پروژه بسیار کم خواهد بود. به علاوه هزینه‌های اجرای نادرست آن بسی بیشتر از منافع ناشی از اجرای درست آن است.

۷. سلب مالکیت از اراضی و دارایی‌ها باید آخرین چاره و راه‌حل باشد. تملک اراضی اغلب به زمانی بیش از آنچه در بدو امر به نظر می‌رسد نیاز دارد و می‌تواند به شکل‌گیری نگاه منفی در بین ذیمدخلان و تحریک مخالفت با پروژه منجر شود. سلب مالکیت مانع صدور مجوز اجتماعی برای عملیات پروژه یا شرکت مجری می‌شود. مذاکره با مردم برای آن که به صورت داوطلبانه در فرایند اسکان مجدد مشارکت داشته باشند احتمالاً بسیار مؤثرتر از تکیه بر قدرت تصاحب زمین عمل خواهد کرد.

۸. مردم در معرض جابجایی در طراحی مسکن جایگزین مشارکت داشته باشند.

۹. باید مراقبت کرد تا در طول جلسات مشاوره یا از طرف کارکنان پروژه در جریان فعالیت‌های آغازین پروژه، انتظارات نامعقولی ایجاد نشود. همه‌ی وعده‌ها یا پیشنهادات باید در دفتر ثبت تعهدات، ضبط و نگهداری شوند.

۱۰. برنامه‌ریزی حرفه‌ای و مذاکره کافی با اجتماع، کلید موفقیت برنامه‌ی اسکان مجدد است. میانبر زدن‌ها جز تعویق مشکلات ثمری ندارد.

مایکل سرنی^۱ هشت مخاطره‌ی عمده‌ی جابجایی جمعیت ناشی از پروژه‌ها و اسکان مجدد را در زمینه‌ی افزایش فقر بدین شرح شناسایی کرده است: از دست دادن زمین؛ بیکاری؛ بی‌خانمانی؛ حاشیه‌ای شدن؛ افزایش بیماری و مرگ و میر؛ ناامنی غذایی؛ عدم دسترسی به دارایی مشترک و ازهم‌گسیختگی اجتماعی. تامل در باب این مخاطرات و اعمال راهبردهایی برای مقابله با آن‌ها برای موفقیت برنامه‌ی اسکان مجدد و توفیق پروژه‌ها در تولید منافع و ارزش‌های مشترک، اهمیت کلیدی دارد. فرآیندهای اسکان مجدد هنگامی به اسکان مجدد موفق می‌انجامند که محوریت

آن‌ها زمین^۱ باشد، فرصت‌های اشتغال و سایر فرصت‌های جایگزین تامین معیشت را شناسایی کنند، برای سکونت مردم مسکن احداث کرده و فرایندهایی را برای پیوند دوباره‌ی مردم در قالب یک اجتماع دنبال کنند، مشوق‌ها و گزینه‌هایی برای مشارکت مردم در نظر بگیرند، مراقبت‌های اولیه‌ی بهداشتی و پیشگیرانه را فراهم کنند، تغذیه‌ی مناسب و امنیت غذایی و آبی را تضمین کنند، دارایی‌های اجتماع را احیاء و یا جایگزین کرده و عدم دسترسی به آن‌ها را کاهش دهند و سرمایه‌ی اجتماعی ایجاد کنند. [۱۹]

II سهم محلی به ایجاد ارزش مشترک^۲ کمک می‌کند

سهم محلی در ساده‌ترین صورت‌بندی خود به معنی الزام، انتظار یا تعهد یک شرکت به حفظ ارزش در کشور، منطقه و یا اجتماع میزبان از طریق فرصت‌های تامین نیروی کار و یا تدارکات مورد نیاز پروژه است. علاوه بر این، سهم محلی بر فلسفه‌ای در مورد ارزش مشترک متکی است که مطابق آن یک شرکت با اتخاذ راهبردهایی می‌تواند برای انتفاع بیشتر و توانمند خود و اجتماع محلی، سهم اجتماع محلی را از منافع حاصل از فعالیت‌ها افزایش دهد. برای مثال، یک شرکت می‌تواند با تامین کنندگان محلی بالقوه خود کار کند تا ظرفیت و امکان کسب صلاحیت برای تامین تدارکات محلی پروژه را به دست بیاورند و یا شرایط انتخاب تامین کنندگان خدمات و کالاهای مورد نیاز را به گونه‌ای تنظیم و تعریف کند که کسب و کارهای محلی به سادگی و به صورت تصنعی از فهرست متقاضیان حذف نشوند. در بعضی از کشورها پابندی به سطح معینی از سهم محلی الزام‌آور است. البته مفاهیم «محلی» و «سهم» در کشورهای مختلف و گاهی حتی در یک کشور، به شیوه‌های متفاوتی تعریف می‌شوند، در نتیجه کارشناسان باید به خوبی از سیاست‌ها، مقررات و شروط قراردادها و انتظارات ذیمدخلان در جایی که به پروژه ارتباط پیدا می‌کند، آگاه باشد. سهم محلی یکی از بهترین زمینه‌ها و فرصت‌های کسب مجوز اجتماعی برای عملیات شرکت‌ها به شمار می‌رود. البته در بیشتر پروژه‌ها به آموزش مردم محلی برای استفاده از فرصت‌های اشتغال فراهم شده

1. Land-based Resettlement

2. Shared Value

توسط پروژه و حمایت از کسب و کارهای محلی برای تامین نیازهای پروژه، توجه چندانی نمی‌شود و در نتیجه فرصت‌های توسعه‌ی اجتماع محلی از دست می‌رود. رشد و اجرای سیاست‌های تامین سهم محلی، اهداف متضاد و چالش‌هایی را آشکار کرده است که بخش خصوصی و دولت‌ها به هنگام طراحی سهم محلی در راستای کمک به توسعه‌ی پایدار منطقه، ارتقای رفاه و کیفیت زندگی اجتماعات محلی و اولویت‌های ملی توسعه و سیاست‌های صنعتی، با آن مواجه می‌شوند. دولت‌ها با این سیاست‌ها، دامنه‌ی وسیعی از اهداف چون ایجاد اشتغال، توسعه‌ی بخش‌ها یا صنایع خاص، ظرفیت‌سازی، تولید دانش، انتقال مهارت و فناوری و رفع عدم تعادل‌های تجاری را دنبال می‌کنند. نگرش شرکت‌ها به سهم محلی در سال‌های اخیر متحول شده است. در بدو امر انگیزه‌ی اولیه شرکت‌ها در بیشتر موارد رعایت تعهدات رسمی نسبت به کشور میزبان، شریک سرمایه‌گذار، یا اجتماع بومی بود و پایبندی به سهم محلی بیشتر با هدف تضمین دسترسی به منابع رعایت می‌شد. اما به مرور شرکت‌های پیشرو به سوی ایجاد و حفظ همکاری پایدار با ذیمدخلان محلی با هدف خلق سود متقابل و ارزش مشترک از طریق این سیاست‌ها تمایل پیدا کردند و همچنین به ارزش کاهش وابستگی به نیروی کار مهاجری پرداختند.

اما می‌تواند ابزار ارزشمندی در تقویت راهبردهایی باشد که تامین سهم محلی را از منظر توسعه‌ی منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌دهند. به این معنی که تامین‌کنندگان منابع مالی پروژه‌ها و دولت‌های محلی می‌توانند با طراحی راهبردهای تامین سهم محلی اطمینان حاصل کنند که شرکت‌های خارجی با تامین نیازهای خود از طریق کسب و کارهای محلی و استفاده از نیروی کار مردم بومی به توسعه‌ی منطقه‌ای کمک می‌کنند. سهم محلی از طریق اثر ضریب فزاینده^۱ می‌تواند سبب تحریک فعالیت اقتصادی و تشویق سرمایه‌گذاری و اشتغال بیشتر در اقتصاد محلی شود. یک اقتصاد محلی پر رونق نیز پای تامین‌کنندگان جدید را به منطقه باز می‌کند و منجر به شکل‌گیری مبنای تامین^۲ رقابتی‌تر و همچنین کاهش وابستگی اجتماع به یک صنعت واحد می‌شود.

1. Multiplier Effect

2. Supply Base

یک گام مهم، شروع کار با انجام یک تحلیل اجتماعی- اقتصادی مقدماتی برای تعیین شرایط مبنایی در اجتماع میزبان شامل؛ سطح کنونی وابستگی اقتصادی جامعه میزبان به بخش اقتصادی مورد نظر، صنایع خاصی که به دلیل روابط و اثرات ضریب فزاینده‌شان باید به فعالیت در منطقه تشویق شوند، و حضور یا غیاب شرایط مساعد برای تامین سهم محلی مرتبط با پروژه مورد نظر است. این کار مستلزم تحلیل شاخص‌های مختلفی نظیر سهولت کسب و کار، میزان دسترسی به خدمات ضروری، زیرساخت‌های محلی، سلامت کسب و کار محلی، و میزان تنوع و امکانات اجتماعات محلی برای عهده‌داری مسئولیت ایجاد ظرفیت‌های بیشتر برای بهره‌مندی از فرصت پروژه است.

یکی از شاخص‌های مهم سلامت اقتصاد محلی، میزان وابستگی آن به یک یا چند بخش در سطح منطقه است. سهم یک صنعت در بازار را می‌توان با بررسی میزان تمرکز اشتغال در آن صنعت معین تخمین زد. تنوع بخشی فعالیت‌های اقتصادی از طریق برنامه‌های ارتقای پروژه و سرمایه‌گذاری اجتماعی، یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل وابستگی اقتصاد محلی به یک یا چند صنعت محدود است. البته تحقق توسعه پایدار منطقه‌ای نیازمند بررسی و توجه به مجموعه‌ی وسیع‌تری از موضوعات و فواید شاخص‌های سنتی سلامت اقتصاد است. هم‌چنین توجه به سایر عوامل مؤثر بر سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی اقتصادی، و سرمایه‌ی نهادی از اهمیت زیادی برخوردار است.

با مطالعه‌ی جامع قابلیت‌های تامین‌کنندگان^۱، می‌توان تامین‌کنندگان بالقوه‌ی محلی را شناسایی کرد. اقداماتی که در این راستا باید انجام شوند عبارتند از:

۱. استفاده از افرادی که مسئولیت مدیریت قراردادها را برعهده دارند به منظور شناخت عمیق از عرضه‌کنندگان کنونی کالاها و خدمات، استراتژی‌های عقد قرارداد، شرایط مصرف‌کننده‌ی نهایی و تناسب آن با سهم محلی بر اساس معیارهای مختلف؛
۲. شناسایی/ نقشه‌برداری از طیف کسب و کارهای مربوط به بخش‌های اقتصادی موجود در زنجیره‌ی تامین مجری؛

۳. تحلیل کلان بخش‌های اقتصادی بر اساس میزان جذابیت آن‌ها برای سهم محلی؛

۴. اولویت‌بندی؛

۵. تحلیل عمیق زنجیره‌ی ارزش در بخش‌های اقتصادی منتخب و شکاف توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها در تامین‌کنندگان بالقوه؛

۶. طراحی راهبرد رقابت‌پذیری برای بخش‌های اقتصادی هدف؛

۷. طراحی برنامه‌ی عملیاتی؛

۸. پایش میزان پیشرفت.

ورود به موضوع نیروی کار محلی در گام نخست نیازمند تحلیل تقاضای کار مستقیم و غیر مستقیم در مراحل مختلف پروژه است. در گام دوم باید انطباق مهارت‌های نیروی کار موجود با مهارت‌های مورد تقاضای پروژه بررسی و ترسیم شود. یکی از داده‌های مهم برای تحلیل شکاف عرضه و تقاضای نیروی کار، تحلیل شکاف کیفیت در نهادهای دانشگاهی و مراکز آموزش مهارتی به ویژه در رشته‌های مهندسی و آموزش فنی و حرفه‌ای است که از طریق ارزیابی زیرساخت‌ها، تجهیزات، برنامه‌ی درسی، آموزش و ظرفیت‌ها صورت می‌گیرد. گام نهمی، طراحی و اجرای مداخلات آموزشی و مهارت‌آموزی متکی بر یک رویکرد مشارکتی است. به این ترتیب پروژه می‌تواند نیروی کار مورد نیاز خود را به صورت محلی تامین کند.

راهبردهای تامین سهم محلی همانند سایر مداخلات پروژه، باید برای اطمینان از این که آثار اجتماعی منفی برای اجتماع تحت تأثیر به دنبال ندارند، مورد ارزیابی قرار گیرند. برای نمونه، ممکن است اجرای این راهبردها سبب کاهش منابع برای سایر کسب و کارها و خدمات در سطح محلی (مانند بخش دولتی و یا افراد دارای درآمد ثابت) و در نتیجه کاهش ظرفیت این بخش‌ها شود. وابسته شدن کسب و کارهای محلی به چرخه‌های پروژه ممکن است به آسیب‌پذیری آن‌ها بیانجامد. مساله‌ی بالقوه‌ی دیگر، محدود کردن سهم محلی به قراردادهای کوچک و با مبالغ پایین با مردم محلی است که به دلیل عدم انطباق با انتظارات آنان می‌تواند موجب نارضایتی‌شان شود. عقد قرارداد با گروه‌های خاص و یا استخدام آن‌ها (که ممکن است به صورت ناخواسته و به دلیل ضعف گزارش نمایه‌ی اجتماع روی دهد) می‌تواند بر انسجام اجتماعی تأثیر منفی برجای گذاشته و پدیده‌ی تسخیر توسط خواص^۱ را تقویت کند. چنین موضوعاتی باید به طور منظم به عنوان بخشی از تحلیل داده‌های پایه‌ای اجتماع

1. Elite Capture

و هم‌چنین در ارزیابی ریسک قبل از اجرای برنامه‌های استفاده از نیروی کار محلی یا تامین‌کنندگان محلی، مورد توجه قرار گیرند. [۲۰]

II برای خاتمه‌ی 'پروژه از همان ابتدا برنامه‌ریزی کنید

اصولاً پروژه‌ها دوره‌ی زمانی مشخصی دارند. عمر شماری از آن‌ها به چند دهه می‌رسد و برخی دیگر طول عمر کوتاه‌تری مانند چند سال یا حتی کمتر از آن دارند. در بعضی از آن‌ها، تصمیم در مورد زمان خاتمه‌ی فعالیت و جمع‌آوری پروژه از قبل و به هنگام طراحی اولیه آن و تایید مجوزها گرفته می‌شود. اما در بخش‌هایی مانند صنایع استخراجی، طول عمر پروژه‌ها به دلیل نوسان قیمت کالاها عموماً نامشخص است و ممکن است فعالیت پروژه به شکل غیرمنتظره‌ای از تولید با حداکثر ظرفیت و افق دراز مدت به سوی کاهش عملیات، تعطیلی موقت یا تعطیلی دائمی تغییر کند. تعطیلی زود هنگام پروژه ممکن است به دلیل فقدان مجوز اجتماعی اجرای عملیات و در نتیجه شکل‌گیری اعتراضات علیه آن نیز روی دهد. پروژه‌هایی که در مرحله‌ی ساخت به نیروی کار فراوان و در مرحله‌ی بهره‌برداری به نیروی کار کمی نیاز دارند (مانند ساخت سدها) باید برای خاتمه‌ی مرحله‌ی ساخت و شروع مرحله‌ی بهره‌برداری (یعنی مرخص کردن نیروی کار^۱) درست به مانند مرحله‌ی خاتمه و جمع‌آوری پروژه برنامه‌ریزی کنند؛ چرا که دست کم از منظر اجتماعی تفاوتی بین این دو مرحله وجود ندارد. امروزه دیگر ضرورت تعیین زمانی برای اختتام پروژه‌ها که به تناسب شرایط پروژه دائماً به روز می‌شود، بر کسی پوشیده نیست. این موضوع به ویژه اگر پروژه و یا محیط فعالیت آن در معرض تغییرات زیادی باشد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. برنامه‌ریزی مرحله‌ی خاتمه، مخصوصاً در مورد پروژه‌های جدید و یا پروژه‌های در حال اجرا که فاقد استراتژی معینی برای این مرحله هستند، ضروری است و در عین حال مناسب است تأثیرات اجتماعی آن در فرایند اتمورد توجه قرار گیرد.

خاتمه‌ی پروژه به‌ویژه زمانی که اجتماعی نیز به لحاظ اقتصادی به آن وابسته باشند، می‌تواند تأثیرات اجتماعی جدی به دنبال داشته باشد و در صورت عدم

1. Closure

2. Workforce Mobilisation

مدیریت مطلوب تأثیرات زیست محیطی و عدم اجرای موفق توانبخشی اجتماعات تحت تأثیر می‌تواند سبب بروز تأثیرات غیر مستقیم اجتماعی نیز شود. برای مثال، زهکشی و یا دیگر اشکال آلودگی‌های زیست محیطی معادن اسیدی، ممکن است تا مدت‌ها بعد از خاتمه‌ی پروژه ادامه یافته و بر معشیت و سلامت افرادی که در مجاورت این معادن زندگی می‌کنند، تأثیر جدی برجای بگذارد.

پروژه‌ها باید از همان آغاز یک استراتژی برای مرحله اختتام داشته باشند. اختتام پروژه، اقدام ساده‌ای نیست و شامل فرایندی از فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی اختتام، برچینش^۱، پایان فعالیت‌ها^۲ و پسااختتام^۳ پروژه می‌شود. هدف فعالیت‌های مرحله برچینش، ایجاد آمادگی لازم برای توقف کامل فعالیت‌ها و بررسی گزینه‌های مختلف در دوره‌ی پسااختتام است. برچینش باید مدت‌ها قبل از توقف عملیات صورت گیرد تا بتوان گزینه‌های موجود را بررسی و قبل از اجرا، در مورد آن‌ها با ذیمدخلان مذاکره و گفتگو کرد. پسااختتام به مرحله‌ی بعد از پایان فعالیت‌ها گفته می‌شود که مشتمل بر فعالیت‌های مداوم پایش و نگهداری است. هدف این مرحله حصول اطمینان از کنترل و کاهش همه‌ی مخاطرات موجود زیست محیطی، بهداشتی و ایمنی فرایند اختتام و تحقق همه‌ی مزایای اجتماعی وعده داده شده است.

برنامه‌ریزی برای اختتام پروژه باید فرایندی مبتنی بر مذاکره با اجتماعات محلی و سایر ذیمدخلان باشد. تصمیم‌های مهم مربوط به چگونگی اختتام اغلب تأثیرات بلندمدتی بر اجتماعات پیرامون آن دارند و از این رو لازم است با مشارکت این اجتماعات اتخاذ شوند. اولین و مهم‌ترین موضوع، تأثیر خاتمه‌ی پروژه بر از دست رفتن مشاغل است. برای شناسایی فرصت‌های اقتصادی در دوره پسااختتام و بازآموزی مهارت‌ها، می‌توان کارهای زیادی انجام داد. اغلب یکی از دغدغه‌های اصلی اجتماعات پیرامون پروژه، کاربردهای جایگزین سایت پروژه در آینده است. شناسایی کاربری‌های آتی بالقوه‌ی ساختمان‌های پروژه و سایر زیرساخت‌ها و محوطه‌ی پروژه از سوی اجتماع محلی می‌تواند مزایای کلی پروژه را برای اجتماع مورد نظر افزایش دهد. اجتماعات محلی ممکن است تصمیم بگیرند که تأسیسات تولید برق و تصفیه‌ی آب

1. Decommissioning

2. Cessation

3. Post-closure

و سایر زیرساخت‌ها را در اختیار دولت محلی و اپراتورهای دیگر قرار دهند (البته این کار مستلزم تفویض اختیار است که باید مورد بررسی قرار گیرد). در مورد سرنوشت سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی و سایر اقدامات خیریه‌ای و بشردوستانه‌ی شرکت نیز باید تصمیم‌های لازم اتخاذ شود.

برای تضمین مجوز اجتماعی عملیات پروژه و خوش‌نامی شرکت، هیچ موضوعی به اندازه شفافیت کامل و ارتباط با اجتماعات محلی به نفع شرکت نیست. مردم محلی به طور بالقوه بیشترین تأثیر را از تعطیلی پروژه می‌پذیرند و لذا باید به آن‌ها اجازه داد که در این مورد نیز خود تصمیم بگیرند. لازم است برنامه‌های آن‌ها برای دوره پس‌اختتام به خوبی بررسی شود. تصمیم آن‌ها در مورد گزینه‌های پیش‌رو ممکن است در طول زمان و در اثر دسترسی و پردازش اطلاعاتی که در اختیار دارند، دستخوش تغییر شود. آنها هستند که در نهایت باید تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند بمانند، بروند، بفروشند یا بخرند. وقتی اهداف و برنامه‌های اجتماع محلی شناخته شد می‌توان تأثیرات احتمالی اختتام پروژه را تعیین و اقدامات این مرحله را با اولویت‌های مردم هماهنگ کرد.

فرایند اختتام پروژه هنگامی نهایی می‌شود که به همه‌ی موضوعات زیر رسیدگی شده باشد:

۱. فرآیندهای اسکان مجدد و فعالیت‌های مرتبط با حفظ و ارتقای معیشت، کامل شده و یا طرحی واقع بینانه برای تداوم آن‌ها ارائه شده باشد؛
۲. همه‌ی خسارت‌های تعهد شده جبران شده باشد؛
۳. به همه‌ی تعهدات ثبت شده و همه‌ی مفاد توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع (یا هر توافق دیگری در مورد توسعه‌ی اجتماع) عمل شده باشد؛
۴. به همه‌ی شکایت‌های ارائه شده، رسیدگی شده باشد؛
۵. با مشورت تمامی ذیمندخلان، طرحی در مورد این که نحوه‌ی استفاده از تأسیسات و زیرساخت‌های برجای مانده از پروژه توسط اجتماع محلی و یا برچیده شدن آن‌ها، تهیه شده باشد؛
۶. اقدامات لازم برای حصول اطمینان از این که منطقه ایمن و وضعیت آن تثبیت شده است، مانند پوشاندن چاه‌ها و پاکسازی تمامی مواد شیمیایی، انجام گرفته باشد؛

۷. کلیه‌ی امور مربوط به کاربری محوطه‌ی پروژه مطابق با مقررات موجود و تعهدات، انجام شده باشد؛
۸. فعالیت‌های مربوط به کاهش آثار اجتماعی و زیست‌محیطی بطور کامل انجام شده و در صورت لزوم، ساز و کار مناسب برای تداوم آن‌ها در نظر گرفته شده باشد؛
۹. فرایندی برای پایش مداوم شاخص‌های کلیدی اجتماعی و زیست‌محیطی و فراتر از آن رویه‌ای برای واکنش به تغییرات کلیدی وجود داشته باشد؛
۱۰. راهبرد مدیریت پایدار برای همه‌ی برنامه‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی وجود داشته باشد؛
۱۱. یک منبع مالی یا سازوکار اضطراری برای مواجهه با رویدادها و موضوعات پیش‌بینی نشده مربوط به پروژه در آینده، وجود داشته باشد.

نشر همشده‌ی

آگاهی شرکت‌ها از این موضوع که تصویب پروژه (صدور مجوز زیست‌محیطی) و پذیرش آن از سوی اجتماع محلی به این شرط بوده است که نه تنها خسارت و صدمه‌ای به اجتماع محلی وارد نمی‌کند، بلکه منافعی معینی نیز برای آن دربردارد، بسیار حائز اهمیت است. صرف نظر از هرگونه تغییر در شرایط، شرکت موظف است به تعهداتش وفادار بماند.

اختتام پروژه یک فرآیند پرهزینه است. چالش اصلی این است که بیشتر هزینه‌های مرتبط با اختتام پروژه، بعد از اتمام فعالیت و درآمدزایی آن ایجاد می‌شوند، در نتیجه لازم است تامین مالی مرحله اختتام پیش از فرارسیدن آن و در مرحله عملیاتی و درآمدزایی پروژه صورت گیرد. بدین منظور باید هزینه‌های احتمالی مرحله‌ی اختتام به دقت تخمین زده شده و منابع مالی مورد نیاز تا زمان شروع آن بلوکه شود. متأسفانه، برآورد هزینه‌های اختتام پروژه معمولاً به درستی صورت نمی‌گیرد و بسیاری از شرکت‌ها قادر نیستند به تعهدات خود در این مرحله عمل کنند. به همین دلیل، در بسیاری از کشورها مجریان پروژه‌ها در مرحله‌ی کسب مجوز اجرای پروژه، وادار به پذیرش ضمانت‌نامه‌ی زیست‌محیطی می‌شوند. این ضمانت‌نامه تضمین می‌کند که منابع مالی لازم برای مرحله‌ی اختتام پروژه پیش‌بینی و تامین شده است. متأسفانه، در بیشتر موارد این ضمانت‌نامه‌های زیست‌محیطی تنها بخشی از هزینه‌های واقعی

باززنده‌سازی اجتماع تحت تأثیر را پوشش می‌دهند و تأثیر تورم در افزایش هزینه‌های اختتام پروژه در آن‌ها لحاظ نمی‌شود. از این رو، بهبود نظام کنونی تضمین پوشش هزینه‌های اختتام پروژه ضروری است. علاوه بر این لازم است مرجعی بر اجرای درست فرایند اختتام پروژه و رعایت مسایل و شرایطی که به آن‌ها اشاره شد، نظارت کند و در صورت تایید آن مرجع، ضمانت‌نامه زیست‌محیطی آزاد شود.

میراث مثبت و نهایی یک پروژه برای اجتماعات میزبان آن، کمک به توسعه پایدار آن‌هاست، به شکلی که توسعه در این اجتماعات پس از خاتمه‌ی پروژه نیز ادامه پیدا کند. بدین منظور باید اهداف راهبردی و بلندمدت شرکت هم‌راستا با اهداف برنامه‌های توسعه کنونی و آتی اجتماع محلی و منطقه باشد. شرکت باید ذی‌مدخلان را در فعالیت‌های خود دخالت داده و برنامه‌هایی را برای تقویت ظرفیت اجتماع محلی دنبال کند. ایده‌آل آن است که این اصول از همان مراحل اولیه‌ی پروژه رعایت شوند، در سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی راهبردی و طراحی راهبردهای تامین سهم محلی استفاده شده و همچنین در مرحله‌ی برچیدن زیرساخت‌ها به دقت مد نظر قرار گیرند. تداوم مجوز اجتماعی عملیات شرکت در یک محدوده و امکان تسری آن به مناطق دیگر بستگی تام به موفقیت آن در اجرای مؤثر فرایندهای اختتام پروژه دارد. [۲۱]

II اصول اخلاقی برای کارشناسان ارزیابی تأثیر اجتماعی

در هر فعالیت حرفه‌ای، موضوعات و دوره‌های اخلاقی به وجود می‌آیند. یکی از شاخص‌های مهم تعهد حرفه‌ای^۱ کارشناسان یا صاحبان مشاغل حرفه‌ای، بحث مداوم و برخورداری از یک آگاهی فعال و بازتابی در مورد موضوعات اخلاقی است که ممکن است در حرفه خود با آن روبرو شوند. ونکلی و دیگران (۲۰۱۳)، با تغییرات، ۱۸ اصل کلی را در ارتباط با رعایت اخلاق در مطالعات اتا شناسایی کرده‌اند. این اصول عبارتند از:

۱. احترام به مشارکت‌کنندگان: کارشناس اتا باید به مشارکت‌کنندگان احترام گذاشته و در تعاملات خود با آنان، در موردشان قضاوت نکند، آن‌ها را زیر سوال نبرد و اطمینان ایجاد کند که آراء و نظرات ایشان عیناً ثبت و در فرایند ارزیابی مورد توجه

1. Professionalism

قرار می‌گیرد. بخشی از این ادای احترام در کاربرد اصطلاح «مشارکت‌کننده» به جای «پاسخگو» یا «سوژه مطالعه» نهفته است. یکی از وجوه مهم این احترام، تضمین محافظت و حمایت از افرادی است که اختیار عمل از آن‌ها سلب شده و یا به حاشیه رانده شده و آسیب‌پذیرند. در مورد مردم بومی نیز ممکن است به رسمیت شناختن آنان و پایبندی به برخی رویه‌ها در تعامل با آنان، ضرورت پیدا کند.

۲. **رضایت آگاهانه:** مشارکت‌کنندگان باید به صورت داوطلبانه و بر اساس اطلاعات کافی و شناخت صحیح از پژوهش‌ات و تبعات مشارکت‌شان، در آن شرکت کنند. این بدان معناست که کارشناسان باید همه‌ی اطلاعات مرتبط را در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار داده و در مورد ریسک‌های احتمالی مشارکت آن‌ها در پژوهش و سرنوشت داده‌های گردآوری‌شده، توضیحات کافی ارائه کنند. اگر به لحاظ فرهنگی منعی یا ملاحظه‌ای وجود نداشته باشد، بهتر است، اخذ رضایت آگاهانه‌ی آنان از طریق فرم‌های اعلام رضایت، مکتوب و مستند شود.

۳. **کسب مجوز ضبط:** اگر کارشناس‌ات قصد ضبط صدا، فیلم یا عکس مشارکت‌کنندگان را دارد باید پیشتر از آنان مجوز بگیرد. (در برخی از کشورها این کار مستلزم رعایت مقررات ناظر بر حریم خصوصی است).

۴. **مشارکت داوطلبانه و عدم اعمال زور:** همان‌گونه که در اصل رضایت آگاهانه به طور ضمنی اشاره شد، مشارکت باید داوطلبانه باشد و افراد به خاطر عدم مشارکت نباید تحت فشار یا تهدید قرار گیرند. داوطلبانه بودن مشارکت، نافی ضرورت پرداخت پاداش به مشارکت‌کنندگان و جبران مشارکت آن‌ها نیست. چنین جبران یا پرداختی باید با میزان زمان صرف‌شده و انتظارت مالی متعارف مشارکت‌کنندگان تناسب داشته باشد و نباید به اندازه‌ای زیاد باشد که به رشوه یا یک مشوق نامناسب تبدیل شود.

۵. **حق انصراف:** طبق اصل مشارکت داوطلبانه، مشارکت‌کنندگان باید اطلاع داشته باشند که هر زمان که بخواهند می‌توانند از مشارکت در پژوهش انصراف داده و در صورت امکان کلیه‌ی اطلاعات ثبت و ضبط‌شده آنان حذف خواهد شد.

۶. **اعلام منبع تامین بودجه‌ی پژوهش:** یکی از الزامات اصل رضایت آگاهانه این است که باید منابع تامین بودجه‌ی پژوهش‌ات را به طور کامل اعلام شود.

۷. عدم ایراد صدمه یا خسارت به مشارکت کنندگان: مهم است که مشارکت کنندگان متحمل هیچ نوع خسارت یا صدمه‌ای به دلیل مشارکت در پژوهش نشوند. یعنی نه تنها در طول پژوهش در معرض رنج یا خطر قرار نگیرند (برای مثال در پژوهش پزشکی)، بلکه همچنین نباید مشارکت در پژوهش، آثار و تبعات منفی برای آنان داشته باشد. کارشناسان باید نهایت تلاش خود را برای محافظت از مشارکت کنندگان در مقابل هر گونه صدمه و آسیبی انجام دهند و با رعایت اصل رضایت آگاهانه، مطمئن شوند که مشارکت کنندگان به همه‌ی مخاطرات احتمالی مشارکت در پژوهش آگاهند. ممکن است مشارکت در پژوهش اجتماعی منجر به طرح مسایل شخصی مشارکت کنندگان و به تبع آن آزرده‌گی خاطر و فشار عاطفی آنان شود. در اینجا وظیفه‌ی کارشناس این است که اطمینان ایجاد کند تا وقتی که شرایط به حالت عادی برگردد، تعامل و ارتباط بی‌واسطه ادامه خواهد داشت و در صورت نیاز دسترسی به مشاوره یا کمک امکان‌پذیر خواهد بود.

۸. پرهیز از کنجکاو‌ی یا دخالت بی‌مورد: رعایت احترام به مشارکت کنندگان ایجاب می‌کند که در هیچ موضوعی غیر از آنچه به پژوهش ارتباط پیدا می‌کند، با آن‌ها گفتگو و بحث نشود و پرس‌وجوها محدود به موضوع پژوهش باشد. این امر متضمن آن است که زندگی خصوصی مشارکت کنندگان محترم شمرده شده و کارشناسان به حرمت مسائل خصوصی و شخصی واقف باشند.

۹. عدم استفاده از فریب: اصل احترام به مشارکت کنندگان و صداقت حرفه‌ای ایجاب می‌کند که استفاده از فریب یا روش‌های پنهانی تنها در شرایط خاص و با تایید کمیته‌ی اخلاق تعیین شده به موجب مقررات، جایز شمرده شود.

۱۰. مفروض گرفتن و حفظ گمنامی: افراد با فرض گمنامی در پژوهش شرکت می‌کنند و این گمنامی تا وقتی که خود اجازه افشای نام‌شان را نداده‌اند، باید حفظ شود. بنابراین، در مواردی که بناساز از اسامی واقعی آنان استفاده شود و یا هویت‌شان به طور غیر مستقیم از اطلاعات زمینه‌ای آن‌ها قابل تشخیص است (برای مثال، شهردار یا دیگر مقامات دولتی به خاطر نقش دولتی‌شان قابل شناسایی هستند)، باید رضایت صریح ایشان اخذ شود.

۱۱. حق بازبینی و اصلاح دست‌نوشته: هنگامی که در گزارش به اسامی افراد

اشاره شده و یا افراد قابل شناسایی هستند، مشارکت کنندگان حق دارند مطالب بیان شده به نقل از خود را بررسی کرده و هر تغییری را که لازم می‌دانند در دست‌نوشته یا پیش‌نویس متن اعمال کنند و بدین ترتیب موافقت خود را با نقش خود در گزارش اعلام کنند. در یک پژوهش اجتماعی مطلوب، این حق برای همه‌ی مشارکت‌کنندگان محفوظ است.

۱۲. محرمانگی امور شخصی: رعایت احترام مشارکت‌کنندگان متضمن آن است که محرمانگی (عدم افشای اطلاعات) به همه‌ی آراء و موضوعات شخصی یا خصوصی تسری پیدا کند. این بدان معنی است که کارشناس مسئولیت دارد تا در مورد آنچه باید گزارش شود و آنچه نباید به صورت عمومی اعلام شود، تصمیم بگیرد. آشکار شدن واقعیت یا یافته‌ای بر کارشناس به او این اجازه را نمی‌دهد که آن را علنی کند. وقتی اطلاعات به صورت محرمانه در اختیار کارشناس قرار می‌گیرد، این محرمانگی باید محافظت شود.

۱۳. محافظت از داده‌ها: به دلیل محرمانگی داده‌های شخصی و هویت‌های افرادی که در پژوهش مشارکت کرده‌اند، باید مراقبت کافی در مورد نگهداری ایمن از داده‌ها و ممانعت از دسترسی غیرمجاز به آن‌ها صورت پذیرد. به علاوه انتظار می‌رود زمانی برای حذف و از بین بردن داده‌ها پس از استفاده از آن معین شود. این کار به دلیل این که کارشناسان باید داده‌های خام را جهت استفاده احتمالی در مواردی چون بازرسی، اعلام شکایت و یا پیشگیری از فریب، در اختیار داشته باشند، باید سال‌ها بعد از اتمام پروژه انجام شود.

۱۴. فراهم کردن زمینه‌های مشارکت: این مسئولیت اخلاقی کارشناسان است که اطمینان حاصل کنند که همه‌ی افراد و گروه‌های مرتبط، در پژوهش مشارکت دارند و در شرایطی که احتمال حذف عده‌ای - به عنوان مثال به خاطر زبان، نابرابری‌های جنسیتی، پروتکل‌های فرهنگی، مشکل دسترسی به آن‌ها، هزینه‌ی مشارکت یا سایر عواملی که در متن شرایط یک پروژه‌ی خاص به طرد اجتماعی برخی می‌انجامد - وجود دارد، تلاش کافی برای رفع موانع مشارکت و تامین دسترسی آنان به طور مثال از طریق ترجمه، تامین وسیله‌ی حمل و نقل یا دادن پاداش جهت جبران هزینه‌ی حضور در پژوهش، صورت گیرد.

۱۵. حکمرانی اخلاقی: برای عملکرد مطلوب رویه‌های اخلاقی باید یک سازوکار

حکمرانی اخلاقی پیش‌بینی شود. به این معنی که یک کمیته یا امکان دیگری وجود داشته باشد که بتوان به ویژه در ارتباط با موضوعات و روش‌های پژوهشی از حیث اخلاقی دارای حساسیت (مانند استفاده از فریب و یا مصاحبه با گروه‌های آسیب‌پذیر) قبل از شروع پژوهش، پروتکل‌های موجود را مورد بازبینی و بررسی قرار داده، فعالیت‌های پژوهش را پایش و بر آن‌ها نظارت کرد، به کارشناسان و شرکت‌کنندگان مشاوره داد و به شکایات رسیدگی کرد. یک انجمن حرفه‌ای مانند انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیرات (IAIA) ممکن است بتواند چنین سازوکاری را فراهم کند. در عین حال می‌توان در این خصوص با اجتماع تحت تأثیر یا مقامات محلی (دولت محلی، منطقه‌ای یا ملی) یا یک دانشگاه محلی مشورت کرد.

۱۶. روش رسیدگی به شکایات: حکمرانی اخلاقی مطلوب ایجاب می‌کند

که مشارکت‌کنندگان در پژوهش به راه‌های طرح شکایات و اعمال اقدامات اصلاحی مرتبط با دغدغه‌هایشان در زمینه‌ی نحوه‌ی انجام اتا دسترسی داشته باشند. روش‌های اعلام شکایت و نارضایتی باید به لحاظ رویه‌ای عادلانه بوده و مشارکت‌کنندگان از آن‌ها مطلع باشند.

۱۷. مناسب بودن روش پژوهش: احترام به مشارکت‌کنندگان و هم‌چنین

صداقت حرفه‌ای ایجاب می‌کند که روش انجام پژوهش از پایایی و اعتبار لازم برخوردار باشد. مشارکت‌کنندگان با این فرض وقت‌شان را (رایگان یا در ازای پول) صرف پژوهش می‌کنند که از مشروعیت، ارزش و اعتبار کافی برخوردار است.

۱۸. گزارش کامل روش‌ها: لازم است روش‌های پژوهش و رویه‌های تحلیلی

به‌طور کامل اعلام شوند. این کار برای فراهم شدن امکان تکرار پژوهش توسط کارشناس دیگر، امکان بررسی کفایت و اخلاقی بودن روش‌شناسی مطالعه توسط دیگران و تشویق ارزیابی نقادانه از محدودیت‌های روش‌شناسی و پیامدهای آن برای یافته‌ها و نتایج پژوهش، ضروری است. (۲۲)



نشر همشهری مراحل اجرای ارزیابی تأثیر اجتماعی

در قاب شماره‌ی دو، ۲۶ فعالیت تشکیل دهنده‌ی اتا را به اختصار معرفی کردیم. در ادامه این سند به هر یک از این فعالیت‌ها با تفصیل بیشتری پرداخته و توضیح خواهیم داد که برای اجرای مطلوب و گاهی برتر این فعالیت‌ها، لازم است به چه نکات مهمی توجه شود. البته همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد در این سند قصد ما این نیست که چگونگی انجام این فعالیت‌ها را توضیح دهیم و نکاتی را که در ارتباط با اجرای این فعالیت‌ها بیان می‌کنیم، لزوماً نمی‌توان در همه‌ی مطالعات اتا به کار گرفت. بنابراین کسانی که قصد دارند از اطلاعات این سند راهنما استفاده کنند، باید متناسب با شرایط خاص پژوهش اتای خود در مورد ضرورت و مطلوبیت کاربرد نکات طرح شده تصمیم بگیرند. ذکر این نکته نیز حایز اهمیت است که با وجود آن‌که نوعی توالی و نظم زمانی در اجرای این فعالیت‌ها وجود دارد، اما در واقع این فعالیت‌ها متداخل و مرتبط با یکدیگرند. به این معنی که در مواردی نتایج حاصل از اجرای یک گام جدید، ممکن است منتهی به تولید اطلاعاتی شود که بازنگری اطلاعات حاصل از مراحل قبل و تصمیم‌های اتخاذ شده بر اساس آن‌ها را ضرورت بخشد.

II مرحله‌ی اول: فهم موضوعات

فعالیت شماره‌ی ۱: سعی کنید به شناخت مطلوبی از پروژه‌ی پیشنهادی دست یافته و مشخص کنید اجرای پروژه مستلزم کدام فعالیت‌های فرعی است؟

شناسایی پروژه و ابعاد مختلف آن برای شناخت تأثیرات اجتماعی، اهمیتی حیاتی دارد. به طور کلی، هر پروژه‌ای از فعالیت‌های فرعی متعددی تشکیل می‌شود و معمولاً همین فعالیت‌ها در کنار سایر اقدامات در طول زنجیره‌ی ارزش پروژه هستند که تأثیرات را رقم می‌زنند. در یک مطالعه‌ی ارزیابی تأثیر، باید به تأثیرات ناشی از همه‌ی فعالیت‌های تشکیل دهنده‌ی یک پروژه توجه شود. به عنوان مثال، اجرای پروژه‌ای که مستلزم اسکان مجدد است، تأثیراتی را در جامعه‌ی مقصد یا میزبان جمعیت جابجا شده نیز به دنبال دارد. به عنوان مثال مجموعه‌های سکونت گاهی کارگری، اجتماعات محلی پیرامون خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند. عملیات ساخت سدها، ممکن است به رونق فعالیت‌های استخراج و حمل و نقل سنگ‌ریزه در مناطقی دور از ساختگاه سد منجر شود. نقل و انتقال مواد و کالاهای مورد نیاز به سایت پروژه نیز فعالیتی ضروری و رایج در همه‌ی پروژه‌هاست و همین مسیرهای انتقال خود منابع بروز تأثیرات منفی (و بالقوه مثبت) محسوب می‌شوند. شناخت کامل یک پروژه و زمینه‌ای که در آن قرار دارد جز با بازدید میدانی از سایت پروژه مقدور نیست - این کار از جنس فعالیت‌هایی نیست که بتوان در دفتر کار انجام داد.

فعالیت شماره‌ی ۲: مسئولیت‌ها و نقش‌های افراد دخیل در اجرای اِتا و همچنین ارتباط اِتا با سایر مطالعات تخصصی در دست اجرا را روشن کرده و مشخص کنید که در اجرای مطالعه، کدام قوانین ملی و یا استانداردها و راهنماهای بین‌المللی باید مورد ملاحظه قرار گیرند.

تأثیرات زیست‌محیطی به همراه خود تأثیرات اجتماعی به دنبال دارند و تأثیرات پروژه بر سلامت و حقوق بشر نیز به نوعی در زمره‌ی تأثیرات اجتماعی آن دسته‌بندی می‌شوند. بنابراین اطلاع از سایر مطالعات در دست اجرا و حصول اطمینان از این که مجموع مطالعات پروژه با یکدیگر ارتباط داشته و مکمل یکدیگرند، برای تضمین اثربخشی و کارایی پروژه و کاهش بار آن برای اجتماعات محلی، ضروری است. یکی

از نتایج مطلوب این هماهنگی، حصول توافق در خصوص دامنه‌ی پژوهش اتاست. شایسته‌ی ذکر است که یک کارشناس اتا به مانند هر کارشناس حرفه‌ای دیگری، وظیفه دارد از توجه کارفرمای پروژه به ملاحظات مهم اجرای اتا اطمینان حاصل کند. به طور خاص در موضوع اتا این امر شامل مجموع موضوعاتی است که می‌باید در این مطالعات و یا سایر مطالعات پروژه مورد توجه قرار گیرند. البته اتا یک فرایند رفت و برگشتی کاملاً یادگیرانه و مشارکتی است و در نتیجه تعیین همه‌ی آنچه باید در یک پژوهش اتا مورد توجه قرار گیرد، در بدو امر ناممکن است. به همین دلیل برای این که اتا بتواند به موضوعات و مسایل جدید و آشکارشده‌ی در جریان مطالعه واکنش نشان داده و به شیوه‌ی موفقیت‌آمیزی اجرا شود، لازم است کارفرمایان و مجریان مطالعات اتا اجازه داشته باشند که با بودجه‌های منعطف قرارداد ببندند. بدیهی است چنین بودجه‌ای باید برای ارزیابی و پوشش همه‌ی موضوعات و محورهای مرتبط با اتا کافی باشد. همچنین مهم است برای اطمینان از این که نتایج مطالعات اتا بدون ایجاد تاخیر در پروژه و به بیشترین میزان در فرایند برنامه‌ریزی پروژه مورد استفاده قرار می‌گیرند، برنامه‌ی زمانی اجرای اتا طوری تنظیم شود که با زمانبندی مورد نظر کارفرما برای اجرای پروژه، مطابقت و هم‌خوانی داشته باشد. آگاهی از این موضوع و برنامه‌ریزی برای تحقق آن مسئولیت مشترک کارفرما و مشاور اتاست.

پروژه‌های بزرگ اغلب در مناطقی اجرا می‌شوند که قوانین و مقررات متعددی بر آن‌ها حاکم است و به نوعی حکمرانی چندگانه دارند. در لایه‌های مختلف این حکمرانی چندگانه که به طور بالقوه بر پروژه و به تبع آن بر فعالیت‌های اتا تأثیرگذار است، ممکن است مواردی چون توافقات بین‌المللی (مانند اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل)، هنجارهای بین‌المللی (مانند راهنماهای انجمن صنعت)، قانون اساسی کشور، الزامات سیاست‌های ملی، مقررات و قوانین ملی و شیوه‌ی اجرای آن‌ها، صدور گواهی زیست‌محیطی و شرایط آن، و موضوعات دیگری که ممکن است با توافق دولت و کارفرما در قرارداد گنجانده شده باشد، مطرح باشد. در مواردی که کارفرما با اجتماع محلی بر سر توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع یا مشابه آن به نتیجه رسیده باشند، علاوه بر موارد فوق شرایط دیگری نیز بر اجرای پروژه تحمیل می‌شود که باید مورد توجه قرار گیرد. گاهی و به‌ویژه در کشورهایی که با نظام فدرالی اداره

می‌شوند، بین الزامات و انتظارات حاکمیت ملی، ایالتی، محلی یا شهری تفاوت‌هایی وجود دارد. علاوه بر این اغلب پروژه‌های بزرگ توسط کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های مختلف اجرا می‌شوند که هر یک سیاست‌ها و رویه‌های مخصوص به خود را دارند. در نهایت پروژه‌های بزرگ ممکن است از منابع مختلفی تامین اعتبار شده باشند. با این‌که بانک‌های توسعه‌ی چندملیتی (مانند بانک جهانی، مؤسسه‌ی مالی بین‌المللی، بانک توسعه‌ی آسیایی، بانک توسعه‌ی آفریقایی، بانک ترمیم و توسعه‌ی اروپایی، بانک سرمایه‌گذاری اروپایی و بانک توسعه‌ی داخلی آمریکا و غیره) دارای رویکردهای مشابهی هستند، اما در عمل رویه‌های آن‌ها یکسان نیست و هر یک الزامات اجرایی و الگوهای مستندسازی متفاوتی را دنبال می‌کنند.

صرف‌نظر از اهمیت الزامات تامین منابع مالی توسط بانک‌های توسعه‌ای چندملیتی، در حال حاضر نهادهای مالی تجاری گرایش فزاینده‌ای به پذیرش اصول اکواتور پیدا کرده‌اند و رعایت این اصول ممکن است به شرط تامین مالی پروژه تبدیل شود. به عنوان مثال طبق اصول اکواتور، حتی وقتی مؤسسه‌ی مالی بین‌المللی نیز در تامین مالی پروژه نقشی ندارد، پیروی از استانداردهای عملکردی این مؤسسه به عنوان استاندارد‌های بین‌المللی الزام‌آور است و در حال حاضر بسیاری از شرکت‌ها، استانداردهای عملکردی مؤسسه‌ی مالی بین‌المللی را به عنوان معیارهای فعالیت خود پذیرفته‌اند. بنابراین مهم است که همه‌ی کارشناسان انا از این استانداردها آگاه و مطلع باشند.

چنین تنوعی در قوانین و مقررات حاکم بر محیط اجرای پروژه، مسایل زیادی را به دنبال دارد. گاهی این قوانین و راهنماها در تعارض با یکدیگرند و در برخی از موضوعات نیز ممکن است در این قوانین تکلیفی مشخص نشده باشد. بنابراین مناسب است کارشناس انا تحلیل شکاف بین استانداردهای ملی و بین‌المللی را انجام داده و تفاوت‌های آن‌ها را تعیین کند. همچنین مذاکره با کارفرمای پروژه در مورد استانداردهایی که باید رعایت شوند، بسیار اهمیت دارد. در مواردی که بین مقررات ملی و استانداردهای بین‌المللی تعارض وجود دارد، باید موضوع به دقت بررسی و مورد بحث قرار گیرد. حصول اطمینان از این‌که همه‌ی طرفین به عواقب عدم انطباق قواعد و استانداردهای مورد اشاره واقف هستند، نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است.

فعالیت شماره ۳: حوزه‌ی اولیه‌ی نفوذ اجتماعی پروژه، اجتماعات تحت تأثیر و ذینفعان^۱ احتمالی (دور و نزدیک) و ذیمدخلان را شناسایی کنید.

مفهوم حوزه‌ی نفوذ^۲ اولیه یا منطقه‌ی تأثیر^۳، مفهومی رایج در ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی است، اما آن را نمی‌توان به طور مستقیم و در همان معنا به مطالعات انا منتقل کرد. حوزه‌ی اجتماعی نفوذ متشکل از افرادی است که به طور بالقوه تحت تأثیر یک پروژه قرار دارند. جمعیت تحت تأثیر یک مداخله، توأمان شامل اجتماعات مبتنی بر مکان و منافع است. محدوده‌ی مکانی اجتماع تحت تأثیر در بیشتر موارد بر مرزهای جغرافیایی و یا حوزه‌ی نفوذ تأثیرات زیست‌محیطی یک پروژه به طور کامل منطبق نیست. در واقع اغلب، مفهوم مناطق حائل یا سپر^۴ که توسط متخصصان فنی استفاده می‌شود، در انا کاربردی نداشته و ناکافی است. توجه به این نکته مهم است که شدت تأثیرات اجتماعی لزوماً با افزایش فاصله از سایت پروژه کاهش پیدا نمی‌کند. افراد از طریق طیف متنوع و وسیعی از روابط و شبکه‌ها به یکدیگر پیوند می‌خورند. در عین حال پروژه‌ها معمولاً کریدور لجستیکی وسیع و زنجیره‌ی ارزش پیچیده‌ای دارند. تعریف حوزه‌ی اجتماعی نفوذ لزوماً نیازمند تعیین و ترسیم مرز جغرافیایی نیست. حوزه‌ی اجتماعی پروژه را می‌توان از طریق ترکیبی از تحلیل ذیمدخلان و نقشه‌برداری اجتماعی^۵ و فرایند رفت و برگشتی شناخت تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی ناشی از پروژه و شیوه‌ی معیشت و شبکه‌های اجتماعات بالقوه تحت تأثیر، تعیین کرد.

فعالیت شماره ۴: تلاش کنید که به شناخت خوبی از اجتماعاتی که محتمل است تحت تأثیر پروژه قرار گیرند، دست یابید. این کار را از طریق تهیه‌ی گزارش نمایه‌ی اجتماعی مشتمل بر این بخش‌ها انجام دهید: الف) تحلیل فراگیر ذیمدخلان؛ ب) بررسی زمینه‌ی سیاسی-اجتماعی؛ ج) ارزیابی نیازها، علایق،

-
1. Beneficiary
 2. Area of Influence
 3. Zone of Impact
 4. Buffer Zone
 5. Social Mapping

ارزش‌ها و آرمان‌های زیرگروه‌های متنوع اجتماعات تحت تأثیر به همراه تحلیل جنسیتی؛ د) ارزیابی سابقه‌ی تأثیر، یعنی تجربه آن‌ها در ارتباط با پروژه‌های پیشین و سایر وقایع تاریخی؛ ه) بررسی روندهای جاری اجتماعات؛ و) بررسی دارایی‌ها، نقاط قوت و ضعف اجتماعات؛ و ز) در صورت نیاز، نتایج نظرسنجی. به مجموع این فعالیت‌ها تهیه‌ی نمایه اجتماع اطلاق می‌شود.

شناخت زمینه‌ی فرهنگ محلی برای موفقیت اِتا و پروژه بسیار ضروری است. پذیرش این موضوع که جوامع مختلف دارای ارزش‌های فرهنگی متفاوتی بوده و دریافت‌های متفاوتی در مورد شیوه‌ی انجام امور دارند، بسیار مهم است. این تفاوت‌ها ممکن است چالش‌های جدی پیش‌روی اجرای پروژه و اِتا قرار دهند. یکی از اشتباهات رایج اعضای تیم مدیریت پروژه و در مواردی نیز مشاوران اِتا، این است که تصور می‌کنند از نظر مردم محلی کارهای آن‌ها ارزشمند است و یا این که همه‌ی مردم دغدغه‌های یکسانی دارند. استفاده از مدل‌های اقتصادی و سایر چارچوب‌های مفهومی که تلویحاً یا تصریحاً با موضع‌گیری‌های ایدئولوژیک و فرهنگی همراه هستند، می‌توانند این اشتباهات را تشدید کنند. این بازنمایی نادرست، مشکلاتی را برای اجرای اِتا و پروژه به بار آورده و همچنین سبب ضعف تحلیل آثار و ارزیابی برنامه‌های کاهش تأثیرات و راهبردهای اصلاح و بهسازی پروژه می‌شود. بنابراین دستیابی به شناخت مناسبی از زمینه‌ی محلی - به ویژه از طریق فرایندهای مشارکتی مؤثر (رجوع شود به فعالیت شماره‌ی ۶) - به اجرای اِتا و نیز پروژه کمک زیادی خواهد کرد.

در ادامه، جوانب و ملاحظات مختلف مربوط به شناخت مطلوب زمینه‌ی محلی را در محورهای مختلف بحث خواهیم کرد. تحلیل زمینه‌ی محلی معمولاً در گزارش‌های اِتا در بخشی تحت عنوان نمایه‌ی اجتماع ارائه می‌شود و اولین گام آن، تحلیل فراگیر ذیمدخلان پروژه است. به طور طبیعی برای این بخش یک گزارش مستقل تهیه می‌شود و اگر مشخص شود که اجتماعات تحت تأثیر متعدد و متمایزند، ممکن است تفکیک گزارش نمایه‌ی اجتماع به زیربخش‌هایی برای توصیف مجزای هر یک از اجتماعات، ضرورت پیدا کند.

الف) تحلیل فراگیر ذیمدخلان

یکی از نقایص بیشتر مطالعات ارزیابی تأثیر، عدم شناسایی و مشارکت همه‌ی

ذیمدخلان بالقوه (و یا به عبارت دیگر گروه‌های دارای منافع و تحت تأثیر) است. این موضوع از آن رویک نقص محسوب می‌شود که بدون اشراف کافی بر همه‌ی ذیمدخلان (وصاحبان حقوق) نمی‌توان کلیه‌ی تأثیرات اجتماعی را به شکل رضایت‌بخشی شناسایی کرد. در بیشتر پروژه‌ها افراد یا گروه‌های زیر، ذیمدخلان اصلی به شمار می‌روند.

■ ساکنین محدوده‌ی بلا فصل پروژه، حوزه تحت تأثیر و به ویژه کسانی که در نتیجه‌ی اجرای پروژه مجبور به جابجایی مکانی یا تغییر شیوه‌ی معیشت می‌شوند؛
 ■ مردمان ساکن در مناطقی که میزبان جمعیت‌های جابجا شده در اثر اجرای پروژه (خواه در نتیجه اسکان مجدد برنامه‌ریزی شده و یا مهاجرت طبیعی) هستند؛
 ■ اجتماعات نزدیک و یا بسیار دوری که معیشت و زندگی آن‌ها به دلیل اجرای پروژه تحت تأثیر یا تهدید قرار می‌گیرد.

■ مردمی که تحت تأثیر فعالیت‌های فرعی پروژه مانند احداث کانال‌های آبیاری، احداث راه‌ها، خطوط آهن و سامانه‌های انتقال قرار می‌گیرند؛

■ افرادی که در جستجوی کار یا بهره‌مندی از منافع می‌تصور می‌کنند از اجرای پروژه می‌توانند نصیبشان شود به منطقه‌ی اجرای پروژه، مهاجرت می‌کنند (فرایندی که به مهاجرت ناشی از پروژه^۱ یا اثر کوزه عسل موسوم است)؛
 ■ اجتماعاتی که در نزدیک مکان‌های استقرار مهاجرین یا کارگران ساخت پروژه قرار دارند؛

■ مردم بومی غیر ساکن و یا سایر گروه‌های منتسب به قلمرو سرزمینی که به زمین و یا رودخانه‌ی واقع در محدوده‌ی اجرای پروژه و یا نام بومی آن تعلق خاطر روحی و فرهنگی دارند؛

■ سازمان‌های غیردولتی محلی، ملی و بین‌المللی (به عنوان مثال، طرفداران حفظ محیط زیست) که نگران ارزش‌های میراثی یا اکولوژیک مورد تهدید احتمالی از ناحیه پروژه هستند؛

■ سایر ذیمدخلان مانند پیمانکاران، سازمان‌های دولتی، حکمرانان ملی و محلی، سازمان‌های توسعه‌ای یا تأمین‌کننده‌ی منابع مالی و همچنین گروه هدف منتفع پروژه.

البته استفاده از فهرست‌های کلی نظیر آنچه اشاره شد، نیاز پژوهش‌ات را به شناسایی ذیمدخلان به طور کامل پاسخ نمی‌دهد؛ چراکه هر محیطی گروه‌های محلی خاص و شرایط محلی مخصوص به خود را دارد. در عین حال باید به این نکته مهم توجه کرد که در درون هر يك از گروه‌های ذیمدخل پیش گفته نیز تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد؛ مواردی هم‌چون تفاوت‌های جنسیتی و تفاوت‌های مبتنی بر سن، آسیب‌پذیری و غیره (در ادامه بیشتر تشریح خواهد شد). به عنوان مثال، در یکی از موارد اسکان مجدد، کارفرمای پروژه طبق قانون موظف بود تا نسبت به جبران کاهش درآمد ساکنین و دارایی‌های از دست رفته جمعیت‌های جابجا شده اقدام کند. این اقدام جبرانی به شیوه‌ی پرداخت مستقیم از طریق حساب‌های بانکی سرپرستان مرد خانوارها انجام گرفت و تصور می‌شد روش مناسبی انتخاب شده است. اما در این جامعه چندزنی رواج داشت و بخش قابل توجهی از افراد تحت تأثیر پروژه، زنان دوم و سوم سرپرستان مرد خانوار بودند که با وجود این که از تبعات منفی پروژه متأثر شدند، به دلیل رویه‌ی اتخاذ شده، تحت پوشش اقدام جبرانی قرار نگرفتند. بدیهی است که شناخت بهتر زمینه‌ی فرهنگ محلی، می‌توانست پرده از این جنبه‌ی زندگی محلی برداشته و سبب پیشنهاد رویه‌ی جبران خسارت متفاوتی شود. [۲۳]

ب) بررسی زمینه‌ی اجتماعی - سیاسی

یکی از جوانب مهم شناخت اجتماعات محلی، شناخت زمینه‌ی اجتماعی و سیاسی آن‌هاست. اهمیت زمینه‌ی اجتماعی و سیاسی از آن روست که تعیین‌کننده‌ی نگرش‌ها، ارزش‌ها، اهداف توسعه‌ی اجتماعی مردم، واکنش احتمالی آن‌ها به پروژه و تأثیرات احتمالی آن، سطح اعتماد مردم به حکومت، مجری پروژه و فرایند اتااست. تاریخ سیاسی معاصر یک منطقه، میزان و دامنه‌ی تضاد آشکار و نهان موجود در یک اجتماع و این که سابقه‌ی تضاد قبلی داشته باشد یا نه، ملاحظات مهم مرتبط با زمینه‌ی اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند. شناخت و ویژگی‌های فرهنگی مؤثر بر میزان آمادگی افراد اجتماع برای گفتگوی آزادانه در ارتباط با پروژه، طراحی فرایندهای جلب مشارکت اجتماع را تحت تأثیر قرار خواهد داد. همچنین عملکرد نظام قضایی و آگاهی مردم از حقوق‌شان و میزان دسترسی آن‌ها به رویه‌های احقاق حق را نیز باید در زمره‌ی

ج) ارزیابی نیازها، علایق، ارزش‌ها و آرمان‌های زیرگروه‌های متنوع اجتماعات تحت تأثیر به همراه تحلیل جنسیتی

به این نکته باید توجه کرد که نه تنها بین گروه‌های ذی‌مدخل بلکه در درون هر یک از آن‌ها نیز تفاوت در علایق و منافع وجود دارد. در اجتماع تحت تأثیر یک پروژه، دو گروه ممکن است در برابر هم قرار گیرند: گروهی (شاید مردان در سن کار) که نظر مساعدی نسبت به پروژه دارند؛ چرا که آن را عامل ایجاد اشتغال می‌دانند و گروه دیگری (شاید برخی از زنان سالمند) که از تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن نگرانند. به طور کلی اغلب جوانان دیدگاه‌های متفاوتی با سالمندان به ویژه در ارتباط با ارزش‌های فرهنگ سنتی و شیوه‌های مطلوب انجام امور دارند. توجه و تأمین نظرات همه‌ی این زیرگروه‌ها کار بسیار پیچیده‌ای است. گاهی افراد یا سازمان‌های متعددی مدعی نمایندگی جمعیت ساکن در یک منطقه‌ی جغرافیایی می‌شوند و برای کارشناس انا دشوار است که تعیین کند کدام سازمان از مشروعیت بیشتری برای نمایندگی آن منطقه برخوردار است. در چنین شرایطی همواره مطلوب آن است که اطلاعاتی مقدماتی از گروه‌های مختلف اجتماعی به طور جداگانه گردآوری شود و بر مداخلات نمایندگان سیاسی یا رهبران گروه‌ها که ممکن است مبنای تاکتیکی راهبردی داشته و نسبتی با دیدگاه‌ها و دغدغه‌های مردم ساکن در آن منطقه نداشته باشد، تکیه نشود. "جمعیت ساکن" یک منطقه به ندرت گروه همگون و یکدستی هستند و اغلب از گروه‌های متفاوتی تشکیل می‌شوند؛ مانند ساکنین قدیمی (قدیمی‌ترها و بومیان)، ساکنین جدید (تازه‌واردان) و افرادی که از محل سکونت خود به عنوان خوابگاه استفاده می‌کنند (یعنی در جای دیگری کار می‌کنند) و ممکن است پیوندهای نیرومندی با محلی که در آن زندگی می‌کنند، نداشته باشند. به علاوه مالکان خانه‌های دوم شامل کسانی که روزهای پایان هفته یا برای گذران تعطیلات به طور منظم در منطقه‌ی مورد نظر سکونت دارند نیز جزو ساکنین محسوب می‌شوند. به این گروه‌ها بسته به شرایط محلی، باید ساکنین غیررسمی و مهاجرین غیرقانونی را

نیز افزود. با اینکه مدیران پروژه‌ها اغلب این گروه‌ها را در زمره‌ی ذیمدخلان قانونی نمی‌دانند، کارشناس اتا باید به این نکته آگاه باشد که از منظر حقوق بشر، این افراد صاحب حقوق قلمداد شده و از این حیث بین آن‌ها و سایر ساکنین تفاوتی وجود ندارد. در عین حال ممکن است افراد و گروه‌هایی باشند که در مجاورت محل اجرای پروژه زندگی نمی‌کنند اما به صورت بالقوه تحت تأثیر آثار آن قرار می‌گیرند. کارگران پروازی^۱ یا ترددی^۲، بازدیدکنندگان، مسافران یک‌روزه، افراد ترددکننده و مغازه‌داران مثال‌هایی از این گروه هستند. مشورت گرفتن از این گروه در مورد تغییرات در حال وقوع و توجه جدی به دیدگاه‌های آنان می‌تواند به بهبود روابط با ذیمدخلان پروژه و اتخاذ تصمیم‌های بهتر کمک کند.

در مطالعات اتا اغلب روستا (یا اجتماع) و خانوار به عنوان واحد تحلیل انتخاب می‌شود. اما تأثیرات در سطوح مختلف فرد، خانواده، گروه یا اجتماع ممکن است حادث شوند. برخی از تأثیرات در سطح فردی تجربه می‌شوند و برخی دیگر به دلیل آن‌که ساختار و عملکرد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در سطح خانواده بروز پیدا می‌کنند و تأثیراتی نیز جامعه را به عنوان یک کل و یا کفایت نهادهای اجتماعی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما در نهایت همه‌ی افراد تأثیرات را، متناسب با جایگاه اجتماعی که دارند، به شیوه‌ای متفاوت تجربه خواهند کرد. برای شناخت چگونگی تأثیرپذیری متفاوت مردان و زنان تحلیل جنسیتی مداخله ضروری است، اما در عین حال باید توجه داشت که زنان نیز گروه همگون و یکپارچه‌ای را تشکیل نمی‌دهند و لازم است به موقعیت و تجارب گروه‌های مختلف زنان و همچنین مردان در این موضوع توجه شود. هنگامی که تغییرات محیطی ناشی از اجرای یک پروژه موجب می‌شود حجم کار مورد نیاز برای تامین معیشت خانواده‌ها افزایش پیدا کند، این زنان هستند که بار این کار اضافه را متحمل می‌شوند. زمانی که مردان، خانواده و روستای خود را برای کار در مکان‌های دور دست (یک معدن یا یک کارخانه، یا حتی شهرها برای جستجوی کار) ترک می‌کنند، زنان با کار بیشتری مواجه می‌شوند. حتی وقتی مردان درآمدی نیز کسب کنند، این درآمد بیشتر صرف کالاهای مصرفی شده و موجب

1. FIFO (Fly in, Fly out)

2. DIDO (Drive in, Drive out)

کاهش حجم کار زنان نمی‌شود. در فعالیتهای کارآفرینانه با هدف افزایش درآمد روستاییان نیز این زنان هستند که مجبورند برای دستیابی به درآمد یادشده بیشتر کار کنند. می‌توان ادعا کرد بیشتر مداخلات برنامه‌ریزی‌شده موقعیت زنان را بدتر کرده است. در واقع حتی فعالیتهای معطوف به بهبود رفاه اجتماع نیز به دلیل توزیع جنسیتی حجم و نوع کار، می‌تواند موقعیت زنان را بدتر کند.

فهم چرایی مخالفت مردم با یک پروژه، ضروری و سودمند است. مردم از شنیده شدن نگرانی‌هایشان در ارتباط با پروژه‌ها حتی زمانی که می‌دانند امکان رفع آن‌ها وجود ندارد، خشنود می‌شوند. اما بیشتر اوقات در قبال نگرانی و مخالفت مردم با پروژه، می‌توان کارهایی کرد. مخالفت آن‌ها ممکن است به دلیل اطلاعات غلط و یا پیش‌فرض‌های نادرست باشد. در این صورت اصلاح اطلاعات و پیش‌فرض‌های غلط آنان می‌تواند منجر به کاهش نگرانی‌ها شود. گاهی مخالفت با پروژه ریشه در نگرانی از موضوعاتی دارد که ارتباطی با پروژه ندارند. برای مثال در یکی از پروژه‌ها ریشه‌ی مخالفت غیر مستقیم عده‌ای، نگرانی آنان از افزایش نظارت و در نتیجه افشای فعالیتهای غیرقانونی ماهیگیری آنان و کاهش دسترسی به مکان‌های مناسب ماهیگیری بود. [۲۵]

د) ارزیابی سابقه‌ی تأثیرات در اجتماع مورد بررسی، یعنی تجربه‌ی آن‌ها در ارتباط با پروژه‌های پیشین و سایر رویدادهای تاریخی

مدیران پروژه‌ها و شرکت‌ها ممکن است تصور کنند که در قبال اقدامات و تبعات پروژه‌های اجرا شده در قلمرو جغرافیایی یا اجتماعی پروژه‌ی فعلی (اموری که از آن‌ها به موضوعات میراثی^۱ یاد می‌شود) مسئولیتی ندارند، اما باید به این نکته توجه داشت که از دیدگاه اجتماعات محلی، رفع مسایل حل نشده و باقی‌مانده از مداخلات پیشین یک ضرورت و پیش‌شرط اساسی برای شروع پروژه‌های جدید در محیط زندگی آنان است. به عنوان مثال اجرای برنامه‌ی تملک اراضی در یک محیط اجتماعی به صورت گریزناپذیری از اجرای برنامه‌های قبلی تملک اراضی توسط شرکت‌های دیگر تأثیر می‌پذیرد؛ چرا که از نگاه اجتماع محلی، تملک اراضی صرف نظر از این که در جریان چه

پروژه‌ای و یا توسط چه شرکتی اجرا شود، یک مداخله است و در نتیجه مجری کنونی برنامه تملک اراضی را مسئول مسایلی می‌دانند که در حال حاضر با آن مواجه هستند، حتی اگر این مسائل ناشی از اقدامات مجریان یا شرکت‌های دیگری باشد. در شرایطی که اجتماع محلی به موجب قانون از حق موافقت یا مخالفت با پروژه برخوردار است (رضایت آزاد، پیشینی و آگاهانه) مجری پروژه برای اخذ مجوز اجتماعی آن ناگزیر است که موضوعات میراثی را حل و فصل کند. اما حتی وقتی به لحاظ قانونی نیز ضرورتی وجود ندارد که موافقت اجتماع برای اجرای پروژه اخذ شود، اصل احترام به اجتماع تحت تأثیر ایجاب می‌کند که موضوعات اجتماعی گذشته مورد توجه قرار گیرد. ورود به حل موضوعات میراثی در بلندمدت به افزایش اعتماد به شرکت و بهبود روابط انجامیده و زمینه‌ی مطلوبی را برای اعطای مجوز اجتماعی عملیات پروژه توسط اجتماع فراهم می‌آورد. عذرخواهی از بابت صدمات وارده به اجتماع در گذشته بخشی از ادای احترام به اجتماع مورد نظر است (مراجعه شود به قاب ۷). آگاهی از مسایل گذشته برای درک کامل واکنش احتمالی یک اجتماع به پروژه‌ی جدید و برنامه‌ریزی برای کاهش تأثیرات منفی و ارتقای نتایج مثبت آن نیز ضروری است.

هـ) توصیف روندهای جاری در اجتماعات تحت تأثیر

این موضوع واقعا اهمیت دارد که اتا بر درک و شناخت درستی از آنچه در اجتماع مورد بررسی در حال وقوع است، استوار باشد. اهمیت این موضوع از دو جنبه قابل بحث است. اول اینکه شناخت آثار تجمعی جز از طریق شناخت آنچه در منطقه روی می‌دهد، مقدور نیست. دوم این که بخشی از مأموریت اتا استقرار یک وضعیت پایه برای رصد تغییرات و طراحی سناریویی رو به آینده برای شناخت تغییرات و رویدادهای آتی و محتمل در اجتماع تحت تأثیر بدون پروژه است. این کار از آن‌رو ضروری است که همه‌ی تغییرات ناشی از پروژه نه لزوماً با بررسی و مقایسه‌ی تفاوت مقادیر متغیرهای وضعیت پایه در دو مقطع زمانی، یعنی زمان حال و شروع برنامه‌ی پایش، بلکه با مقایسه‌ی وضعیت اجتماع در آینده با پروژه و بدون پروژه (یعنی فرض خلاف واقع) قابل اندازه‌گیری است. بنابراین شناخت مطلوب روندها و فرایندهای تغییرات اجتماعی در

حال وقوع صرف نظر از ارتباط آن‌ها با پروژهای مورد مطالعه، ضرورت دارد.

قالب شماره ۷: نمونه‌ای از یک تجربه‌ی موفق در عذرخواهی

در جریان فعالیت معدنی در استرالیا، که سابقه‌ی آن به دهه‌ی ۱۹۸۰ برمی‌گشت، لازم شد که استخراج در یک سایت واجد ارزش میراث فرهنگی برای زنان بومی انجام گیرد. هرچند توافقی با مردان مالک بومی مبنی بر تخریب این سایت صورت گرفت، اما فرایند دستیابی به توافق و منافع آن برای اجتماع بومی کاملاً رضایت‌بخش نبود. با وجود طرح دغدغه‌های اجتماع محلی، شرکت متولی بهره‌برداری از معدن تلاش چندانی برای رفع آن‌ها انجام نداد. سال‌ها بعد در شرایطی که معدن در تملک نسل دیگری بود و مدیران جدیدی فعالیت‌های معدن را اداره می‌کردند، توسعه‌ی بخشی از معدن ضرورت پیدا کرد. مطابق مقررات موجود این کار تنها با موافقت اجتماع محلی مقدور بود. بدین منظور فرایندی برای حصول یک توافق جدید و اجتماع‌محور آغاز شد که مالکین سنتی را با حمایت از مالکیت‌شان بر فرایند، توانمند کرد. این فرایند موجب رسیدگی دقیق به مسایل و دشواری‌های ناشی از سلوک مالکین قبلی معدن و دولت و حکمرانان ایالتی شد. مطالبه‌ی مالکان سنتی معدن این بود که پیش از آن‌که موافقت خود را با مداخله‌ی جدید اعلام کنند، همه‌ی موضوعات میراثی مرتفع شده و متولیان معدن از بابت اقدامات قبلی خود عذرخواهی رسمی کنند. شرکت در پاسخ به این مطالبه یک مراسم سنتی و آیینی دفع شر با دود (Smoking/Cleansing) برپا کرد. اجتماع محلی در نهایت با توسعه‌ی پیشنهادی در معدن موافقت کرد و فرایند دستیابی به این توافق به عنوان یک تجربه‌ی موفق و آموزنده در سطح وسیعی توسط شرکت منتشر شد. توافق جدید محورهای دیگری نیز به شرح زیر داشت:

- کنترل بومیان بر همه‌ی شیوه‌های کاربری اراضی به منظور حفاظت از اماکن مقدس و مناطق باستانی؛
- اجرای یک برنامه‌ی اجباری آموزش بین‌فرهنگی برای همه‌ی کارکنان و پیمانکاران معدن؛
- به رسمیت شناختن مراسم آیینی بومی و پیوند آن‌ها با فعالیت‌ها و رویه‌های معدن؛
- اجرای برنامه‌های مهارت‌آموزی برای افزایش مشارکت و سهم بومیان در نیروی کار معدن؛
- دسترسی نامحدود مالکان سنتی به محدوده‌های غیرعملیاتی معدن؛
- پذیرش یک رژیم همکاری مشترک برای مدیریت امور زیست‌محیطی؛
- پایبندی به مشارکت و ایفای نقش مالکان سنتی در برنامه‌ریزی اختتام پروژه و برچیدن آن؛ و
- تدارک مدلی برای سهم کردن اجتماع محلی در عواید معدن.

(و) توصیف دارایی‌ها، نقاط قوت و ضعف اجتماعات محلی

منظور از شناخت یک اجتماع، اشراف بر مطالبات بخش‌های مختلف آن و تصویری است که از خود و آینده‌ی اجتماع خود دارند. هم‌چنین برای فهم این که اعضای یک اجتماع چگونه تأثیرات را تجربه خواهند کرد، شناخت ارزش‌ها و باورهای معنوی آنان ضروری است. برای شناخت کامل یک اجتماع، علاوه بر این باید در مورد دارایی‌ها، منابع، نقاط قوت و ضعف آن نیز آگاهی کسب کرد. چنین شناختی از اجتماع محلی به پیش‌بینی تأثیرات و شیوه‌ی تجربه‌ی آثار توسط اجتماع و هم‌چنین طراحی سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی راهبردی و سایر برنامه‌های توسعه‌ای مناسب برای اجتماع کمک شایانی می‌کند. تحلیل نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدید^۱ به عنوان

بخشی از یک گفتگوی غیررسمی بین اعضای اجتماع می‌تواند برای ورود به بحث فواید پروژه برای اجتماع میزبان پروژه، مفید باشد. [۲۶]

ز) در صورت لزوم، اجرای پیمایش

برای احصای دغدغه‌ها و نظرات اجتماع مورد بررسی در مورد پروژه از روش‌های مختلف پژوهش اجتماعی می‌توان استفاده کرد. هر یک از این روش‌ها مزایا و معایب خود را داشته و دقت (پایایی و اعتبار) آن‌ها متفاوت است. مطلعین کلیدی معمولاً آگاهی و اطلاعات خوبی در مورد نگرانی‌های اجتماع دارند، اما گاهی دسترسی به آن‌ها غیرممکن است. جلسات بحث گروهی نیز کاربرد زیادی دارند ولی همواره در مورد این که تا چه اندازه شرکت‌کنندگان در این جلسات می‌توانند کل اجتماع را نمایندگی کنند، نگرانی‌هایی وجود دارد. بنابراین در اجتماعاتی که اجرای پیمایش از حیث فرهنگی توجیه‌پذیر است، سفارش یک نظرسنجی با حجم نمونه‌ی کافی و به لحاظ آماری معنی‌دار، می‌تواند روش مناسبی برای ارزیابی احساسات مردم در قبال یک پروژه مشخص باشد. چنین پیمایش‌هایی را برای رصد تغییرات در دریافت‌ها، موضوعات و ذهنیت اجتماع مورد نظر در مورد مجوز اجتماعی پروژه می‌توان در فواصل زمانی معین تکرار کرد.

فعالیت شماره‌ی ۵: به اعضای اجتماع تحت تأثیر در ارتباط با مواردی چون الف) ویژگی‌های پروژه؛ ب) پروژه‌های مشابه اجرا شده در مناطق دیگر برای داشتن برداشتی از تأثیرات احتمالی پروژه؛ ج) شیوه‌ی جلب مشارکت آن‌ها در اتا؛ د) حقوق رویه‌ای آن‌ها طبق چارچوب‌های قانونی و عملکرد اجتماعی پروژه؛ و ه) دسترسی آنان به سازوکارهای شکایت و بازخورد اطلاع‌رسانی کنید.

به منظور تأمین شفافیت مورد انتظار و مواجهه‌ی احترام‌آمیز با اجتماعات و اخذ مجوز اجتماعی عملیات پروژه - به‌ویژه وقتی اتا بخشی از فرایند جلب رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه است - باید اطمینان حاصل شود که اجتماعات تحت تأثیر به طور کامل در جریان پروژه بوده و می‌دانند که پروژه چگونه بر زندگی آنان تأثیر خواهد گذاشت. به‌علاوه برای جلب مشارکت سودمند و مؤثر اجتماع در طراحی پروژه نیز

لازم است اجتماعات تحت تأثیر اطلاعات کافی در مورد پروژه داشته باشند. در اجتماعاتی که تجربه‌ی اجرای پروژه‌های مشابه را دارند ممکن است آمادگی کافی برای شناخت نتایج محتمل پروژه پیشنهادی وجود داشته باشد. اما در مواردی که پروژه به کلی برای اجتماع میزبان جدید است، برای کمک به اشراف آنان بر پروژه لازم است اطلاعاتی در مورد این که پروژه‌های مشابه چگونه اجتماعات میزبان را در جاهای دیگری تحت تأثیر قرار داده‌اند، در اختیار آنان قرار گیرد. بی‌توجهی به این موضوع به معنی تخلف از اصل رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه بوده و برنامه‌ریزی به منظور ایجاد آمادگی در اجتماع محلی برای مواجهه با تغییرات اهمیت زیادی دارد. یکی از اقداماتی که در این راستا می‌تواند بسیار سودمند باشد، بازدید نمایندگان اجتماع محلی از پروژه‌های مشابه است. این گونه می‌توان اطمینان حاصل کرد که اجتماع میزبان از اطلاعات کافی برای درک تأثیرات احتمالی از جانب پروژه برنامه‌ریزی شده، برخوردار است.

این موضوع که اجتماعات میزبان چگونه در اجرای اِتا و پروژه دخالت داده می‌شوند نیاز به بحث و گفتگو دارد. اطلاع‌رسانی در خصوص حقوق قانونی و رویه‌ای اجتماع تحت تأثیر برای مشارکت در پروژه، امری ضروری است، اما ایده‌آل آن است که کارفرمای پروژه و کارشناس اِتا فراتر از تأمین این شرایط حداقلی و رسمی، بکوشند تا مشارکت بیشتر (ترجیحاً به صورت داوطلبانه‌ی) اعضای اجتماع تحت تأثیر را جلب کنند.

وجه دیگری از اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در مورد ابعاد پروژه برای اجتماع میزبان، به امکاناتی ارتباط دارد که مردم برای جبران خسارات وارده به آن‌ها و شکایت (به بیان دیگر سازوکارهای بیان اعتراض) در اختیار دارند. مشارکت‌کنندگان در اِتا و افرادی که تحت تأثیر پروژه قرار می‌گیرند باید از همان ابتدای پروژه، اطلاعات کافی در مورد سازوکارهای طرح شکایات احتمالی و ارائه‌ی بازخورد نسبت به پروژه در اختیار داشته باشند - به موضوع شیوه‌ی طراحی و اجرای سازوکارهای شکایت در فعالیت شماره‌ی ۱۸ برخواهیم گشت. اصل ۳۱ اصول راهنمای سازمان ملل^۱ که معیارهای اثربخشی سازوکارهای شکایت‌های غیرقضایی را تعیین کرده است بر آگاهی همه‌ی ذیمدخلان از وجود چنین سازوکارهایی و دسترسی برابر همگان به آن‌ها تأکید

می‌کند. حصول اطمینان از این که همه‌ی ذی‌مدخلان به امکان و چگونگی دسترسی به چنین سازوکارهایی آگاهی دارند برای سازمان‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است.

فعالیت شماره‌ی ۶: با تدارک فرایندهای مشارکتی فراگیر و فضاهای داوطلبانه به اعضای اجتماع کمک کنید: الف) به برداشتی در مورد این که چگونه تأثیرات پروژه را تجربه خواهند کرد، دست یابند؛ ب) امکان پذیرش تأثیرات احتمالی و منافع پیشنهادی پروژه را تعیین کنند؛ ج) تصمیمات آگاهانه‌ای در مورد پروژه اتخاذ کنند؛ د) به چشم‌انداز اجتماع درباره شرایط مطلوب در آینده بیاندیشند؛ ه) در طراحی برنامه‌های کاهش و پایش تأثیرات اجتماعی نقش داشته باشند؛ و) برای تغییرات آماده شوند.

فرایندهای مشارکتی مؤثر برای اتا ضروری‌اند. ممکن است مشاوران اتا بر پایه‌ی تجربیات قبلی خود بتوانند تأثیرات اجتماعی ناشی از یک پروژه‌ی خاص را به شکل معقولی فهرست کنند، اما هرگز قادر نخواهند بود به تنهایی و بدون مشارکت اعضای اجتماع، معانی و تبعات این تأثیرات را بر مردم محلی تعیین کنند. برای مثال مکان‌های مقدس و دارای اهمیت فرهنگی و تاریخی محلی ممکن است به سادگی برای افراد خارج از این اجتماعات قابل شناسایی نباشند. مشاوران اتا اگر اطلاعات کافی در مورد اینکه مردم محلی چگونه از محیط زیست استفاده می‌کنند، چه اموری از نگاه آنان ارزشمند و معنی‌دار محسوب می‌شود و چگونه به تغییرات در منظر محیطی، شیوه‌ی معیشت و ساختارهای اجتماعی می‌نگرند، نداشته باشند، هرگز نخواهند توانست تأثیرات محلی یک اقدام را مشخص کنند.

میزان پذیرش تأثیرات احتمالی و اقدامات اصلاحی به منظور افزایش منافع پروژه برای اجتماع محلی باید توسط اعضای آن تعیین شود، در غیر این صورت تصمیمات اتخاذ شده از مشروعیت کافی برخوردار نخواهد بود. اجتماعات محلی باید به زمان و منابع کافی برای کسب آگاهی در مورد تأثیرات اجتماعی احتمالی که در آینده تجربه خواهند کرد و در نتیجه شناسایی، یادگیری و کسب آمادگی برای مواجهه با تغییرات پیش‌رو دسترسی داشته باشند. معمولاً واکنش‌های اولیه به پروژه با جهت‌گیری‌های بعدی اجتماع محلی متفاوت است، لذا باید اطمینان حاصل کرد که اجتماع محلی

زمان کافی برای فرایند یادگیری و تصمیم‌گیری در اختیار دارد. به علاوه اعضای اجتماع به ندرت در دیدگاه‌های خود در قبال موضوعات مختلف اتفاق نظر دارند و مهم است که به اجتماع محلی فرصت داده شود تا موضع‌گیری جمعی و نهایی خود را به شیوه‌ای که از نظر اعضای آن مطلوب قلمداد می‌شود، اعلام کند.

موافقت اجتماع محلی برای این که مبتنی بر رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه قلمداد شود باید طی فرایندی از بحث و گفتگو حاصل شده باشد. دادن قدرت به همه‌ی اجتماعات (اعم از بومی و غیربومی) برای موافقت یا مخالفت با پروژه (یعنی منطبق بر رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه)، از حیث بین‌المللی یک اقدام ایده‌آل قلمداد شده و نشان از احترام به اجتماعات محلی است. یک پروژه بدون اتکاء به این فرایندهای مشارکت و گفتگو، هرگز نمی‌تواند ادعا کند از حمایت اجتماع محلی و یا مجوز اجتماعی برای اجرای عملیات برخوردار است.

چشم‌انداز آینده باید به کمک مردم محلی و به روش گفتگویی ساخته شود. وجود چنین چشم‌اندازی در مورد آینده از آن رو مهم است که پذیرش پروژه‌ها، تأثیرات و منافعی که ایجاد می‌کنند، به طور کامل وابسته به تصویری است که اجتماع از آینده‌ی خود و میزان سازگاری پروژه با آن دارد. حتی زمانی که چنین تصویر منسجمی از آینده‌ی اجتماع وجود ندارد، مردم تصویری (خواه آگاهانه و یا نیمه آگاهانه) در مورد آینده مطلوب خود دارند. روشن است که چنین چشم‌اندازی در مورد آینده جز از رهگذر مذاکره و نیز بحث و گفتگو بر سر راهبردهای تحقق آن، حاصل نمی‌شود. اعضای اجتماع برداشت‌های متفاوتی در مورد آینده دارند و در نتیجه برای دستیابی به یک چشم‌انداز مورد اجماع، فرایندی از بحث و گفتگو بین‌آرای مختلف مورد نیاز است.

کمک به اعضای اجتماع برای این که از آمادگی لازم برای مواجهه با تغییرات برخوردار شوند نیز نیازمند فرایندهای مشارکتی است. تغییرات تحمیلی اغلب با اقبال مواجه نمی‌شوند و تلقی مثبتی از آن‌ها در اجتماع وجود ندارد. برعکس تغییراتی که با مذاکره و گفتگو پذیرفته شوند، تحمل‌پذیر شده و اجتماع نگرش مثبتی در مورد آن‌ها پیدا می‌کند. بنابراین مثبت یا منفی قلمداد شدن یک تغییر، اغلب به مشروعیت فرایند اعمال تغییر در جامعه ارتباط دارد. با این وجود حتی تغییرات مورد پذیرش اجتماع نیز ممکن است تأثیرات منفی در برداشته و آسیب‌زا باشند. یک

فرایند مشارکتی به شناسایی راهبردهای پذیرش تغییرات، اصلاح اطلاعات نادرست و پیشدوری‌ها در مورد آن‌ها و نیز تعیین راهبردهای قابل قبول کاهش تأثیرات منفی تغییرات کمک می‌کند.

فرایندهای مشارکتی از این حیث که موقعیت‌هایی را برای ارائه‌ی اطلاعات سودمند و قابل استفاده برای مجریان پروژه‌ها فراهم می‌کنند نیز اهمیت دارند. یکی از این اطلاعات، دانش محلی است که مجریان پروژه با تکیه بر آن می‌توانند به بینش‌های عمیق و بسیار سودمندی در ارتباط با محیط تغییر و ویژگی‌های محل اجرای پروژه دست یابند. استفاده از دانش محلی به ویژه در کشورهای در حال توسعه که منابع داده‌های رسمی ضعیف هستند، اهمیت بیشتری دارد. به عنوان مثال با استفاده از دانش محلی در مورد احتمال، فراوانی و شدت وقوع سیلاب، تگرگ، طوفان و اوج سیلاب و هم‌چنین محل‌های وقوع رعد و برق می‌توان هزینه‌های پروژه را به طور قابل توجهی کاهش داد. اما روشن است که مردم، تنها وقتی جایگاه مطلوب و مورد احترامی در پروژه داشته باشند، حاضر خواهند بود تا چنین اطلاعاتی را در اختیار بگذارند.

در فرایندهای مشاوره‌ای اِتا، مشاوران اِتا این فرصت را پیدا می‌کنند که با اجتماعات تحت تأثیر پروژه در مورد انتظارات و دیدگاه‌های آن‌ها در اموری چون روابط موجود در اجتماع، سازوکارهای پیش‌بینی‌شده برای بیان اعتراض، اقدامات لازم برای کاهش تأثیرات منفی و نقش بالقوه‌ی آنان در پایش تأثیرات اجتماعی به گفتگو بنشینند. توصیه‌هایی که کارشناسان اِتا بر مبنای چنین ارتباطی با اجتماع تحت تأثیر ارائه می‌کنند باید در مدیریت این موضوعات مورد توجه قرار گیرد. فرایندهای جلب مشارکت به اندازه‌ی نتایج آن اهمیت دارد و یک فرایند مشارکتی فراگیر کلید اجرای موفقیت‌آمیز یک پروژه محسوب می‌شود.

ارزشیابی‌های صورت گرفته در مورد مداخلات برنامه‌ریزی شده در جهان نشان می‌دهند که مداخلات موفقیت‌آمیز همواره با مشارکت اجتماع به سرانجام رسیده‌اند، اما باید به یاد داشت که مشارکت یک نسخه‌ی عمومی نیست و موفقیت اِتا و یا پروژه را تضمین نمی‌کند. ممکن است به دلیل این که یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده اجتماع را به دو گروه برنده و بازنده تقسیم کرده و یا به این دلیل که تنش‌های پیشین به مداخله‌ی جدید تسری پیدا کرده‌اند، تضاد پیچیده و غیر قابل حلی

در اجتماع بوجود بیاید. شناخت پیشینه‌ی محلی به ویژه در ارتباط با وجود تضادهای پنهان ضروری است. هم‌چنین نباید به سادگی چنین تصور کرد که به محض فراهم شدن فرصت مشارکت، مردم محلی تصمیم به مشارکت خواهند گرفت. با وجود حسن نیت مجریان پروژه، ممکن است مردم محلی، فرایند مشارکت را صادقانه و واقعی قلمداد نکرده و چنین احساس کنند که نظرات آنان جدی گرفته نخواهد شد و در نتیجه تلاش‌های آنان بی‌ارزش بوده و اساساً مشارکت امری ضروری و سودمند نیست. در جوامعی که فاقد فرهنگ مشارکت هستند، لازم است برای ترغیب مردم به مشارکت و تسهیل مشارکت آنان اقدامات معینی به ویژه در ارتباط با گروه‌های آسیب‌پذیر در موقعیت‌های نابرخوردار صورت گیرد. فرایندهای مشارکت باید برای همه قابل دسترسی باشد. برای تضمین فراگیری مشارکت لازم است روش‌هایی برای مشارکت گروه‌های آسیب‌پذیر و اعضای بسیار محروم جامعه پیش‌بینی شود.

فعالیت شماره‌ی ۷: موضوعات اجتماعی و حقوق بشری را که پتانسیل آن را دارند که موجب نگرانی شوند، شناسایی کنید (دامنه‌یابی)

دامنه‌یابی، فرایند شناسایی موضوعات اصلی مورد توجه و هم‌چنین تعیین طرف‌های دارای منافع و تحت تأثیر در یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده است (رجوع شود به فعالیت شماره‌ی ۴). نتیجه‌ی دامنه‌یابی به عنوان یک فرایند مقدماتی در اِتا، فهرستی اولیه از موضوعات و مسایل حایز اهمیت است که در ادامه باید مورد ارزیابی بیشتر و دقیق‌تر قرار گیرند (فعالیت شماره‌ی ۹). علت دو مرحله‌ای بودن این فرایند، حصول اطمینان از شفافیت و فراگیری آن است؛ به ویژه آن که در بدو امر مشخص نیست تأثیرات اجتماعی کدامند؟ فایده‌ی دیگر این فرایند دو مرحله‌ای آن است که فرصت پرداختن به موضوعات جدید و آشکار شده در فرایند دامنه‌یابی و در نتیجه بازنگری در زمان و هزینه‌ی پیش‌بینی شده برای اِتا را فراهم می‌کند. دامنه‌یابی فرایند مداوم و بازتحلیل اطلاعاتی است که در مورد تأثیرات احتمالی تولید می‌شود. این اطلاعات درون‌داد فرایند دامنه‌یابی محسوب شده و ناظر بر شناسایی موضوعات و تأثیراتی است که در ارزیابی تأثیرات اجتماعی یک پروژه باید مورد بررسی قرار گیرد و از منابع متنوعی مانند مرور گزارش‌های پروژه‌های مشابه، دانش کارشناسی، و از

همه مهم‌تر دیدگاه مردم محلی استخراج می‌شود. مصاحبه‌های انجام گرفته در فرایند تهیه‌ی نمایه‌ی اجتماع می‌توانند ایده‌های خوبی برای شروع دامنه‌یابی در اختیار بگذارند. استفاده از کارگاه‌های اجتماع-محور نیز برای تولید دروندادهای دامنه‌یابی بسیار راهگشاست. البته لازم است تعداد و مکان برگزاری این کارگاه‌ها با ویژگی‌های اجتماع تحت تأثیر متناسب باشد. به عنوان مثال در اجتماعاتی که اظهارنظر زنان درباره این موضوعات و در جمع پذیرفته نیست، باید با برگزاری گردهمایی‌های جداگانه برای آنان، دیدگاهشان در مورد موضوعات مهم و تأثیرات احتمالی پروژه را اخذ و در فرایند دامنه‌یابی وارد کرد.

فراگیر بودن دامنه‌یابی برای پوشش همه‌ی تأثیرات ممکن یک پروژه، بسیار ضروری است. در مرحله‌ی ارزیابی (فعالیت شماره‌ی ۹) تأثیرات احتمالی پروژه به دقت تعیین می‌شوند و پوشش ارزیابی هنگامی رضایت‌بخش خواهد بود که همه‌ی تأثیرات ممکن احتمالی پیشتر در مرحله‌ی دامنه‌یابی به درستی شناسایی شده باشند. به علاوه ضرورت دارد که دامنه‌یابی برای هر یک از فعالیت‌های اصلی تشکیل‌دهنده‌ی پروژه نیز انجام شود (رجوع شود به فعالیت شماره‌ی ۱). به عنوان مثال احداث یک معدن ممکن است بر مردمانی که در اجتماعات مستقر در حاشیه‌ی مسیر خط آهن از لنگرگاه تا چاه معدن زندگی می‌کنند، تأثیر بگذارد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه خطوط آهن از میان روستاها می‌گذرند و عبور و مرور مردم از روی ریل‌ها و بازی بچه‌ها روی آن‌ها امری عادی است (رجوع شود به قاب شماره‌ی ۸).



استفاده از نقشه برداری ذهنی در دامنه یابی سودمند است.



شکل شماره ۶: مثال هایی از نقشه برداری ذهنی

قاب شماره ۸: یک نمونه‌ی موردی از شناسایی دغدغه‌های اجتماع محلی

یک شرکت معدنی که در حال برنامه‌ریزی برای ساخت معدن جدید در یکی از کشورهای در حال توسعه است، در نظر دارد برای انتقال سنگ معدن به نزدیک‌ترین محل بارگیری که صدها کیلومتر با آن فاصله دارد، از خطوط ریلی استفاده کند. ایجاد این خط ریلی در بخش‌هایی نیازمند احداث خطوط آهن جدید است و در بخش‌هایی نیز می‌توان از خطوط آهن موجود استفاده کرد که از یک منطقه‌ی با تراکم جمعیتی بالا و از میان محلات زیادی عبور می‌کند. تصمیم بر این است که برای تأمین نظر دولت در مورد توسعه‌ی برنامه‌ریزی‌شده و عقلایی زیرساخت‌ها و همچنین تأمین منافع شرکت، بخش‌های زیادی از این خط علاوه بر قطار حمل سنگ آهن، توسط قطارهای باری، حمل سوخت و مسافر نیز مورد استفاده قرار گیرد. چنین تصمیمی سودمند است اما در عین حال بدان معنی است که حجم تردد قطارها در این خط شاید به دو برابر بیشتر از تردد قطارهای حامل سنگ آهن افزایش پیدا کند. آیا لازم است در ارزیابی تأثیرات این معدن به این موضوع توجه شود؟

تعدادی از اعضای اجتماعات پیرامون این خط آهن نگران گرد و غبار ناشی از تردد واگن‌های حمل سنگ آهن هستند و دغدغه‌ی آن‌ها نیز درست است. واگن‌های حمل سنگ آهن پوششی ندارند، هرچند اقداماتی برای تثبیت گرد و غبار در آن‌ها صورت می‌گیرد. ساکنان مطمئن نیستند که این اقدامات به درستی انجام گرفته و بتوانند تا پایان مسیر و در شرایط سختی مانند درجه‌ی حرارت بالا و یا باران شدید مانع از انتشار گرد و غبار شوند. مطالعات نشان می‌دهند خطر ناشی از انتشار گرد و غبار سنگ آهن به مراتب کمتر از گازهای ناشی از احتراق سوخت دیزل در لکوموتیوها بوده و در برابر خطرات و گرد و غبارهای ناشی از منابع دیگر که مردم ساکن در مناطق پیرامون خطوط آهن در معرض آن هستند، قابل چشم‌پوشی است. با این حال و علی‌رغم وجود چنین شواهدی، مردم محلی قانع نمی‌شوند و این موضوع به یکی از دغدغه‌های آن‌ها تبدیل می‌شود. آیا می‌توان آن را یک تأثیر اجتماعی قلمداد کرد؟ یکی دیگر از دغدغه‌های مردم، قطارهای حامل دینامیت برای معدن و یا حامل سوخت مورد استفاده اجتماعات پیرامون خط آهن و یا معدن است. هرچند این کار خطراتی دربردارد اما خطرات آن در مقایسه با حمل این کالاها با استفاده از کامیون و تریلر و از طریق جاده، به مراتب کمتر است. بزرگترین خطر این خط آهن برای اجتماعات پیرامون آن، افزایش تردد قطارها از یک مورد در روز به یک قطار در ساعت و انتظار پنج دقیقه به کمتر برای عبور آن به انتظار حدود پانزده دقیقه برای عبور آن در هر نوبت است. این امر موجب اختلال در زندگی روزمره مردم، تولید سرو صدا و ایجاد خطر تصادف و برخورد با قطار خواهد شد.



شکل شماره ۷: در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منازل مسکونی در فاصله‌ی نزدیکی از خطوط آهن قرار دارند.^۱

1. Source: Wikipedia, creative commons license

فعالیت شماره ۸: داده‌های وضعیت پایه را در مورد موضوعات اجتماعی گردآوری کنید.

نمایه‌ی اجتماع (فعالیت شماره ۴) و داده‌های وضعیت پایه در عین ارتباط با هم، دو موضوع جداگانه هستند. منظور از نمایه‌ی اجتماع، توصیف عمیق و کیفی اجتماعات تحت تأثیر و مرور روندها و مسایل آن‌هاست. منظور از وضعیت پایه نیز مجموعه‌ای از نشانگرهای اجتماعی به دقت انتخاب شده (متغیرهای اجتماعی) و داده‌های کمی مرتبط با آن‌ها در اجتماعات تحت تأثیر است. وضعیت پایه به یک مبنای مقایسه اشاره دارد- به بیان دیگر به آن دسته از داده‌ها (شاخص‌های اجتماعی) در اجتماعات تحت تأثیر اشاره دارد که از آن‌ها می‌توان به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری تأثیرات پروژه به موازات پیشرفت آن و تعیین کم و کیف امکانات موجود در اجتماع استفاده کرد. مطلوب آن است این داده‌ها وضعیت پیش از اجرای پروژه را گزارش کنند، اما این امر همواره مقدور نیست. داده‌های وضعیت پایه نه فقط موضوعاتی را که داده‌های آن‌ها در دسترس است بلکه باید همه‌ی موضوعات مهم و مرتبط را پوشش دهد. بنابراین لازم است تعیین محوره‌های گردآوری داده‌های وضعیت پایه با دقت کافی صورت گیرد. برای اندازه‌گیری هر یک از موضوعات اجتماعی کلیدی باید متغیر مناسبی تعیین شده و داده‌های مربوط به آن گردآوری شود.

در برخی متغیرها، داده‌های وضعیت پایه را می‌توان از طریق مراجعه به اطلاعات از پیش موجود (به عنوان مثال داده‌های ثانویه مانند سرشماری‌ها) به دست آورد؛ اما داده‌های بیشتر متغیرها معمولاً در دسترس نبوده و یا این که در مقیاس متفاوتی اندازه‌گیری شده‌اند و یا به اندازه‌ای قدیمی‌اند که نمی‌توان از آن‌ها استفاده کرد. بنابراین تهیه‌ی یک گزارش جامع وضعیت پایه نیازمند تلاش قابل توجهی برای شناسایی موضوعات اساسی، تعیین متغیرهای مناسب و گردآوری داده است.

داده‌های وضعیت پایه، شرایط اجتماع را قبل از تغییر نشان می‌دهند. علاوه بر داده‌های وضعیت پایه، باید برای هر یک از نشانگرهای تأثیر اجتماعی که بالقوه مهم تشخیص داده شده‌اند نیز یک معیار^۱ مناسب و مقدار هدف نیز تعیین شود. منظور از مقادیر معیار، مبنایی بیرونی برای مقایسه، مانند یک استاندارد بین‌المللی (نظیر

1. benchmark

توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی)، معیارهای صنعتی، یا وضعیت پروژه‌های مشابه یا رقیب است. پس از تعیین مقادیر معیار، می‌توان مقدار هدف یا آن‌چه را که انتظار می‌رود در محل پروژه محقق شود را تنظیم کرد. در اغلب موارد، مقادیر هدف همان مقادیر معیار هستند اما در مواردی نیز بسته به شرایط زمینه‌ای، مقادیر هدف می‌تواند متفاوت باشد. به عنوان مثال شرکتی که می‌خواهد در حوزه‌ی خاصی پیشگام باشد باید مقادیر سختگیرانه‌تری را به عنوان هدف خود انتخاب کند. در مقابل، وقتی دستیابی به مقدار معیار غیر ممکن به نظر می‌رسد، باید هدف پایین‌تری را انتخاب کرد. مثالی از مورد اخیر تعداد پزشکان در هر یکصد هزار نفر جمعیت است. در بیشتر مناطق روستایی انتظار این که این مقدار برابر میانگین همین شاخص برای مناطق شهری باشد، واقع بینانه نیست.

II مرحله‌ی دوم: پیش‌بینی، تحلیل و ارزیابی خط‌سیرهای تأثیرات احتمالی فعالیت شماره‌ی ۹: تغییرات و تأثیرات احتمالی ناشی از پروژه و جایگزین‌های آن را تجزیه و تحلیل کنید.

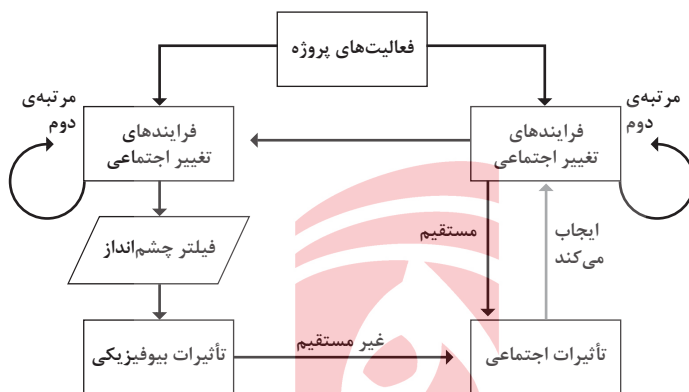
در فرایند دامنه‌یابی (فعالیت شماره‌ی ۷)، فهرست اولیه‌ی موضوعاتی که کارشناس‌ها باید به آن‌ها بپردازد، مشخص می‌شود. در این مرحله باید با مطالعات دقیق تعیین کرد که اجرای پروژه در واقع چه تبعاتی خواهد داشت و آیا تأثیرات ادراک شده^۱ در عمل هم بروز می‌کنند؟ بنابراین این فرایند باید منعطف بوده و این امکان وجود داشته باشد که در صورت لزوم موضوعات جدیدی به فهرست موضوعات مورد بررسی اضافه شود. هم چنین لازم است که به نتایج سایر مطالعات ارزیابی تأثیر نیز مراجعه شود. به عنوان مثال، ممکن است مطالعات ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، وقوع تغییراتی را در محیط زیست و یا عملکرد اکوسیستم تأیید کنند؛ اما چنین تغییراتی در فرایند دامنه‌یابی‌ها شناسایی نشده باشد. در بیشتر پروژه‌ها حتی وقتی طرح توسعه‌ی آن‌ها نیز مشخص شده است، تنها برای قسمتی از پروژه یا فعالیت خاصی از آن تقاضای صدور مجوز قانونی از مراجع ذیصلاح صورت می‌گیرد. ارزیابی تأثیرات چنین پروژه‌هایی نباید به همان بخش یا فعالیت پروژه که موضوع

درخواست مجوز است، محدود شود و لازم است تأثیرات همه‌ی بخش‌های پروژه و توسعه‌ی قابل‌پیش‌بینی آن در آینده و هم‌چنین پروژه‌ها و صنایع مرتبط و وابسته‌ی به پروژه یادشده نیز مورد توجه قرار گیرد.

ممکن است برخی از تأثیرات بالقوه در صدر دغدغه‌های مردم محلی قرار داشته باشد (تصورات ادراک‌شده). چنین تأثیراتی، حتی اگر بر اساس مطالعات دقیق علمی هم احتمال وقوع اندکی داشته باشند، نقش زیادی در ارتباط بین مردم و پروژه و تعیین واکنش و رفتارشان در قبال آن دارند. در چنین مواردی باید با تعاملات محتاطانه‌ای به آن‌ها اطمینان داده شود که دغدغه‌هایشان به طور جدی مورد بررسی قرار گرفته است. باید به یاد داشت که چنین دغدغه‌هایی حتی اگر از پشتوانه‌ی علمی و فنی نیز برخوردار نباشند، باز هم در زمره‌ی تأثیرات اجتماعی پذیرفته شده‌ی پروژه دسته‌بندی می‌شوند. مادامی که ا تا فرایند مدیریت موضوعات اجتماعی است، تیم ا تا موظف است برای شناسایی و رفع این دغدغه‌ها با اجتماع محلی کار کند.

فعالیت شماره‌ی ۱۰: تأثیرات غیرمستقیم (ثانویه یا مرتبه چندم) را به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.

علاوه بر تأثیرات مستقیم، لازم است تأثیرات غیرمستقیم، ثانویه یا مرتبه چندم پروژه‌ها نیز مورد تحلیل قرار گیرد. تامل در این نوع تأثیرات نیازمند دقت نظری زیادی است، چرا که در نگاه اول و به سادگی نمی‌توان آن‌ها را شناسایی کرد. با نقشه‌برداری ذهنی (ر. ک به فعالیت شماره‌ی ۷) می‌توان به تصویری درباره خطسیرهای تأثیرات دست یافت، اما برای اجرای مراحل تحلیلی ا تا (فعالیت‌های شماره‌ی ۹، ۱۰ و ۱۱) لازم است که مسیرهای این تأثیرات با دقت و در جزئیات مورد تحلیل قرار گیرند. زمانی که ارزیابی تأثیرات از نوع پیش از وقوع یا ارزیابی آینده‌نگرانه است، تحلیل لزوماً به معنای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات نیست؛ به جای آن مقایسه‌ی اجتماع مورد بررسی با اجتماعات تحت تأثیر پروژه‌های مشابه و استفاده از دانش تخصصی برای تحلیل سناریوهای تغییرات و کاربرد تفکر منطقی ضرورت دارد. شکل شماره‌ی ۸، مدل مناسبی برای کمک به تفکر منطقی در مورد تأثیرات غیرمستقیم و مسیرهای شکل‌گیری و بروز تأثیرات است.



شکل شماره ۸: مدل تحلیل تأثیرات غیر مستقیم و مسیرهای بروز تأثیرات^۱

مطابق مدل پیشنهادی در شکل شماره ۸، هر یک از فعالیت‌های تشکیل دهنده‌ی پروژه به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند. تأثیرات اجتماعی ممکن است به طور مستقیم از طریق فرایندهای تغییر اجتماعی و یا به طور غیر مستقیم از طریق تغییر در محیط بیوفیزیکی مانند آلودگی زیست محیطی بروز پیدا کنند. پیکان «ایجاب می‌کند» به شیوه‌ی واکنش مردم به تجربه‌ی یک تأثیر و فرایندهای تغییرات اجتماعی متعاقب آن که در نهایت به بروز تأثیرات بیشتر می‌انجامد، اشاره دارد. یک فرایند تغییر اجتماعی هم چنین می‌تواند به تغییرات زیست محیطی منتهی شود و بدین ترتیب تأثیرات اجتماعی بیشتری را رقم زده و این فرایند به همین ترتیب می‌تواند ادامه داشته باشد.

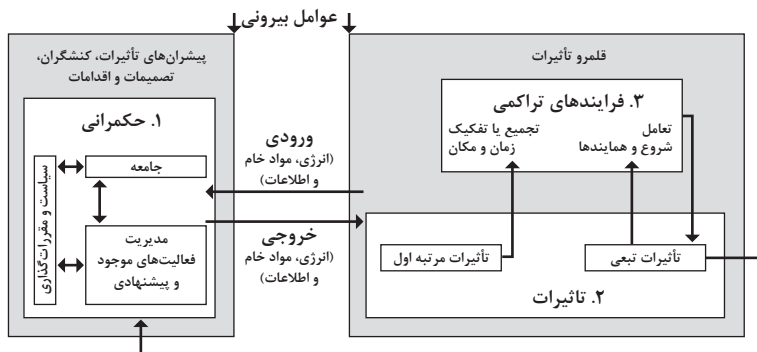
یکی از موضوعات مهم قابل توجه، جریان‌های مهاجرتی به محل اجرای پروژه است که گاهی از آن به تأثیر کوزه‌ی عسل یا هجوم یاد می‌شود. در پروژه‌های بزرگ علاوه بر کارگرانی که به طور مستقیم توسط مدیران پروژه جذب شده و به محل اجرای پروژه آورده می‌شوند، افراد زیادی در جستجوی فرصت‌های اقتصادی مانند اشتغال در پروژه و یا ارائه‌ی کالاها و خدمات به پروژه و کارکنان آن، جذب منطقه‌ی اجرای پروژه می‌شوند. این موضوع بسته به موقعیت می‌تواند شمار

1. Modified from Slootweg, R., Vanclay, F. & van Schooten, M. 2001 Function evaluation as a framework for the integration of social and environmental impact assessment. Impact Assessment & Project Appraisal 19(1), 19-28. <http://dx.doi.org/10.3152/147154601781767186>

افراد وارد شده به منطقه‌ی محل اجرای پروژه و شدت تأثیرات بر اجتماع میزبان را افزایش دهد. [۲۷]

فعالیت شماره‌ی ۱: چگونگی بروز اثرات تجمعی ناشی از پروژه را در اجتماعات میزبان مورد بررسی قرار دهید.

مهم است که نه فقط به تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم پروژه‌ی مورد بررسی، بلکه به اثرات تجمعی پروژه در اجتماع میزبان نیز توجه شود. همه‌ی انواع تأثیرات، یک بعد تجمعی دارند. هر تأثیری بسته به این که در متن چه وضعیتی از نظام اجتماعی-زیست محیطی روی دهد، به شکل متفاوتی تجربه می‌شود. تأثیرات در طول زمان و یا به لحاظ جغرافیایی ممکن است تجميع / ترکیب و یا تقسیم شوند و یا در تعامل با یکدیگر تأثیرات جدیدی را رقم بزنند. تجميع و ترکیب تأثیرات ممکن است ناشی از اقدامات یک یا چند پروژه‌ی مختلف و یا فعالیت‌های گذشته و آینده‌ی آن باشد. نظام‌های اجتماعی-زیست محیطی از طریق بازخورد یا فرایندهای حکمرانی به تأثیرات واکنش نشان می‌دهند (شکل شماره‌ی ۹).



شکل شماره‌ی ۹: تأثیرات تجمعی^۱

1. Franks, D., Brereton, D. & Moran, C.J. 2013 The cumulative dimensions of impact in resource regions. Resources Policy 38(4), 640-647. <http://dx.doi.org/10.1016/j.resourpol.2013.07.002> (used with permission).

ابعاد تجمعی یک تأثیر را نمی‌توان با تمرکز صرف بر فعالیت‌های یک پروژه درک و یا مدیریت کرد. برای این کار باید به درک مناسبی از نظام اجتماعی-زیست‌محیطی دست یافت و این کار همواره مستلزم نوعی اولویت‌بندی بین موضوعات شایسته‌ی بررسی و دارای اهمیت است. استفاده از مفاهیمی چون معیشت پایدار، خدمات اکوسیستم و توسعه‌ی اجتماعی می‌تواند در آشکار کردن ارتباطات و تعامل بین تأثیرات مختلف سودمند باشد.

- با اقدامات زیر می‌توان ارزیابی و مدیریت تأثیرات تجمعی را تسهیل کرد:
- درک فرایندهای علی مولد تأثیرات (از طریق روش‌هایی مانند تحلیل مسیر بروز تأثیرات) از دیدگاه مردم و اجتماعی که این تأثیرات را تجربه می‌کنند؛
 - درک روندها به‌ویژه در مطالعات وضعیت پایه برای دستیابی به آثار تجمعی فعالیت‌های گذشته؛
 - تمرکز بر امکانات مرتبط با پروژه و نیز فعالیت‌های گذشته، حال و آینده؛
 - پیش‌بینی و تحلیل سناریوها.

راهبردهای مدیریت تأثیرات تجمعی باید در مقیاس سیستمی که تأثیرات در آن روی می‌دهد، تعریف شوند. هماهنگی و همکاری با دیگر عوامل شکل‌گیری تأثیرات، می‌تواند به اولویت‌بندی تأثیرات کمک کند. پایش تأثیرات توسط ذیمدخلان متعدد، تبادل اطلاعات، شبکه‌سازی، برنامه‌ریزی راهبردی یا مدیریت جمعی داده‌ها نمونه‌هایی از این نوع همکاری‌هاست. [۲۸]

فعالیت شماره ۱۲: چگونگی واکنش احتمالی گروه‌های اجتماعی مختلف

تحت تأثیر پروژه را تعیین کنید.

هدف فعالیت شماره ۹، شناسایی تأثیرات اجتماعی احتمالی پروژه بر جامعه میزبان بود. اما محور این فعالیت واکنش گروه‌های مختلف ذیمدخلان به این تأثیرات است. گروه‌های مختلف به شیوه‌های متفاوتی تحت تأثیر پروژه‌ها قرار می‌گیرند و در نتیجه طبیعی است به شیوه‌های یکسانی به آن واکنش نشان ندهند. به عنوان مثال پیشنهاد احداث یک معدن جدید در منطقه‌ای در آفریقای جنوبی که اقتصاد غالب آن گردشگری و مزرعه‌ی پرورش حیوانات است، با اقبال اکثریت جامعه‌ی محلی مواجه

خواهد شد، چرا که فرصت‌های شغلی ناشی از پروژه می‌تواند مسأله‌ی بیکاری را در منطقه مرتفع کند. اما مالکان ثروتمند زمین ممکن است به دلیل تأثیرات بصری پروژه و تغییرات متعاقب آن در هویت منطقه و حس تعلق مکانی مردم با آن مخالفت کنند. به علاوه محتمل است احداث معدن بر گردشگری منطقه تأثیر منفی بر جای گذاشته و موجب کاهش درآمد گردانندگان مزارع پرورش حیوانات شود. بدین ترتیب در صورت عدم جلب مشارکت آنان در پروژه ممکن است سرمایه‌ی اجتماعی و سیاسی خود را برای ایجاد مانع در برابر اجرای پروژه به کار گیرند.

مثال دیگر در همین ارتباط طرح انتقال برق روستایی است. حتی اگر چنین پروژه‌ای با این نیت اجرا شود که خانوارهای روستایی فاقد دسترسی به برق بتوانند از این امکان بهره‌مند شوند، در صورتی که مردم محلی انتظار داشته باشند که در اشتغال ناشی از پروژه سهم داشته باشند و این انتظار برآورده نشود، ممکن است با مخالفت سازمان‌یافته‌ی مردم محلی مواجه شود. بنابراین نباید تصور کرد که یک پروژه‌ی توسعه‌ای به صرف این که منافی برای اجتماع محلی تولید می‌کند، لزوماً مجوز اجتماعی نیز دریافت خواهد کرد.

شناخت واکنش اجتماعی برای تعیین ریسک پروژه و نیز تأثیرات غیر مستقیم (ثانویه و مرتبه چندم) ضروری است. به عنوان مثال، برای اجرای پروژه‌ای، لازم بود محدوده‌ای از حیث فرهنگی با اهمیت برای گروه‌های بومی و محلی، تخریب شود. مجریان پروژه تصور می‌کردند با ایجاد منافع کافی برای اجتماع محلی می‌توانند این خسارت را جبران کرده و موافقت مردم را برای اجرای پروژه جلب کنند. اما از این موضوع غافل بودند که در مانگران سنتی محلی (حکیمان و دعانویس‌ها) به شدت با تخریب این سایت فرهنگی مخالفند و مانع همکاری افراد محلی با پروژه خواهند شد. به باور آنان این پروژه نفرین شده و به رویدادهای مرگباری منجر خواهد شد. در نتیجه مردم محلی از اشتغال در پروژه استقبال نکردند و پروژه نتوانست منافع مورد انتظار را برای جلب رضایت مردم بومی تولید کند. مجریان پروژه به ناچار نیروی کار خود را از خارج از منطقه‌ی مورد نظر تامین کردند و این مسئله آغازگر تنش‌های زیادی بین کارگران و مردم محلی بود. حضور کارگران غیربومی به بروز مجموعه‌ای از تأثیرات در اجتماع محلی انجامید که پیامد نهایی آن بدتر شدن وضعیت نسبت به قبل از اجرای

پروژه شد. اعتراضات پیگیر قبایل محلی و مردم بومی در نهایت توجه بین‌المللی را به خود جلب کرد و منجر به محکوم شدن شرکت مجری پروژه به نقض حقوق بشر گردید. اجتماعات محلی و افراد تحت تأثیر پروژه‌ها بسته به این که تأثیرات ناشی از پروژه را چگونه تجربه می‌کنند و تا چه اندازه آن را منطقی و عادلانه می‌دانند، واکنش‌های متنوع و متفاوتی از خود نشان می‌دهند. این واکنش‌ها می‌تواند از پذیرش و یا انطباق زندگی‌شان با وضعیت جدید و تغییر یافته تا مخالفت و اعتراض سرسختانه در برابر آن متغیر باشد. گاهی ممکن است پروژه‌ها فعالیت‌های زندگی روزمره مردم را به گونه‌ای تغییر دهند که منجر به بروز تأثیرات بیشتری شود.

قاب شماره ۹: تأثیرات اجتماعی اجرای پروژه‌ی سد در یک منطقه‌ی کوهستانی

نشر هم‌شهری

در جریان اجرای یک پروژه‌ی آبی مشتمل بر چندین سد بزرگ، مردم محلی با این که در بدو امر دیدگاه مثبتی نسبت به پروژه داشتند، به مرور که در معرض تأثیرات منفی آن قرار گرفتند، موضع مخالفت و اعتراض در برابر پروژه را در پیش گرفتند. به نظر آنان منافع وعده داده شده توسط پروژه محقق نشده بود. برنامه‌ی آموزشی و ارتقای مهارت مردم محلی که با هدف کمک به آنان برای یافتن شغل در پروژه به اجرا درآمد به دلیل مدیریت ضعیف هم با تأخیر اجرا شد و هم در عمل نیز به ارتقای مهارت آنان کمکی نکرد. یکی دیگر از گلایه‌های آنان این بود که جبران درآمد از دست‌رفته و شیوه‌ی معیشت مختل شده آن‌ها که به صورت غذای جایگزین و پول نقد صورت می‌گرفت، در عمل جریان طبیعی زندگی آنان را دگرگون کرده بود چرا که دیگر کاری برای انجام دادن نداشتند و برخی نیز که برای حفظ حس روال طبیعی زندگی به فعالیت‌های معمول و روزمره پیشین خود ادامه می‌دادند، به دلیل تأثیرات منفی پهنه‌های آبی و جاده‌های دسترسی با دشواری‌های زیادی مواجه بودند. چوپانانی که احشام را در ارتفاعات پرورش می‌دادند نیز گلایه داشتند که کارشان سخت‌تر از گذشته شده است. سدها بستر دره‌ها را که بیشتر به عنوان چراگاه زمستانی مورد استفاده قرار می‌گرفت، به زیر آب برده بودند. از دست رفتن این مراتع چرای زمستانی و نیز غارهایی که به هنگام برودت هوا به عنوان پناهگاه مورد استفاده قرار می‌گرفت، مانع از پرورار شدن احشام شده و کار دامداری را ناخوشایند کرده بود. علاوه بر این، تغییر چشم‌انداز موجب احساس غم و اندوه در آن‌ها شده بود. از دست رفتن اراضی و پوشش گیاهی نیز تأثیر اجتماعی پیش‌بینی نشده‌ی دیگری به همراه داشت؛ درمانگران سنتی از این که دیگر به گیاهان دارویی دسترسی نداشتند و این تغییرات، کار آنان را با دشواری زیادی مواجه کرده بود، گلایه داشتند. مساله‌ی دیگری که قابل پیش‌بینی بود آب‌گیری سد بود که مردم درک درستی از عواقب آن نداشتند. در نتیجه‌ی این امر روستاهای مجاور پیشین، ارتباط خود را از دست دادند و روستائیان دیگر نمی‌توانستند به مانند قبل بستگان خود را ببینند و یا به مزارع خود سر بزنند و به فعالیت‌های قبلی خرید و فروش دره بپردازند.



شکل شماره ۱۰: چوپان احشام در منطقه‌ی کوهستانی^۱

نشر هم‌شهری

فعالیت شماره ۱۳: اهمیت تغییرات پیش‌بینی شده را تعیین و آن‌ها را اولویت‌بندی کنید.

هنگامی که همه‌ی تأثیرات مورد ارزیابی قرار گرفتند، باید آن‌ها را بر اساس ضرورت اقدام و مداخله در آن‌ها، اولویت‌بندی کرد. در زبان ارزیابی تأثیر، به این فعالیت شناسایی اهمیت^۲، ارزیابی اهمیت^۳ یا تعیین اهمیت^۴ اطلاق می‌شود. در واقع، باید معیاری برای شناسایی اهمیت تأثیرات تعیین شده و هر کدام از تأثیرات بر پایه‌ی آن وزن‌دهی (یا رتبه‌بندی) شود. چند روش برای انجام این کار وجود دارد. هر چند غالباً از تحلیل چند معیاره^۵ استفاده می‌شود ولی می‌توان از روش‌شناسی ارزیابی ریسک هم استفاده کرد. مزیت روش اخیر، زبان آن است که شرکت‌ها به آن عادت کرده‌اند و به طور معمول شامل اختصاص نمره‌ی پیامد و نمره‌ی احتمال وقوع هر کدام از ریسک‌ها (یا تأثیر بالقوه) است (رجوع شود به تصویر شماره‌ی ۱۱).

1. Michael Williams, Flicker creative commons copyright

2. Establishing significance^۲

3. Significance assessment^۳

4. Significance determination

5. Multi-Criteria Analysis

در حوزه‌ی صنعتی، ریسک‌ها بیشتر از منظر مخاطره برای آن کسب و کار ارزیابی می‌شوند (ریسک کسب و کار)، ولی دلیلی وجود ندارد که این رویکرد نتواند به عنوان روشی برای ارزیابی تأثیرات بالقوه بر اجتماع (ریسک اجتماعی و زیست محیطی) مورد استفاده قرار گیرد. در واقع می‌توان چندین ارزیابی ریسک، برای مثال از منظر هریک از گروه‌های ذی‌مدخل، انجام داد. هم‌چنین تعیین ریسک را می‌توان در محیط کارگاهی^۱ و با استفاده از ارزیابی خود ذی‌مدخلان انجام داد.

سطح پیامد						
۵	۴	۳	۲	۱	توصیف‌گر	سطح احتمال
فاجعه‌آمیز	بزرگ	معتدل	ناچیز	بی‌اهمیت	A1	A
A5	A4	A3	A2	A1	تقریباً قطعی	
B5	B4	B3	B2	B1	محتمل	B
C5	C4	C3	C2	C1	ممکن	C
D5	D4	D3	D2	D1	غیر محتمل	D
E5	E4	E3	E2	E1	نادر	E

رتبه‌بندی ریسک: پایین معتدل بالا حداکثر

تصویر شماره ۱۱: چارچوب ارزیابی ریسک

در ارزیابی‌های رسمی ریسک، غالباً مقیاس‌های تجربی (کمی) برای تعیین مقادیر واقعی احتمال وقوع و پیامد آن مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال، می‌توان این کار را از طریق بررسی آرای گروهی از افراد در مورد هر کدام از موضوعات و گردآوری اطلاعات بیشتر در شرایط عدم قطعیت بالا نیز انجام داد.

در حالی که رتبه‌بندی ریسک یکی از راه‌های تعیین اهمیت و اولویت یک اقدام است، باید توجه داشت که در اجتماعات محلی حتی مسائل جزئی هم می‌توانند بر درک مردم از پروژه تأثیر بگذارد. گاهی اوقات این مسائل جزئی را که به زبان تحلیل

ریسک بی‌اهمیت محسوب می‌شوند، می‌توان به آسانی مرتفع کرد و در نتیجه رتبه‌بندی ریسک (تعیین اهمیت) نباید تنها عامل تعیین‌کننده ضرورت اقدام در مورد همه‌ی مسایل باشد. [۲۹]

فعالیت شماره‌ی ۱۴: به‌طور فعالانه در طراحی و ارزیابی جایگزین‌های پروژه شامل عدم اجرا یا سایر گزینه‌ها مشارکت کنید.

کارشناسان اِتا باید درباره‌ی همه‌ی جایگزین‌های بالقوه پروژه و از جمله گزینه‌ی «عدم اجرا»^۱، با اجتماعات متأثر گفتگو کنند. برای اطمینان از آن‌که آثار مثبت و منفی هر یک از جایگزین‌ها توسط اجتماعات به درستی بحث و درک می‌شود ممکن است کمک و راهنمایی کارشناس اِتا ضرورت پیدا کند. البته مطلوب آن است که اجتماعات تشویق شوند تا جایگزین‌ها و پیشنهادات در مورد پروژه را خود ارائه دهند. گاهی اجتماعات مورد نظر برداشتی از ابعاد فنی یک پروژه ندارند؛ در این صورت لازم است کارشناس اِتا یا سایر عوامل پروژه این موضوع را به زبانی غیرفنی برای آن‌ها توضیح دهند و بدین ترتیب مطمئن شوند که اجتماعات یادشده می‌توانند تصمیمات آگاهانه‌ای اتخاذ کنند. بدین منظور می‌توان از ابزارهای بصری نظیر نقشه‌ها، عکس‌ها و مدل‌ها برای تشریح جایگزین‌های مختلف استفاده کرد.

هرگاه کارشناسان اِتا به این نتیجه رسیدند که پروژه آسیب غیرقابل جبرانی به اجتماع وارد کرده و یا به بروز تضاد در آن می‌انجامد، وظیفه دارند که موضوع را به مجریان پروژه اطلاع داده و درخواست کنند تا مطالعات امکان‌سنجی پروژه مجدداً ارزیابی شده و یا پروژه بازطراحی و یا از اجرای آن صرف نظر شود.

1. 'no go'

II مرحله سوم: توسعه و اجرای راهبردها

فعالیت شماره ۱۵: شیوه‌های مواجهه با تأثیرات منفی بالقوه را (بر اساس درجه‌بندی اثر تعدیلی آن‌ها) شناسائی کنید.

۱. اجتناب
اعمال تغییرات در پروژه یا طرح (یا محل اجرای پروژه) برای اجتناب از آثار منفی. این شیوه مقبول‌ترین شکل تعدیل آثار است.
۲. کاهش
در صورت عدم امکان اجتناب، می‌توان آثار منفی را در حین طراحی یا اجرای پروژه کاهش داد.
۳. اصلاح
چنانچه تخفیف آثار منفی بیش از آن مقدور نباشد، می‌توان با اقداماتی مانند ترمیم، توانبخشی و توان‌افزایی، اثر آن‌ها را محدود کرد.
۴. جبران خسارت به صورت غیرنقدی
چنانچه ایجاد مزایای جدید میسر نباشد و هنوز آثار منفی باقی باشند، مطلوب آن است که جبران خسارات وارده به صورت غیرنقدی در دستور کار قرار گیرد.
۵. جبران خسارت به طرق دیگر
چنانچه جبران خسارت به صورت متناظر وجود نداشته باشد، باید به عنوان آخرین راه، از طرق دیگر نسبت به جبران خسارات اقدام کرد.

تصویر شماره ۱۲: استراتژی‌های مواجهه با تأثیرات اجتماعی بالقوه منفی

Source: modified from João, E., Vanclay, F. & den Broeder, L. 2011 Emphasising enhancement-inall forms of impact assessment. Impact Assessment & Project Appraisal 29(3), 170-180.
<http://dx.doi.org/10.3152/146155111X12959673796326>

کاهش آثار می‌تواند اشکال مختلف به خود بگیرد. (ر. ک به تصویر شماره ۱۲). بسیاری از آثار اجتماعی را می‌توان با طراحی تعدیل کرد. برای مثال با کاستن از ارتفاع سد، محدوده‌ی مخزن آن و در نتیجه تعداد افراد در معرض جابجایی به دلیل ساخت سد نیز کاهش پیدا خواهد کرد. جابجایی و اسکان مجدد جمعیت‌ها شدیدترین تأثیرات اجتماعی را رقم می‌زند. تصمیم به جایگزینی یک سد بزرگ با مجموعه‌ای از سدهای کوچک، می‌تواند تأثیرات اجتماعی را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. مکان دقیق قرارگیری یک سد، یک پل، یا مسیر یک جاده، مسیر راه آهن، خطوط لوله یا برق می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش یا کاهش تأثیرات اجتماعی داشته باشد. گاهی جابجایی ساختگاه پروژه‌ها به میزان چند صد متر، تفاوت‌های وسیعی در سطح ارتعاش و سروصدای آن‌ها و نیز زیبایی‌شناسی

منظر ایجاد می کند. تغییر ارتفاع یک سد به اندازه ده متر یا بیشتر، تفاوت زیادی در محدوده غرقاب آن ایجاد خواهد کرد.

مشارکت را می توان یکی از راهبردهای ممانعت از بروز یا کاهش آثار اجتماعی منفی در نظر گرفت. مشارکت به افزایش آگاهی در مورد مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده و در نتیجه آن کاهش نگرانی و عدم قطعیت می انجامد. وقتی مردم احساس کنند که در پروژه دخالت دارند، محتمل است برخی از تأثیرات اجتماعی آن را بپذیرند چرا که مداخله‌ی مورد نظر را برای نفع عمومی ضروری می دانند. اما مشورت نکردن با آنان درباره مسائل که بر زندگی شان تأثیر خواهد گذاشت، خشم و نفرت ایجاد خواهد کرد. گاهی ممکن است مردم به خاطر سوابق تغییرات و عدم قطعیت‌های ناشی از پروژه‌های قبلی، ناراضی و خشمگین باشند. فرایندهای مشارکتی در چنین شرایطی باید فرصت تخلیه‌ی خشم مردم و بازسازی ارتباط با اجتماع را فراتر از بیان نارضایتی‌ها فراهم کند که البته امر زمانبر است. در مقابل تن ندادن به چنین فرایندی از مشارکت، خطر تشدید این خشم و افزایش بالقوه‌ی آثار اجتماعی را به دنبال دارد. با پیش‌بینی تضادهای بالقوه و حصول آمادگی برای مدیریت منازعات، می توان مانع بروز این گونه آثار شد. گاهی اوقات میزانی از مذاکره و مصالحه ضروری است. وقتی که فرایندهای مشارکتی به شکل موفقیت‌آمیزی اجراء شده باشند، نتایج توافق‌شده از پذیرش بیشتری برخوردار خواهند بود. بسیار مهم است که شرکت‌ها و کارکنان پروژه به توافق‌ها پایبند باشند. این امر مستلزم پایش پرسنل پروژه در مورد پایبندی شان به استانداردهای توافق شده نظیر ساعات کار، میزان سرو صدا و نحوه ارتباط با مردم محلی است.

فرایندهای مطلوب مشارکتی و نهادی ا تا به کاهش آثار انجامیده و با تعریف دقیق مسئولیت‌ها و جریان مطلوب اطلاعات تسهیل می شوند. اما برای موفقیت فرایند ا تا، این استقلال تضمین‌شده‌ی تیم ا تا برای گزارش یافته‌ها بدون ترس و وا همه از بازتاب‌های بعدی آن است که اهمیت زیادی دارد و تنها در این صورت است که همه‌ی اثرات شناسائی شده و مدیریت خواهد شد.

در طراحی یک پروژه، ویژگی‌های بسیاری وجود دارد که می توان از آن‌ها برای کاهش تأثیرات استفاده کرد. به طور طبیعی، بیشینه‌سازی اشتغال مردمان محلی،

تأثیرات را کاهش داده و منافع را افزایش خواهد داد. با ارائه آموزش‌های مهارتی و در نتیجه اشتغال مردمان بومی در مشاغلی که تا پیش از آن از مهارت لازم برای انجام آن‌ها برخوردار نبوده‌اند، می‌توان این امر را تسهیل کرد. البته بهترین راهبرد برای کاهش تأثیرات در هر متن و با توجه مشخصات زمینه‌ای اجتماع تحت تأثیر متفاوت است. برای مثال زمانی که نیروی کار وارداتی پروژه از نظر فرهنگی با اجتماع محلی تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد، بهتر است که فاصله‌ی بین مردم محلی و تازه واردین حفظ شود، اما در مواردی نیز ممکن است اولویت اختلاط و ادغام آن‌ها باشد.

فعالیت شماره‌ی ۱۶: روش‌هایی را برای تقویت مزایا و فرصت‌های مرتبط با پروژه طراحی و اجرا کنید.

اجتماعات صرفاً به دنبال به حداقل رساندن صدمات نیستند، بلکه می‌خواهند از پروژه نفع هم ببرند. پروژه‌ها هر قدر هم که خوب طراحی شده باشند، تقریباً همیشه بر مردمی که تغییرات را در زندگی و در اجتماعاتشان و به ویژه در احساس‌شان نسبت به مکان تجربه می‌کنند، تأثیری بر جای می‌گذارند. بنابراین شرکت‌ها برای کسب مجوز اجتماعی عملیات پروژه و حصول اطمینان از این که معیشت افرادی که از نظر اقتصادی و یا فیزیکی جابجا شده‌اند به مانند قبل و به طور کامل برقرار شده و ترجیحاً بهبود یافته است، باید امتیازات و منافع جدیدی را برای اجتماعات محلی تدارک ببینند. یک شرکت به شش روش می‌تواند به اجتماعات محلی کمک کند: کمک به صندوق سرمایه‌گذاری اجتماعی؛ لحاظ سهم محلی^۱ (ایجاد اشتغال محلی و فرصت‌های تدارکات محلی)؛ ایجاد زیرساخت‌های مشترک؛ ظرفیت‌سازی؛ تسهیل یا حمایت از طرح‌های محلی؛ و در شرایط خاص، پرداخت حق امتیاز یا عوارض به مقامات محلی و/یا زمینداران محلی. توجه داشته باشید که در اینجا اشاره‌ای به مالیات نشد چرا که پرداخت مالیات غالباً به دولت مرکزی بوده و از لوازم طبیعی فعالیت شرکت‌ها محسوب می‌شود تا یک منفعت اضافی برای اجتماع تحت تأثیر پروژه. مطلوب آن است که پروژه‌ها ترکیبی از فعالیت‌های مرتبط با این شش روش را برای کمک به اجتماعات محلی برگزینند.

1. local content

در بسیاری از صنایع (به ویژه استخراج معدن) عرف این است که درصدی از سود در قالب سرمایه‌گذاری اجتماعی راهبردی و به عنوان بخشی از کمک پروژه به ارزش‌های مشترک و حفظ مجوز اجتماعی عملیات پروژه؛ در اختیار اجتماعات محلی قرار گیرد. به عنوان مثال یک معدن در **کشوری** افریقایی، تعهد کرده است تا یک دلار از هر اونس طلای تولیدی به علاوه یک درصد از سود بدون کسر مالیات را به اجتماع میزبان پرداخت کند. این پول برای آنکه سرمایه‌گذاری اجتماعی قلمداد گردد باید مازاد بر هر نوع حق امتیاز یا جبران خسارتی باشد که اجتماع محلی سزاوار آن است. کمک به سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌تواند به اشکالی چون تامین مالی صندوق سرمایه‌گذاری اجتماعی تحت مدیریت اجتماع، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اجتماع نظیر مدارس، بیمارستان‌ها و غیره باشد و یا تامین اعتبار (به ویژه اعتبارات خرد) مورد نیاز مردم محلی تا بتوانند کسب و کاری راه بیاندازند و به تامین کنندگان پروژه بپیوندند. کمیته‌ی مدیریت صندوق می‌تواند تصمیم بگیرد که منابع صندوق سرمایه‌گذاری اجتماعی را برای نیازهای فوری (مثلاً برای زیرساخت‌های اجتماع) و یا سرمایه‌گذاری در آینده هزینه کند. موضوعات مختلف و مهمی در مورد صندوق‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی مطرح است؛ مثلاً این که چه کسی ذینفع است؟ چه کسی تصمیم می‌گیرد که منابع در کجا هزینه شود؟ تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری چگونه اتخاذ می‌شوند؟ و ترتیبات حاکمیتی آن چگونه است؟ مراقبت‌هایی نیز لازم است تا اطمینان حاصل شود که منابع سرمایه‌گذاری اجتماعی موجب تقویت نابرابری‌های موجود و منبعی برای ایجاد تضاد در اجتماع نشود و منابع موجود به شکل منطقی و پایدار و نه فقط برای ایجاد رضایت‌های کوتاه مدت هزینه شود.

سهم محلی به اقدامات خاص یک شرکت برای افزایش میزان بهره‌مندی و منفعت اقتصادی اجتماع محلی از پروژه اطلاق می‌شود و شامل تضمین دسترسی مردم محلی به شغل و ایجاد هماهنگی‌هایی برای اطمینان از این که کسب و کارهای محلی^۱ می‌توانند به تامین کنندگان کالاها و خدمات مورد نیاز پروژه تبدیل شوند، نیز می‌شود. بدین ترتیب، تدارکات محلی^۲ متضمن آن است که اطمینان حاصل شود

1. SMEs

2. Local Procurement

شرکت‌های محلی به دلیل پنهان کاری در مورد فرصت‌های موجود و یا شرایط سخت مناقصه‌ها، به شکل ساختگی از فهرست تأمین کنندگان پروژه کنار گذاشته نمی‌شوند و پروژه، ظرفیت‌سازی لازم را برای کمک به شرکت‌های محلی جهت کسب شرایط و صلاحیت‌های مورد نیاز انجام داده باشد.

زیرساخت‌های مشترک به هر نوع اقدامی در سایت پروژه و یا فعالیت‌های جانبی آن به منظور افزایش مزایای اجتماع محلی اشاره دارد. اغلب تغییرات در پروژه‌ها برای کاهش تأثیرات منفی‌شان انجام می‌شود، اما این کار را می‌توان برای تقویت منافع آن‌ها نیز انجام داد. به اشکال مختلفی می‌توان مزایا و منافع پروژه‌ها را برای اجتماع محلی افزایش داد، اما روش متعارف، کمک به اجتماعات متأثر از پروژه از طریق تأمین دسترسی آن‌ها به زیرساخت‌های پروژه است. زیرساخت‌های پروژه را می‌توان به روش‌های مختلفی در خدمت اجتماع محلی قرار داد. تجهیزات تصفیه‌ی آب، ایستگاه‌های تولید برق، راه‌ها و پل‌ها و سایر امکاناتی که برای تأمین نیازهای پروژه احداث می‌شوند را می‌توان هم‌زمان برای تأمین نیازهای اجتماعات پیرامون نیز استفاده کرد. اصلاح و بهسازی پروژه از این طریق ممکن است هزینه‌های اضافی برای پروژه در برداشته باشد.

منظور از ظرفیت‌سازی، اجرای برنامه‌های آموزشی و فرایندهای تسهیل‌گری برای ایجاد مهارت در مردم محلی است. این کار می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا شغلی در پروژه بدست آورند یا کالاها و خدمات مورد نیاز پروژه را تأمین کنند. در عین حال می‌توان به طور کلی و با هدف تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز اجتماع محلی نیز اقدام به ارتقای مهارت‌های مردم محلی کرد. همچنین می‌توان کارکنان محلی پروژه را به شکلی آموزش داد که پس از اتمام پروژه نیز بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. گاهی اوقات اتمام مرحله‌ی ساخت پروژه و خاتمه‌ی فعالیت کارگرانی که در این مرحله و با قرارداد‌های کوتاه‌مدت کار می‌کرده‌اند موجب ناراحتی و رنجش آن‌ها می‌شود به ویژه وقتی می‌بینند که دیگران همچنان در پروژه اشتغال دارند. دغدغه‌ی آنان موجه است به ویژه اگر دیگر نتوانند به شیوه‌ی قبل امرار معاش کنند. در چنین شرایطی شرکت باید به این افراد کمک کند تا از مهارت‌های لازم برای انتخاب مشاغل دیگری پس از دوره‌ی ساخت نیز برخوردار شوند. در جایی که این اجتماعات قربانی تضاد و

یا بلایای طبیعی هستند، تسهیل برخورداری از مشاوره‌های مربوط به اختلال استرس پس از سانحه یا مدیریت پس از تضاد، مطلوب خواهد بود. این اقدامات شرکت‌ها باید در تعامل نزدیک با اجتماع محلی انجام شود تا به شکل مطالبه‌ی اجتماع محلی و نه بنده‌نوازی یا دادن اعانه، جلوه کند. [۳۰]

فعالیت شماره‌ی ۱۷: با راهبردهایی به اجتماعات کمک کنید که با تغییر کنار بیایند.

آگاهی از اهمیت موضوعات اجتماعی و حساسیت نسبت به آن‌ها نه فقط برای کارشناسان اما بلکه برای تیم ارزیابی زیست‌محیطی و کارکنان پروژه همواره ضروری است. نیازی به گفتن نیست که اتا باید تنها توسط متخصصان اجتماعی واجد شرایط (انسان‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، جغرافی دانان، جامعه‌شناسان، مددکاران اجتماعی، متخصصان بهداشت و غیره) که برای اتا آموزش دیده‌اند، انجام شود. گاهی اوقات این تأثیرات روحی یا دینی یک مداخله است که جدیت پیدا می‌کند، اما برای اجتماع محلی گفتگو در مورد چنین موضوعاتی به ویژه با غریبه‌ها نوعی تابو یا امری حساسیت‌برانگیز قلمداد می‌شود. در چنین مواردی، جلب اعتماد رهبران اجتماع (کشیشان روستایی، کارشناسان درمانی یا سایر حرفه‌ها و مقامات محلی) می‌تواند مفید باشد. برای مثال در پروژه‌های سدسازی، هر چند اسکان مجدد مردم آثار اجتماعی متعددی دارد، ولی دغدغه‌ی جدی‌تر مردم ممکن است نیاکان درگذشته و قبرهای آنان باشد. اگر قرار باشد قبرستان‌ها جابجا و جسد‌ها دوباره دفن شوند، در فرایند جابجایی، ناراحتی‌های قابل توجهی برای روستائیان ایجاد خواهد شد. چنین موقعیت‌هایی باید با حساسیت بالا و در تعامل نزدیک با مردم محلی مدیریت شوند. برگزاری فعالانه‌ی آیین‌ها یا جشنواره‌هایی برای یادآوری گذشته و تجلیل امور و اقدامات جدید در این موارد مفید خواهد بود. آیین‌ها و جشنواره‌ها، فرایند‌های اجتماعی مهمی هستند که به مردم کمک می‌کنند تا با موضوعاتی که بر زندگی ایشان تأثیر دارند، مواجه شوند. حمایت از تاسیس و برگزاری چنین جشنواره‌هایی توسط اجتماعات محلی یکی از راهبردهای کمک به فرایند مدیریت تغییر در اجتماع محلی محسوب می‌شود. [۳۱]

فعالیت شماره‌ی ۱۸: سازوکارهای مناسبی را برای دریافت بازخوردها و شکایات طراحی و اجرا کنید.

اجرای مطلوب یک فرایند عملکرد اجتماعی و انا همیشه مستلزم استقرار سازوکارهایی برای انعکاس بازخوردهاست تا از آن طریق ذیمدخلان بتوانند در انا دخالت کرده و نگرانی‌های خود را در خصوص پروژه ابراز کنند. فرایندهای مشارکتی برای یک اتای اثربخش، ضروری بوده و تقریباً در تمامی گام‌های انا کاربرد دارند (ن. ک. به فعالیت شماره‌ی ۶ و بخش‌های آغازین این سند). با این حال، سازوکارهای رسمی برای طرح شکایات، یک رویه‌ی پشتیبان اضافی برای حصول اطمینان از دسترسی افراد صاحب حق به فرایندهای احقاق حقوقشان محسوب می‌شود. تعهد صادقانه به عملکرد صحیح سازوکارهای شکایت، جدای از ارسال این پیام که پروژه به مسئولیت‌های حقوق بشری پایبند است، موجب اعتمادسازی، حفظ و ارتقاء مجوز اجتماعی عملیات پروژه، کاهش آسیب به اجتماع و مخاطرات کسب و کار خواهد شد.

مطلوب آن است که پروژه‌ها واجد یک فرهنگ دسترسی باز و عدم پنهانکاری باشند. کارمندان ارتباطات محلی باید ارتباط خوبی با اجتماعات تحت تأثیر پروژه داشته باشند تا مردم بتوانند به آسانی نگرانی‌هایشان را ابراز کنند. مهم نیست مردم در امکان دسترسی به مسئول ارتباطات پروژه چه فکر می‌کنند، همواره هستند افرادی از اجتماعات محلی که از دسترسی کافی به عوامل پروژه برخوردار نیستند و اساساً جدی گرفته نمی‌شوند. به همین دلیل، مهم است که مجموعه‌ای از سازوکارهای دریافت بازخورد وجود داشته و از همان آغاز پروژه سازوکارهایی برای دریافت شکایات تعریف شود. ممکن است پیش‌بینی سازوکارهای متفاوتی برای دریافت شکایات گروه‌های مختلف ذیمدخلان مانند کارگران و اجتماعات متأثر ضرورت پیدا کند.

اگرچه تدارک سازوکارهای شکایت برای عملکرد اجتماعی همواره یک ایده خوب و قابل دفاع محسوب می‌شده است، اما در واقع با تصویب اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ توسط سازمان ملل بود که این موضوع در کانون توجه قرار گرفت. سومین اصل در چارچوب پیشنهادی این سند تحت عنوان "محافظت، احترام و جبران خسارت"^۱، به دسترسی مناسب مردم به فرایندهای قضایی به عنوان یک

1. Protection, Respect, Remedy

اصل حقوق بشری اشاره دارد. از نظر اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر، استفاده از ابزارهای غیرقضایی برای حل اختلافات ارجحیت دارد اما همزمان باید دسترسی به ابزارهای قضایی نیز تضمین شود.

سازوکار شکایت اجتماع^۱ را می‌توان یک روش محلی و به رسمیت شناخته شده برای پذیرش، ارزیابی و رسیدگی به شکایات اعضای اجتماعات پیرامون پروژه از عملکرد یا رفتار پروژه/شرکت، پیمانکاران و کارکنان آن قلمداد کرد. در اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر، شکایت به عنوان بی‌عدالتی ادراک شده توسط یک فرد یا گروه تعریف می‌شود احساس محق بودن آن‌ها را با ارجاع به قانون، قرارداد، وعده‌های صریح و ضمنی، رویه‌های عرفی، یا انگاره‌های کلی انصاف در اجتماعات زیان دیده برمی‌انگیزد. در واقع شکایت، به هر موضوع، دغدغه، مسأله، یا ادعای ادراک شده یا واقعی یک فرد یا اجتماع که انتظار دارند توسط یک شرکت یا پیمانکار مورد رسیدگی قرار گیرد، اطلاق می‌شود.

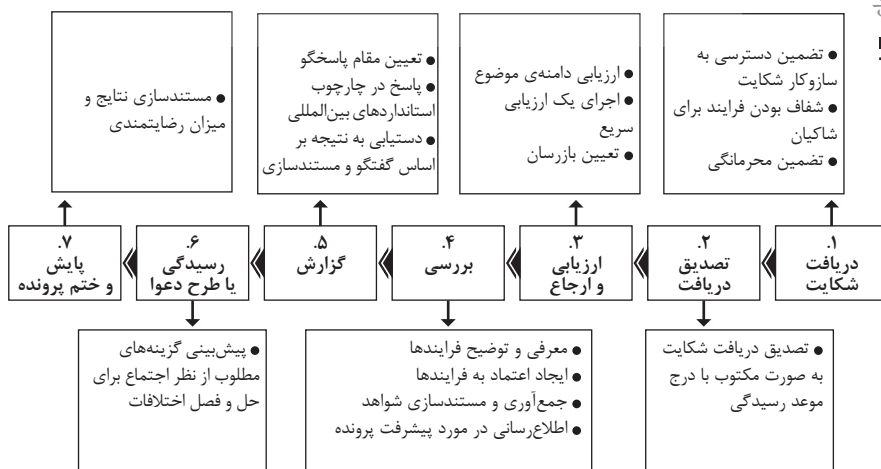
برخی بین نگرانی‌ها یا مسایل با شکایات تمایز قایل می‌شوند. نگرانی‌ها و موضوعات، مواردی نظیر سوالات، درخواست اطلاعات، یا تصورات عمومی هستند که اهمیت کمتری داشته و ممکن است به تأثیر یا رویداد مشخصی ارتباط داشته و یا نداشته باشند و چنانچه رسیدگی به آن‌ها منجر به جلب رضایت فرد یا گروه مورد نظر نشود، تبدیل به شکایت شده و حتی ممکن است منجر به لغو مجوز اجتماعی اجرای پروژه شوند. نیازی نیست این نگرانی‌ها مانند شکایات رسمی ثبت شوند اما در یک نظام مدیریتی مطلوب باید به دقت به آن‌ها توجه شود تا بتوان روندهای در حال شکل‌گیری نارضایتی را با مداخله‌ی اجتماع قبل از آن که تشدید شوند، شناسایی و مورد رسیدگی قرار داد. در مقابل شکایت‌ها و اعتراضات، به اتهامات مربوط به وقوع سوانح خاص و یا هر نوع صدمه، تأثیر یا نارضایتی، ذهنی یا واقعی ناشی از فعالیت شرکت یا پیمانکاران اشاره دارد.

سازوکارهای شکایت، معمولاً از گام‌هایی که در تصویر شماره‌ی ۱۳ به آن‌ها اشاره شده است، تبعیت می‌کنند. سازوکار شکایت هنگامی اثربخش است که رویه‌های آن برای شاکیان بالقوه شناخته شده بوده و فرایند آن مشروع به نظر برسد. اصل

1. Community grievance mechanism

۳۱ از اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر، معیارهایی را برای سازوکارهای شکایت شناسایی و معرفی کرده است (ن. ک به قاب شماره ۱۰).

باید اثربخشی رویه‌های طرح و رسیدگی به شکایات در طول زمان مورد ارزیابی قرار گیرد. نبود شکایت نشانه‌ی خوبی نیست؛ چرا که بیش از آن که به معنی فقدان نگرانی در مورد پروژه باشد، می‌تواند باور اعضای اجتماع را به بی‌فایده بودن این شکایت‌ها و یا بی‌خبری آن‌ها از وجود چنین فرایندهایی نشان دهد. به طور کلی همه‌ی پروژه‌ها سبب بروز نگرانی‌هایی در اجتماعات تحت تأثیرشان می‌شوند و در نتیجه بهتر است به جای تظاهر به این که پروژه هیچ نگرانی خاصی ایجاد نکرده است، به روش‌های درست مواجهه با این نگرانی‌ها بیاوریم. شاخص مناسب برای ارزیابی اثربخشی سازوکارهای شکایات، تعداد موارد رسیدگی و مرتفع شده شکایات و میزان رضایت شاکیان از رویه‌های طراحی شده بدین منظور است.



تصویر شماره ۱۳: گام‌های رسیدگی به یک شکایت

Source: IPIECA 2015 Community Grievance Mechanisms in the Oil and Gas Industry. A Manual for implementing operational-level Grievance Mechanisms and designing Corporate Frameworks http://www.ipieca.org/sites/default/files/publications/Community_grievance_mechanisms_manual_2015.pdf (used with permission).

قاب شماره ۱۰: معیارهای کارآمدی برای سازوکارهای غیرقضائی شکایت

(الف) مشروعیت: ایجاد اعتماد در گروه‌های ذیمدخلی که فرایندهای شکایت برای استفاده آنها ایجاد شده است و پاسخگویی در قبال رفتار منصفانه در فرایندهای قضائی شکایت؛

(ب) دسترسی: آشنایی همه‌ی ذیمدخلان با سازوکارهای یادشده و مساعدت لازم با کسانی که در دسترسی به این سازوکارها با دشواری مواجه هستند؛

(ج) پیش‌بینی‌پذیری: وجود یک رویه‌ی شفاف و شناخته‌شده با چارچوب زمانی مشخص برای هر مرحله، روشن بودن همه‌ی فرایندها و نتایج ممکن به همراه ابزارهای برای نظارت بر اجرای این فرایندها؛

(د) عادلانه بودن: تلاش برای تضمین دسترسی منطقی طرفین درگیر در شکایات به منابع اطلاعات، مشاوره‌ها و تخصص‌هایی که برای ورود به یک فرایند شکایت منصفانه، آگاهانه و محترمانه ضروری است؛

(ه) شفافیت: اطلاع‌رسانی مداوم به طرف‌های درگیر در شکایت در مورد پیشرفت پرونده و کارایی سازوکار مورد استفاده به منظور افزایش اعتماد آنان به کارایی و مطلوبیت سازوکارهای موجود در پیگیری منافع عمومی؛

(و) سازگاری با حقوق: حصول اطمینان از این‌که نتایج رسیدگی به شکایت و جبران خسارت صورت گرفته با اصول بین‌المللی و شناخته‌شده‌ی حقوق بشر مطابقت دارد؛

(ز) منبع یادگیری مداوم: تعیین معیارهایی برای شناسایی تجارب موفق در رسیدگی به شکایات برای بهبود سازوکارها و نیز ممانعت از بروز شکایات و ایراد صدمات در آینده؛

سازوکارهای اجرایی باید ویژگی زیر را نیز داشته باشند:

(ح) مبتنی بر مشارکت و گفتگو: مشورت با گروه‌های ذیمدخل در مورد طراحی و عملکرد سازوکارهای شکایت و تمرکز بر گفتگو به عنوان ابزاری برای طرح و حل شکایات. [۳۲]

Source: Principle 31 in United Nations 2011 Guiding Principles on Business and Human Rights http://www.ohchr.org/Documents/Publications/GuidingPrinciplesBusinessHR_EN.pdf

فعالیت شماره ۱۹: فرایند حصول توافق بین اجتماعات و مجریان اقدام توسعه‌ای را با هدف دستیابی به پیش‌نویس توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع^۱ تسهیل کنید.

یک روش خوب برای ثبت تعهدات یک پروژه و امکان‌پذیر کردن پیگیری جامعه‌ی میزبان در مورد میزان پایبندی به این تعهدات در آینده، به ویژه در پروژه‌های بزرگ با تأثیرات عمده، تنظیم و امضای توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع است. این توافق‌نامه‌ها بسته به موضوع و زمینه‌شان عناوین مختلفی به خود می‌گیرند: نظیر توافق‌نامه‌ی اجتماع‌محور، توافق‌نامه‌ی توسعه‌ی اجتماع، توافق‌نامه‌ی تسهیم مزایا، توافق‌نامه‌ی مشارکت، توافق‌نامه‌ی بومی کاربری زمین، توافق‌نامه‌ی توانمندسازی، قراردادهای اجتماع، توافق‌نامه‌ی مسئولیت مشترک، و منشور همسایگی خوب. با این حال، به نظر می‌رسد که اصطلاح توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع بهتر از هر اصطلاح دیگری این

1. Impacts & Benefits Agreement (IBA).

موضوع را توصیف می‌کند. کارشناس اتا به عنوان واسطه‌ی بین اجتماعات و مجریان اقدام توسعه‌ای می‌تواند نقشی کلیدی در شکل‌گیری توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع ایفاء کند و تضمین کند که این توافق‌نامه نه به شکل مجموعه‌ی توافقاتی مرتبط با دوره‌ی زمانی امضای آن، بلکه به عنوان سندی ارزشمند و قابل احترام در سراسر مدت پروژه قلمداد می‌شود. بدین منظور، توافق‌نامه باید مشتمل بر موضوعاتی باشد که محتمل است در آینده به نگرانی تبدیل شوند.

توافق‌نامه‌های تأثیرات و منافع، در واقع توافقات مبتنی بر مذاکره بین اجتماعات با شرکت‌ها و گاهی اوقات با دولت‌ها هستند. از نظر تاریخی توافق‌نامه‌های تأثیرات و منافع بیشتر در مورد اجتماعات بومی و به عنوان روشی برای ثبت رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه اجتماعات متأثر از مداخلات توسعه‌ای استفاده شده‌اند. در واقع این توافق‌نامه، یک قرارداد قانونی است که در آن نمایندگان اجتماع حمایت رسمی و قانونی خود را از پروژه در قبال مزایای مشخصی نظیر دریافت امتیازات اعتباری و یا پرداخت‌های مستقیم، فرصت‌های اشتغال و تعهد سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی، اعلام می‌کنند. در این توافق‌نامه‌ها شروط احتمالی و خاص اجتماع تحت تأثیر برای حمایت از پروژه (مثلاً در ارتباط با مناطق حفاظت‌شده، مکان‌های مقدس و غیره) نیز ثبت می‌شوند. توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع، ابزار بالقوه ارزشمندی برای رسیدگی به موضوعات و مسایل احتمالی بین اجتماع تحت تأثیر پروژه با پروژه یا شرکت است و مسلماً باید برای همه‌ی پروژه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع باید همه‌ی موضوعات مربوط به ملاک‌های اجتماع تحت تأثیر برای اعلام موافقت کامل و رضایت آگاهانه از اجرای پروژه را دربرگرفته و مواردی نظیر پرداخت‌های مالی؛ الزامات اشتغال و عقد قرارداد شامل تعهد رسمی پروژه به ایفاء سهم محلی؛ برنامه‌های مدیریت تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی تأثیرات و اقدامات مربوط به کاهش تأثیرات منفی؛ برنامه‌های ظرفیت‌سازی، ترتیبات حکمرانی و سازوکارهای رسیدگی به شکایات؛ و هر نوع توافقی در مورد دغدغه‌های اجتماع محلی را پوشش دهد. فرایند مذاکره در خصوص توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع به اندازه خود نتایج آن اهمیت دارد چراکه به ایجاد ارتباط مؤثر و شکل‌گیری اعتماد و احترام کمک می‌کند.

بدیهی است که قدرت شرکت مجری پروژه و اجتماعات تحت تأثیر یکسان نیست و در چنین شرایطی آنچه اهمیت دارد این است که تضمین شرکت برای عدم تحمیل تأثیرات اجتماعی غیر معقول و یا عدم سوء استفاده از حقوق انسانی اعضای اجتماع منوط به جلب موافقت و رضایت آن‌ها برای اجرای پروژه نشود. برای ممانعت از بروز دعاوی قضایی و یا اعمال اعتراضی (نظیر مخاطرات غیرفنی)، شرکت مجری پروژه باید اطمینان یابد که تمامی اطلاعات ذیربط را منتشر کرده و اجتماع محلی به درک روشنی از موضوعات و مشکلات احتمالی ناشی از پروژه دست یافته است. بنابراین ضروری است که اجتماع محلی زمان کافی برای بررسی این موضوعات در اختیار داشته و هم‌چنین از منابع مالی کافی برای دریافت مشاوره‌های تخصصی و حمایت‌های حقوقی مستقل برخوردار باشد. بدون برخورداری اجتماع محلی از مشاوره‌های تخصصی مستقل و باکفایت، نمی‌توان به توافق کامل و مبتنی بر حسن نیت با آن دست یافت.

هر اجتماع محلی حق دارد به روش فرهنگی که خود مناسب می‌داند، مواضعش را بیان کند، اما کارکنان پروژه نیز باید اطمینان حاصل کنند که تقسیم مزایا در اجتماع منصفانه بوده و رضایت گسترده‌ای در اجتماع وجود دارد. موافقت رسمی اما فاقد حمایت گسترده‌ی اجتماع با پروژه، زمینه‌ساز بروز مسایل در آینده است. [۳۳]

فعالیت شماره‌ی ۲۰: به حامیان پروژه در تسهیل دخالت ذیمدخلان و تهیه‌ی پیش‌نویس برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی^۱ که مزایای پروژه، اقدامات معطوف به کاهش آثار آن و ترتیبات نظارتی و حکمرانی مندرج در توافق‌نامه‌ی تأثیرات و مزایا را عملیاتی می‌کند، و به علاوه برنامه‌های مواجهه با امور پیش‌بینی نشده، کمک کنید.

برنامه‌های مدیریت تأثیرات اجتماعی، ابزاری در دست مقررات‌گذار برای ارزیابی شایستگی حامی پروژه در زمینه‌ی شناسایی و از آن مهم‌تر رسیدگی به تأثیرات اجتماعی بوده و نشان می‌دهند که اقدامات مورد نیاز برای مدیریت

تأثیرات اجتماعی پروژه چگونه در مجموعه‌ی عملیات شرکت گنجانده می‌شوند. افزایش تدریجی تقاضا برای برنامه‌های مدیریت آثار اجتماعی به جای بیانیه‌های تأثیرات اجتماعی از جانب مقررات گذاران به خوبی بیانگر آن است که ارزیابی تأثیر اجتماعی از پیش‌بینی ساده تأثیرات اجتماعی به سوی مدیریت این تأثیرات در عمل تمایل پیدا کرده است. برنامه‌های مدیریت تأثیرات اجتماعی، نقش‌ها و مسئولیت‌های حامیان، دولت‌ها، اجتماعات و سایر ذی‌مدخلان را در برنامه‌های کاهش آثار، پایش و مدیریت مستمر تأثیرات اجتماعی و فرصت‌های تولید شده در طول عمر پروژه روشن می‌کنند و همچنین فرصتی را فراهم می‌کند تا فعالیت‌های پروژه با برنامه‌ریزی محلی و منطقه‌ای پیوند داده شود. به علاوه مهم است که محورهای مورد توافق برای مدیریت تأثیرات در توافق‌نامه‌ی تأثیرات و منافع نیز در برنامه‌های مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه گنجانده شود.

برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی معمولاً در برنامه‌های مختلف مدیریت عملیات پروژه که فعالیت‌های اجرایی شرکت را هدایت می‌کنند، ادغام می‌شود (ن. ک به فعالیت‌های شماره‌ی ۲۱ و ۲۲). طراحی یک برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی واقع‌گرایانه و قابل اجرا نیازمند دخالت و مشارکت شماری از کنشگران شامل اجتماعات، مجریان طرح، دولت و سایر ذی‌مدخلان است. برای مثال برگزاری کمپین‌های ارتقای آگاهی ماهیگیران حرفه‌ای در مورد ضرورت عدم ورود به منطقه‌ی ممنوعه باید با مشارکت انجمن ماهیگیران محلی طراحی شود. حصول اطمینان از این که زمان کافی برای حصول توافق در مذاکرات در اختیار است خود امری زمانبر است. کارشناسان‌ا‌تا می‌توانند به کنشگران ذیربط در این که چه مؤلفه‌هایی باید در برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه لحاظ و چگونه بیان شوند، کمک کنند.

باید به این نکته توجه داشت که هر قدر هم که یک فرایند ا‌تا خوب طراحی و اجرا شود، در هر حال همیشه تأثیرات ناخواسته و پیش‌بینی نشده بروز خواهند کرد. بنابراین یک جنبه‌ی مهم هر برنامه‌ی مدیریت آثار اجتماعی، حصول اطمینان از گنجانده شدن برنامه‌ای برای پایش اجتماعی مستمر و مدیریت انطباقی در پروژه است. [۳۴].

فعالیت شماره ی ۲۱: فرایندهایی را طراحی کنید تا مجریان، مقامات دولتی و ذی‌مدخلان جامعه مدنی بتوانند ترتیبات تعیین شده در برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه و توافق نامه‌ی تأثیرات و منافع را اجرا و اقدامات اجرایی متناسب را در سازمان متبوعشان طراحی کرده و جابیاندازند. همچنین بتوانند نقش‌ها و مسئولیت‌های عوامل را در اجرای اقدامات اجرایی تعیین کرده و در اجرای برنامه‌ی پایش نقش ایفا کنند.

اگر چه برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه به شکل بالقوه می‌تواند همان برنامه‌ی شرکت برای سامان دادن به تأثیرات اجتماعی و همچنین یک ابزار قاعده‌گذاری باشد، ولی در بیشتر شرکت‌ها ثبت و اجرای برنامه‌ها و اقدامات با استفاده از اسناد و رویه‌های متنوعی صورت می‌گیرد. نسخه‌ی داخلی برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه گاهی اوقات برنامه‌ی عملکرد اجتماعی^۱ نامیده می‌شود. ضروری است کلیه وظایف و اقدامات مدیریتی در برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه و توافق نامه‌ی تأثیرات و منافع ثبت شده و توسط همان کنشگری که برای آن وظیفه و اقدام مدیریتی تعیین شده است، اجرا شود. باید در برنامه‌ی کاری هر شخص یا نهاد مسئول به روشنی اقداماتی که انتظار می‌رود انجام دهد، تعیین شده باشد. البته به طور طبیعی بیشتر وظایف به مجری پروژه سپرده می‌شود اما ممکن است برای سایر ذی‌مدخلان نیز وظایفی تعیین شده باشد. لازم است وظایف تعیین شده برای سایر نهادها مورد پایش قرار گیرند تا همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی طبق جدول زمانی پیش برود. وجود یک فرد علاقه‌مند و پیگیر، به ویژه در سطح مدیریت ارشد برای پیشبرد برنامه‌ی مدیریت اجتماعی پروژه و موضوعات اجتماعی در شرکت بسیار مطلوب است. به کارشناسان اتا توصیه می‌شود که افرادی را بدین منظور شناسایی و آماده کنند.

فعالیت شماره ی ۲۲: به مجری پروژه کمک کنید تا برنامه‌های عملکرد اجتماعی مستمری را برای نظارت بر اجرای تعهدات تعیین شده برای پیمانکار در برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه طراحی و پیاده کند.

پروژه‌ها به ندرت به صورت مستقل و توسط یک مجری انجام می‌شوند. در بیشتر

آن‌ها بخش وسیعی از وظایف به پیمانکاران واگذار می‌شود و به طور کلی پیمانکاران در عملیات اجرایی یک پروژه اهمیت زیادی دارند. بنابراین لازم است کلیه‌ی توافقات انجام گرفته توسط مجری، برای پیمانکاران پروژه نیز الزام‌آور باشد. عملیاتی کردن انا و برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی در چارچوب پروژه مستلزم طراحی و اجرای یک برنامه‌ی مدیریت پیمانکاری برای فعالیت‌های با ریسک متوسط و بالاست که نقش‌ها و مسئولیت‌های کارفرما و پیمانکار را در مجموعه‌ی فعالیت‌های عملکرد اجتماعی به شرح زیر پوشش دهد:

- شناسایی ذیمدخلان کلیدی، و نگهداشتن یک فهرست از ذیمدخلان برای پروژه؛
- مشاوره‌ی روزانه به ذیمدخلان، شامل اطلاع‌رسانی در مورد عملیات پروژه توسط مجری یا پیمانکاران آن؛
- نگهداری سوابق فعالیت‌ها و تعهدات؛
- توسعه ابزارهای ارتباطی؛
- تعیین الزامات طرف‌های قرارداد بر مبنای تأثیرات اجتماعی، قبل از ورود به عملیات اجرایی و حین آن؛

- تعریف نقش متصدی ارتباط با اجتماع در مدیریت عملکرد پیمانکار؛
 - تهیه جدول مخاطرات^۱ از طریق شناسایی همه‌ی مخاطرات اجتماعی مرتبط با کار پروژه و روش‌های حذف، کاهش یا تعدیل آن‌ها؛
 - ارائه‌ی مشاوره به مدیران پیمانکار در خصوص موضوعات مربوط به حساسیت‌های فرهنگی و رفتار کارگران؛
 - همکاری با پیمانکاران در اطلاع‌رسانی به گروه‌های تحت تأثیر در مورد اختلال‌ها و مزاحمت‌های ناشی از عملیات پیمانکار و تعدیل این آثار؛
 - آموزش پیمانکار در موضوع محورهای عملکرد اجتماعی؛
 - ایجاد اعتماد و پاسخگویی به ذیمدخلان بیرونی، به عنوان مثال از طریق گزارش‌دهی عمومی، سازوکارهای شکایت، پایش اجتماعی توسط سازمان‌های ثالث.
- مدیریت پیمانکار در ارتباط با عملکرد اجتماعی مستلزم طراحی دستورالعمل‌هایی در اسناد مناقصه است تا الزامات عملکرد اجتماعی در قراردادها گنجانده شود. این

الزامات عبارتند از: ارزیابی فرصت‌ها و مخاطرات اجتماعی پیمانکار، پیروی از ضوابط اخلاقی، و تجویز توسعه‌ی برنامه‌ی عملکرد اجتماعی توسط خود پیمانکاران. این کار مستلزم ارزشیابی پیشنهادات بر اساس عملکرد اجتماعی و لحاظ نشانگرهای کلیدی عملکرد اجتماعی در مذاکرات نهایی بررسی پیشنهادات است. در مرحله‌ی پس از برگزاری مناقصه و انتخاب پیمانکار نیز مهم است تعیین شود که قبل از ورود پیمانکار به منطقه چه کارهایی باید انجام شود و در صورت عدم پایبندی پیمانکار چه اقداماتی دنبال خواهد شد. لازمه‌ی این امر طراحی یک نظام مدیریت عملکرد اجتماعی و آموزش مواردی چون ضوابط اخلاقی، مقررات کارگاه، تعاملات مناسب و نامناسب با اجتماعات محلی، و رویه‌ی طرح شکایت است. مدیریت موضوعات در منطقه همچنین نیازمند اطمینان از مدیریت فعالانه‌ی موضوعات اجتماعی توسط پیمانکار است. برخی از سازوکارهای پایبند کردن پیمانکار به این موضوع عبارتند از انتخاب رابط عملکرد اجتماعی پیمانکار، تفکیک و تعریف روشن وظایف تیم‌های عملکرد اجتماعی پیمانکار و مجری پروژه، و توافق طرفین بر سر برنامه‌ی مدیریت عملکرد اجتماعی. پیگیری عملکرد ناظر و مشتمل بر اموری چون تعریف شاخص‌های کلیدی عملکرد، انتخاب سازوکارها و زمانبندی مناسب گزارش‌دهی، و تعیین مشوق‌ها و اقدامات تنبیهی در قرارداد جهت اطمینان از تحقق اهداف است. (۳۵)

II مرحله‌ی چهارم: طراحی و اجرای برنامه‌ی پایش

فعالیت شماره‌ی ۲۳: نشانگرهایی را جهت پایش تغییرات در طول زمان

طراحی کنید

اتا فرایند مدیریت موضوعات اجتماعی ناشی از تغییراتی است که یک پروژه باعث وقوع آن‌ها می‌شود و با این که مشتمل بر نوعی مدیریت انطباقی یا درجریان امور اجتماعی است، بر پایه‌ی درک دقیقی از اجتماع و زمینه‌ای که پروژه در آن در حال اجراست، یعنی نمایه‌ی اجتماع (ن.ک به فعالیت شماره‌ی ۴) و وضعیت پایه‌ی اجتماعی (ن.ک به فعالیت شماره‌ی ۸)، انجام می‌گیرد. برای پایش تغییرات در طول زمان، شناسایی و پیگیری نشانگرهای اجتماعی که همه‌ی تأثیرات احتمالی را اندازه‌گیری می‌کنند و همچنین هر موضوعی که ممکن است موجب نگرانی

ذیمدخلان مختلف شود، مهم است. همچنین ضرورت دارد نشانگرهای و فرایندهای پایش مناسب برای وضعیت گروه‌های خاص مانند گروه‌های آسیب‌پذیر مختلف و سایر گروه‌های حاشیه‌ای نظیر کارگران مهاجر، مردمانی که در مجاورت خطوط حمل و نقل زندگی می‌کنند، کسانی که به محل‌های انفجار یا سایر منابع تولید تأثیرات بسیار نزدیک هستند، وجود داشته باشد. وجود سازوکاری برای پایش امور غیرمنتظره نیز ضروری است. از طریق پایش می‌توان میزان اثربخشی اقدامات انجام گرفته برای کاهش تأثیرات اجتماعی را ارزیابی و در صورت ضرورت اقدامات اصلاحی را پیاده کرد. همچنین در صورت بروز امور غیرمنتظره می‌توان به سرعت به آن‌ها رسیدگی کرد. به علاوه باید نشانگرهایی را برای اطلاع و اندازه‌گیری تأثیرات تجمعی بالقوه نیز در نظر گرفت.

گام نخست برای اندازه‌گیری تأثیرات باقی‌مانده، نتایج بروز پیامدها و میزان موفقیت برنامه‌ی کاهش تأثیرات منفی در طول زمان، تعیین چیزی است که باید اندازه‌گیری شود. بدین منظور باید برای عملیاتی کردن هر تأثیر بالقوه یا موضوع مایه‌ی نگرانی، یک یا چند شاخص در نظر گرفت. مهم است که شاخص‌های تعیین شده SMART^۱ باشند- یعنی روشن، قابل اندازه‌گیری، تحقق‌پذیر (به لحاظ دسترسی به داده‌های مورد نیاز)، اقدام محور (به معنی پیوند شاخص به یک سازوکار واکنش به مقادیر غیرطبیعی آن) مرتبط، و به لحاظ آماری دارای روایی (یعنی دقیق) و حساس به زمان (به معنی امکان پیگیری تغییرات آن در یک مقیاس معین از زمان) باشد. برخی از شاخص‌ها علاوه بر ویژگی‌های فوق باید SPICED^۲ نیز باشند- یعنی ذهنی (مبتنی بر تجارب خود ذیمدخلان)، مشارکتی (محصول همکاری ذیمدخلان در طراحی شاخص‌ها) قابل تفسیر و قابل انتقال به سایر افراد، قابل کنترل بر اساس داده‌ها و زمینه‌های دیگر، توانمندساز و منشاء تجربه‌ی مثبت برای همه‌ی ذیمدخلان بوده و چنان متنوع باشند که مسایل ذیمدخلان متفاوت (به ویژه زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر) را پوشش دهد.

همه‌ی ذیمدخلان پروژه لازم است که در این فرایند مشارکت داشته باشند. آن‌ها

1. Specific, Measurable and achievable, Action-oriented, Relevant, Time-sensitive,

2. Subjective, Participatory, Interpretable, Crosschecked, Empowering to all stakeholders, Diverse and disaggregated.

با پاسخ به سؤالاتی از قبیل این که آیا نشانگرها به موضوع مورد سنجش ارتباط دارند یا نه؟ آیا همان چیزی را که مد نظر است، اندازه می گیرند؟ آیا راه بهتری برای اندازه گیری موضوع بر پایه ی دانش محلی وجود دارد؟ آیا در برنامه ی پایش موضوع مهمی از قلم افتاده است یا خیر؟ در طراحی شاخص ها نقش ایفا کنند. تناوب اندازه گیری هر نشانگر اجتماعی باید با ماهیت و شدت (یا طبق واژگان ارزیابی زیست محیطی، اهمیت) موضوع و مساله ی مورد بررسی تناسب داشته باشد. اندازه گیری مستمر در صورتی مطلوب است که واقع گرایانه نیز باشد؛ و چنانچه امکان پذیر نبود، لازم است زمانبندی اندازه گیری به گونه ای باشد که امکان اعمال و پایش اقدام اصلاحی را در یک چارچوب زمانی منطقی فراهم کند. بیشتر تأثیرات یک پروژه را می توان از طریق نشانگرها و سازوکارهای از پیش موجود جمع آوری داده، اندازه گیری کرد، در عین حال برای برخی از تأثیرات نیز باید اقدام به تعریف نشانگرها و فرایندهای جدید گردآوری داده کرد. در این صورت لازم است زمان و بودجه ی کافی برای توسعه ی نشانگرهای جدید و آزمایش آن ها اختصاص داده شود تا بتوان با اطمینان از آن ها در آینده استفاده کرد. عدم تخصیص منابع کافی برای پیش آزمون مناسب یا اجرای آزمایشی نشانگرهای اجتماعی ممکن است به گردآوری داده های غیرقابل استفاده یا ناتوانی در شناسایی تأثیرات جدی و در نهایت به مخاطره جدی برای پروژه منتهی شده و از این طریق سبب اتلاف منابع بیشتر در بلندمدت شود. بنابراین تعریف و پایش دقیق نشانگرها، یک راهبرد اثربخش مدیریت ریسک به شمار می رود. (۳۶)

فعالیت شماره ی ۲۴: یک برنامه ی پایش مشارکتی تدوین کنید.

پس از تعریف نشانگرها (فعالیت شماره ی ۲۳)، باید آن ها را در یک برنامه ی پایش گنجانند. ضروری است برنامه های پایش به روشی مشارکتی توسعه یابند و برای این که از مشروعیت لازم برخوردار باشند باید به حکمرانی و نظارت بر اجرای فرایند پایش، توجه و ویژه ای کرد. برنامه ی پایش باید بتواند نحوه ی پایش تأثیرات در طول زمان را هدایت کند. باید به روشنی مشخص باشد که نشانگرها کدامند، چگونه به موضوعات اجتماعی شناسایی شده ارتباط پیدا می کنند، هر نشانگر چگونه تعریف و عملیاتی شده است، هر نشانگر چگونه و چند بار اندازه گیری می شود. همچنین برنامه ی پایش

باید مشخص سازد که چه کسی مسئول اجرای اندازه‌گیری است، نتایج چگونه منتشر خواهند شد، و در مواردی که نتایج اندازه‌گیری با مقادیر مورد انتظار، توافق شده و یا معیار فاصله داشت، چه باید کرد. لازم است موافقت ذیمدخلان کلیدی در مورد موضوعات کلیدی پایش مانند روش اندازه‌گیری، تعداد پایش، افراد پاسخگو و از همه مهم‌تر روش اعلام نتایج پایش جلب شود.

برنامه‌ی پایش باید سندی پویا و کارا باشد و برای اطمینان از این که نشانگرهای تعیین‌شده کماکان از موضوعیت برخوردارند و روش‌های اندازه‌گیری (با توجه به پیشرفت‌های فناوریانه) هنوز مناسبیت خود را از دست نداده‌اند و این که برنامه‌ی پایش به خوبی مسایل نوظهور و جدید پروژه را پوشش می‌دهد، باید به صورت منظم مورد بازنگری قرار گیرد. اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌ی پایش و مشروعیت آن در نگاه ذیمدخلان در گرو جلب مشارکت همه‌ی ذینفعان است. در غیاب چنین مشارکتی، برنامه‌ی پایش در نظر ذیمدخلان چیزی جز یک اقدام صوری و تکمیل چند فرم کاغذی نخواهد بود و به تضعیف مجوز اجتماعی عملیات پروژه منتهی خواهد شد.

برنامه‌ی پایش باید تأثیرات را به شیوه‌ای عملیاتی و اقدام‌محور اندازه‌گیری کند؛ به این معنی که اگر بر پایه‌ی نتایج پایش، اقدام خاصی برای مدیریت تأثیرات پروژه ضرورت پیدا کرد، به روشنی مشخص باشد که برای حل مسأله مورد نظر کجا و چگونه می‌توان مداخله کرد. آگاهی از این که ذیمدخلان در چه شرایطی از مداخله‌ی صورت گرفته رضایت خواهند داشت، برای حفظ مجوز اجتماعی عملیات شرکت اهمیت اساسی دارد. آمادگی مواجهه با نتایج منفی باید از ابتدای پروژه و برای حصول اطمینان از این که در صورت نیاز می‌توان به موقع و موثر عمل کرد و منابع مالی کافی بدین منظور در اختیار است، وجود داشته باشد. به منظور حفظ مجوز اجتماعی اجرای پروژه و مشروعیت آن در نزد ذیمدخلان، اقدام سریع و مؤثر در زمان بروز اتفاقات، یک موضوع بسیار پراهمیت است. [۳۷]

فعالیت شماره‌ی ۲۵: چگونگی اجرای یک مدیریت انطباقی و یک نظام مدیریت اجتماعی را در نظر بگیرید.

محیط اجتماعی به طور پیوسته در حال تغییر است و با تغییرات سازگار می‌شود.

بنابراین انعطاف‌پذیری مدیریت و پایش تأثیرات اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و مدیریت انطباقی به معنی تصمیم‌گیری بر اساس پایش و بازخورد منظم نتایج، جزو لاینفک مدیریت تأثیرات اجتماعی به شمار می‌رود. اطلاعات حاصل از پایش باید برای به‌روزرسانی برنامه مدیریت اجتماعی پروژه یا برنامه عملکرد اجتماعی به صورت منظم (و شاید سالیانه) مورد استفاده قرار گیرد. در عین حال مشارکت ذیمدخلان در فرایند مدیریت انطباقی نیز مهم است. از فرایندهای اجرای برنامه مدیریت اجتماعی پروژه و توافق‌نامه تأثیرات و منافع نیز می‌توان برای تولید اطلاعات مورد نیاز مدیریت انطباقی استفاده کرد. به عنوان مثال می‌توان در جلسات ذیمدخلان، نظرات آنان را در مورد تأثیرات مثبت و منفی و شیوهی حصول نتایج بهتر در آینده بر اساس درس‌های آموخته جو یا شد.

روشن است که در هر پروژه‌ای مجموعه‌ی وسیعی از فعالیت‌های مربوط به عملکرد اجتماعی / ا تا وجود دارد که باید تکمیل، پایش، پیگیری و گزارش شود. گستردگی این فعالیت‌ها، آن گونه که در این راهنما مورد بحث قرار گرفت، گویای آن است که پیگیری همه‌ی این موارد کار آسانی نیست، به ویژه اگر گروه واحدی از کارشناسان عملکرد اجتماعی این مسئولیت را در طول اجرای پروژه برعهده نداشته باشند. در نتیجه اجرای یک نظام مدیریت اجتماعی^۱، چیزی شبیه یک نظام مدیریت زیست‌محیطی^۲ و یا شاید بهتر از آن در پیوند با یکدیگر و به صورت یک نظام مدیریت یکپارچه اجتماعی و زیست‌محیطی^۳ می‌تواند سودمند باشد. (۳۸)

فعالیت شماره ۲۶: ارزشیابی و بررسی (بازرسی) دوره‌ای را انجام دهید.

پایش تأثیرات اجتماعی، مدیریت انطباقی موضوعات اجتماعی، پرداختن به شکایات، و یافتن فرصت‌هایی برای ایجاد منافع برای اجتماعات محلی باید در سراسر عمر پروژه استمرار یابد. با چنین برداشتی، عملکرد اجتماعی پروژه یک کار مداوم است. اما ممکن است کارشناس ا تا زمانی وارد پروژه شود که مسائل اولیه پروژه آشکار شده‌اند و یا حتی مرحله‌ی ساخت پروژه خاتمه یافته و مرحله‌ی بهره‌برداری آغاز شده

1. Social Management System (SMS)

2. Environmental Management System (EMS)

3. Social and Environmental Management System (SEMS)

باشد. در این صورت، باید نحوه‌ی اجرای اتمورد ارزشیابی قرار گیرد. از ارزیابی اقداماتی که موثر واقع شده‌اند و یا موثر واقع نشده‌اند می‌توان درس‌های زیادی آموخت. در حالی که فرایندهای پایش و مدیریت انطباقی بیشتر بر مشکلات و تأثیرات اجتماعی که در فرایند اتمورد توجه قرار نگرفته‌اند متمرکزند، هدف این فعالیت ایجاد بازخورد و بهبود فرایندهای کلی اتمورد برای این پروژه و نیز تجمیع آموخته‌های کارشناس اتمورد و شرکت و به اشتراک گذاشتن آن‌ها برای بهبود حرفه‌ی اتمورد به طور کلی است. این کار به بهبود فرایندهای پیش‌بینی تأثیرات اجتماعی و تنظیم دقیق سازوکارهای تعدیل تأثیرات منفی و اقدامات اصلاحی و بهسازی پروژه منجر خواهد شد.

صرف نظر از ضرورت ارزشیابی اتمورد پس از خاتمه آن، هر پروژه‌ای باید به شکل دوره‌ای مورد بازرسی قرار گیرد. در مورد فرایند مدیریت انطباقی موضوعات و مسایل نوظهور پروژه نیز لازم است سازوکاری برای ارزشیابی اثربخشی آن وجود داشته باشد. با تکیه بر چنین سازوکاری از بازرسی است که می‌توان میزان انحراف معنادار تأثیرات باقی‌مانده از مقادیر معیار آن‌ها و نیز بروز تأثیرات انباشتی را تعیین کرد.

طول عمر برخی از پروژه‌های بزرگ، بسیار طولانیست و در نتیجه حصول اطمینان از عملکرد مطلوب آن در طول زمان و منطبق با استانداردهای بین‌المللی نیازمند بازرسی دوره‌ای است. پروژه‌های اجراشده‌ی خوب و برتر در طول زمان دستخوش تغییرات می‌شوند و در صورت عدم نوآوری هر پروژه‌ای که زمانی خوب و برتر نامیده می‌شد می‌تواند تبدیل به یک اقدام یا نمونه‌ی قدیمی شود. تجارب موجود که به برخی از آن‌ها در این راهنما اشاره شد، به خوبی نشان می‌دهند که پروژه‌ها ممکن است با وجود برخورداری از اهداف خوب و مثبت، به دلیل برنامه‌ریزی ضعیف و یا نقایص دیگر، پیامدهای منفی برای اجتماعات انسانی در پی داشته باشند. بنابراین اجرای بازرسی دوره‌ای به صورت هر ۳ تا ۵ سال یک بار می‌تواند بسیار سودمند باشد. در بیشتر پروژه‌ها، اجرای بازرسی دوره‌ای به موجب مقررات داخلی شرکت‌ها و یا به درخواست مالکان این پروژه‌ها انجام می‌شود، اما سایر ذیمدخلان نیز ممکن است به شکل دوره‌ای یا موردی متقاضی بازرسی شوند. بسیاری از ذیمدخلان از این موضوع به مثابه نوعی اهرم فشار یا قدرت علیه پروژه استفاده می‌کنند. برای مثال شکایتی که از طریق سازوکارهای طراحی شده بدین منظور به شکل رضایت‌بخشی مورد

رسیدگی قرار نگرفته است (ن. ک به فعالیت شماره ۱۸) ممکن است تشدید و به یک اعتراض جدی از جانب اجتماع تحت تأثیر خطاب به حامیان مالی پروژه تبدیل شود. در پروژه‌های حمایت‌شده توسط موسسه‌ی مالی بین‌المللی^۱، مسئولیت رسیدگی به این شکایات بر عهده‌ی بازرس مشاور شکایات^۲ است. هر ساله حدود ۴۰ شکایت در این نهاد دریافت می‌شود، که حدود ۱۵ فقره از آن‌ها واجد شرایط برای رسیدگی تشخیص داده می‌شوند. اگر چه شکایت کردن حق مردم است و این شکایات به آشکار شدن مشکلات پروژه‌ها کمک شایانی می‌کنند، باید به یاد داشت که شکایات موجب کار اضافی برای کارکنان شده و به نگرش منفی نسبت به پروژه دامن می‌زنند. شکایات حتی وقتی وارد هم نباشند، می‌توانند به شهرت شرکت‌ها صدمه وارد کنند. بنابراین مناسب خواهد بود اگر بتوان با اقدامات پیشگیرانه‌ای مانند بازرسی‌های داخلی منظم از بروز و گسترش شکایات جلوگیری کرد.

در طول یک دهه‌ی گذشته یا بیشتر از آن، سرمایه‌گذاری اخلاقی به معنی انتخاب محل سرمایه‌گذاری با لحاظ عوامل اجتماعی و محیط زیستی رشد چشمگیری پیدا کرده است. صندوق‌های بازنشستگی بزرگ و سرمایه‌گذاران نهادی به طور گسترده‌ای به سوی سرمایه‌گذاری اخلاقی تمایل پیدا کرده‌اند. این موضوع هم می‌تواند تصمیمات سرمایه‌گذارانه‌ی جدید را تحت تأثیر قرار دهد و هم به مبنایی برای ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های موجود و شکل‌گیری مطالبه‌ی عمومی برای پایبندی شرکت‌های عمومی به استانداردهای اخلاقی سرمایه‌گذاری منجر شود. در مواردی این دغدغه به اعمال نظارت و مراقبت مقتضی پروژه‌ها در مورد میزان سازگاری آن‌ها با حقوق بشر و انتظارات عملکرد اجتماعی انجامیده است و پروژه‌ها را با مخاطره‌ی تجدیدنظر حامیان مالی برای سرمایه‌گذاری مواجه کرده است. در چنین شرایطی شرکت‌ها از کاهش حمایت سرمایه‌گذاران از پروژه‌ها آسیب فراوانی می‌بینند و به همین دلیل پیش‌بینی می‌شود در آینده مشاوران اِتا نقش قابل توجهی در اجرای این فرایندهای نظارتی و اعمال مراقبت‌های مقتضی پیدا کنند.

در بیشتر شرکت‌ها ایده‌ی بهبود مستمر و چرخه‌ی، "طراحی، اجرا، بازبینی و

1. International Finance Corporation (IFC)

2. Compliance Advisor Ombudsman (CAO)

اقدام^۱، اجرا می‌شود. بنابراین ممیزی منظم؛ بخش طبیعی مدیریت کسب و کار در آن‌هاست. در فرایندهای اعتبارسنجی نظام مدیریت زیست‌محیطی (نظیر ISO ۱۴۰۰۱)، استانداردهای [سازمان] ابتکار گزارش‌دهی جهانی^۲، و بسیاری دیگر از فلسفه‌ها و رویه‌های مدیریت شرکت‌ها، اعمال این نظارت‌های دوره‌ای پیش‌بینی شده است. [۳۹]



1. Plan, Do, Check, Act cycle

2 Global Reporting Initiative



نشره‌مشرقی گزارش ارزیابی تأثیر اجتماعی

|| اصول تنظیم گزارش

یک گزارش متداول ارزیابی تأثیر اجتماعی یا سند برنامه‌ی مدیریت تأثیرات اجتماعی (برای مخاطب بیرونی) به احتمال زیاد دارای محورهایی به شرح زیر خواهد بود. فهرست دقیق فصول و ترتیب قرار گرفتن آن‌ها به شرایط خاص هر مورد و انتظاراتی مخاطبان آن بستگی دارد. در مورد شیوه‌ی تنظیم گزارش‌ات، ممکن است در مقررات حاکم بر یک قلمرو قضایی نیز الزامات و چارچوب‌هایی تعیین شده باشد که در این صورت باید مورد توجه قرار گیرند. ترتیب فصل‌های گزارش ثابت نیست و شاید برخی از فصل‌ها را بتوان به صورت مستقل و یا به عنوان پیوست گزارش اصلی ارائه کرد. کارشناسان‌ات باید اطمینان حاصل کنند که گزارش‌ات یا برنامه‌ی مدیریت اجتماعی پروژه به عنوان ابزاری اثربخش در تصمیم‌گیری و مدیریت قابل استفاده است. بدین منظور مهم است که گزارش برای عموم مردم و یا کارشناسان سایر حوزه‌ها قابل فهم و حاوی اطلاعات مرتبط و اقدامات روشنی برای کاهش تأثیرات منفی باشد.

عنوان فصل	توصیف محتوای فصل
پشت صفحه‌ی جلد رویی	اطلاعات نشر شامل نام نویسنده‌گان (برای نام افرادی که مسئول انجام پژوهش و تنظیم نگارش بوده‌اند)، ناشر، تاریخ انتشار و سایر اطلاعاتی است که باینگر ماهیت و هدف سند است.
خلاصه‌ی مدیریتی	شرح مختصری از موضوعات و یافته‌های کلیدی
بیانیه‌ی کارشناسی ناظر(ین)	یادداشت یا گزارش ناظر متخصص (از ارباب (یا اربابان، در صورتی که کار ارزیابی و مرور گزارش به بیش از یک نفر تفرد شده باشد) در مورد روش و محدودیت‌های ارزیابی، نظرات، دیدگاهها و توصیه‌های آنان. انعکاس پاسخ نویسنده‌گان گزارش به نظرات ارزیابان نیز می‌تواند مفید باشد.
مقدمه	توصیف کلی مشتمل بر بیان روشن اهداف گزارش و توضیح مختصر و کلی ارتباط سند با ادبیات و فلسفه‌ی انا.
خلاصه‌ی پروژه	یک توصیف مناسب از پروژه و همه فعالیت‌های فرعی آن به گونه‌ای که خوانندگان بتوانند درکی از پروژه بدست آورند. اگر جایگزین‌هایی برای پروژه و یا گزینه‌هایی برای روش اجرای آن مطرح بوده است می‌توان در همین قسمت به آن‌ها اشاره کرد.
روش‌شناسی	شرحی درباره طرح کلی اثار، روش‌های تحقیق، روش‌های جلب مشارکت اجتماع، شیوه‌ی ملاحظه و مدیریت موضوعات اخلاقی و تعریف مفاهیم کلیدی. انتظار می‌رود در همین بخش به اتا و ادبیات پژوهش اجتماعی نیز اشاره شده و بحثی درباره‌ی زیرتئریات حاکمیتی مورد استفاده برای انجام اتا ارائه شود. محدودیت‌های روش‌های تحقیق و نیز تصمیم‌های اتخاذشده برای محدود کردن یا گسترش دامنه‌ی پژوهش در جریان اجرای اتا نیز در همین قسمت بیان می‌شوند.
استانداردها و چارچوب‌های حقوقی مرتبط	بحثی در مورد چارچوب‌های حقوقی و مقرراتی مرتبط و مقررات و دستورالعمل‌هایی که بر این بخش خاص قابل اخلاقی هستند. در این بخش هم قوانین و مقررات محلی، نهادهای مرتبط و مسئولیت آن‌ها در پروژه و هم استانداردهای بین‌المللی نظیر استانداردهای عملکرد موسسه‌ی مالی بین‌المللی، ¹ راهنماهای سازمان‌های صنعتی بین‌المللی و سند راهنمای حاضر پوشش داده می‌شوند.
	اگر قرار است مباحث تفصیلی نمایه‌ی اجتماع و وضعیت پایه‌ی اجتماعی، به صورت پیوست گزارش اصلی ارائه شود، دست‌کم خلاصه‌ای از ویژگی‌ها و گروه‌های ذینده‌خل کلیدی را در اینجا بیاورید؛ در غیر اینصورت کامل داده‌ای اجتماع و وضعیت پایه‌ی اجتماعی را در همین بخش بیان کنید. مسائل کلیدی تاریخی و جنبه‌های کلیدی محیط فیزیکی که به درک شرایط زمینه‌ای پروژه کمک می‌کنند نیز در همین قسمت مورد گزارش می‌شوند.
گزارش دامنه‌یایی	شرحی از همه تأثیرات بالقوه‌ی اجتماعی که در محله‌ای ارزیابی به آن‌ها پرداخته شده است، مهم است که جایگاه هر تأثیر اجتماعی به خوبی روشن شود. اگر بناسات این بخش به صورت گزارش مستقلی ارائه شده، مناسب است خلاصه‌ای از آن در این بخش بیان شود. در عین حال می‌توان کل این بحث را به بخش پیوست‌های گزارش منتقل کرد.
فهرست اولویت‌بندی‌شده تأثیرات اجتماعی کلیدی	ارائه‌ی فهرستی از تأثیرات باقیمانده و چگونگی تأثیرپذیری ذینده‌خلان مختلف از آن‌ها. تمرکز ویژه بر شرایط مردمان بومی، زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر در این بحث ضروریست.
اسکان مجدد (خلاصه)	اگر اسکان مجدد ضرورت دارد و یا اگر جایگاهی فیزیکی و اقتصادی رخ خواهد داد، توصیف کوتاهی از نحوه‌ی اجرای فرایند اسکان، مجده، شیوه‌ی تعیین و جبران خسارت و اقدامات در دستور کار برای بازسازی و یا ارتقای معیشت جمعیت مشمول جایگاهی در این بخش ارائه می‌شود. در عین حال برنامه کامل عملیاتی اسکان مجدد نیز به عنوان یک سند مجزا تهیه می‌گردد.
خلاصه‌ی اقدامات مدیریت و کاهش تأثیرات منفی	باید فهرستی از اقدامات پیشنهادی برای کاهش تأثیرات منفی و سایر اقدامات مدیریتی برای مواجهه با موضوعات اجتماعی با ذکر اعتبارات مورد نیاز و چارچوب زمانی اجرای این اقدامات، ارائه شود.
برنامه‌ی پایش و برقرانه جایگزین (مدیریت انطباق)	در این بخش برنامه‌ی چگونگی انجام پایش مشتمل بر متغیرهای تحت پایش، دفعات و مسئول پایش و نیز واکنش شرکت در صورتی که مقدار یک شاخص تحت پایش از آستانه‌ی تعیین‌شده تجاوز کند، ذکر می‌شود.
پایه‌ی مبالغه‌ی مستتر اجتماع و سازوکارهای شکایت	شرحی از منابع احتمالی پروژه برای اجتماعات محلی، شامل همه‌ی اقدامات پیش‌بینی‌شده برای سرمایه‌گذاری اجتماعی، سهم محلی و راهبردهای تدارک محلی.
ترتیبات حکمرانی	توصیفی از فرایندهای مداخله‌ی مستمر اجتماع در مدیریت امور و نیز سازوکارهای ارائه‌شده برای طرح و رسیدگی به شکایات.
منابع	محتوی درباره‌ی ترتیبات حکمرانی مورد استفاده برای فرایندهای مداخله‌ی مستمر اجتماع، سازوکارهای شکایت، فرایندهای پایش و حصول اطمینان از پذیرش برنامه‌ی سرمایه‌گذاری اجتماعی.
پیوست‌ها	فهرستی از همه منابع استفاده‌شده در تهیه گزارش و نیز منابع مرجع کلیدی که در طراحی پژوهش اتا مورد بهربرداری قرار گرفته‌اند.

II معیارهای ارزیابی گزارش

در فرایندهای مطلوب اِتا، گزارش دهی مداوم به ذیمدخلان مختلف شامل اجتماعات متأثر و مدیریت پروژه یک اصل مهم است. اطلاعات حاصل از اجرای مراحل مختلف اِتا باید پیش از خاتمه‌ی کل فرایند آن در اختیار تصمیم‌گیران قرار گیرد. به دلیل این نوع گزارش دهی مداوم، اِتا را باید بیشتر به مثابه یک فرایند و نه یک محصول تلقی کرد. با این وجود، تنظیم گزارش نهایی به عنوان روشی برای مستندسازی روش‌شناسی، رویه‌ها و یافته‌های اِتا، ضرورت دارد. این کار به طور سنتی به صورت انتشار بیانیه‌ی تاثیرات اجتماعی متناظر با بیانیه‌ی تاثیرات زیست‌محیطی انجام گرفته و اغلب ارزیابی تاثیر اجتماعی یکی از مولفه‌های ارزیابی زیست‌محیطی^۱ / گواهی زیست‌محیطی^۲ محسوب می‌شود. اما در یک پژوهش برتر اِتا، آنچه ارائه می‌شود برنامه‌ی مدیریت تاثیرات اجتماعی^۳ است که فراتر از صرفاً فهرست کردن تاثیرات احتمالی، روشن می‌کند که تاثیرات اجتماعی چگونه مدیریت خواهند شد، چه اقداماتی برای تعدیل تاثیرات منفی و اصلاح و بهسازی پروژه در نظر گرفته شده است، تاثیرات شناسایی شده چگونه مورد پایش مستمر قرار می‌گیرند و هم‌ی این اقدامات با تکیه بر کدام ترتیبات حکمرانی انجام خواهند شد. به دلیل گزارش دهی مداوم، گزارش نهایی حاوی هیچ‌گونه اطلاعات جدید و شگفت‌آوری نخواهد بود. گزارش‌ها در یک پژوهش برتر اِتا (و در واقع کل فرایند اِتا) همواره در معرض ارزیابی حرفه‌ای توسط متخصصان صاحب‌صلاحیت قرار می‌گیرند. به مانند فرایند ارزیابی‌های زیست‌محیطی، لازم است گزارش‌های اِتا نیز پیش از آن که به تایید مقامات و مراجع قانونی برسند، برای مدت معینی در معرض ارزیابی و اظهار نظر عمومی قرار داده شوند. حتی اگر این کار به لحاظ قانونی نیز الزام‌آور نباشد، برای اجرای یک پژوهش مطلوب اِتا لازم است فرایندی برای ارزیابی و تایید گزارش‌های نهایی توسط اجتماعات تحت تاثیر و متخصصان پیش‌بینی شود. ارزیابی یک گزارش اِتا کار پیچیده‌ای است. چک‌لیست زیر فهرستی از پرسش‌هایی است که ارزیابان و یا گروه‌های اجتماع باید آن‌ها را در مرور گزارش اِتا یا برنامه‌ی مدیریت تاثیرات اجتماعی مورد توجه قرار دهند.

1. EIA

2. EIS

3. SIMP

توصیف پروژه و جایگزین‌ها

■ آیا گزارش، توصیف کافی از پروژه شامل اطلاعات مناسب در باره محل اجرا، طراحی پروژه، میزان پیشرفت، نیروی انسانی مورد نیاز، زمانبندی احتمالی آن و غیره ارایه می‌کند؟

■ آیا گزارش توصیفی از اهداف و مقاصد را که بناست پروژه‌ی پیشنهادی تامین کند به ویژه در ارتباط با توسعه‌ی پایدار محلی، ارایه می‌کند؟

■ آیا در گزارش به جایگزین‌های منطقی پروژه، از جمله عدم اجرای آن و تشریح چرایی انتخاب گزینه‌ی ترجیحی با توجه به عواقب اجتماعی و اهداف توسعه‌ی پایدار پرداخته شده است؟

■ آیا موضوع انتخاب از بین جایگزین‌های پروژه هنوز موضوعیت دارد که لازم باشد برای تصمیم‌گیری در مورد آن اطلاعات گردآوری شود؟

■ آیا در گزارش، کاربری احتمالی اراضی واقع در محل پروژه و نواحی اطراف آن در آینده تشریح شده است؟

■ آیا توصیف کاملی از میزان افزایش تقاضا در خدماتی مانند آب، برق، فاضلاب، و غیره متأثر از اجرای پروژه و یا فعالیت‌های جانبی مورد نیاز برای پشتیبانی پروژه مانند حفاری و استخراج و غیره در گزارش ارائه شده است؟

■ آیا در گزارش، شرایط زمینه‌ای اجرای پروژه مستند و مورد بحث قرار گرفته و اطلاعات لازم در مورد پروژه‌های مشابه که در مجاورت پروژه‌ی حاضر، اجرا شده یا در دست اجرا هستند و یا محتمل است در آینده اجرا شوند، ارائه شده است که بر اساس آن بتوان به شکل رضایت‌بخشی تأثیرات تجمعی این پروژه‌ها را مورد بررسی قرار داد؟

توصیف روش‌شناسی اِتا

■ آیا توصیف مطلوبی از روش‌شناسی کلی مورد استفاده در این پژوهش اِتا، در گزارش ارائه شده است؟

■ آیا روش‌های مورد استفاده در هر بخش اِتا به شکل رضایت‌بخشی توصیف، انتخاب و به درستی اجرا شده‌اند؟

■ آیا راهبرد مداخله‌ی ذیمدخلان در اِتا به شکل مطلوبی بیان شده است؟

■ آیا روش‌های پیش‌بینی تأثیرات به شیوه‌ی مناسب توصیف و مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟

■ آیا فرایند ارزیابی اهمیت تأثیرات، توصیف شده و به شیوه‌ی مستدلی اجرا شده است؟

■ آیا محدودیت‌های روش‌شناسی اِتا و پژوهش اِتا به‌طور کلی بیان شده است؟
 ■ آیا تسلط بر کاربرد روش‌های پژوهش اجتماعی مشهود بوده و ارجاع مناسب به منابع مربوط به روش‌های اِتا و پژوهش اجتماعی صورت گرفته است؟
 ■ آیا در خصوص دلالت‌های اخلاقی (شامل رضایت آگاهانه) اِتا و پروژه بحث شده است؟

■ آیا در رویکرد به روش‌های پژوهش اجتماعی و در فرایند مداخله‌ی اجتماع، احترام مردمان بومی به‌نحو مشهودی رعایت شده است؟
 ■ آیا برای بهره‌مندی از دانش محلی در طراحی پروژه تلاشی صورت گرفته است؟
 ■ آیا در ارزیابی تأثیرات و سایر گزارش‌های علمی، در کنار علم غربی از دانش سنتی و ادراکات و کیهان‌شناسی بومی استفاده شده است؟

نمایه‌ی اجتماع و داده‌های وضعیت پایه

■ آیا درباره‌ی محدوده‌ی قلمروی که احتمالاً به لحاظ اجتماعی از پروژه متاثر خواهد شد، بحث شده است؟ (قلمرو اجتماعی نفوذ یا قلمرو متاثر)
 ■ آیا دیمدخلان به شیوه مناسبی تحلیل شده و گروه‌های اجتماعی مختلف موجود در منطقه به شیوه‌ی مستدلی مورد شناسایی و توصیف قرار گرفته‌اند؟
 ■ آیا گروه‌های آسیب‌پذیر به‌طور خاص شناسایی شده و مورد بحث قرار گرفته‌اند؟
 ■ آیا به ابعاد و موضوعات جنسیتی به‌طور خاص توجه شده است؟
 ■ آیا گروه‌های بومی، قبیله‌ای یا سایر گروه‌های قومی مهم ساکن در قلمرو پروژه به درستی شناسایی شده‌اند و یا فقدان چنین گروه‌هایی به‌طور مستدلی تایید شده است؟
 ■ آیا ویژگی‌های دیمدخلان مختلف متاثر از پروژه به‌ویژه از جنبه‌ی فرهنگی، اقتصادی و معیشتی که برای تحلیل میزان پذیرش تغییر از جانب آن‌ها اهمیت دارد، شناسایی و توصیف شده است؟

- آیا سازمان‌های محلی، ملی و بین‌المللی که احتمال است اجرای پروژه به نحوی به آن‌ها ارتباط داشته و یا برایشان مهم باشد، به ویژه سازمان‌هایی که ارتباط مستقیم با ذیمدخلان پروژه دارند، شناسایی شده‌اند؟
- آیا جزئیات تاریخ محلی به میزان کفایت و برای دستیابی به درک معقولی از نگرانی‌های اجتماعی موجود و پتانسیل بروز تضاد محلی مورد بحث قرار گرفته است؟
- آیا نشانگرهای اجتماعی برای جمع‌آوری داده‌های وضعیت پایه، تعیین شده‌اند؟
- آیا استدلال لازم برای هر ضرورت و اهمیت هر کدام از نشانگرهای اجتماعی ارایه شده است؟
- آیا بحثی درباره استفاده از منابع ثانویه‌ی داده‌های وضعیت پایه ارایه شده است؟
- آیا داده‌های وضعیت پایه برای نشانگرهای اجتماعی تعیین شده، جمع‌آوری شده است؟
- آیا برای هر نشانگر اجتماعی، مقادیر هدف و مقایسه‌ای مناسب در نظر گرفته شده است؟
- آیا در مورد فقدان داده‌ها و یا محدودیت دسترسی به داده‌های موجود یا داده‌های گردآوری شده بحث شده است؟

مشارکت و مداخله‌ی اجتماع

- آیا تلاش جدی برای شناسایی و ارتباط با طیف گسترده‌ی ذیمدخلان و مطلع ساختن آنان درباره پروژه و پیامدهای آن و دعوت از آنان برای ارائه نقطه‌نظرانشان بعمل آمده است؟
- آیا شواهدی مبنی بر بهره‌بردای واقعی از نقطه‌نظرات ذیمدخلان در اتا و برنامه‌ریزی و توسعه‌ی پروژه وجود دارد؟
- آیا فهرست گروه‌هایی که در جریان اجرای اتا به آن‌ها مراجعه شده است، ارایه گردیده است؟
- آیا استفاده از روش‌های متنوع جلب مشارکت برای پوشش همه‌ی گروه‌های اجتماعی مرتبط و به ویژه حصول اطمینان از مشارکت زنان، گروه‌های آسیب‌پذیر و

مردمان بومی مشهود است؟

■ آیا فرایندهای مشارکتی به موقع و از همان آغاز پروژه و اتا اجرا شده‌اند که نتایج آن‌ها را بتوان در طراحی اتا و پروژه استفاده کرد؟

■ آیا منابع کافی برای حمایت از مشارکت همه ذیمدخلان در دسترس بوده است؟

■ آیا مداخله‌ی اجتماع به صورت مداوم و همراه با ارائه بازخورد و تایید اعتبار اطلاعات به نحو مقتضی بوده است؟

■ آیا برای اتا و پروژه، موافقت آزادانه، پیشینی و آگاهانه^۱ اجتماع تحت تأثیر اخذ شده است؟ در این صورت؛

□ آیا مبنای ادعای اخذ موافقت آزادانه، پیشینی و آگاهانه به روشنی تشریح شده است؟

□ آیا در خصوص مبنای تعیین "موافقت" بحثی ارائه شده است؟

□ آیا به راستی موافقت مورد اشاره به صورت پیشینی و قبل از اجرای پروژه

اخذ شده است؟

□ آیا شرط "کاملاً آگاهانه" بودن این موافقت به درستی احراز شده است؟

دامنه یابی، ارزیابی و تعیین اهمیت تأثیرات

■ آیا در گزارش چگونگی انجام دامنه یابی مشخص شده است؟

■ آیا ذیمدخلان به اندازه کافی در فرایندهای دامنه یابی و ارزیابی نقش داشته‌اند؟

■ آیا همه ی فعالیت‌های مرتبط با پروژه شناسایی شده و تأثیرات هر یک از آن‌ها بر ذیمدخلان مختلف مورد توجه قرار گرفته است؟

■ آیا توصیف مناسبی از تأثیرات در پیوند با ماهیت و وسعت تغییرات و همچنین ماهیت، محل استقرار، جمعیت، میزان حساسیت و آسیب‌پذیری ذیمدخلان تحت تأثیر صورت گرفته است؟

■ آیا در تحلیل‌ها به چگونگی واکنش گروه‌های مختلف به تأثیرات پرداخته شده است؟

1. Free, Prior and Informed Consent (FPIC)

- آیا در تحلیل‌ها اثرات غیر مستقیم (یا تأثیرات ثانویه یا مرتبه‌های بالاتر) و همچنین مستقیم همه مراحل پروژه (شامل ساخت، بهره‌برداری و پس از برچیده شدن) بر همه‌ی گروه‌ها مورد توجه قرار گرفته است؟
- آیا همه‌ی تأثیرات منطقیاً محتمل مورد بررسی قرار گرفته‌اند؟
- آیا مقایسه‌ای با نتایج مطالعات پروژه‌های مشابه صورت گرفته است؟
- آیا تبعات اجتماعی و بهداشتی تأثیرات زیست محیطی (تغییرات در کاربری زمین، نشت آلاینده‌ها، تغییرات در تنوع زیستی یا اکوسیستم‌ها و غیره) مورد توجه قرار گرفته و بحث شده است؟
- آیا تأثیرات از وجه حقوق بشری مورد بحث قرار گرفته‌اند؟
- آیا بحث کافی در خصوص چگونگی اولویت‌بندی تأثیرات (تعیین اهمیت تأثیرات) ارائه شده است؟
- آیا بحثی در مورد احتمال بروز رویدادهای غیرطبیعی و حوادث ناشی از کار و برنامه‌های مقتضی برای مدیریت آن‌ها ارائه شده است؟
- آیا به پیامدهای اجتماعی ناشی از رویدادها و حوادث ناشی از کار توجه شده است؟

راهبردهای تعدیل تأثیرات و بهسازی پروژه

- آیا در گزارش توصیفی از اقدامات تعدیلی پیش‌بینی شده برای اجتناب، کاهش و/یا جبران عوارض مهم ناشی از پروژه ارائه شده است؟
- آیا در گزارش به دلایل انتخاب روش‌های تعدیل، و توصیف گزینه‌های موجود، به ویژه در جایی که روش تعدیل روشن نیست اشاره شده است؟
- آیا در گزارش به اثربخشی احتمالی برنامه‌ی تعدیل پرداخته شده است؟ آیا تبعات نامشخص یا ناکافی بودن اقدامات تعدیلی به اندازه‌ی کافی مورد بحث قرار گرفته است؟
- آیا گزارش درباره گستره و اهمیت تأثیرات باقیمانده بحث کرده است؟
- آیا در گزارش به راهبردهای مواجهه با تأثیرات باقیمانده و/یا تأثیرات تجمعی پرداخته شده است؟

■ آیا به اندازه‌ی کافی به اقدامات معطوف به بهسازی پروژه (نظیر تغییرات در طراحی پروژه برای تقویت منافع اجتماعات متأثر) توجه شده است؟

■ آیا پتانسیل‌های لحاظ سهم محلی (شغل برای مردمان محلی، تدارکات محلی) بخوبی مد نظر قرار گرفته است؟

■ آیا اقدامات پیشنهادی برای تعدیل آثار و اصلاح پروژه، عملی و امکان‌پذیرند؟

■ آیا به موضوع احتمال بروز تغییر در میزان و کیفیت تأثیرات اجتماعی در طول زمان و ضرورت اعمال تغییرات متناسب در اقدامات تعدیلی و اصلاحی در آینده اشاره شده است؟

■ آیا طراحی چشم‌انداز اجتماع برای آینده انجام شده و به موضوع آینده‌ی مطلوب و مورد انتظار اجتماع پرداخته شده است؟

■ آیا برنامه‌ای برای مشارکت در سرمایه‌گذاری اجتماعی وجود دارد و در این صورت آیا با اجتماع تحت تأثیر در مورد برنامه‌های پیشنهادی گفتگو شده است؟

■ آیا طرح‌های پیشنهادی برای سرمایه‌گذاری اجتماعی از پایداری لازم و نیز از حمایت کامل شرکای محلی و یا دولت برخوردارند؟

■ در صورتی که مسئولیت تأمین خدمات و زیرساخت‌ها برعهده‌ی مجری است، آیا استراتژی خروج از منطقه و سپردن مسئولیت به دولت طراحی شده است و در صورتی که نهادهای دولتی از ظرفیت کافی بدین منظور برخوردار نیستند، آیا در استراتژی طراحی شده به توانمندسازی این نهادها توجه کافی شده است؟

سازوکارهای شکایت و رویه‌های پایش

■ آیا گزارش به استقرار سازوکارهای شکایت پرداخته است؟

■ آیا شواهدی دال بر توجه جدی به سازوکارهای شکایت و اطلاع داشتن ذی‌مدخلان متأثر از وجود چنین سازوکارهایی و تمایل به استفاده از آن‌ها در صورت لزوم ارائه شده است؟

■ آیا برای همه تأثیرات مهم فرایند پایش پیش‌بینی شده است؟

■ آیا اجتماعات متأثر به شکلی در فرایند پایش دخالت داده شده‌اند؟

■ آیا به موضوع مدیریت انطباقی به ویژه در پیوند با موضوع پایش و مدیریت تأثیرات اجتماعی اشاره شده است؟

گزارش دهی، ترتیبات حکمرانی و سایر موضوعات کلی

■ آیا گزارش برای عموم و به زبان ساده و قابل فهمی در دسترس است - و یا دست کم تلاش کافی برای تأمین دسترسی مردم محلی به محتوای گزارش صورت گرفته است؟

■ آیا این برداشت وجود دارد که اتا و فرایندهای توسعه‌ی پروژه در حد معقول و مورد انتظار به اصل شفافیت پایبند بوده‌اند؟

■ آیا ترتیب ارائه‌ی اطلاعات و چینش مطالب گزارش منطقی است؟

■ آیا چگونگی تأثیرپذیری یافته‌ها، نتایج و رویکرد اتخاذشده در بررسی از مداخله و مشارکت اجتماع توصیف شده است؟

■ آیا منابع و زمان کافی برای بررسی همه‌ی موضوعات اجتماعی در اختیار بوده است؟

■ آیا مشاوران اتا از دانش حرفه‌ای، تجربه و شناخت کافی در مورد موضوعات اجتماعی و اتا برخوردار بوده‌اند؟

■ آیا ارزیابی و بازبینی گزارش توسط متخصص حرفه‌ای اتا انجام شده است؟

■ آیا از ابتدای پروژه امکان مدیریت موثر موضوعات اجتماعی فراهم بوده است؟

■ آیا شواهدی دال بر پذیرش یافته‌های اتا از جانب کارکنان پروژه و مدیریت ارشد شرکت و ابراز پایبندی به اجرای توصیه‌ها و راهبردهای توافق شده وجود دارد؟

■ آیا نقش‌ها و مسئولیت‌ها برای اقدامات آینده به روشنی تعیین و به افراد و مشاغل معینی اختصاص یافته است؟ آیا در شاخص‌های کلیدی عملکرد این نقش‌ها، اجرای مسئولیت‌های یادشده گنجانده شده است؟

■ آیا همه‌ی عوامل و کارگزاران مورد اشاره در گزارش (مانند دولت محلی، موسسات دولتی، نهادهای ثالث) به نقش‌ها و وظایفی که برایشان تعیین شده است، پایبندند؟

- آیا وظایف پیمانکار و تأمین کنندگان (خدمات) به درستی تعیین و فرایندی برای پایش پایبندی آن‌ها به اهداف انا وجود دارد؟
- آیا بر اساس محتوای گزارش می‌توان گفت اشراف و آگاهی مطلوبی از حیث اجتماعی در خصوص پروژه حاصل شده است؟
- آیا در گزارش به مطالعات دیگری در حوزه‌ی ارزیابی تأثیرات زیست محیطی، ارزیابی تأثیرات بر سلامت و یا هر نوع سند یا گزارش دیگری که توسط حامی پروژه یا سایر عاملین تأمین مالی شده باشد، اشاره شده است؟
- آیا تلاش کافی برای پیوند گزارش با ادبیات انا (به ویژه با اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی و این سند راهنما) صورت گرفته است؟
- آیا در گزارش همه‌ی سیاست‌ها و مقررات محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی مرتبط با حمایت از ذیمدخلان شناسایی شده است؟

نشر هم‌شهری





نتیجه‌گیری

ارزیابی تأثیر اجتماعی باید به عنوان فرایند مدیریت موضوعات اجتماعی پروژه نگریسته شود. مدیریت موضوعات اجتماعی هنگامی تأثیرگذار خواهد بود که از لحظه‌ی طرح ایده‌ی پروژه آغاز شده و تا پس از خاتمه بهره‌برداری و برپیده شدن آن ادامه داشته باشد. هر چند برداشت اولیه از اتا بیشتر ابزاری برای اجرای مقررات بود، اما امروزه کاربرد آن تنوع زیادی پیدا کرده است. با وجود آن که هنوز هم اجرای اتا به دلیل الزامات ناشی از مقررات ملی زیست‌محیطی و یا سازمان‌های اهداءکننده‌ی بین‌المللی رایج است، اما اجرای آن توسط اجتماع و برای تصمیم‌گیری در مورد موافقت مبتنی بر رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه اجتماع با اجرای پروژه و یا فراگیری شیوه‌ی مواجهه آن با تغییرات نیز ممکن است. به علاوه شرکت‌ها می‌توانند در چارچوب مسئولیت خود برای مدیریت تأثیرات اجتماعی و حقوق بشری پروژه‌هایشان و کسب مجوز اجتماعی عملیات پروژه‌هایشان اقدام به اجرای اتا کنند. تمرکز مطالعات اتا در ابتدای شکل‌گیری این مطالعات در دهه‌ی ۱۹۷۰ بیشتر تأثیرات منفی پروژه‌ها بود اما به مرور شناسایی

روش‌های بهسازی و اصلاح پروژه‌ها با هدف تولید فایده‌ی بیشتر برای اجتماعات و تولید ارزش و منافع مشترک توأمان برای اجتماعات و شرکت‌ها در این مطالعات محوریت پیدا کرده است.

مسئولیت شرکت‌ها برای توجه به تأثیرات اجتماعی نیز در طول زمان گسترش پیدا کرده است. امروزه شرکت‌ها در کنار پایبندی و التزام به مقررات ملی باید به انتظارات ذی‌مدخلان نظیر شرکای پروژه، حامیان مالی، سازمان‌های صنعتی بین‌المللی، سازمان‌های اتحادیه‌های تجاری، سمن‌های ناظر، جامعه مدنی محلی، و اجتماعات محلی نیز پاسخ دهند. با ظهور عصر دیجیتال، آگاهی سمن‌ها، ذی‌مدخلان جامعه‌ی مدنی و اجتماعات محلی از حقوق‌شان در حال افزایش است و بر توانمندی، نفوذ بالقوه، منابع و دسترسی‌های آنان افزوده می‌شود. به‌علاوه با گسترش دستور کار حقوق بشر در کسب و کار، شرکت‌ها در معرض یک الزام حقوقی بین‌المللی و انتظارات عمومی مشروعی برای پایبندی به حقوق بشر قرار گرفته‌اند. البته این انتظارات همیشه روشن، منسجم، هماهنگ نبوده و در واقع ممکن است متناقض باشند. اما می‌تواند در توجه به دغدغه‌های گروه‌های ذی‌مدخل و به ویژه در تعدیل صدمات و ارتقای منافع موثر باشد.

اتا در آینده بدون تردید موضوعیت بیشتری پیدا خواهد کرد و تقاضا در مورد اجرای اتا به دلایل متعددی چون سرمایه‌گذاری فزاینده در کشورهای در حال توسعه افزایش خواهد یافت. چرا که ترکیب نهادهای ضعیف و کمیابی زمین، به صورت بالقوه موجب افزایش تضاد بین شرکت‌ها و اجتماعات محلی، به ویژه اگر مخاطرات به موقع شناسایی و برنامه‌های تعدیل در زمان مناسب و در هماهنگی با مردم متأثر اجرا نشوند، خواهد شد.

هدف این سند تعیین راهکارهای مواجهه با تأثیرات اجتماعی مرتبط با پروژه و تدارک استانداردهای معینی در این ارتباط با تکیه بر تجارب مطلوب و برتر اجرای اتا است. بنابراین می‌تواند به عنوان یک سند راهنما نه فقط برای کارشناسان اتا بلکه کارکنان بخش عملکرد اجتماعی شرکت‌ها، پرسنل شاغل در حوزه‌ی نظارت دولتی، اجتماع مالی بین‌المللی، سمن‌ها و نمایندگان اجتماعات متأثر جهت تبادل نظر و طرح انتظارات و عملکرد مورد انتظار در ارتباط با مدیریت موضوعات اجتماعی

ناشی از پروژه مورد استفاده قرار گیرد. البته باید توجه داشت که کارشناسان اِتا در محیط‌های متنوعی کار می‌کنند و وظایف متعددی به آن‌ها سپرده می‌شود که در این سند راهنما تنها به بخشی از آن‌ها پرداخته شده است. بنابراین، منطقی آن است که برای تعیین انتظارات در هر موقعیت و پروژه، ترتیبات مشخص شده در قرارداد مد نظر قرار گیرد. علاوه بر ترتیبات تعیین شده در قرارداد، اِتا وظیفه دارد تا با شناسایی و تحلیل موضوعات اجتماعی کلیدی به مجری پروژه و اجتماع متأثر کمک کند.

نکته‌ی کلیدی و مورد تاکید در پس‌همی صفحات این سند راهنما این است که به جای آن‌که اِتا را یک هزینه برای کسب و کار ببینیم، باید آن را یک فرایند مدیریتی مؤثر و مفید تلقی کنیم که به کاهش مخاطرات کمک کرده و منافی برای شرکت‌ها و اجتماعات در بردارد- به عبارت دیگر، مفهوم ارزش‌های مشترک را عملیاتی می‌سازد. بنابراین انجام ارزیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی یک اقدام قابل اتکا و نیرومند برای پروژه‌ها محسوب می‌شود.





|| منابع جهت مطالعه‌ی بیشتر

۱. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

Boutilier, R.G. 2014 Frequently asked questions about the social licence to operate. Impact Assessment & Project Appraisal 32(4), 263-272. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2014.941141>

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Buxton, A. & Wilson, E. 2013 FPIC and the Extractive Industries: A Guide to applying the Spirit of Free, Prior and Informed Consent in Industrial Projects, London: IIED. <http://pubs.iied.org/pdfs/16530IIED.pdf>

۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

<http://hrbportal.org/>

۴. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

ICMM 2012 Integrating Human Rights Due Diligence into Corporate Risk Management Processes. <http://www.icmm.com/document/3308>

۵. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Davis, R. & Franks, D. 2014 Costs of Company-Community Conflict in the Extractive Sector. http://www.hks.harvard.edu/m-rcbg/CSRI/research/Costs%20of%20Conflict_Davis%20%20Franks.pdf

۶. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Kytle, B. & Ruggie, J. 2005 Corporate Social Responsibility as Risk Management: A Model for Multinationals. http://www.ksg.harvard.edu/m-rcbg/CSRI/publications/workingpaper_10_kytle_ruggie.pdf

۷. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Gibson, G. & O'Faircheallaigh, C. 2010 IBA Community Toolkit: Negotiation and Implementation of Impact and Benefit Agreements. Toronto: Walter & Duncan Gordon Foundation. <http://www.ibacommunitytoolkit.ca>

۸. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Scoones, I. 1998 Sustainable Rural Livelihoods: A Framework for Analysis, IDS Working Paper 72. <http://mobile.opendocs.ids.ac.uk/opendocs/bitstream/handle/123456789/3390/Wp72.pdf>

۹. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Porter, M. & Kramer, M. 2011 Creating shared value. Harvard Business Review 89(1-2), 62-77. http://www.fsg.org/Portals/0/Uploads/Documents/PDF/Creating_Shared_Value.pdf; Hidalgo, C. et al. 2014 Extracting with Purpose. FSG. <http://www.fsg.org/tabid/191/ArticleId/1184/Default.aspx?srpush=true>

۱۰. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

<http://www.equator-principles.com> and <http://www.ifc.org/performancestandards>

۱۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

Esteves, A.M., Franks, D. & Vanclay, F. 2012 Social impact assessment: The state of the art. Impact Assessment & Project Appraisal 30(1), 35-44. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2012.660356>

Franks, D., Fidler, C., Brereton, D., Vanclay, F. & Clark, P. 2009 Leading Practice Strategies for addressing the Social Impacts of Resource Developments. St Lucia: Centre for Social Responsibility in Mining, Sustainable Minerals Institute, The University of Queensland. http://www.csrml.uq.edu.au/docs/Franks_et_al_LeadingPracticeSocialImpacts_2009.pdf

Franks, D. & Vanclay, F. 2013 Social Impact Management Plans: Innovation in corporate and public policy. Environmental Impact Assessment Review 43, 40-48. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2013.05.004>

Vanclay, F. 2003 International Principles for Social Impact Assessment. Impact Assessment & Project Appraisal 21(1), 5-11. <http://dx.doi.org/10.3152/147154603781766491>

۱۲. برای اطلاعات بیشتر در مورد انواع تأثیرات اجتماعی رجوع کنید به:

Fehr, R., Viliani, F., Nowacki, J. & Martuzzi, M. (eds) 2014 Health in Impact Assessments: Opportunities not to be missed, Copenhagen: World Health Organisation Regional Office for Europe. <http://www.euro.who.int/health-in-IA>

Harris-Roxas, B. et al. 2012 Health Impact Assessment: The state of the art. Impact Assessment and Project Appraisal 30(1), 43-52, 2012. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2012.666035>

ICMM 2010 Good Practice Guidance on Health Impact Assessment. <http://www.icmm.com/document/792>

IFC 2009 Introduction to Health Impact Assessment. Washington, DC: International Finance Corporation. <http://commdev.org/introduction-health-impact-assessment>

IFC 2009 Projects and People: A Handbook for Addressing Project-Induced In-migration. Washington, DC: International Finance Corporation. http://commdev.org/files/2545_file_Influx.pdf

Petkova, V. et al. 2009 Mining developments and social impacts on communities: Bowen Basin case studies. *Rural Society* 19(3), 211-228. <http://dx.doi.org/10.5172/rsj.19.3.211>

Vanclay, F. 2002 Conceptualising social impacts. *Environmental Impact Assessment Review* 22(3), 183-211. [http://dx.doi.org/10.1016/S0195-9255\(01\)00105-6](http://dx.doi.org/10.1016/S0195-9255(01)00105-6)

Vanclay, F. 2012 The potential application of Social Impact Assessment in integrated coastal zone management. *Ocean & Coastal Management* 68, 149-156. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ocecoaman.2012.05.016>

Vanclay, F. (ed.) 2014 *Developments in Social Impact Assessment*. Cheltenham: Edward Elgar.

۱۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد اجزای آتابه ادامه همین سند و نیز منابع زیر رجوع کنید:

Esteves, A.M., Franks, D. & Vanclay, F. 2012 Social impact assessment: The state of the art. *Impact Assessment & Project Appraisal* 30(1), 35-44. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2012.660356>

Esteves, A.M. & Vanclay, F. 2009 Social Development Needs Analysis as a tool for SIA to guide corporate-community investment: Applications in the minerals industry. *Environmental Impact Assessment Review* 29(2), 137-145. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2008.08.004>

Franks, D. & Vanclay, F. 2013 *Social Impact Management Plans: Innovation in corporate and public policy*. *Environmental Impact Assessment Review* 43, 40-48. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2013.05.004>

۱۴. برای اطلاعات بیشتر در خصوص منافع ارزیابی تأثیر اجتماعی برای تجارت به منابع زیر مراجعه کنید:

Davis, R. & Franks, D.M. 2014 Costs of Company-Community Conflict in the Extractive Sector. Corporate Social Responsibility Initiative Report, John F. Kennedy School of Government, Harvard University, Cambridge, MA. http://www.hks.harvard.edu/m-rcbg/CSRI/research/Costs%20of%20Conflict_Davis%20%20Franks.pdf

Franks, D.M., Davis, R., Bebbington, A.J., Ali, S.H., Kemp, D., Scurrah, M. 2014 Conflict translates environmental and social risk into business costs, *Proceedings of the National Academy of Sciences* 111(21), 7576-7581. <http://www.pnas.org/cgi/doi/10.1073/pnas.1405135111>

IFC 2010 Strategic Community Investment: A Good Practice Handbook for Companies Doing Business in Emerging Markets. Washington, DC: International Finance Corporation. <http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/fic0538048865842b50ef76a6515bb18/12014complete-web.pdf?MOD=AJPERES>

Sohn, J. (ed.) 2007 Development without Conflict: The Business Case for Community Consent. Washington, DC: World Resources Institute. <http://www.wri.org/publication/development-without-conflict>

SocialLicense.com 2014 website <http://www.sociallicense.com>

۱۵. برای اطلاعات بیشتر در خصوص توسعه‌ی اجتماعی و سرمایه‌گذاری اجتماعی به منابع زیر رجوع کنید:

Community Toolbox online resource: <http://ctb.ku.edu/en/table-of-contents>

Emery, M. & Flora, C.B. 2006 Spiraling-up: Mapping community transformation with community capitals framework. *Community Development: Journal of the Community Development Society* 37(1), 19-35. <http://dx.doi.org/10.1080/15575330609490152>

Esteves, A.M. & Vanclay, F. 2009 Social Development Needs Analysis as a tool for SIA to guide corporate-community investment: Applications in the minerals industry. *Environmental Impact Assessment Review*

29(2), 137-145. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2008.08.004>

Flora, C.B. et al. (no date) Community Capitals: A Tool for Evaluating Strategic Interventions and Projects. Ames: North Central Regional Center for Rural Development, University of Iowa. <http://wp.aae.wisc.edu/ced/wp-content/uploads/sites/3/2014/01/204.2-Handout-Community-Capitals.pdf>

Hallam, A. 2012 Scottish Government Investment in Rural Community Development: A Community Capitals Approach. Edinburgh: Scottish Government. <http://www.scotland.gov.uk/Resource/0038/00389818.pdf>

ICMM 2012 Community Development Toolkit <http://www.icmm.com/community-development-toolkit>

IFC 2010 Strategic Community Investment: A Good Practice Handbook for Companies Doing Business in Emerging Markets. Washington, DC: International Finance Corporation. <http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/f1c0538048865842b50ef76a6515bb18/12014complete-web.pdf?MOD=AJPERES>

Midgley, J. 2014 Social Development: Theory and Practice. Los Angeles: Sage.

Owen, J. & Kemp, K. 2012 Community development in mining assets, capitals, and resources: Frameworks for corporate community development in mining. *Business & Society* 51(3), 382-408. <http://dx.doi.org/10.1177/0007650312446803>

Pawar, M. & Cox, D. (eds) 2010 Social Development: Critical Themes and Perspectives. New York: Routledge.

Porritt, J. 2005 Capitalism as if the World Matters. London: Earthscan.

Scoones, I. 1998 Sustainable Rural Livelihoods: A Framework for Analysis, IDS Working Paper 72. <http://mobile.opendocs.ids.ac.uk/opendocs/bitstream/handle/123456789/3390/Wp72.pdf>

Wang, C. 2012 A Guide for Local Benefit Sharing in Hydropower Projects. Washington, DC: World Bank. <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/18366>

World Bank 2010 Mining Foundations, Trusts and Funds: A Sourcebook. Washington, DC: World Bank. http://siteresources.worldbank.org/EXTOGMC/Resources/Sourcebook_Full_Report.pdf

۱۶. برای اطلاعات بیشتر در خصوص حقوق بشر به منابع زیر رجوع کنید:

United Nations 2011 Guiding Principles on Business and Human Rights. http://www.ohchr.org/Documents/Publications/GuidingPrinciplesBusinessHR_EN.pdf

United Nations 2012 The Corporate Responsibility to Respect Human Rights: An Interpretive Guide. http://www.ohchr.org/Documents/Publications/HR.PUB.12.2_En.pdf

DIHR & IPIECA 2013 Integrating human rights into environmental, social and health impact assessments: A practical guide for the oil and gas industry. http://www.ipieca.org/sites/default/files/publications/Integrating_HR_into_environmental_social_and_HIS_0.pdf

European Commission 2013 Oil and Gas Sector Guide on Implementing the UN Guiding Principles on Business and Human Rights.

http://ec.europa.eu/enterprise/policies/sustainable-business/files/csr-sme/csr-oag-hr-business_en.pdf

Götzmann, N. 2014 Human rights and impact assessment: Conceptual and practical considerations in the private sector context. Copenhagen: Danish Institute for Human Rights. <http://www.humanrights.dk/publications/human-rights-impact-assessment>

International Business Leaders Forum & IFC 2011 Guide to Human Rights Impact Assessment and Management (HRIAM). <http://www.ifc.org/hriam>

Kemp, D. & Vanclay, F. 2013 Human rights and impact assessment: clarifying the connections in practice.

Impact Assessment & Project Appraisal 31(2), 86-96. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2013.782978>

Rio Tinto 2013 Why Human Rights Matter http://www.riotinto.com/documents/ReportsPublications/Rio_Tinto_human_rights_guide_-_English_version.pdf

Shift and Mazars 2015 UN Guiding Principles Reporting Framework with Implementation Guidance. <http://www.ungpreporting.org/>

Taylor, M., Zandvliet, L. & Forouhar, M. 2009 *Due Diligence for Human Rights: A Risk-Based Approach*. Corporate Social Responsibility Initiative Working Paper No. 53. Cambridge, MA: John F. Kennedy School of Government, Harvard University.

http://www.hks.harvard.edu/m-rcbg/CSRI/publications/workingpaper_53_taylor_et.al.pdf

۱۷. برای اطلاعات بیشتر در خصوص مردم بومی و رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه، به منابع زیر رجوع کنید:
African Commission on Human and Peoples' Rights, and the International Work Group for Indigenous Affairs 2006 *Indigenous Peoples in Africa: The Forgotten Peoples?*

http://www.achpr.org/files/special-mechanisms/indigenous-populations/achpr_wgip_report_summary_version_eng.pdf

Buxton, A. & Wilson, E. 2013 *FPIC and the Extractive Industries: A Guide to applying the Spirit of Free, Prior and Informed Consent in Industrial Projects*. London: IIED. <http://pubs.iied.org/pdfs/16530IIED.pdf>

Charters, C. & Stavenhagen, R. 2009 *Making the Declaration Work: The United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples*. Copenhagen: International Work Group for Indigenous Affairs. http://www.iwgia.org/iwgia_files_publications_files/making_the_declaration_work.pdf

Convention on Biological Diversity 2004 *Akwe' kon – Voluntary guidelines for the conduct of cultural, environmental and social impact assessment regarding developments proposed to take place on, or which are likely to impact on, sacred sites and on lands and waters traditionally occupied or used by Indigenous and local communities*. Montreal: Secretariat of the Convention on Biological Diversity. <https://www.cbd.int/doc/publications/akwe-brochure-en.pdf>

Doyle, C. & Whitmore, A. 2014 *Indigenous Peoples and the Extractive Sector: Towards a Rights-Respecting Engagement*. Baguio: Tebtebba, PIPLinks and Middlesex University. <http://www.piplinks.org/system/files/IPs-and-the-Extractive-Sector-Towards-a-Rights-Respecting-Engagement.pdf>

Hanna, P. & Vanclay, F. 2013 *Human rights, Indigenous peoples and the concept of Free, Prior and Informed Consent*. Impact Assessment & Project Appraisal 31(2), 146-157. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2013.780373>

Hill, C., Lillywhite, S. & Simon, M. 2010 *Guide to Free Prior and Informed Consent*, Carlton: Oxfam Australia.

ICMM 2013 *Position Statement, Indigenous Peoples and Mining*. <http://www.icmm.com/document/5433>

ICMM 2010 *Good Practice Guide Indigenous Peoples and Mining*. <http://www.icmm.com/document/1221>

IFC 2012 *Guidance Note 7 Indigenous Peoples*. http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/50eed180498009f9a89bfa336b93d75f/Updated_GN7-2012.pdf?MOD=AJPERES

International Labour Organization 2009 *Indigenous & Tribal Peoples' Rights in Practice: A Guide to ILO Convention No. 169*. http://www.ilo.org/newyork/publications/WCMS_106474/lang-en/index.htm

Lehr, A. & Smith, G. 2010 *Implementing a Corporate Free, Prior, and Informed Consent Policy: Benefits and Challenges*, Boston: Foley Hoag.

<http://www.foleyhoag.com/publications/ebooks-and-white-papers/2010/may/implementing-a->

corporate-free-prior-and-informed-consent-policy

Owen, J. & Kemp, D. 2014 Free, Prior and Informed Consent, social complexity and the mining industry. Resources Policy 41, 91-100. <http://dx.doi.org/10.1016/j.resourpol.2014.03.006>

United Nations 2009 Declaration on the Rights of Indigenous Peoples. http://www.un.org/esa/socdev/unpfii/documents/DRIPS_en.pdf

United Nations Department of Economic and Social Affairs 2009 State of the World's Indigenous Peoples. UN Document ST/ESA/328. http://www.un.org/esa/socdev/unpfii/documents/SOWIP_web.pdf

United Nations Global Compact 2013 A Business Reference Guide United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples. http://www.unglobalcompact.org/Issues/human_rights/indigenous_peoples_rights.html

United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights 2013 Indigenous People and the United Nations Human Rights System, Fact Sheet No.9 (rev2) <http://www.ohchr.org/Documents/Publications/fs9Rev.2.pdf>

Whitmore, A. 2012 Pitfalls and Pipelines: Indigenous Peoples and Extractive Industries. Baguio City Philippines: Tebtebba Foundation.

http://www.iwgia.org/iwgia_files_publications_files/0596_Pitfalls_and_Pipelines_-_Indigenous_Peoples_and_Extractive_Industries.pdf

۱۸. برای اطلاعات بیشتر در مورد مشارکت اجتماع به منابع زیر رجوع کنید:

Aslin, H.J. & Brown, V.A. 2004 Towards Whole of Community Engagement: A Practical Toolkit, Murray-Darling Basin Commission, Canberra.

http://www.mdba.gov.au/sites/default/files/archived/mdbc-S-E-reports/1831_towards_whole_of_community_engagement_toolkit.pdf

Australian Government 2006 Community Engagement and Development: Leading Practice Sustainable Development Program for the Mining Industry, Canberra: Department of Industry, Tourism and Resources. http://www.minerals.org.au/file_upload/files/resources/enduring_value/CED.pdf

Creighton, J. 2005 The Public Participation Handbook: Making Better Decisions through Citizen Involvement, San Francisco: Jossey-Bass.

Dare, M., Schirmer, J. & Vanclay, F. 2011 Handbook for Operational Community Engagement within Australian Plantation Forest Management, Hobart: Cooperative Research Centre for Forestry. <http://www.crcforestry.com.au/publications/downloads/CRCForestry-CE-FINAL.pdf>

Flemish Institute for Science and Technology Assessment (viWTA) 2005 Participatory Methods Toolkit. A Practitioner's Manual, Brussels: Flemish Institute for Science and Technology Assessment (in conjunction with King Baudouin Foundation) available at: <http://www.kbs-frb.be/publication.aspx?id=294864&langtype=1033>

Government of Victoria, Department of Sustainability and Environment 2005 Effective Engagement: Building Relationships with Community and Other Stakeholders (3 volumes). Melbourne: Victorian Government Department of Sustainability and Environment. <http://www.dse.vic.gov.au/effective-engagement/resources/download-effective-engagement>

Gramberger, M. 2001 Citizens as Partners: OECD Handbook on Information, Consultation and Public Participation in Policy-Making, Paris: Organisation for Economic Co-Operation and Development. <http://internationalbudget.org/wp-content/uploads/Citizens-as-Partners-OECD-Handbook.pdf>

Hartz-Karp, J. & Pope, J. 2011 "Enhancing effectiveness through deliberative democracy", in Vanclay, F.

& Esteves, A.M. (eds) *New Directions in Social Impact Assessment: Conceptual and Methodological Advances*, Cheltenham: Edward Elgar, 253-272.

IAP2 2006. *Public Participation Toolbox*. Louisville, CO: International Association for Public Participation. http://www.iap2.org/associations/4748/files/06Dec_Toolbox.pdf

IFC 2007 *Stakeholder Engagement: A Good Practice Handbook for Companies Doing Business in Emerging Markets*. Washington: International Finance Corporation. http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/938f1a0048855805beacfe6a6515bb18/IFC_StakeholderEngagement.pdf

International Association for Impact Assessment 2006 *Public Participation: International Best Practice Principles*, Fargo: IAIA. <http://www.iaia.org/publicdocuments/special-publications/SP4%20web.pdf>

O'Faircheallaigh, C. 2010 *Public participation and environmental impact assessment: Purposes, implications, and lessons for public policy making*. *Environmental Impact Assessment Review*, 30(1), 19-27. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2009.05.001>

Rietbergen-McCracken, J. & Narayan, D. (eds) 1998 *Participation and Social Assessment: Tools and Techniques*, Washington: World Bank. <http://go.worldbank.org/HTTUUVW2C60>

Sarkissian, W. 2008 *Kitchen Table Sustainability: Practical Recipes for Community Engagement with Sustainability*. London: Earthscan.

Sarkissian, W., Hurford, D. & Wenman, C. 2010 *Creative Community Planning: Transformative Engagement Methods for Working at the Edge*. London: Earthscan.

Stakeholder Research Associates 2005 *The Stakeholder Engagement Manual: From Words to Action*. Cobourg Ontario Canada: Stakeholder Research Associates (for United Nations Environment Program and Accountability). Volume 1: <http://www.accountability.org/images/content/2/0/207.pdf>
Volume 2: <http://www.accountability.org/images/content/2/0/208.pdf>

United Nations Economic Commission for Europe 1998 *Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters (Aarhus Convention)*. <http://www.unece.org/fileadmin/DAM/env/pp/documents/cep43e.pdf>

United Nations Economic Commission for Europe 2014 *The Aarhus Convention: An Implementation Guide (2nd edn)*. http://www.unece.org/fileadmin/DAM/env/pp/Publications/Aarhus_Implementation_Guide_interactive_eng.pdf

۱۹. برای اطلاعات بیشتر در مورد اسکان مجدد و جابجایی به منابع زیر رجوع کنید:

Cernea, M. 1997 *The risks and reconstruction model for resettling displaced populations*. *World Development* 25(10), 1569-1587. [http://dx.doi.org/10.1016/S0305-750X\(97\)00054-5](http://dx.doi.org/10.1016/S0305-750X(97)00054-5)

Cernea, M. 1999 (ed.) *The Economics of Involuntary Resettlement: Questions and Challenges*. Washington, DC: World Bank. <http://dx.doi.org/10.1596/0-8213-3798-X>

Cernea, M. 2000 *Risks, safeguards and reconstruction: A model for population displacement and resettlement*, *Economic and Political Weekly* 35(No. 41), 3659-3678. <http://www.jstor.org/stable/4409836>.

Cernea, M. 2003 *For a new economics of resettlement: A sociological critique of the compensation principle*. *International Social Science Journal* 55 (Issue 175), 37-45. <http://dx.doi.org/10.1111/1468-2451.5501004>

Cernea, M. & McDowell, C. 2000 *Risks and Reconstruction: Experiences of Resettlers and Refugees*. Washington, DC: World Bank.

Cernea, M. & Schmidt-Soltan, K. 2006 *Poverty risks and national parks: Policy issues in conservation and resettlement*. *World Development* 34(10), 1808-1830. <http://dx.doi.org/10.1016/j.worlddev.2006.02.008>

De Wet, C. 2005 Development-Induced Displacement: Problems, Policies and People. New York: Berghahn Books.

Downing, T. 2002 Avoiding New Poverty: Mining-induced Displacement and Resettlement. MMSD Report 58 London: IIED. http://commdev.org/files/1376_file_Avoiding_New_Poverty.pdf

IFC 2002 Handbook for Preparing a Resettlement Action Plan. Washington, DC: International Finance Corporation. <http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/22ad720048855b25880cda6a6515bb18/ResettlementHandbook.PDF?MOD=AJPERES>

IFC 2012 Guidance Note 5 Land Acquisition and Involuntary Resettlement. http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/4b976700498008d3a417f6336b93d75f/Updated_GN5-2012.pdf?MOD=AJPERES

Owen, J. & Kemp, D. 2015 Mining-induced displacement and resettlement: A critical appraisal. Journal of Cleaner Production 87, 478-488. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jclepro.2014.09.087>

Picciotto, R., van Wicklin, W. & Rice, E. (eds) 2001 Involuntary Resettlement: Comparative Perspectives. New Brunswick: Transaction.

Reddy, G., Smyth, E. & Steyn, M. 2015 Land Access and Resettlement: A Guide to Best Practice, Sheffield: Greenleaf. <http://www.greenleaf-publishing.com/productdetail.kmod?productid=4051>

Satiroglu, I. & Choi, N. (eds) 2015 Development-Induced Displacement and Resettlement. London: Routledge. <http://www.routledge.com/books/details/9781138794153/>

Scudder, T. 2005 The Future of Large Dams. London: Earthscan.

Vandergeest, P., Idahosa, P. & Bose, P. (eds) 2007 Development's Displacements: Economies, Ecologies and Cultures at Risk. Vancouver: UBC Press.

World Bank 2004 Involuntary Resettlement Sourcebook: Planning and Implementation in Development Projects. Washington, DC: World Bank. <http://hdl.handle.net/10986/14914>

۲۰. برای اطلاعات بیشتر در موضوع تأمین سهم محلی و تدارک محلی به منابع زیر رجوع کنید:

Esteves, A.M. & Barclay, M.A. 2011 Enhancing the benefits of local content: Integrating social and economic impact assessment into procurement strategies. Impact Assessment & Project Appraisal 29(3), 205-215. <http://dx.doi.org/10.3152/14615511X12959673796128>

Esteves, A.M., Brereton, D., Samson, D. & Barclay, M.A. 2010 Procuring from SMEs in Local Communities: A Good Practice Guide for the Australian Mining, Oil and Gas Sectors. Brisbane: Centre for Social Responsibility in Mining, Sustainable Minerals Institute, University of Queensland. <http://www.csr.uq.edu.au/docs/4361%20CSR%20SME%20Report%20Email%20V2.pdf>

Esteves, A.M. & Ivanova, G. 2015 "Using Social and Economic Impact Assessment to guide local supplier development initiatives", in Karlsson, C., Andersson, M. & Norman, T. (eds) Handbook of Research Methods and Applications in Economic Geography. Cheltenham: Edward Elgar, pp.571-596. http://www.e-elgar.com/bookentry_main.lasso?currency=US&id=14395

Hidalgo, C. et al. 2014 Extracting with Purpose. FSG. <http://www.fsg.org/tabid/191/ArticleId/1184/Default.aspx?srpsh=true>

IFC (in collaboration with Engineers Against Poverty) 2011 A Guide to getting started in Local Procurement: For companies seeking the benefits of linkages with local SMEs. http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/03e40880488553ccb09cf26a6515bb18/IFC_LPPGuide_PDF20110708.pdf?MOD=AJPERES

Tordo, S. et al. 2010 Local Content Policies in the Oil and Gas Sector. Washington: World Bank. <http://documents.worldbank.org/curated/en/2013/01/17997330/local-content-oil-gas-sector>

۲۱. برای اطلاعات بیشتر در موضوع تعطیلی پروژه به منابع زیر رجوع کنید: (به یاد داشته باشید که در بیشتر این راهنماها در موضوع تعطیلی پروژه هنوز خلاء توجه به موضوعات اجتماعی جدی است)

Anglo American 2013 Mine Closure Toolbox

<http://www.angloamerican.com/~media/Files/A/Anglo-American-PLC-V2/documents/approach-and-policies/environment/toolbox-main-brochure-lr.PDF>

Australian Government 2006 Mine Closure and Completion. Canberra: Department of Industry, Tourism and Resources <http://www.industry.gov.au/resource/Documents/LPSDP/LPSDP-MineClosureCompletionHandbook.pdf>

Evans, R. 2011 "Closure planning", in Vanclay, F. & Esteves, A.M. (eds) New Directions in Social Impact Assessment: Conceptual and Methodological Advances, Cheltenham: Edward Elgar, 221-232.

Sánchez, L.E., Silva-Sánchez, S.S. & Neri, A.C. 2014 Guide for Mine Closure Planning. Brasília: IBRAM (Brazilian Mining Association). <http://www.ibram.org.br/sites/1300/1382/00004552.pdf>

Sheldon, C.G., Strongman, J.E. & Weber-Fahr, M. 2002 It's Not Over When It's Over: Mine Closure around the World, Washington: World Bank and International Finance Corporation. <http://siteresources.worldbank.org/INTOGMC/Resources/notoverwhenover.pdf>

Stacey, J. et al. 2010 The Socio Economic Aspects of Mine Closure and Sustainable Development (2 volumes). Johannesburg: Centre for Sustainability in Mining and Industry, University of Witwatersrand. Vol 1: [http://www.coaltech.co.za/chamber%20databases%5Ccoaltech%5CCom_DocMan.nsf/0/13CoE50053B60B8788257AF4003392EC/\\$File/Coaltech%20Mine%20Closure%20Report%201%202010.pdf](http://www.coaltech.co.za/chamber%20databases%5Ccoaltech%5CCom_DocMan.nsf/0/13CoE50053B60B8788257AF4003392EC/$File/Coaltech%20Mine%20Closure%20Report%201%202010.pdf) Vol 2: [http://www.coaltech.co.za/chamber%20databases%5Ccoaltech%5CCom_DocMan.nsf/0/F6430BA4F25ADE3A88257AF4003321AA/\\$File/Coaltech%20Mine%20Closure%20Report%202%202010.pdf](http://www.coaltech.co.za/chamber%20databases%5Ccoaltech%5CCom_DocMan.nsf/0/F6430BA4F25ADE3A88257AF4003321AA/$File/Coaltech%20Mine%20Closure%20Report%202%202010.pdf)

World Bank 2010 Towards Sustainable Decommissioning and Closure of Oil Fields and Mines: A Toolkit to Assist Government Agencies (version 3.0). Washington: World Bank. http://siteresources.worldbank.org/EXTOGMC/Resources/336929-1258667423902/decommission_toolkit3_full.pdf

۲۲. برای اطلاعات بیشتر در موضوع اخلاق پژوهش به منابع زیر رجوع کنید:

Israel, M. & Hay, I. 2006. Research Ethics for Social Scientists: Between Ethical Conduct and Regulatory Compliance. London: Sage.

Vanclay, F., Baines, J. & Taylor, C.N. 2013 Principles for ethical research involving humans: Ethical professional practice in impact assessment Part I. Impact Assessment & Project Appraisal 31(4), 243-253. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2013.850307>

Baines, J., Taylor, C.N. & Vanclay, F. 2013 Social impact assessment and ethical social research principles: Ethical professional practice in impact assessment Part II. Impact Assessment & Project Appraisal 31(4), 254-260. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2013.850306>

۲۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

IFC 2007 Stakeholder Engagement: A Good Practice Handbook for Companies Doing Business in Emerging Markets. Washington, DC: International Finance Corporation. http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/938f1a0048855805beacfe6a6515bb18/IFC_StakeholderEngagement.pdf?MOD=AJPERES

۲۴. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Kemp, D. 2011 "Understanding the organizational context", in Vanclay, F. & Esteves, A.M. (eds) New

Directions in Social Impact Assessment: Conceptual and Methodological Advances. Cheltenham: Edward Elgar, pp.20-37.

۲۵. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Eftimie, A., Heller, K., & Strongman, J.. 2009 Mainstreaming Gender into Extractive Industries Projects: Guidance Note for Task Team Leaders. (Extractive Industries and Development Series #9). Washington, DC: World Bank. http://siteresources.worldbank.org/EXTOGMC/Resources/eifd9_gender_guidance.pdf

۲۶. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Chambers, R. 1997 Whose Reality Counts: Putting the First Last. London: Intermediate Technology Publications.

Kretzmann, J. & McKnight, J. 2005 Discovering Community Power: A Guide to Mobilizing Local Assets and your Organization's Capacity. Evanston, IL: ABCD Institute. <http://www.abcdinstitute.org/docs/kelloggabcd.pdf>

Oxfam 2013 The Sustainable Livelihoods Approach: Toolkit for Wales. <http://oxfamlibrary.openrepository.com/oxfam/bitstream/10546/297233/8/sustainable-livelihoods-approach-toolkit-wales-010713-en.pdf>

۲۷. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

IFC 2009 Projects and People: A Handbook for Addressing Project-Induced In-migration. Washington, DC: International Finance Corporation. http://commdev.org/files/2545_file_influx.pdf

Vanclay, F. 2002 Conceptualising social impacts. Environmental Impact Assessment Review 22(3), 183-211. [http://dx.doi.org/10.1016/S0195-9255\(01\)00105-6](http://dx.doi.org/10.1016/S0195-9255(01)00105-6)

۲۸. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

IFC 2013 Good Practice Handbook on Cumulative Impact Assessment and Management: Guidance for the Private Sector in Emerging Markets. Washington, DC: International Finance Corporation. http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/topics_ext_content/ifc_external_corporate_site/ifc+sustainability/learning+and+adapting/knowledge+products/publications/publications_handbook_cumulativeimpactassessment

Franks, D.M. et al. 2010 Cumulative Impacts: A Good Practice Guide for the Australian Coal Mining Industry. Brisbane: Centre for Social Responsibility in Mining. <http://www.csr.uq.edu.au/docs/CSRM%20SMI%20Good%20Practice%20Guide%20document%20LR.PDF>

۲۹. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Mahmoudi, H. et al. 2013 A framework for combining Social Impact Assessment and Risk Assessment. Environmental Impact Assessment Review 43, 1-8. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2013.05.003>

Maxwell, S. et al. 2012 Social Impacts and Wellbeing: Multi-criteria analysis techniques for integrating nonmonetary evidence in valuation and appraisal. London: Defra https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/69481/pb13695-paper5-socialimpacts-wellbeing.pdf

Rowan, M. 2009 Refining the attribution of significance in social impact assessment. Impact Assessment & Project Appraisal 27(3), 185-191. <http://dx.doi.org/10.3152/146155109X467588>

UK Department for Communities and Local Government 2009 Multi-Criteria Analysis: A Manual. <http://www.communities.gov.uk/publications/corporate/multicriteriaanalysismanual>

۳۰. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

ICMM 2012 Community Development Toolkit <http://www.icmm.com/community-development-toolkit>

Rowan, M. & Streather, T. 2011 Converting project risks to development opportunities through SIA enhancement measures: A practitioner perspective. *Impact Assessment & Project Appraisal* 29(3), 217-230. <http://dx.doi.org/10.3152/14615511X12959673796164>

۳۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Magis, K. 2010 Community resilience: An indicator of social sustainability. *Society & Natural Resources* 23(5), 401-416. <http://dx.doi.org/10.1080/08941920903305674>

Maclean, K., Cuthill, M. & Ross, H. 2013 Six attributes of social resilience. *Journal of Environmental Planning and Management* 57(1), 144-156. <http://dx.doi.org/10.1080/09640568.2013.763774>

۳۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

IFC 2009 Good Practice Note: Addressing Grievances from Project-Affected Communities. Washington: IFC.

<http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/cbe7b1804885348ae6cfe6a6515bb18/IFC%2BGrievance%2BMechanisms.pdf?MOD=AJPERES&CACHEID=cbe7b1804885348ae6cfe6a6515bb18>

IIPECA 2015 Community Grievance Mechanisms in the Oil and Gas Industry. A Manual for implementing operational-level Grievance Mechanisms and designing Corporate Frameworks http://www.ipeica.org/sites/default/files/publications/Community_grievance_mechanisms_manual_2015.pdf

Office of the Compliance Advisor/Ombudsman 2008. A Guide to Designing and Implementing Grievance Mechanisms for Development Projects. Washington, DC: IFC.

<http://www.cao-ombudsman.org/howwework/advisor/documents/implemgrieveng.pdf>

Rees, C. 2008 Rights-Compatible Grievance Mechanisms: A Guidance Tool for Companies and Their Stakeholders. Corporate Social Responsibility Initiative, John F. Kennedy School of Government, Harvard University, Cambridge, MA. <http://www.reports-and-materials.org/Grievance-mechanisms-principles-Jan-2008.pdf>

World Bank 2012 Feedback Matters: Designing Effective Grievance Redress Mechanisms for Bank-Financed Projects, Part 1. The Theory of Grievance Redress. <http://hdl.handle.net/10986/12524>

World Bank 2012 Feedback Matters: Designing Effective Grievance Redress Mechanisms for Bank-Financed Projects, Part 2. The Practice of Grievance Redress. <http://hdl.handle.net/10986/18364>

۳۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Gibson, G. & O'Faircheallaigh, C. 2010 IBA Community Toolkit: Negotiation and Implementation of Impact and Benefit Agreements. Walter & Duncan Gordon Foundation: Ottawa <http://www.ibacomunitytoolkit.ca>

Keenan, J. & Kemp, D. 2014 Mining and Local-Level Development: Examining the Gender Dimensions of Agreements between Companies and Communities. Brisbane, Australia: Centre for Social Responsibility in Mining, The University of Queensland. https://www.csr.uq.edu.au/publications?task=download&file=pub_link&id=805

Nish, S. & Bice, S. 2011 "Community-based agreement making with land-connected peoples", in Vanclay,

F. & Esteves, A.M. (eds) *New Directions in Social Impact Assessment: Conceptual and Methodological Advances*. Cheltenham: Edward Elgar, pp.59-77.

O'Faircheallaigh, C. 2011 "SIA and Indigenous social development", in Vanclay, F. & Esteves, A.M. (eds) *New Directions in Social Impact Assessment: Conceptual and Methodological Advances*. Cheltenham: Edward Elgar, pp.138-153.

۳۴. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Franks, D. et al. 2009 *Leading Practice Strategies for Addressing the Social Impacts of Resource Developments*. St Lucia: Centre for Social Responsibility in Mining, http://www.csr.uq.edu.au/docs/Franks_et_al_LeadingPracticeSocialImpacts_2009.pdf

Franks, D. & Vanclay, F. 2013 *Social Impact Management Plans: Innovation in corporate and public policy*. *Environmental Impact Assessment Review* 43, 40-48. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2013.05.004>

Queensland Government 2010 *Social Impact Assessment: Guideline to preparing a Social Impact Management Plan*. <http://www.dsdp.qld.gov.au/resources/guideline/simp-guideline.pdf>

۳۵. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Overseas Development Institute ca 2010 *Involving Large Contractors in enhancing Social Performance during Construction*. http://commdev.org/files/1334_file_Involving_Large_Contractors.pdf

Wilson, E. & Kuszewski, J. 2011 *Shared Value, Shared Responsibility: A New Approach to Managing Contracting Chains in the Oil and Gas Sector*. London: IIED. <http://pubs.iied.org/16026IIED.html>

۳۶. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Lennie, J. et al. 2011 *Equal Access Participatory Monitoring and Evaluation Toolkit* http://betterevaluation.org/toolkits/equal_access_participatory_monitoring

Roche, C. 1999 *Impact Assessment for Development Agencies: Learning to Value Change*. Oxford UK: Oxfam. <http://policy-practice.oxfam.org.uk/publications/impact-assessment-for-development-agencies-learning-to-value-change-122808>

Vanclay, F. 2013 *The potential application of qualitative evaluation methods in European regional development: Reflections on the use of Performance Story Reporting in Australian natural resource management*. *Regional Studies* <http://dx.doi.org/10.1080/00343404.2013.837998>

۳۷. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Office of the Compliance Advisor/Ombudsman 2008 *Participatory Water Monitoring: A Guide for Preventing and Managing Conflict*. Advisory note, Washington, DC: IFC. <http://www.cao-ombudsman.org/howwework/advisor/documents/watermoneng.pdf>

IFC 2010 *International Lessons of Experience and Best Practice in Participatory Monitoring in Extractive Industry Projects*.

<http://commdev.org/international-lessons-experience-and-best-practice-participatory-monitoring-extractive-industry>

World Bank 2013 *How-To Notes. Participatory and Third Party Monitoring in World Bank-Financed Projects: What can Non-State Actors do?* <http://siteresources.worldbank.org/EXTSOCIALDEVELOPMENT/Resources/244362-1193949504055/4348035-1352736698664/8931746-1364579999657/HowToNotesParticipatory&TPM.pdf>

۳۸. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Endter-Wada, J. et al. 1998 A framework for understanding social science contributions to ecosystem management. *Ecological Applications* 8(3), 891-904.

[http://dx.doi.org/10.1890/1051-0761\(1998\)008%5B0891%3AAFFUSS%5D2.0.CO%3B2](http://dx.doi.org/10.1890/1051-0761(1998)008%5B0891%3AAFFUSS%5D2.0.CO%3B2)

IFC 2014 Environmental and Social Management System Implementation Handbook: Construction. Washington DC: International Finance Corporation. <http://www.ifc.org/wps/wcm/connect/c03aa6804493c5bba71aafc66d9c728b/ESMS+Handbook+Construction.pdf>

۳۹. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Aim for Human Rights 2009 Guide to Human Rights Impact Assessment Tools http://www.humanrightsimpact.org/fileadmin/hria_resources/Business_centre/HRB_Booklet_2009.pdf

International Business Leaders Forum & IFC 2011 Guide to Human Rights Impact Assessment and Management (HRIAM). <http://www.ifc.org/hriam>

Kemp, D. & Vanclay, F. 2013 Human rights and impact assessment: clarifying the connections in practice. *Impact Assessment & Project Appraisal* 31(2), 86-96. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2013.782978>

Morrison-Saunders, A., Marshall, R. & Arts, J. 2001 EIA follow-up: Best practice principles. <http://www.iaia.org/publicdocuments/special-publications/SP6.pdf>

Storey, K. & Jones, P. 2003 Social impact assessment, impact management and follow-up: A case study of the construction of the Hibernia offshore platform. *Impact Assessment & Project Appraisal* 21(2), 99-107. <http://dx.doi.org/10.3152/147154603781766400>

World Bank 2013 Human Rights Impact Assessments: A Review of the Literature, Differences with other forms of Assessments and Relevance for Development. http://siteresources.worldbank.org/PROJECTS/Resources/40940-1331068268558/HRIA_Web.pdf

|| منابع کلیدی ارزیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی

Arce-Gomez, A., Donovan, J. & Bedggood, R. 2015 Social impact assessments: Developing a consolidated conceptual framework. *Environmental Impact Assessment Review* 51, 85-94. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2014.08.006>

Barrow, C.J. 2000 *Social Impact Assessment: An Introduction*. London: Arnold.

Becker, H.A. & Vanclay, F. (eds) 2003 *The International Handbook of Social Impact Assessment*. Cheltenham, UK: Edward Elgar.

DIHR & IPIECA 2013 Integrating Human Rights into Environmental, Social and Health Impact Assessments: A Practical Guide for the oil and gas industry. http://www.ipieca.org/sites/default/files/publications/Integrating_HR_into_environmental_social_and_HIS_o.pdf

Egre, D. & Senecal, P. 2003 Social Impact Assessments of large dams throughout the world: Lessons learned over two decades. *Impact Assessment & Project Appraisal* 21(3), 215-224. <http://dx.doi.org/10.3152/147154603781766310>

Esteves, A.M. & Barclay, M. 2011 Enhancing the benefits of local context: Integrating social and economic impact assessment into procurement strategies. *Impact Assessment & Project Appraisal* 29(3), 205-215. <http://dx.doi.org/10.3152/146155111X12959673796128>

Esteves, A.M., Franks, D. & Vanclay, F. 2012 Social impact assessment: The state of the art. *Impact*

- Assessment & Project Appraisal 30(1), 35-44. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2012.660356>
- Esteves, A.M. & Vanclay, F. 2009 Social Development Needs Analysis as a tool for SIA to guide corporate-community investment: Applications in the minerals industry. *Environmental Impact Assessment Review* 29(2), 137-145. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2008.08.004>
- Franks, D. 2011 "Management of the social impacts of mining", in Darling, P. (ed.) *SME Mining Engineering Handbook* (3rd edn), Littleton: Society for Mining, Metallurgy and Exploration, pp.1817-1825.
- Franks, D., Brereton, D. & Moran, C.J. 2013 The cumulative dimensions of impact in resource regions. *Resources Policy* 38(4), 640-647. <http://dx.doi.org/10.1016/j.resourpol.2013.07.002>
- Franks, D. et al. 2014 Conflict translates environmental and social risk into business costs *PNAS* 111(21), 7576-7581. <http://www.pnas.org/cgi/doi/10.1073/pnas.1405135111>
- Franks, D. & Vanclay, F. 2013 Social Impact Management Plans: Innovation in corporate and public policy. *Environmental Impact Assessment Review* 43, 40-48. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2013.05.004>
- Goldman, L.R. (ed) 2000 *Social Impact Analysis: An Applied Anthropology Manual*. Oxford: Berg.
- Hanna, P. & Vanclay, F. 2013 Human rights, Indigenous peoples and the concept of Free, Prior and Informed Consent. *Impact Assessment & Project Appraisal* 31(2), 146-157. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2013.780373>
- Harvey, B. & Bice, S. 2014 Social impact assessment, social development programmes and social licence to operate: tensions and contradictions in intent and practice in the extractive sector. *Impact Assessment & Project Appraisal* 32(4), 327-335. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2014.950123>
- João, E., Vanclay, F. & den Broeder, L. 2011 Emphasising enhancement in all forms of impact assessment. *Impact Assessment & Project Appraisal* 29(3), 170-180. <http://dx.doi.org/10.3152/146155111X12959673796326>
- Joyce, S. & Thomson, I. 2000 Earning a social licence to operate: Social acceptability and resource development in Latin America. *Canadian Institute of Mining Bulletin* 93(1037), 49-53.
- Kemp, D. 2010 Community relations in the global mining industry: Exploring the internal dimensions of externally oriented work. *Corporate Social Responsibility & Environmental Management* 17(1), 1-14. <http://dx.doi.org/10.1002/csr.195>
- Kemp, D. & Vanclay, F. 2013 Human rights and impact assessment: Clarifying the connections in practice. *Impact Assessment & Project Appraisal* 31(2), 86-96. <http://dx.doi.org/10.1080/14615517.2013.782978>
- Lockie, S. 2001 SIA in review: Setting the agenda for impact assessment in the 21st century. *Impact Assessment & Project Appraisal* 19(4), 277-287. <http://dx.doi.org/10.3152/147154601781766952>
- Lockie, S. 2007 Deliberation and actor-networks: The 'practical' implications of social theory for the assessment of large dams and other interventions. *Society & Natural Resources* 20(9), 785-799. <http://dx.doi.org/10.1080/08941920701460317>
- Lockie, S. et al. 2009 Coal mining and the resource community cycle: A longitudinal assessment of the social impacts of the Coppabella coal mine. *Environmental Impact Assessment Review* 29(5), 330-339. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2009.01.008>
- O'Faircheallaigh, C. 1999 Making Social Impact Assessment count: A negotiation-based approach for Indigenous people. *Society & Natural Resources* 12(1), 63-80. <http://dx.doi.org/10.1080/089419299279894>
- O'Faircheallaigh, C. 2009 Effectiveness in Social Impact Assessment: Aboriginal peoples and resource development in Australia. *Impact Assessment & Project Appraisal* 27(2), 95-110. <http://dx.doi.org/10.3152/146155109X438715>
- Peltonen, L. & Sairinen, R., 2010 Integrating impact assessment and conflict management in urban

planning. *Environmental Impact Assessment Review* 30(5), 328-337. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2010.04.006>

Petkova, V. et al. 2009 Mining developments and social impacts on communities: Bowen Basin case studies. *Rural Society* 19(3), 211-228. <http://dx.doi.org/10.5172/rsj.19.3.211>

Rowan, M. 2009 Refining the attribution of significance in social impact assessment. *Impact Assessment & Project Appraisal* 27(3), 185-191. <http://dx.doi.org/10.3152/146155109X467588>

Rowan, M. & Streather, T. 2011 Converting project risks to development opportunities through SIA enhancement measures: A practitioner perspective. *Impact Assessment & Project Appraisal* 29(3), 217-230. <http://dx.doi.org/10.3152/146155111X12959673796164>

Taylor, C.N., Bryan, H. & Goodrich, C. G. 2004 *Social Assessment: Theory, Process and Techniques*. Middleton (WI, USA): Social Ecology Press.

Tilt, B., Braun, Y. & He, D. 2009 Social impacts of large dam projects: A comparison of international case studies and implications for best practice. *Journal of Environmental Management* 90 (Supplement 3), S249-S257. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jenvman.2008.07.030>

Vanclay, F. 2002 Conceptualising social impacts. *Environmental Impact Assessment Review* 22(3), 183-211. [http://dx.doi.org/10.1016/S0195-9255\(01\)00105-6](http://dx.doi.org/10.1016/S0195-9255(01)00105-6)

Vanclay, F. 2003 International Principles for Social Impact Assessment. *Impact Assessment & Project Appraisal* 21(1), 5-11. <http://dx.doi.org/10.3152/147154603781766491>

Vanclay, F. 2004 The Triple Bottom Line and Impact Assessment: How do TBL, EIA, SIA, SEA and EMS relate to each other? *Journal of Environmental Assessment Policy & Management* 6(3), 265-288. <http://dx.doi.org/10.1142/S1464333204001729>

Vanclay, F. 2006 Principles for Social Impact Assessment: A critical comparison between the International and US documents. *Environmental Impact Assessment Review* 26(1), 3-14. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2005.05.002>

Vanclay, F. 2012 The potential application of Social Impact Assessment in integrated coastal zone management. *Ocean & Coastal Management* 68, 149-156. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ocecoaman.2012.05.016>

Vanclay, F. (ed.) 2014 *Developments in Social Impact Assessment*. Cheltenham: Edward Elgar.

Vanclay, F. & Esteves, A.M. (eds) 2011 *New Directions in Social Impact Assessment: Conceptual and Methodological Advances*. Cheltenham (UK): Edward Elgar.

Webler, T. & Lord, F. 2010 Planning for the human dimensions of oil spills and spill response. *Environmental Management* 45(4), 723-738. <http://dx.doi.org/10.1007/s00267-010-9447-9>

Wong, C. & Ho, W. 2015 Roles of social impact assessment practitioners. *Environmental Impact Assessment Review* 50, 124-133. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2014.09.008>

Zandvliet, L. & Anderson, M. 2009 *Getting it Right: Making Corporate-Community Relations Work*. Sheffield: Greenleaf.

|| سایر منابع کلیدی و پیوندهای مرتبط با ارزیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی

International Association for Impact Assessment (IAIA), the professional association for all impact assessment practitioners, www.iaia.org

SIAhub, a resource-base and network for people specifically interested in SIA www.socialimpactassessment.com

The Practitioners Platform, a discussion forum for social performance practitioners in the extractives sector
<http://managesocialperformance.com>

International Association for Public Participation (IAP2), a professional association promoting participation <http://www.iap2.org/>

The International Network on Displacement and Resettlement <http://indr.org/>

Anglo American SEAT <http://www.angloamerican.com/development/social/seat>

Equator Principles <http://www.equator-principles.com/>

IBA Community Toolkit: Negotiation and Implementation of Impact and Benefit Agreements. <http://www.ibacommunitytoolkit.ca>

International Finance Corporation Performance Standards and Guidance Notes <http://www.ifc.org/performancestandards>

International Council on Mining and Metals (ICMM), an industry association to address sustainable development issues <http://www.icmm.com/>

International Hydropower Association, <http://www.hydrosustainability.org>

IPIECA, the global oil and gas industry association for environmental and social issues
<http://www.ipieca.org/>

Mining and Resettlement eLibrary, Centre for Social Responsibility in Mining, University of Queensland.
<https://www.csr.uq.edu.au/mining-resettlement/elibrary>

OECD Guidelines for Multinational Enterprises <http://mneguidelines.oecd.org/text/>

United Nations Guiding Principles on Business and Human Rights http://www.ohchr.org/Documents/Publications/GuidingPrinciplesBusinessHR_EN.pdf

World Bank Social Analysis Sourcebook, <http://go.worldbank.org/HRXPCILR30>

World Commission on Dams 2000 Dams and Development: A New Framework for Decision-Making. London: Earthscan. http://www.internationalrivers.org/files/attached-files/world_commission_on_dams_final_report.pdf



فرهنگ واژگان

|| رفع مسئولیت

فرهنگ واژگان زیر مشتمل بر واژگان کاربردی در حوزه‌ی اتا است. با این که تمرکز بر واژگان خاص اتا بوده است، اما کارشناسان اتا در گفتمان‌های متنوعی فعالیت می‌کنند و ادبیات مورد استفاده‌ی آنان علاوه بر واژگان خاص اتا، مشتمل بر واژگانی در حوزه‌های ارزیابی تأثیرات زیست محیطی و سایر عرصه‌های ارزیابی تأثیر و نیز صناعی است که در آن فعالیت می‌کنند. توصیف‌های ارائه شده از واژگان بیشتر معطوف به تسهیل درک آن‌ها بوده است تا ارائه تعاریف دقیق. به علاوه توصیف بیشتر این واژگان ابتکار سند حاضر (البته با تکیه بر منابع متعدد) بوده و برای توصیف مابقی واژگان از تعاریف مشترک و استاندارد مرتبط به طیف وسیعی از حوزه‌ها استفاده شده است.

تأثیر واقعی	Actual impact
به تأثیراتی اطلاق می‌شود که اجتماعات تحت تأثیر آن‌ها را نه بر اساس پیش‌بینی‌ها بلکه در عمل تجربه می‌کنند.	
مردم متأثر	Affected publics
کسانی که در نزدیکی پروژه زندگی می‌کنند؛ آن را می‌شنوند، می‌بینند، احساس می‌کنند، می‌بویند، برای نقل مکان داوطلبانه یا اجباری تحت فشار قرار می‌گیرند؛ منافع در پروژه یا تغییرات سیاستی دارند (صرف نظر از این که در محدوده‌ی نفوذ اولیه یا ثانویه قرار دارند)؛ در منابع بالقوه تحت تأثیر مداخله، منافع دارند؛ از اراضی تحت تأثیر مداخله استفاده می‌کنند؛ یا تحت تأثیر هجوم ساکنین فصلی، موقت یا دائمی مرتبط با پروژه باشند.	

Alienation	از خود بیگانگی
مفهومی در علوم اجتماعی برای اشاره به فرایندهای اجتماعی که افراد را از خود بیگانه می‌کند (آنان را به بیگانه یا غریبه تبدیل می‌کند). پیامد از خودبیگانگی احساس بی‌ارتباطی، بی‌معنایی و بی‌قدرتی و فقدان احساس تعلق و اثربخشی است. از خودبیگانگی فرایندی است که به شدت بر سلامت روانی (و در نهایت سلامت فیزیکی) افراد مبتلا اثر گذاشته و خود را به صورت انزوای اجتماعی، ناامیدی، افسردگی و طیفی از سایر رفتارهای مرتبط با سلامت نشان می‌دهد.	
Alternative livelihoods	معیشت جایگزین
(فرصت‌های اقتصادی جایگزین هم نامیده می‌شود) به فرایند شناسایی، انتخاب و اجرای طیفی از فعالیت‌های درآمدزا برای جایگزینی یا تقویت فعالیت‌های معیشتی فعلی مردم متأثر از پروژه اشاره دارد. این موضوع به ویژه در ارتباط با جابجایی فیزیکی یا اقتصادی اجتماعات تحت تأثیر مداخلات توسعه‌ای اهمیت دارد و در عین حال به عنوان بخشی از برنامه‌هایی ایجاد مزایا یا سرمایه‌گذاری اجتماعی پروژه نیز قابل اجراست.	
Area of influence	حوزه نفوذ
در ارزیابی زیست محیطی، به قلمرو فیزیکی (و مولفه‌هایی مانند هوا، آب، خاک) اشاره دارد که پروژه (و فعالیت‌های مرتبط با آن) موجب بروز آثاری (غیرزیستی، زیستی و اقتصادی-اجتماعی) در آن می‌شود. این محدوده علاوه بر قلمرو سرزمینی منطقه شامل عملکرد هرگونه اکوسیستم دریایی و خشکی، حوضه‌های آبریز و هم هوا؛ و همهی گروه‌های اجتماعی شامل افراد، اجتماعات، شرکت‌ها (بویژه SMEs)، سازمان‌ها و موسسات دولتی در آن نیز می‌شود. (همچنین، ک به حوزه نفوذ اجتماعی).	
Artisanal	پیشه‌وری
پیشه‌وری به معنای کار با دست است و پیشه‌ور به استادکار ماهر گفته می‌شود و بیشتر برای اشاره به معدنکاران خرد و ماهیگیران فصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.	
Asocietal mentality	ذهنیت ضدجامعه‌ای
نگرشی مبنی بر این‌که انسان‌ها یا موضوعات اجتماعی اهمیتی ندارند و یا نیازی نیست که مورد توجه قرار گیرند.	
Baseline	وضعیت پایه
به داده‌های مربوط به مجموعه‌ای از شاخص‌های منتخب اشاره دارد که همزمان با آغاز یک پروژه اندازه‌گیری شده و برای پایش تغییرات در طول زمان مورد استفاده قرار می‌گیرند. داده‌های وضعیت پایه به همراه مقادیر معیار در واقع مبنایی را برای تحلیل و مقایسه‌ی وضعیت‌های آینده فراهم می‌کنند. داده‌های وضعیت پایه به یک نقطه‌ی زمانی معین اشاره دارند و در تهیه‌ی نمایه‌ی اجتماع از این داده‌ها برای شناسایی و برجسته کردن روندهای موجود در قلمرو پروژه استفاده می‌شود تا امکان مقایسه‌ی وضعیت اجتماع با پروژه و بدون پروژه فراهم شود.	
Belongingness	تعلق
احساس تعلق به گروه اجتماعی یک نیاز عاطفی مهم انسان‌هاست. تغییرات اجتماعی و فیزیکی ناشی از پروژه‌ها، حضور افراد تازه‌وارد در اجتماعات تحت تأثیر و فرایندهای بیگانه‌کننده‌ی دیگری که در اثر اجرای پروژه‌ها شکل می‌گیرند در بیشتر موارد موجب کاهش احساس تعلق در اعضای اجتماع تحت تأثیر می‌شود.	
Benchmark	معیار
یک هنجار یا یک نقطه مرجع برای مقایسه است. برای هر شاخص اجتماعی که برای پایش انتخاب می‌شود، باید معیاری هم شناسایی شود تا بر اساس آن بتوان استاندارد یا مقداری را به عنوان نقطه یا میزان مرجع انتخاب کرد. به عنوان مثال، مقادیر قابل قبول توسط سازمان بهداشت جهانی در مورد آلودگی هوا یا آلودگی صوتی و یا تعداد مورد انتظار پزشکان برای هر هزار نفر جمعیت را می‌توان به عنوان معیار انتخاب کرد.	

Beneficiaries	ذینفعان
افراد، اجتماعات یا سازمان‌هایی که انتظار می‌رود از پروژه یا برنامه نفع ببرند.	
Best practice	اقدام برتر
طیفی از دستورالعمل‌ها، اصول اخلاقی، ایده‌ها، رویه‌ها و شیوه‌هایی که بهترین یا (مناسب‌ترین) روش انجام یک فعالیت را نشان می‌دهند. اغلب اقدام‌های برتر توسط انجمن‌های حرفه‌ای شناسایی و تجویز می‌شوند، اما بطور کلی مفهومی مبهم است که برای اشاره به یک معیار ایده‌آل و آرمانی استفاده می‌شود.	
Boomtown	رشد شهری برق‌آسا
یک اجتماع، شهرستان یا شهر که رشد به شدت سریعی را تجربه می‌کند.	
Brownfield	براونفیلد
به اجرای پروژه در اجتماعاتی اشاره دارد که تجاربی از پروژه‌های قبلی دارند و مسایل برجای‌مانده از آن پروژه‌ها باید مورد توجه قرار گیرند.	
Camp followers	دنبال کنندگان اردوگاه‌ها
این اصطلاح عموماً به غیرنظامیانی اطلاق می‌شود که نظامیان را دنبال می‌کنند و نوعاً خدمات مورد نیاز سربازان اردوگاه‌ها را که توسط ارتش تأمین نمی‌شود مانند بعضی غذاها، خشک‌شویی، الکل و مواد مخدر، خدمات پرستاری و جنسی ارائه می‌کنند. این اصطلاح اکنون بطور گسترده‌تری برای توصیف کارآفرینانی بکار می‌رود که به کارگران ساکن در کمپ پروژه‌های ساخت و ساز و محل اجرای پروژه‌ها خدمات می‌دهند. (هم‌چنین ن.ک به اثر کوزه‌ی عسل).	
Capacity building	ظرفیت‌سازی
یک فرآیند هماهنگ از مداخلات نظیر برنامه‌های آموزشی است که معمولاً با هدف ایجاد سرمایه‌ی انسانی و بهبود اقدامات نهادی و ترتیبات حاکمیتی اجرا می‌شوند.	
the Capitals	سرمایه‌ها
به چارچوبی برای تفکر درباره پایداری و تحقق دستاوردهای توسعه‌ای به مثابه دارایی (یا سرمایه) شامل سرمایه‌ی طبیعی، سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی مالی، سرمایه‌ی تولیدی و در مواردی سرمایه‌ی نهادی و سیاسی و سرمایه‌ی معنوی و فرهنگی اشاره دارد. انواع سرمایه‌ها در چارچوب‌های تحلیلی زیادی مانند رویکرد معیشت پایدار، به عنوان مولفه‌ی محوری تحلیل، کاربرد دارند.	
Causal pathways	مسیرهای علی
مفهومی در ارزشیابی و تفکر سیستمی که به روابط علی (دست کم همبستگی‌ها) بین عناصر مختلف یک سیستم اشاره دارد. در اتا، این مفهوم برای اشاره به توالی بروز تأثیرات اولیه و ثانویه و نیز بین وقوع فرایندهای تغییر اجتماعی و بروز تأثیرات اجتماعی استفاده می‌شود.	
Citizens' jury	هیات منصفه‌ی شهروندان
یک تکنیک تصمیم‌گیری است که در آن اتخاذ تصمیم (مثلاً درباره بهترین جایگزین) به گروهی از افراد غیرمتخصص (حدود ۱۲ نفر) واگذار می‌شود که از میان عموم مردم انتخاب شده‌اند و اظهارنظر در مورد موضوعات معینی از جانب اجتماع به ایشان سپرده می‌شود. اگر چه مقصود تشکیل یک پانل از افراد معمولی است تا متخصص، با این حال دور از انتظار نیست که آن‌ها درباره‌ی موضوعات موردنظر بیاموزند و از کارشناسان امر سوال بپرسند و در صورت نیاز درخواست اطلاعات نمایند. تصمیماتی که توسط هیات‌های منصفه‌ی شهروندان اتخاذ می‌شوند برای اجتماع محلی از مشروعیت بیشتری در مقایسه با تصمیمات فنی - کارشناسی برخوردارند.	

Civil society	جامعه‌ی مدنی
شبکه افراد و گروه‌های رسمی و غیررسمی - و ارتباطات، هنجارهای اجتماعی و اقدامات ایشان- که فعالیت‌های یک جامعه را تشکیل می‌دهند و متمایز از از نهادهای بازار و دولت آن هستند و شامل سازمان‌های مذهبی، گروه‌های اجتماع‌محور، بنیادها، صنوف، انجمن‌های تخصصی، اتحادیه‌های کارگری، نهادهای علمی، رسانه‌ها، گروه‌های فشار یا حمایتی، احزاب سیاسی و غیره می‌شود.	
Closure planning	برنامه‌ریزی خاتمه‌ی پروژه
به فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت سایت یک پروژه برای شرایط پس از اتمام آن یا به عبارت دیگر، پس از آن که یک معدن یا کارخانه بسته می‌شود، اطلاق می‌شود. یک اتای مطلوب، پیش‌بینی و توجه به برنامه‌ریزی برای دوره‌ی پس از خاتمه پروژه را در فرایند برنامه‌ریزی پروژه و از همان ابتدای پروژه تضمین می‌کند. این موضوع به ویژه در پروژه‌های معدنی که تداوم فعالیت معدن متأثر از نوسانات قیمت منابع است، از اهمیت زیادی برخوردار است.	
Commitments register	ثبت تعهدات
یک سند عمومی رسمی که وعده‌های شرکت در مورد اجتماع تحت تأثیر پروژه، به‌ویژه تعهدات مرتبط با مزایا یا برنامه‌ی تعدیل در آن ثبت می‌شود.	
Commodification	کالایی شدن
فرایندی که طی آن فرهنگ محلی و مصنوعات فرهنگی محلی به کالا تبدیل شده و در نتیجه سنت‌های مذهبی، رسوم محلی و جشنواره‌ها برای انطباق با سطح انتظارات خریداران آن، تعدیل شده و تقلیل پیدا می‌کنند. گرچه این مفهوم بیشتر در زمینه‌ی تأثیرات اجتماعی توریسم کاربرد دارد، اما به طور کلی در هر موقعیتی که فرهنگ محلی در معرض گروهی ثروتمند از غریبه‌ها قرار می‌گیرد، امکان وقوع دارد.	
Common law	قانون عرفی
قانون عرفی به قوانین و تفاسیر مستقر و رایج از این قوانین در یک اجتماع، آن گونه که توسط قضات در صدور احکام قضایی استفاده می‌شود، اشاره دارد. قانون عرفی را می‌توان نقطه مقابل قانون موضوعه تلقی کرد و در کشورهایی که نظام حقوقی آن‌ها برگرفته از نظام حقوقی انگلیس است، دارای شان و جایگاه حقوقی است. در نظام‌های قضایی اروپای قاره‌ای (به عنوان مثال قانون رومی و قانون ناپلئونی یا فرانسوی) قوانین عرفی به رسمیت شناخته نمی‌شوند. این قوانین به جهاتی همانند حقوق عرفی هستند.	
Communitas	جماعت‌واره
اصطلاحی در علوم اجتماعی (با ریشه‌ی لاتین) که معنای آن حس نیرومند تعلق به اجتماع است و در نتیجه‌ی شرکت در مراسم و یا جشن‌های اجتماع ایجاد می‌شود.	
Community agreements	توافقات اجتماع
(ن.ک به توافق‌نامه‌ی مزایا و تأثیرات).	
Community assets	دارایی‌های اجتماع
منابع موجود در اجتماع که می‌توان از آن‌ها برای بهبود دستاوردهای توسعه در اجتماع استفاده کرد و شامل افراد یا سازمان‌هایی است که می‌توانند به تحقق اهداف اجتماع کمک کنند، و نیز به آن دسته از مکان‌ها، جاذبه‌های طبیعی و منابع فیزیکی اعم از طبیعی یا مصنوعی اطلاق می‌شود که برای اجتماع ارزشمند محسوب می‌شوند.	

Community cohesion	پیوستگی اجتماع
به حس هماهنگی و همسازی در یک قلمرو جغرافیایی (مناطق روستایی، شهرستان یا شهر) اطلاق می‌شود که از طریق پذیرش و ارزش نهادن به تنوع اجتماعی؛ وجود حس تعلق مشترک در بین همه‌ی گروه‌ها، وجود چشم‌انداز و دورنمای مورد پذیرش عمومی از آن اجتماع، فرصت‌های برابر زندگی و دسترسی به خدمات؛ و روابط اجتماعی مثبت بین افراد دارای خاستگاه‌های متفاوت، حاصل می‌شود.	
Community development	توسعه‌ی اجتماع
فرایندی بلندمدت در یک اجتماع که طی آن افرادی که در حاشیه‌اند، یا در فقر زندگی می‌کنند، برای شناسایی نیازهایشان، ایجاد تغییر، اعمال نفوذ بیشتر بر تصمیماتی که زندگی ایشان را متأثر می‌کند، برای بهبود کیفیت زندگی‌شان، اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند و جامعه‌ای که بخشی از آن هستند، با هم همکاری می‌کنند.	
Community Development Agreement	توافقنامه‌ی توسعه‌ی اجتماع
مفهومی شبیه توافقنامه‌ی مزایا و منافع با این تفاوت که نه از طریق توافق دوجانبه‌ی بین شرکت و اجتماع بلکه راسا توسط دولت‌ها طراحی و اجرا می‌شوند.	
Community engagement	مداخله‌ی اجتماع
مداخله‌ی اجتماع، اصطلاحی است که برای توصیف شیوه‌های مختلف تعامل مردم با فرایندهای تصمیم‌گیری و دخالت در آن استفاده می‌شود. مداخله‌ی اجتماع مفهومی نزدیک به «مشارکت عمومی» و «دخالت عمومی» است و اغلب هم بجای یکدیگر استفاده می‌شوند اما بدلیل تاکید بر عمق بیشتر دخالت یا درگیر شدن اجتماع در فرایندهای تصمیم‌گیری و نگاهداشت احترام افراد و اجتماعات، اولویت و کاربرد بیشتری پیدا کرده است. در عین حال این اصطلاح ریشه‌ی گفتگمانی متفاوتی نیز دارد و به نوعی نشان می‌دهد که درک از نقش بایسته‌ی مردم در تصمیم‌گیری‌ها در پیوستار سطح‌بندی مشارکت (از مشاوره تا توانمندسازی)، بهبود یافته است.	
Community grievance mechanism	سازوکارهای شکایت اجتماع
یک سازوکار اعلام و ثبت شکایت است که به طور خاص با هدف ایجاد دسترسی برای اعضای اجتماعات متأثر از پروژه طراحی می‌شود.	
Community infrastructure	زیرساخت‌های اجتماع
خدمات و امکانات عمومی و خصوصی که در کیفیت عمومی زندگی نقش دارد (مانند سلامت، حمل و نقل، برق، آموزش، آب و کیفیت آب، خدمات بهداشتی).	
Community mindedness	اجتماع-آگاهی
دریافت افراد واقع در یک قلمرو جغرافیایی در مورد این‌که بخشی از یک اجتماع بوده و با مشارکت در فعالیت‌های اجتماع و یک همسایه خوب بودن (داشتن حس همسایگی) در واقع به آن کمک می‌کنند.	
Community profile	نمایه‌ی اجتماع
توصیف اجتماعی که احتمالاً از مداخلات برنامه‌ریزی شده اثر می‌پذیرند.	
Community visioning	چشم‌انداز اجتماع
فرایند استقرار یک اجماع رو به رشد درباره آینده‌ی دلخواه اجتماع، و سپس تصمیم‌گیری درباره الزامات تحقق آن است. اصطلاح چشم‌انداز اجتماع هم به فرایند خلق این دورنما و هم محصول آن اشاره دارد.	
Company town	شهرک شرکتی
سکونت‌گاهی که اکثریت قریب به اتفاق ساکنان آن برای یک شرکت یا حداقل یکی از شرکت‌هایی کار می‌کنند که در خدمت یک پروژه هستند.	

Compensation	جبران خسارت
وقتی گریزی از تأثیرات مداخله‌ی برنامه‌ریزی‌شده نیست، جبران خسارت به معنای پرداخت غرامت به افراد به صورت فردی یا به صورت دسته‌جمعی است. جبران خسارت می‌تواند به شکل پرداخت نقدی، یا به شکل تدارک اقدامات توسعه‌ای دیگر همانند تأسیس یک بیمارستان یا مدرسه یا یک کتابخانه عمومی باشد. جبران خسارت ممکن است به موجب الزامات قانونی ناشی از حقوق مالکیت اجتماع منتر از پروژه صورت پذیرد. در عین حال ممکن است حامی یک پروژه برای اثبات حسن نیت خود و یا در پابندی به توافقات صورت‌گرفته با اجتماع تحت تأثیر پروژه، اقدام به جبران خسارت کند.	
Competent authority	مقام ذیصلاح
هر شخص یا سازمانی که از اقتدار، ظرفیت یا قدرت کسب‌شده یا تفویض‌شده به موجب قانون برای انجام یک وظیفه‌ی مشخص برخوردار است. در ادبیات ارزیابی تأثیرات، این اصطلاح معمولاً به مرجعی اشاره دارد که مجوز محیط زیستی را صادر می‌کند. (همچنین ن.ک به نهادهای مقررات‌گذاری)	
Compliance	پابندی
به معنای پابندی به قانون و هرگونه مقررات حاکم بر یک فعالیت است. در ادبیات ارزیابی تأثیرات، به میزان تأمین شرایط تعیین‌شده برای صدور گواهی‌های پروژه اشاره دارد. به‌طور کلی انتظار می‌رود تضمین پابندی به مقررات از طریق بازرسی‌ها یا پایش‌های دوره‌ای انجام شود.	
Compliance Advisor Ombudsman (CAO)	بازرس مشاور شکایات
ادارهای مستقل که مستقیماً به رییس موسسه‌ی مالی بین‌المللی یا گروه بانک جهانی گزارش می‌دهد و مأموریت آن رسیدگی به شکایات کسانی است که از پروژه‌های تحت حمایت موسسه‌ی مالی بین‌المللی متاثر شده‌اند. این اداره میزان پابندی موسسه‌ی مالی بین‌المللی را به رویه‌های حاکم بررسی می‌کند.	
Complicity	همدستی
اصطلاحی در گفتمان حقوق بشر است. شرکت‌ها نباید در موارد نقض آگاهانه‌ی حقوق بشر با اشخاص ثالث همدست شوند. مصادیق همدستی عبارتند از: امکان‌پذیر کردن، تشدید یا تسهیل نقض عامده‌ی حقوق بشر، اطلاع از وقوع یا پیش‌بینی احتمال نقض عامده‌ی حقوق بشر در اثر اقدامات شرکت، اطلاع از نقض آگاهانه‌ی حقوق بشر به واسطه‌ی مجاورت جغرافیایی یا محدودده‌ی روابط.	
Conditionalities	شروط
در کمک‌های توسعه‌ای، به شرایط الحاقی وام، بخشش بدهی یا کمک دوجانبه و در مجوز زیست‌محیطی به شرایط مندرج در مجوز اطلاق می‌شود.	
Conflict resolution/ management	حل / مدیریت تضاد
مداخلات توسعه‌ای اغلب روابط قدرت بین گروه‌های مختلف جامعه را برهم می‌زنند. با این مداخلات، گروه‌ها به بازنده و برنده تقسیم شده و در نتیجه تضادها پدیدار می‌شوند. تضادها بخشی طبیعی تعاملات جامعه هستند اما وقتی که سوء کارکرد داشته باشند موجب تأثیرات منفی بر افراد درگیر خواهند شد. بنابراین ضرورت دارد سازوکارها و فنون موثری برای پیشگیری، مدیریت و حل تضاد به منظور برطرف نمودن آن‌ها یا نگهداشت آن‌ها در حد و مرز قابل تحمل وجود داشته باشد. شفافیت و گردش اطلاعات می‌تواند تضاد ناشی از شناخت ناقص یا تحریف‌شده را مرتفع کند. پذیرش و فضای باز برای ابراز دیدگاه‌های متفاوت نیز می‌تواند از گسترش اشکال مخرب تضاد، پیشگیری کند.	

رضایت	Consent
کلمه‌ی دیگری برای بیان موافقت با چیزی است. هم‌چنین به معنای برخوردار بودن از قدرت رد یا قبول یک پروژه نیز استفاده می‌شود. مسئولیت یک سازمان ناظر، تعیین شرایط رضایت یا رضامندی است. در برخی از موقعیت‌ها، مردم محلی نیز باید از اختیار پذیرش یا عدم پذیرش یک پروژه برخوردار باشند. (به NPIC ن.ک) مفهوم رضایت به شدت با اعتماد عجین است. یک فعال اتا با شناسایی امور مهم و نیازمند توجه، نشان دادن سهم و مشارکت گروه‌های مختلف در رسیدگی به آن و فرایند عادلانه‌ی حل مساله می‌تواند در حصول رضایت پیرامون فرایند پروژه (اگر نه درباره پروژه) تأثیرگذار باشد.	
کیهان‌شناسی	Cosmology
درک مبانی، تاریخ، سیر تکاملی و قوانین فرهنگی مرتبط با کیهان یا هستی در یک فرهنگ یا نظام اساطیری است.	
تحلیل هزینه-فایده	Cost Benefit Analysis
(تحلیل فایده-هزینه نیز نامیده می‌شود) رویکردی اقتصادی در ارزیابی گزینه‌های یک کسب و کار است که بر محاسبه‌ی نسبت فایده به هزینه تأکید دارد. در دهه‌های گذشته استفاده از این روش در اجرای ارزیابی تأثیر اجتماعی رواج گسترده‌ای داشت اما به دلیل تأکید بر تحلیل آثار بر اساس ارزش پولی آن‌ها امروزه چندان متداول نیست.	
فرض خلاف واقع	Counterfactual
در روانشناسی، فرض خلاف واقع به بازنمایی یا تصویر ذهنی از یک خط‌سیر جایگزین در گذشته یا آینده، برای به تصویر کشیدن احتمالاتی غیر از آنچه در واقع اتفاق افتاده است، اشاره دارد. این روش افراد را قادر می‌سازد تا احساسات خود درباره‌ی وقایع گذشته (مانند سرزنش، تقصیر، افسوس و «چرا من» و غیره) را پردازش کرده و هم‌چنین از تجربیات خود، بیاموزند. این یادگیری می‌تواند در قالب تحلیل سناریوها، شکل بگیرد. اما در چرخه‌های ارزشیابی، فرض خلاف واقع معنای دیگری دارد و به مقایسه‌ی بین آنچه که واقعا اتفاق افتاده است و آنچه که در صورت عدم مداخله رخ می‌داد، اطلاق می‌شود.	
بی‌حرمتی فرهنگی	Cultural affrontage
کنشی آگاهانه که توهین‌آمیز یا عمیقاً آزاردهنده است، هم‌چون تعرض یا هتک حرمت مکان‌های مقدس، یا نقض آگاهانه تابوها یا هر گونه رسوم فرهنگی با اهمیت دیگر.	
میراث فرهنگی	Cultural heritage
به میراث یک گروه یا جامعه به شکل مصنوعات فیزیکی و کیفیات نامشهود اشاره دارد که از نسل‌های گذشته برایمانده، حفظ شده و به نسل‌های آینده منتقل می‌شوند. میراث فرهنگی شامل فرهنگ مادی (مانند بناها، یادمان‌ها، کتاب‌ها، آثار و مصنوعات هنری) فرهنگ غیرمادی (مانند فولکلور، رسوم، زبان و دانش سنتی) و میراث طبیعی (شامل چشم‌اندازهای فرهنگی با اهمیت، زیستگاه‌های مهم حیات وحش و تنوع زیستی) است.	
ارزیابی تأثیرات میراث فرهنگی	Cultural heritage impact assessment
به فرایند بررسی آثار محتمل یک اقدام توسعه‌ای پیشنهادی بر تظاهرات فیزیکی میراث فرهنگی یک اجتماع، شامل مکان‌ها، سازه‌ها، بقایای باستان‌شناختی، معماری، تاریخی، مذهبی، معنوی، فرهنگی، زیست‌شناختی یا دارای اهمیت و ارزش زیبایی‌شناختی اطلاق می‌شود. آثار مداخله‌ی توسعه‌ای بر میراث فرهنگی ناملموس، در ارزیابی تأثیرات فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.	

Cultural impact assessment	ارزیابی تأثیرات فرهنگی
شکلی از ارزیابی تأثیرات است که بطور مشخص به آثار پروژه بر فرهنگ یک گروه اجتماعی معین (مانند یک گروه بومی یا قومی خاص) می‌پردازد و به مطالعه‌ی موضوعاتی چون ارزش‌ها، نظام باورها، قوانین مرسوم، زبان(ها)، اقتصاد، روابط با محیط‌زیست محلی و گونه‌های خاص، سازمان اجتماعی و سنت‌های اجتماع متاثر از پروژه در کنار سایر موضوعات علاقه‌مند است. با توجه به اینکه تأثیرات فرهنگی بخشی از تأثیرات اجتماعی به شمار می‌روند و اصولاً تفکیک آثار فرهنگی و اجتماعی مداخلات توسعه‌ای بی‌معنا و بسیار دشوار است، ارزیابی تأثیرات فرهنگی عموماً ذیل ارزیابی تأثیرات اجتماعی و به عنوان یکی از مولفه‌های فرعی آن اجرا می‌شود. مگر این‌که هدف ارزیابی تأثیر اجتماعی منحصر درک تأثیرات اجتماعی یک پروژه بر فرهنگ اجتماع محلی باشد.	
Cultural sensitivity	حساسیت فرهنگی
یک خصیصه‌ی فردی ناظر بر آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی و اشراف به شیوه‌های عمل در موقعیت‌های بین‌فرهنگی است. بسیاری از تأثیرات اجتماعی به دلیل این‌که کارکنان پروژه‌ها فاقد حساسیت فرهنگی هستند، حادث می‌شوند.	
Culture	فرهنگ
ابعاد مادی و غیرمادی شیوه زندگی که در بین اعضای اجتماع یا یک جامعه بزرگ شکل گرفته و انتقال می‌یابد. گاهی برای اشاره به باورها، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها، زبان و اشیای مادی مشترک که از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد.	
Cumulative impacts	تأثیرات تجمعی
به تأثیرات متوالی، تدریجی و ترکیبی یک یا چند پروژه (موجود، در حال اجرا و پروژه‌های احتمالی آینده) بر جامعه، اقتصاد یا محیط‌زیست اشاره دارد که از انباشت یا تعامل تأثیرات در یک نظام اجتماعی یا زیست‌محیطی ناشی شده و یا از منظر افراد یا محیطی که آن‌ها را تجربه می‌کنند، تعریف می‌شوند.	
Customary law	قوانین عرفی
کردها و باورهای فرهنگی که به دلیل جایگاه حیاتی و اهمیت ذاتیشان برای نظام اجتماعی و اقتصادی مرتبط با نظام فرهنگی، به مانند قانون یا شبه‌قانون با آن‌ها برخورد می‌شود. به بیان دیگر رسومی هستند که به عنوان مقررات قانونی یا قواعد الزام‌آور رفتار پذیرفته شده‌اند.	
Customary rights	حقوق عرفی
حقوقی که به موجب رسوم یا فرهنگ ایجاد می‌شوند.	
Cut-off date	تاریخ خاتمه
اصطلاحی در فرایند اسکان مجدد برای اشاره به تاریخی که پس از آن افراد در فهرست اشخاص متاثر از پروژه قرار نخواهند گرفت و بنابراین مشمول حمایت‌های اسکان مجدد و جبران خسارت نخواهند شد.	
Deliberation	مشورت
(یا مبتنی بر مشورت بودن)، مفهومی چندبعدی است که می‌توان آن را به گفتگوی باز و فراگیر (بدون اثرپذیری از قدرت یا سیاست) با هدف تأمل عمیق و ملاحظه‌ی جدی درباره امکان‌ها و انتخاب‌ها، با ملاحظه‌ی دغدغه‌های همه‌ی ذی‌مدخلان تعریف کرد.	
Deliberative space	فضای مشورتی
یک محیط فیزیکی که برای مشورت مساعد است.	

Demonstration effect	اثر نمایشی
عواقب ناشی از مشاهده‌ی سایرین بر افراد است. در اتا برای اشاره به موقعیت‌هایی استفاده می‌شود که به عنوان مثال اعضای اجتماع میزبان سعی می‌کنند تا سبک زندگی، رفتارها، ایستارها و/یا حتی زبان تازه‌واردانی هم چون کارگران مهاجر یا گردشگران را تقلید کنند. این امر ممکن است تأثیرات اجتماعی منفی هم چون افزایش هزینه‌ی زندگی، ناامیدی و تغییرات فرهنگی را یا اثرات مثبتی هم چون انتقال دانش بین پیمانکاران بین‌المللی و شرکت‌های کوچک یا متوسط به دنبال داشته باشد.	
Direct impact (or effect)	تأثیر (یا اثر) مستقیم
تأثیری که نتیجه مستقیم یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده است. هم چنین ممکن است تأثیر اولیه یا تأثیر نخستین نیز نامیده شود. در اتا به تغییرات اجتماعی و تأثیرات اجتماعی مستقیماً ناشی از خود پروژه مانند مزاحمت ناشی از آلودگی صوتی فعالیت ماشین‌آلات پروژه برای افراد اشاره دارد.	
Disclosure	افشاء
اغلب تحت عنوان «افشاء کامل و بی‌پرده» بیان می‌شود. سیاست «افشاء آزادانه» یا «وظیفه افشاء»، اصطلاحی با دلالت‌های ضمنی قانونی و شبه قانونی است که به پایبندی طرفین مذاکره به آشکار ساختن هر آنچه که با موضوع مورد مذاکره مرتبط است، اشاره می‌کند.	
Discourse	گفتمان
«گفتمان» به هر چیزی پیرامون زبان و مکالمه شامل هر آنچه که کاربرد زبان دربردارد نظیر ساخت فعالانه‌ی افکار، هویت‌ها و کنش‌ها، اشاره دارد. گفتمان یک سازه‌ی اجتماعی است که مجموعه‌ای از اظهارات ممکن درباره یک حوزه مشخص را در اختیار می‌گذارد و شیوه‌های گفتگو درباره یک عنوان، موضوع یا فرایند را ساختارمند کرده یا نظم می‌بخشد. گفتمان، توصیفات، قواعد، بایدها و نبایدهای کنش فردی و اجتماعی را ارائه می‌دهد.	
Displacement	جابجایی
در حالی که اسکان مجدد، فرایند مداخله‌ی فعال در جابجایی افراد به علت پروژه‌هاست، جابجایی تجربه فردی یا اجتماعی آشفتنگی ناشی از جابجایی و فرایند از دست دادن حس مکان یک فرد است. در فرایند‌های اسکان مجدد، جابجایی فیزیکی به از دست دادن مسکن به علت تملک اراضی مورد نیاز پروژه و یا محدودیت‌های کاربری اراضی اطلاق می‌شود که افراد تحت تأثیر را وادار به نقل مکان به جاهای دیگر می‌کند. جابجایی اقتصادی به موقعیت‌هایی برمی‌گردد که مسکن افراد تحت تأثیر قرار نگرفته است اما دارایی‌ها یا دسترسی آنان به دارایی‌های دیگر (نظیر اراضی کشاورزی) از دست رفته که نتیجه آن قطع معیشت و درآمدهای وابسته به آن است.	
Dispute resolution	حل اختلاف
مفهومی مرتبط با توافقنامه‌ها یا قراردادهای (و اغلب بندی مندرج در آن‌ها) است با این مضمون که در صورت بروز اختلاف نظر درباره تفسیر قرارداد/ توافقنامه یا اختلاف بین طرفین، چه اتفاقی خواهد افتاد. حل اختلاف با سازوکار شکایت تفاوت دارد.	
Due diligence	مراقبت مقتضی
در برداشتی کلی، مراقبت مقتضی، به بررسی‌ای اطلاق می‌شود که یک شخص یا یک شرکت قبل از امضای یک قرارداد یا قبل از تملک یک دارایی به ویژه هنگامی که احتمال بروز مخاطراتی وجود دارد، انجام می‌دهد. در اتا، مفهوم مراقبت مقتضی با دریافتی مشابه اما بیشتر مبتنی بر اصل ۱۷ اصول راهنمای کسب و کار و حقوق بشر استفاده می‌شود که تصریح می‌کند شرکت‌های تجاری، به منظور شناسایی، ممانعت، تعدیل و تعیین نحوه مدیریت تأثیرات مغایر با حقوق بشر، باید به مراقبت مقتضی حقوق بشری را انجام دهند. این فرایند بایستی شامل ارزیابی آثار حقوق بشری بالقوه و بالفعل، یکپارچه‌سازی یافته‌ها و عمل بر اساس آن‌ها، پیگیری واکنش‌ها و اطلاع‌رسانی در خصوص نحوه مدیریت تأثیرات باشد.	

متعهد	Duty-bearer
در رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، حقوق بشر هم دربرگیرنده حقوق (و بدین ترتیب واجدان حقوق) و هم تکالیف (و بر این اساس حاملان تکالیف) است. براساس قانون حقوق بشر، حاملان تکالیف حقوق بشری در وهله‌ی اول، دولت‌ها هستند، اما در عین حال این تکالیف به درستی به تمام افراد و بطور مشخص شرکت‌ها و تأمین‌کنندگان و پیمان‌کاران آن‌ها نیز تسری پیدا می‌کند. دولت‌ها طبق قانون بین‌المللی، وظایف و تکالیفی را در جهت رعایت، محافظت و تحقق حقوق بشر، تقبل می‌کنند. تعهد به رعایت حقوق بشر بدین معنی است که دولت‌ها بایستی از مداخله و یا محدود کردن بر خوداری از حقوق بشر، خودداری کنند. تکلیف محافظت از حقوق بشر، دولت‌ها را به حفاظت از افراد و گروه‌ها در مقابل سوء استفاده از حقوق بشر ملزم می‌نماید و تکلیف تحقق حقوق بشر نیز بدان معنی است که دولت‌ها بایستی اقدامات مثبتی برای تسهیل بر خودداری افراد از حقوق بنیادین بشر انجام دهند. در سطح فردی نیز، همانگونه که مستحق بر خودداری از حقوق بشر هستیم ملزم به رعایت احترام به حقوق بشر دیگران نیز هستیم.	
وظیفه‌ی مراقبت	Duty of care
تعهد به انجام مراقبت‌های معقول برای جلوگیری از بروز صدمات قابل پیش‌بینی به دیگر افراد یا به دارایی‌های ایشان است. کارشناسی اتا، یک وظیفه مراقبت حرفه‌ای در قبال کارفرما و همچنین یک مسئولیت اخلاقی در قبال اجتماع دارد تا اطمینان حاصل کند همه‌ی موضوعات و مسائل مهم مورد بررسی قرار گرفته‌اند.	
وابستگی اقتصادی	Economic dependency
موقعیتی که در آن یک اجتماع محلی یا یک منطقه، وابستگی شدیدی به یک شرکت یا صنعت پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، زمانی که نسبت بالایی از جمعیت منطقه برای آن شرکت یا صنعت مشخص کار می‌کنند.	
جابجایی اقتصادی	Economic displacement
به تأثیرات اجتماعی و اختلالی اشاره دارد که نه به دلیل تغییر مکان سکونت افراد، بلکه به علت از دست رفتن معیشت اقتصادی آنهاست بروز می‌کنند به عنوان مثال وقتی کشاورزان، اراضی کشاورزی خود را از دست می‌دهند یا آلودگی آب موجب امکان امرار معاش ماهیگیران را از بین می‌برد.	
خدمات اکوسیستم	Ecosystem services
تفکری که محیط‌زیست (یک اکوسیستم) را تأمین‌کننده طیف وسیعی از خدمات (و محصولات) می‌داند که انسان بدان وابسته است. این خدمات را می‌توان به تدارکاتی (مانند تولید آب و غذا)، تنظیم‌گرانه (مانند کنترل اقلیم و امراض)، حمایت‌گرانه (مانند چرخه‌های مغذی و باروری محصولات)؛ و فرهنگی (مزایای معنوی و فراغتی) دسته‌بندی کرد. به منظور آگاه‌سازی تصمیم‌گیرندگان به اهمیت این خدمات، معمولاً ارزش اقتصادی این خدمات محاسبه و بیان می‌شود.	
تسخیر توسط نخبگان	Elite capture
موقعیتی که در آن منابعی که برای بهره‌مندی جمعیت بزرگتری در نظر گرفته شده است، توسط یک گروه کوچک ثروتمند و صاحب قدرت در جامعه، یا نخبگان اقتصادی، سیاسی، آموزشی یا قومی تصاحب و تسخیر می‌شود.	
بازار نوظهور	Emerging market
مفهوم دیگری برای اشاره به یک کشور در حال توسعه است.	
تملك اجباری	Eminent domain
قدرت دولت برای تملك اجباری دارایی‌های خصوصی است. دولت برای تأمین زمین لازم برای احداث بزرگراه یا فرودگاه از این قدرت می‌تواند استفاده کند. گاهی اوقات در صورتی که پروژه در راستای منافع ملی باشد دولت این قدرت را برای پیشبرد پروژه‌های بخش خصوصی بکار می‌گیرد.	

توانمندسازی	Empowerment
تقویت دارایی‌ها و توانایی‌های افراد و گروه‌های گوناگون به منظور ورود و تاثیرگذاری بر نهادهای اقتصادی و اجتماعی، و به منظور افزایش پاسخگویی نهادهای عمومی است. فرایندی مشارکتی که مسئولیت تصمیم‌گیری و منابع لازم برای عمل به آن را در دستان ذینفعان قرار می‌دهد. این فرایند می‌تواند شامل: ۱- ظرفیت‌سازی در سازمان‌های ذی‌مدخل، ۲- تقویت جایگاه قانونی سازمان‌های ذی‌مدخل، ۳- اقتدار ذی‌مدخلان برای مدیریت منابع مالی، استخدام و اخراج کارکنان، کار نظارت و تهیه مواد ۴- اقتدار ذی‌مدخلان برای تأیید اتمام رضایت‌بخش پروژه و ایجاد شاخص‌های پایش و ارزیابی و ۵- حمایت از ابتکارات جدید و خودجوش ذی‌مدخلان.	
ارتقاء	Enhancement
تلاش‌های آگاهانه در مرحله طراحی و مراحل بعدی یک پروژه برای اطمینان از تحقق طیف وسیع‌تری از دستاوردهای مستقیم و غیرمستقیم اقدام توسعه‌ای است.	
محیط زیست	Environment
مفهومی بسیار مبهم که در موقعیت‌های متفاوت، تعاریف مختلفی دارد. در برخی از قلمروهای قضایی، منظور از آن اکوسیستم و بخش‌های تشکیل‌دهنده آن شامل افراد و اجتماعات، منابع فیزیکی و طبیعی، کیفیت و ویژگی‌های محل‌ها، مکان‌ها و پهنه‌ها؛ و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیباشناختی و میراثی همه این عناصر است. اما در برخی دیگر از قلمروهای قضایی، اصطلاح محیط‌زیست تنها برای اشاره به مولفه‌های بیوفیزیکی نظیر آب، هوا، خاک، گیاهان و جانوران استفاده می‌شود.	
ضمانت زیست محیطی	Environmental bond
یک سند مالی (اغلب به شکل حساب سپرده) که رعایت الزامات احیای زیست‌محیطی توسط پروژه را ضمانت می‌کند.	
ارزیابی تأثیرات زیست محیطی (EIA)	Environmental Impact Assessment (EIA)
فرایندی رسمی برای پیش‌بینی پیامدهای احتمالی زیست‌محیطی (مثبت یا منفی) یک طرح، سیاست، برنامه یا پروژه، پیش از اجرا که معمولاً پیرو رویه‌هایی قانونی (دریافت مجوز زیست محیطی) اجرا می‌شود.	
گواهی آثار زیست محیطی	Environmental Impact Statement (EIS)
سند رسمی حاصل اجرای ارزیابی تأثیرات زیست محیطی که به مقام صاحب صلاحیت ارائه می‌شود.	
مجوز زیست محیطی	Environmental licence
مجوزی اداری که توسط یک مقام صاحب‌صلاحیت صادر می‌شود و به موجب آن، مجری یک فعالیت تولیدی یا عملیات زیرساختی اجازه پیدا می‌کند تا فعالیت‌هایی را که برای آن درخواست مجوز کرده بود، البته با رعایت شرایط و محدودیت‌هایی و پیگیری اقداماتی برای مهار، کاهش و اجتناب از هر گونه اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی ناشی از عملیات اجرایی، انجام دهد.	
مدیریت زیست محیطی	Environmental Management
مجموعه‌ای از فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده و مستمر که توسط یک کسب و کار مبتنی بر مفهوم بهبود مستمر و با هدف مدیریت بهتر آثار زیست‌محیطی انجام و ذیل استاندارد ایزو ۱۴۰۰۱ تجویز می‌شوند.	
حساب تضمینی	Escrow account
پولی که بر اساس شرایط قرارداد نزد شخص ثالث به امانت سپرده شده و فقط زمانی آزاد می‌شود که یا شرایط قرارداد محقق شده و یا با رضایت طرفین قرارداد و یا حکم دادگاه یا دیگر احکام قانونی باشد.	

ESHIA	ارزیابی تأثیر زیست محیطی، اجتماعی و سلامت
Equality impact assessment	ارزیابی تأثیرات برابری
معمولاً برای تمایز از EIA، با علامت اختصاری EqIA نشان داده می شود و ملاحظات مربوط به برابری و تبعیض را در سیاست ها و استراتژی ها با تمرکز بر وضعیت گروه های آسیب پذیر ارزیابی می کند.	
Equator Principles	اصول اکواتور
یک چارچوب پایداری و مسئولیت اجتماعی شرکتی در صنعت سرمایه گذاری جهانی است. به طور خاص تر، اصول اکواتور، یک چارچوب مدیریت ریسک پذیرفته شده توسط نهادهای مالی (نظیر بانک ها) برای تعیین، ارزیابی و مدیریت ریسک اجتماعی و محیط زیستی در پروژه ها در مناطق مختلف جهان و در بخش های صنعتی مختلف است. هدف این اصول در وهله اول، تعیین استانداردی حداقلی برای مراقبت مقتضی در راستای حمایت از تصمیم گیری مسئولیت پذیرانه در مورد مخاطرات است. بانک ها با پذیرش این اصول متعهد به اجرای آن در سیاست های داخلی محیط زیستی و اجتماعی، رویه های قانونی، و استانداردهای پروژه های مالی در مورد پروژه های سرمایه گذاری شده و موافقت می کنند که «در صورت عدم تمایل یا ناتوانی مشتریانشان در اجرای این اصول، از تامین منابع مالی و یا اعطای وام های مرتبط با پروژه های آن ها خودداری کنند.» اصول اکواتور در اصل مجموعه ای از اصول بالادستی محسوب می شوند. اجرای این اصول در بخش عملیاتی مستلزم پیروی از استانداردهای عملکرد موسسه مالی بین المللی است.	
Ex-ante assessment	ارزیابی پیش از وقوع
یا پیشدستانه. بیشتر مطالعات ارزیابی تأثیر، از نوع قبل از وقوع هستند و در مورد آثار محتمل یک مداخله یا برنامه ریزی شده؛ به عبارت دیگر درباره آنچه که هنوز اتفاق نیفتاده است، پیش بینی ارائه می کنند.	
Ex-post assessment	ارزیابی پس از وقوع
یا بعد از رویداد. چنین مطالعاتی در عمل همان ارزشیابی آثار یک پروژه یا سیاست مشخص هستند.	
Exit strategy	راهبرد خروج
به زبان پروژه و اتا، استراتژی خروج به ملاحظه ای یک شرکت در مورد چگونگی خروجش از تعهدات بلندمدتی که برای تسهیل فعالیت و کسب و کار اصلی خود پذیرفته است، اشاره دارد.	
Expropriate/expropriation	سلب مالکیت / مصادره
به توانایی یک موسسه در بخش عمومی یا شرکت دارای مجوز دولتی برای تصرف زمین یا دیگر منابع اشاره دارد که بدون رضایت بهره برداران یا ساکنین کنونی آن قابل انجام باشد. (هم چنین ن.ک به حق تملک اجباری)	
Externality	اثرات جانبی
اصطلاحی در علم اقتصاد که به هزینه هایی (و بنابراین تأثیراتی) اشاره دارد که بیرونی و غیر مرتبط به نظر می رسند و نوعاً همان آثار زیست محیطی و اجتماعی اند. یکی از اصول پایداری، درونی کردن این اثرات جانبی است.	
Facilitation	تسهیلگری
منظور از تسهیلگری، کمک به بهبود فرایندهای مورد استفاده گروه ها و سازمان ها برای همکاری با یکدیگر و در نتیجه توانایی آن ها در دستیابی به اهدافشان است. یک تسهیل گر، معمولاً مستقل، آموزش دیده و مسلط به مهارت های تسهیلگری و انبوهی از تکنیک ها است که به تناسب هدف و منافع گروهی که تسهیلگری در آن در جریان است، از بین آن ها انتخاب می کند. در اتا یا یک فرایند جلب مشارکت اجتماع، مدیریت فرایندهای مشارکت برعهده تسهیلگر است. بی طرفی، توانایی برقراری ارتباط با مردم، شناخت مطلوب از فرایندهای اجتماعی و تسلط لازم بر تنوعی از تکنیک های تسهیلگری و زمان استفاده از آن ها از جمله مهارت های کلیدی یک تسهیلگر به شمار می روند.	

Facipulation	تسهیل‌اندن
مفهومی ساخته‌شده از ترکیب دو اصطلاح تسهیل‌گری و دستکاری کردن برای اشاره به احساسی که مردم هنگام دخالت داده شده در یک فرایند تصمیم‌گیری دارند اما در نهایت احساس می‌کنند که بازپچه قرار گرفته‌اند.	
Fear of crime	ترس از جرم
به ترس غیرطبیعی افراد از قربانی جرم شدن اشاره دارد. تغییر سریع در یک اجتماع می‌تواند ترس مردم از جرم را به میزانی فراتر و نامتناسب با احتمال واقعی وقوع جرایم افزایش دهد. ترس از جرم شرایط بسیار تضعیف‌کننده‌ای است چرا که رفتار مردم تغییر می‌دهد، بر احساس آنان درباره اجتماعشان و نیز سلامت عمومی آنان تأثیر می‌گذارد.	
Fenceline	محدوده
اصطلاحی برای اشاره به مرزهای اطراف یک پروژه است که هدف از آن تفکیک مسایل درونی و مسایل بیرونی است. هرچند چنین مرزی به لحاظ فنی قابل ترسیم و مشهود هم باشد، دقیق نیست و در ارتباط با موضوعات اجتماعی و حقوق بشری کاملاً فاقد معنی است.	
Fenceline communities	اجتماعات محدوده
به اجتماعاتی اشاره دارد که همسایه‌ی بلافاصله پروژه هستند و بطور مشخص در قبال آثار مستقیم پروژه مانند آلودگی صوتی، گرد و خاک و لرزه و ارتعاش آسیب‌پذیرند.	
FIFO	فیفو
کلمه‌ی اختصاری برای اشاره به کارگران اقماری که به صورت دائم و با خانواده در مجاورت پروژه ساکن نمی‌شوند و در بازه‌های زمانی مشخصی به عنوان کارگر در محل اجرای پروژه حاضر می‌شوند.	
First order impact	اثر اولیه
اثراتی که بلاواسطه و پیامدهای مستقیم یک پروژه‌اند.	
Fixed income earners	دارندگان درآمد ثابت
افرادی که در آمدشان (از شغل یا بازنشستگی) ثابت است و توازن با افزایش هزینه‌ی زندگی یا تورم ندارد. شهرهای با رشد برق آسا معمولاً تورم محلی را تجربه می‌کنند. در حالی که افراد مرتبط با پروژه‌ها دارای درآمدهای کافی و با امکان افزایش متناسب با تغییر هزینه‌های زندگی هستند (که موجب تورم می‌شود) بیشتر مردم درآمدهای ثابت دارند که با رشد تورم و هزینه‌های زندگی به دلیل تورم، تغییری نمی‌کند. این گروه نه تنها شامل بازنشستگان می‌شود بلکه افرادی را دربرمی‌گیرد که در آمدشان توسط دولت مرکزی تعیین می‌شود نظیر پرستاران، معلمان، افسران پلیس و افراد دیگری که برای دولت کار می‌کنند.	
Footprint	ردپا یا اثر
مفهومی مبهم که به صورت اختصاری به جای اثر اکولوژیکی یا اثر کربن به کار می‌رود و در عین حال برای اشاره به فضای فیزیکی بلافاصله اشتغال شده توسط یک پروژه نیز استفاده می‌شود.	
Foreign direct investment	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
اصطلاحی تجاری که برای اشاره به سرمایه‌گذاری‌های منجر به کسب مالکیت موثر (معمولاً سهام ده درصد یا بیشتر) در یک بنگاه تجاری مستقر در یک کشور توسط سازمان یا نهادهای از یک کشور دیگر به کار می‌رود.	

رضایت آزادانه، پیشینی و آگاهانه	FPIC
(بحث مرتبط را در این سند ببینید)	
پرداخت پیشاپیش	Front end loading
اصطلاحی در مدیریت پروژه که بر پرداخت پیشاپیش پول بیشتر برای بهره‌مندی از یک طراحی بهتر و در نتیجه صرفه جویی در منابع در مراحل بعد دلالت دارد و نباید با Front end Loader (به معنی لودر تخلیه از جام جلو) که برای تخلیه آوار و نخاله استفاده می‌شود، اشتباه شود.	
دروازه‌بان	Gatekeeper
شخص یا نهادی که دسترسی به چیزی را کنترل می‌کند. دروازه‌بان می‌تواند نقش رسمی یا غیررسمی داشته باشد. در اتا، این مفهوم اغلب به افرادی اطلاق می‌شود که این قدرت را دارند تا دسترسی مشاوران به یک اجتماع مشخص را تسهیل کنند یا مانع آن شوند. به عبارت دیگر، آن‌ها موقعیت کلیدی پرنفوذی دارند.	
جنسیت	Gender
به نقش‌های براساخته‌ی اجتماعی منتسب به مردان و زنان اطلاق می‌شود. این نقش‌ها آموخته و در طول زمان تغییر می‌کنند و به طور گسترده‌ای در درون و بین فرهنگ‌ها متفاوتند.	
تحلیل جنسیتی	Gender analysis
فرایندی برای توجه و درک ماهیت جنسیتی یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی‌شده بر زنان، و همچنین بر مردان، در متن فرهنگ اجتماعات تحت تأثیر پروژه است. یک تحلیل جنسیتی بایستی تفاوت‌های جنسی و جنسیتی را مدنظر قرار دهد.	
اعیانی‌سازی	Gentrification
فرایندی تدریجی که طی آن یک منطقه (معمولاً حومه‌های فقیرنشین شهر یا روستای واقع در یک منطقه دیدنی) از نظر ویژگی و ترکیب جمعیتی از طبقه‌ی کارگری به طبقه‌ی متوسط یا طبقه‌ی متوسط رو به بالا تغییر وضعیت می‌دهد. پیامد چنین فرایندی افزایش ارزش ملک و هزینه اجاره مسکن است که موجب جابجایی ساکنین قبلی می‌شود. وقتی اعیانی‌سازی به گردشگری نیز منتهی شود علاوه بر پیامد فوق موجب بروز تضاد بین ساکنین اولیه (قدیمی‌ترها) و گردشگران و/یا ساکنین جدید (تازه‌واردان) می‌شود.	
حکمرانی خوب	Good governance
یک درک هنجارمند درباره چگونگی حکمرانی (در هر سازمانی) که شامل پایبندی به پاسخگویی، شفافیت، حاکمیت قانون، ظرفیت‌سازی، فرایندهای فراگیر و مشارکتی است.	
اقدام مناسب	Good practice
اقدامی که در عمل، مناسب و مورد انتظار است (یعنی بیشتر مرسوم است تا متمایز). در مقابل، اقدام برتر به معنای پیشرو یا برجسته بودن اقدام است که به همین دلیل ترویج و حمایت از آن مطلوب قلمداد می‌شود اما در هر شرایطی قابل انجام نیست.	
حکمرانی	Governance
به شیوه‌های مدیریت امور در سازمان‌ها، نهادها، کسب و کارها و حکومت‌ها، اطلاق می‌شود و در عمل اموری چون اعمال قوانین و مقررات، همچنین رسوم، استانداردها و هنجارهای اخلاقی را دربر می‌گیرد. (همچنین ن.ک به حکمرانی خوب).	

Governance gap	شکاف حکمرانی
شکاف حاکمیتی مصادیق زیادی دارد، اما به طور کلی شکاف حکمرانی به تفاوت بین وضعیت ایده‌آل (یا دست‌کم آنچه از حیث هنجاری، مناسب قلمداد می‌شود و مورد انتظار است) و وضعیت واقعی اعمال حکمرانی اشاره دارد. در ارزیابی تأثیر و در گفتمان جامعه و کسب و کار، این شکاف عمدتاً به فقدان نظارت بر شرکت‌های چندملیتی در مورد فعالیت‌هایشان در کشورهای در حال توسعه اطلاق می‌شود.	
Greenfield	قلمرو دست‌نخورده و بکر
منظور از این اصطلاح اجرای پروژه در منطقه‌ای است که تاکنون هیچ پروژه‌ی توسعه‌ای در آن اجرا نشده است و و به تبع آن فاقد هر نوع مسایل میراثی (مرتبط و برجای‌مانده از پروژه‌های قبل) است.	
Grievance	شکایت
به هر نوع نگرانی ادراک‌شده که حس استحقاق فردی یا گروهی را جریحه‌دار کند و یا حاکی از بروز خطا در اعمال قانون، قرارداد، وعده‌های آشکار یا پنهان، رویه‌های مرسوم یا انگاره‌های عمومی انصاف باشد، اطلاق می‌شود.	
Grievance mechanism	سازوکار شکایات
یک فرایند رسمی، حقوقی و غیرحقوقی (قضایی و غیرقضایی) تعبیه شده برای بیان شکایت توسط افراد، کارگران، اجتماعات و یا نهادهای جامعه مدنی است که از فعالیتهای یک پروژه یا کسب و کار متاثر و متضرر شده‌اند.	
Guiding Principles	اصول راهنما
منظور اصول راهنمای سازمان ملل در کسب و کار و حقوق بشر است.	
Higher order impact	اثر مرتبه بالاتر
تأثیرات اجتماعی غیرمستقیمی که پس از وقوع آثار بلافاصل اولیه در زنجیره‌ی آثار ناشی از یک پروژه بروز می‌کنند.	
Homelessness	بی‌خانمانی
نداشتن خانه یا عدم برخورداری از یک مکان دائمی برای اقامت است. این مفهوم هم برای اشاره به افرادی که فاقد اقامتگاه ثابت بوده و بدون استفاده از خدمات مسکن اضطراری مجبور به خیابان‌خوابی و کارتن‌خوابی می‌شوند و هم افراد دارای احساس بیگانگی نسبت به محل اقامت و فاقد تعلق عاطفی به محل زندگی‌شان استفاده می‌شود.	
Honeypot effect	اثر کوزه‌ی عسل
یا مهاجرت داخلی ناشی از پروژه که در آن مردم برای استفاده از عنوان اجتماع تحت تأثیر پروژه و بهره‌مندی از فرصت و منافع جبران تأثیرات منفی توسط مجریان پروژه و یا فرصت‌های کاری یا اقتصادی ناشی از پروژه به محل اجرای پروژه نقل مکان می‌کنند.	
Host communities	اجتماعات میزبان
به اجتماعات واقع در مجاورت محل اجرای پروژه اطلاق می‌شود که پروژه و کارکنان آن را میزبانی می‌کنند، و به عبارت دیگر همان اجتماعات تحت تأثیرند. در برنامه‌های اسکان مجدد این اصطلاح به اجتماعاتی اشاره دارد که جمعیت جابجا شده را در خود جذب می‌کنند.	
Human capital	سرمایه‌ی انسانی
به تحصیلات، مهارت‌ها، دانش، توانایی کار، و سلامت افراد که با تکیه بر آن اهداف معیشتی خود را دنبال می‌کنند اطلاق می‌شود. (هم چنین ن.ک به سرمایه)	

Human rights	حقوق بشر
تضمین‌های حقوقی جهان‌شمول که افراد و گروه‌ها را در مقابل اقدامات و ترک فعل‌هایی که آزادی‌های اساسی و حقوق و کرامت انسانی آن‌ها را نقض می‌کنند، مراقبت می‌کند. قانون حقوق بشر، دروهله‌ی اول دولت‌ها و همچنین سایر کنشگران حامل مسئولیت را به انجام برخی کارها وادار و از انجام برخی دیگر منع می‌کند.	
Human rights-based approach (Human rights lens)	رویکرد مبتنی بر حقوق بشر (منظر حقوق بشری)
به چارچوب مفهومی اطلاق می‌شود که به لحاظ هنجاری بر استانداردهای حقوق بشر بنا شده و در عمل هدف آن ارتقاء و حفاظت از حقوق بشر است. به بیان دیگر رویکردی (به سلامت، همکاری توسعه‌ای و غیره) است که: ۱- حقوق بشر را در آن اهمیت محوری دارد؛ ۲- خواستار پاسخگویی و شفافیت همه در قبال حقوق بشر است؛ ۳- بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی صاحبان حقوق برای پاسخگو نگه داشتن دیگران تأکید دارد؛ ۴- مشارکت معنا دار صاحبان حق را در امور تصمیم‌گیری نه یک اقدام مطلوب بلکه حق مسلم آنان تلقی می‌کند؛ و ۵- عدم تبعیض را تضمین و همچنین گروه‌های آسیب‌پذیر را اولویت‌بندی می‌کند.	
Human rights due diligence	مراقبت مقتضی حقوق بشری
به تکلیف شرکت‌ها ذیل اصول راهنمای کسب و کار و حقوق بشر اشاره دارد که طبق آن موظفند اطمینان حاصل کنند که برنامه‌ی کسب و کار، پیشنهادی آن‌ها یا هر نوع معامله یا خریدی که از جانب آن‌ها انجام می‌شود، دربردارنده‌ی هیچ مخاطره‌ی پنهانی برای حقوق بشر (به عبارت دیگر، نه فقط برای شرکت بلکه برای افراد و اجتماعات نیز) نیست. از آنجا که بیشتر تأثیرات اجتماعی، موضوعات حقوق بشری نیز محسوب می‌شوند، طبق این تکلیف ذیمدخلان تحت تأثیر، در واقع صاحبان حقوق قانونی نیز قلمداد می‌شوند.	
IAIA	انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر http://www.iaia.org
IAP2	انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی، http://www.iap2.org
ICMM	شورای بین‌المللی معادن و فلزات http://www.icmm.com
IFC	موسسه‌ی مالی بین‌المللی
موسسه‌ی مالی بین‌المللی، شعبه وام‌دهی بخش خصوصی گروه بانک جهانی است. اهمیت این موسسه از آن روست که استانداردهای عملکرد آن به عنوان مرجع بین‌المللی پذیرفته شده و اصول اکواتور بر آن مبتنی است.	
Impact	تأثیر
پیامد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و غیره یک اقدام توسعه‌ای پیشنهادی که قبل از اجرای آن به صورت مستدلی قابل پیش‌بینی و اندازه‌گیری است.	
Impact assessment	ارزیابی تأثیر
فرایند تعیین پیامدهای آتی یک اقدام پیشنهادی یا در حال انجام است.	

توزیع عادلانه‌ی تأثیرات	Impact equity
این ایده که تأثیرات یک پروژه باید به صورت منصفانه‌ای در جامعه تسهیم شود یا دست کم باید به توزیع منصفانه‌ی تأثیرات مثبت و منفی توجه شود. برای مثال، مسیرهای پروازی در یک فرودگاه باید به گونه‌ای تنظیم شوند که مزاحمت ناشی از سر و صدا تسهیم شود نه این که گروه معینی در معرض همه‌ی سر و صدا باشند.	
سابقه‌ی تأثیر	Impact history
به تجربیات یک اجتماع در مواجهه با پروژه‌ها اشاره دارد که برخورد آن‌ها با پروژه‌ی جدید و نیز اعتماد ایشان را به آن تحت تأثیر قرار می‌دهد.	
مسیرها یا زنجیره‌ی تأثیرات	Impact pathways or impact chains
به رابطه‌ی بین تأثیرات اولیه (تأثیرات دست اول) و تأثیرات ثانویه اشاره دارد، و همچنین پیوندهای بین فرایندهای تغییر اجتماعی نظیر مهاجرت داخلی.	
اجتماعات متأثر	Impacted communities
اجتماعاتی (یا اجتماعات میزبانی) که از پروژه تأثیر می‌پذیرند.	
توافقتنامه‌ی تأثیرات و منافع	Impacts & Benefits Agreement (IBA)
یک توافقنامه‌ی حقوقی - الزام آور بین یک شرکت و اجتماع است (که در مواردی دولت را نیز در بر می‌گیرد)، و مشتمل بر مواردی چون بیان آثار محتمل منفی ناشی از پروژه، تعیین اقداماتی که شرکت برای جبران این آثار انجام خواهد داد و امتیازاتی که از جانب شرکت به صورت فرصت‌های شغلی و یا مزایایی چون سرمایه‌گذاری اجتماعی در اختیار اجتماع قرار خواهد گرفت است.	
فقرسازی	Impoverishment
فرایند فقیر شدن (یا به فقر منتهی شدن) است. از دست دادن معیشت به علت جابجایی ناشی از پروژه می‌تواند منجر به فقیر شدن افراد گردد.	
نشانه‌گر (ن.ک به شاخص اجتماعی)	Indicator
دانش بومی (ن.ک به دانش محلی)	Indigenous knowledge
مردم بومی	Indigenous people
عموما به عنوان یک گروه اجتماعی و فرهنگی متمایز تعریف می‌شود که کم و بیش برخی از ویژگی‌های زیر را دارند: شناسایی خود به عنوان عضو یک گروه متمایز فرهنگی و به رسمیت شناختن این هویت توسط دیگران، تعلق جمعی به یک زیستگاه متمایز جغرافیایی یا قلمرو اجدادی و منابع طبیعی مرتبط با آن؛ نهادهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی که از جامعه یا فرهنگ غالب مجزا هستند، زبانی که اغلب با زبان رسمی کشور یا منطقه تفاوت دارد.	
تأثیر غیرمستقیم (معلول)	Indirect impact (effect)
تأثیری که در نتیجه تغییر دیگری که ناشی از یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده است، بروز می‌کند. یک پیامد غیرمستقیم ممکن است از تغییر فیزیکی در محیط ناشی شود. به عنوان مثال عملیات معدن ممکن است موجب افزایش آلودگی رودخانه و در نتیجه کاهش ذخیره ماهی‌های آن شده و همین موضوع باعث کاهش معیشت روستاییان وابسته به ماهیگیری شود و به همین ترتیب در نتیجه‌ی آن اثرات ثانویه، اثرات مرتبه دوم یا چندم بروز کند.	
مدیریت هجوم	Influx management
فرایند مدیریت جمعیت زیاد مردمی که در جستجوی فرصت‌های اقتصادی به محل پروژه می‌آیند. (ن.ک به اثر کوزه‌ی غسل)	

Informal economy	اقتصاد غیررسمی
به بخشی از اقتصاد از اطلاق می‌شود که تابع مقررات، مالیات و کنترل دولت نیست، یا به این دلیل که غیرقانونی است و یا به این دلیل که کوچک مقیاس، و مبتنی بر پول نقد است.	
Informal settlements	اسکان غیررسمی
سکونت‌گاههای حاشیه‌ای شهرها که بطور غیررسمی، بدون برنامه‌ریزی مناسب و اغلب با نقض قوانین ساخت و ساز و طرح‌های برنامه‌ریزی شده و به طور معمول در اراضی‌ای که ساکنین مالک قانونی آن به شمار نمی‌روند و اغلب با استفاده از مصالح ضایعاتی بنا شده و توسعه پیدا می‌کنند.	
Informed consent	رضایت آگاهانه
بنیادی‌ترین اصل اخلاقی در انجام پژوهش بر روی انسان‌هاست که طبق آن فرد مشارکت‌کننده در یک تحقیق، حق تصمیم‌گیری برای مشارکت یا عدم مشارکت در آن تحقیق را دارد، و فرد باید این تصمیم را بر اساس اطلاع کامل درباره تحقیق و مخاطرات احتمالی آن اتخاذ کند. رضایت آگاهانه اغلب با امضای فرم رضایت آگاهانه توسط فرد مشارکت‌کننده ثبت می‌شود. کارشناسان اتا بایستی رضایت مشارکت‌کنندگان را در مرحله‌ی گردآوری داده‌ها جلب کنند.	
Intangible cultural heritage	میراث فرهنگی ناملموس (ن.ک به میراث فرهنگی)
Interested and affected publics	مردم متأثر و ذینفع
گروه‌ها، سازمان‌ها و یا افرادی که بر این باورند که ممکن است از آثار یک مداخله‌ی توسعه‌ای متأثر شوند و یا صرف‌نظر از این موضوع در فرایند تصمیم‌گیری دخالت داده می‌شوند (به آن‌ها ذیمدخلان نیز گفته می‌شود). (همچنین ن.ک به افراد تحت تأثیر).	
Intrinsic value	ارزش ذاتی
مفهومی فلسفی که بر اساس آن یک شیء یا موجودیت (مثل طبیعت، یک مکان خاص یا گونه‌ی نادر) صرف‌نظر از ارزش ابزاری یا کاربردی‌اش برای انسان‌ها، فی‌نفسه ارزشمند یا واجد کیفیت است.	
Involuntary resettlement	اسکان مجدد اجباری
به اسکان مجدد مردم با تکیه بر قدرت دولت برای تملک اجباری یا تهدید به استفاده از آن به دلیل اجرای یک مداخله یا پروژه اطلاق می‌شود. (هم چنین ن.ک به اسکان مجدد)	
IPIECA	انجمن جهانی صنعت نفت و گاز برای مسایل زیست‌محیطی و اجتماعی http://www.ipieca.org/
Irremediability	غیرقابل جبران
آسیب غیرقابل جبران، تأثیرات منفی که قابل تعدیل یا بهبود نیستند.	
Irreparability	غیرقابل ترمیم
Key Performance Indicators (KPIs)	نشانگرهای کلیدی عملکرد
به شاخص‌هایی اطلاق می‌شود که به منظور سنجش عملکرد یک شخص یا یک شرکت تهیه شده است. شاخص‌های پایش معمولاً، به خودی خود شاخص کلیدی عملکرد محسوب نمی‌شوند اما میزان کفایت پایش، یک شاخص کلیدی برای ارزیابی مسئول پایش و عدم تخطی از آستانه‌ها یک شاخص کلیدی عملکرد برای یک شرکت محسوب می‌شود.	

Knowing and showing	دانستن و نشان دادن
عبارتی که توسط جان راگی متداول شد. شرکت‌ها به جای آن که از آسیب‌پذیری، انگ و شرم بی‌توجهی به حقوق بشر هراس داشته باشند، باید نشان دهند که احترام به حقوق بشر را از طریق تعهد به مراقبت متقاضی در فعالیتهای شرکت درونی کرده‌اند.	
Land tenure system	نظام تصرف زمین
ترتیبات قانونی که به مالکیت زمین و هر نوع فرایند نقل و انتقال موروثی یا خرید و فروش آن رسمیت می‌دهد.	
Landscape restoration	احیاء چشم‌انداز
(ن.ک به باززنده‌سازی).	
Latent conflict	تضاد پنهان
به تضادی در یک اجتماع اشاره دارد که ناآشکار است، تضادی که پنهان یا پوشیده است. کارکنان پروژه ممکن است متوجه وجود تنش در اجتماع نشوند.	
Leading practice	اقدام پیشرو
در عمل همان اقدام برتر است و بر اساس این ایده که برتری امری نسبی است و در طول زمان تغییر می‌کند، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مفهوم در واقع اشاره به ایستار یک شرکت (همیشه در عمل پیشرو بودن) دارد تا ویژگی یک اقدام خاص.	
Legacy issues	موضوعات میراثی
معنای عمومی میراث، چیزی است که برجای می‌ماند مانند در زمان مرگ (آنچه فرد بر اساس خواست خود به دیگران واگذار می‌کند) یا به هنگام بازنشستگی از کار (آنچه خوب یا بد از فرد برجای می‌ماند). اما این مفهوم برای اشاره به آنچه که یک شرکت یا یک پروژه نیز از خود به جا می‌گذارد استفاده می‌شود. اگر چه در این معنی، می‌توان از آن برداشتی خنثی یا دوگانه داشت به طوری که شامل نتایج مثبت یک مداخله و سهم آن در توسعه‌ی یک اجتماع نیز شود، در انا بیشتر برای اشاره به مشکلات و مسایل حل‌ناشده‌ی ناشی از اجرای پروژه‌ها در گذشته استفاده می‌شود. در پروژه‌های استخراج معادن، این مسایل میراثی شامل آلودگی و آلاینده‌های برجای‌مانده مانند پساب اسیدی معدن است. نکته مهم در مورد مسایل میراثی، تاثیر آن‌ها بر اعتماد اجتماعات به پروژه‌های جدید است.	
Legitimacy	مشروعیت
برای اشاره به میزان پذیرش یک اقدام و ارزیابی آن به عنوان مطلوب یا مناسب از موضع هنجاری یک فرد یا گروه دیگر استفاده می‌شود. مشروعیت را می‌توان در اشکال مختلف مانند مشروعیت قانونی، مشروعیت سیاسی، مشروعیت اخلاقی و مشروعیت اجتماعی دسته‌بندی و تفسیر کرد. در حوزه‌ی انا بیشتر منظور از مشروعیت یک اقدام، مشروعیت اجتماعی آن و میزان پذیرش اجتماعی اقدام مراد است.	
LGBT/LGBTIQ	دگرباشان جنسی
همجنس‌خواه زن، همجنس‌خواه مرد، دوجنس‌خواه، تراجنسیتی، بیناجنسیتی و افراد غیرمعمول.	
Licensing process	فرایند اخذ مجوز
فرایند اخذ پروانه یا مجوز زیستمحیطی توسط مجری پروژه و همچنین تعیین شرایط اعطا یا عدم اعطای این مجوز توسط نهاد ناظر است.	
Lifeworld	زیست‌جهان
مفهومی در علوم اجتماعی که به تجربه‌های زیسته‌ی افراد و زندگی‌های روزمره ایشان اشاره داشته و بر اهمیت انکای بر این تجارب زیسته در تحلیل یا روایت‌های ارائه‌شده تاکید دارد.	

Linear projects	پروژه‌های خطی
پروژه‌هایی نظیر خطوط لوله، بزرگراه، راه‌آهن، خطوط انتقال و سیستم‌های آبیاری که بر نوار باریکی از اراضی بنا شده و تا کیلومترها به صورت طولی ادامه پیدا می‌کنند.	
Liveability	قابلیت زندگی
وجوهی از مکان که موجب رضایت ساکنان از زندگی و کار در آنجا شده و به کیفیت بالای زندگی ساکنان کمک می‌کند.	
Livelihood	معیشت
به شیوهی زندگی یک شخص یا خانوار و چگونگی امرار معاش و به‌ویژه چگونگی تأمین نیازهای ضروری زندگی نظیر غذا، آب، مسکن، پوشاک و زندگی در اجتماع اشاره دارد. (هم‌چنین ن.ک به معیشت پایدار).	
Livelihood Restoration and Enhancement Plan	برنامه‌ی احیا و بهبود معیشت
برنامه‌ای که به عنوان بخشی از فرایند اسکان مجدد برای احیا و بهبود معیشت افراد پس از اسکان یافتن یا جابجایی اقتصادی تهیه می‌شود.	
Local content	سهم محلی
به الزامات، انتظارات یا تعهد یک شرکت برای بازگرداندن ارزش حاصل از پروژه به جامعه‌ی میزبان پروژه از طریق ایجاد اشتغال یا تأمین نیازهای پروژه از طریق تدارکات محلی اشاره دارد.	
Local knowledge	دانش محلی
دانشی که افراد ساکن در یک محدوده یا اجتماع مشخص در طول زمان آن را شکل و گسترش می‌دهند. این دانش به مجموعه‌ای از واقعیت‌ها و نظام‌های مفهومی، باورها و ادراکاتی اشاره دارد که افراد درباره جهان اطرافشان دارند. هم‌چنین شامل نگاه و ارزیابی آن‌ها به دنیای پیرامونشان و چگونگی حل مسائل و اعتباربخشی به اطلاعات توسط آنان می‌شود. اصطلاحاتی چون دانش بومی، دانش فنی بومی، دانش سنتی، دانش بوم‌شناختی سنتی یا دانش محیط‌زیستی سنتی، و دانش پیشینیان نیز در همین معنا استفاده می‌شوند.	
Local procurement	تدارک محلی
به سیاست‌های اتخاذشده یک شرکت و راهبردهای توان‌افزایی آن برای تأمین خدمات و کالاها از طریق تأمین‌کنندگان محلی به منظور افزایش مزایای پروژه در اجتماع محلی گفته می‌شود.	
Marginalised groups	گروه‌های حاشیه‌ای‌شده
(ن.ک به گروه‌های اقلیت و گروه‌های آسیب‌پذیر).	
Marginalisation	حاشیه‌ای شدن
فرایندهای اقتصادی و اجتماعی که وضعیت گروه‌های اقلیت و یا گروه‌های آسیب‌پذیر را وخیم‌تر می‌سازد.	
Materiality	عینیت
مفهومی حقوقی، به معنای مرتبط بودن چیزی به موضوع مورد بحث است. برای مثال آنچه که باید به عنوان بخشی از مذاکرات مبتنی بر حسن نیت، فاش شود و آنچه که باید در ارائه گزارش در مورد پایداری مد نظر قرار گیرد.	
Mental health	سلامت روانی
در تعریف ساده، سطح سلامت روان‌شناختی و فقدان هرگونه اختلال ذهنی است. سلامت روانی شامل توانایی فرد برای لذت بردن از زندگی، هم‌چنین رفاه ذهنی، خودبستگی در یافته، استقلال، شایستگی و فعلیت بخشیدن به پتانسیل‌های فکری و عاطفی خود است.	

Microfinance	تامین مالی خرد
شکلی از خدمات بانکی (معمولا تامین وام‌های کوچک) برای کمک به افراد کم درآمد (به‌ویژه زنان) برای ایجاد کسب و کارهای کوچک مقیاس است. تمهیدات مالی خرد بسیار مهم هستند چرا که موجب تامین منابع مالی برای افرادی می‌شوند که در غیر این صورت از دسترسی به سرمایه‌ی تولیدی بدایلی چون مبلغ کم وام در خواستی، درآمد کم، فقدان وثیقه، و نداشتن سابقه دریافت وام بازمی‌مانند.	
Mindmap	نقشه‌ی ذهنی
نقشه‌ی ذهنی، یک دیگرام برای نشان دادن ایده‌ها و افکار است، نقشه‌برداری ذهنی فرایند سازماندهی اطلاعات و ایده‌هاست.	
Minority groups	گروه‌های اقلیت
اصطلاحی در علوم اجتماعی که برای اشاره به اعضای گروه‌بندی‌های مشخص و متمایز از بدنه‌ی اصلی جامعه استفاده می‌شود. این گروه‌ها به طور معمول سلطه و تبعیض را تجربه می‌کنند، خصیصه‌های فیزیکی و یا فرهنگی متمایزکننده دارند که به خاطر آن توسط گروه مسلط، به حاشیه رانده می‌شوند، دارای یک حس مشترک از هویت جمعی و مسئولیت‌های مشترک بوده و در آن‌ها قواعد مشترک اجتماعی درباره این‌که چه کسی به گروه‌های اقلیت تعلق دارد و چه کسی ندارد جایگاه گروه اقلیت را تعیین می‌کند و تمایل به ازدواج درون‌گروهی دارند.	
Mitigatability	تعدیل‌پذیری
قابلیت تعدیل تأثیرات منفی	
Mitigation	تعدیل
فرایند تدوین یا اجرای فرایندها، رویه‌ها و یا تغییراتی در یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی‌شده به منظور پرهیز، کاهش یا به حداقل رساندن یا جبران (خنثی نمودن) آثار منفی احتمالی است.	
Mitigation hierarchy	سلسله مراتب تعدیل
چارچوبی برای برنامه‌ریزی اقدامات تعدیلی است. به طور خلاصه این اقدامات شامل اجتناب، کاهش، اصلاح، جبران است. فهرست تفصیلی‌تر این اقدامات عبارتست از: اجتناب در منبع اثر، حداقل‌سازی در منبع اثر، کاستن در محل اجرا، کاستن در گیرنده اثر، اصلاح، جبران غیرپولی، جبران با روش‌های دیگر.	
Monitoring	پایش
به طور کلی به فرایند ارزیابی میزان پایبندی به شرایط مورد توافق در مورد یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی‌شده و به طور خاص به فرایند کنترل مستمر پرهیز از بروز تأثیرات غیرمنتظره اطلاق می‌شود.	
Moral outrage	خشم اخلاقی
خشم ناشی از آگاهی به تخطی از استانداردهای اخلاقی نظیر عدالت و انصاف است.	
Multiplier effect	اثر ضریب فزاینده
(ن.ک به ضرایب فزاینده‌ی منطقه‌ای).	
Naming and shaming	نام بردن و شرم‌نده کردن
راهبردی که تلاش می‌کند توافق یا تعهد به هنجارها یا اقدامات مناسب را با افشای نام خطاکاران یا مجرمان عملی سازد. این راهبرد در تضاد با راهبرد «دانستن و نشان دادن» است.	
Needs assessment	نیازسنجی
یک شیوه‌ی سیستماتیک برای تعیین مسائل مشتری یا اجتماع و رتبه‌بندی اهمیت آنها به عنوان یک مولفه‌ی مهم در طراحی اقدام است. نیازسنجی، پیش درآمد برنامه‌های جلب مشارکت عمومی است.	

Newcomers	تازه واردان
ساکنین جدید در یک مکان خاص هستند.	
NIMBY	نیمبی
عبارت اختصاری برای اصطلاح «کنار خانه‌ی من نباشد» برای اشاره به واکنش معمول ساکنین به استقرار صنایع به لحاظ محلی فاقد توجیه مانند فرودگاه، محل دفن زباله، مزرعه نیروگاه بادی و غیره استفاده می‌شود.	
Non-technical risks	مخاطرات غیرفنی
به ابعاد مدیریتی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی یک پروژه ارتباط دارند. در تفکر مهندسی، به این دلیل که تصور می‌شود این امور محصول شرایطی خارج از کنترل مدیر پروژه هستند، به آن‌ها مخاطرات بیرونی گفته می‌شود.	
Normalisation	بهنجارسازی
تلاش برای پیشگیری از ایجاد شهرک شرکتی (Company town) و کوشش برای تبدیل آن به یک حیات اجتماعی طبیعی‌تر.	
Normative	تجویزی
دیدگاه یا قضاوت تجویزی به معنی طرح ادعاهایی در مورد چگونگی امور، ارزشگذاری آن‌ها، خوب و بد یا درست یا غلط بودن آن‌ها بر اساس اصول اخلاقی یا با ارجاع به کدها یا استانداردهای بین‌المللی که ورای الزامات قانونی است (اگر مینا الزام قانونی باشد، دیگر نمی‌توان آن را تجویزی خواند).	
Oldtimers	قدیمی‌ترها
اصطلاح محاوره‌ای برای اشاره به ساکنینی که از دیرباز در یک مکان مشخص بوده‌اند و در مقابل تازه‌واردین استفاده می‌شود. علائق قدیمی‌ترها معمولاً با علائق تازه‌واردین متفاوت است.	
Outcomes	دستاوردها
به زبان ارزشیابی و در منطق برنامه و مدیریت پروژه، منظور از دستاوردها، اهداف نهایی و مقاصد یک برنامه است.	
Outputs	برونداها
به زبان ارزشیابی و در منطق برنامه و مدیریت پروژه، منظور از برونداها، محصولات یک برنامه است. نکته مهم این است که برونداها بندرت همان دستاوردهای مورد انتظار هستند و صرفاً سنگ بنای رسیدن به دستاوردها محسوب می‌شوند.	
PAPs	(ن.ک به مردم تحت تأثیر پروژه)
Paradigm	پارادایم
مجموعه‌ای از کردارها، روش‌ها، نظریه‌ها و ادراکاتی که توسط یک رشته‌ی علمی بنیان نهاده شده و آن رشته را در یک مقطع مشخص از زمان تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، جهان‌بینی یک حوزه‌ی پژوهشی است یعنی آنچه که مجموع محققان و متخصصان یک حوزه‌ی پژوهشی خاص آن را مطلوب قلمداد می‌کنند.	
Participation	مشارکت
فرایندی که از طریق آن، ذیمدخلان بر ابتکارات توسعه‌ای و تصمیمات و منابع آن‌ها اعمال نفوذ و کنترل می‌کنند. مشارکت فرایندی است که می‌تواند کیفیت، اثربخشی و پایداری پروژه‌ها را بهبود بخشیده و مالکیت و تعهد حکومت و ذیمدخلان را تقویت کند.	

Participation Agreement	توافقنامه‌ی مشارکت
(ن.ک به توافقنامه‌ی تأثیر و مزایا)	
Participatory monitoring	پایش مشارکتی
دخالت ذیمدخلان در فعالیتهای پایشی و بازبینی اطلاعات برای اطمینان از مشروعیت فرایند پایش و کلیت پروژه است.	
Perceived impact	تأثیرادراک شده
تأثیرادراک شده در اثر باور به وجود یک تأثیر بالقوه ایجاد می‌شود تا بروز واقعی آن. باید توجه داشت که تأثیرات ادراک شده بر احساس افراد درباره پروژه و احساس و رفتار آن‌ها به طور کلی تأثیرگذارند و در نتیجه برای گروهی که آن را درک می‌کنند واقعی به شمار می‌روند.	
Performance standards	استانداردهای عملکردی
استانداردهای عملکردی عام است که استانداردهای مورد انتظار اقدام یا موفقیت را تشریح می‌کند. در انا، نوعاً به استانداردهای عملکرد شرکت‌های مالی بین‌المللی در خصوص پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی اطلاق می‌شود.	
Permitting process	فرایند کسب مجوز
فرایند قانونی ارزیابی و تایید یک پروژه است. (هم چنین ن.ک به مجوز زیست‌محیطی)	
Physical displacement	جابجایی فیزیکی
(ن.ک به جابجایی)	
PIMBY	پیمبی
کوتاه شده عبارت «کنار خانه‌ی من باشد» و در نقطه مقابل نیمبی به معنی «کنار خانه‌ی من نباشد» است. رویکردی درباره‌ی کسب مجوز اجتماعی برای اجرای پروژه است که بر اساس آن مردم باید از قرار گرفتن در مجاورت پروژه استقبال کنند.	
Place	مکان
فضایی جغرافیایی که تجربیات شخصی و یا ارتباطات افراد با گروه‌ها با آن، به آن معنا (احساسات مثبت یا منفی) داده است.	
Place attachment	دلبستگی مکانی
میزان احساس مثبت افراد در مورد محیط و یا اجتماع محلی‌شان است.	
Place dependency	وابستگی مکانی
مشابه دلبستگی مکانی است اما بر میزانی تأکید دارد که یک شخص به یک مکان خاص وابسته بوده یا با آن پیوند دارد و بنابراین قادر به جابجایی نبوده و در نتیجه نسبت به تغییرات آسیب‌پذیر است.	
Placelessness	بی‌مکانی
به مکان‌های فاقد «روح مکان» اشاره دارد که غیراصیل یا فاقد پیوند با پیرامون خود هستند؛ یا به احساس جدافتادگی افراد در نتیجه‌ی اسکان مجدد اجباری یا حجم زیاد تغییرات در اجتماعشان اطلاق می‌شود.	
Plan	طرح
راهبرد دستیابی به اهداف تعیین شده و یا یک دستور کار اجرایی است.	
Planned intervention	مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده
منظور یک پروژه، طرح، سیاست یا برنامه است. در اصل به هرگونه اقدام اندیشیده برای تحقق دستاوردها و اهداف از پیش تعیین شده می‌توان اطلاق کرد.	

سیاست	Policy
سند تهیه شده توسط یک سازمان که بیانیه اصول آن و اهداف و گام‌های اجرایی در مورد امور مهم سازمانی است.	
برنامه‌ریزی پس از خاتمه‌ی پروژه	Post-closure planning
(ن.ک به برنامه‌ریزی خاتمه‌ی پروژه)	
تأثیر بالقوه	Potential impact
تأثیری که پیش‌بینی می‌شود که بروز کند در مقابل تأثیری که به صورت بالفعل و واقعا رخ داده است، قرار می‌گیرد.	
پیش‌بینی	Prediction
امر شناسایی تأثیرات احتمالی آنی یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده است.	
قلمرو اصلی نفوذ	Primary zone of influence
به تأثیرات اجتماعی اشاره دارد که متأثر از اقدام پیشنهادی در محیط بلافاصله آن و در یک زمان و مکان واحد بروز می‌کنند.	
تقدس‌زدایی	Profanisation
فرایندی که با آن امور مقدس: عادی (نامقدس) می‌شوند. اشیاء و دست‌ساخته‌های فرهنگی در جریان فروش یا تعاملات بین فرهنگی قداست ارزشی خود را از دست می‌دهند.	
نمایه‌سازی	Profiling
فرایند جمع‌آوری اطلاعات زمینه‌ای درباره ویژگی‌های یک اجتماع و محیط محلی در وضعیت قبل از مداخله‌ی توسعه‌ای است.	
برنامه	Program
یک دستور کار منسجم و سازماندهی شده از تعهدات، پیشنهادات، ابزارها، و یا فعالیت‌هایی است که سیاست‌ها را تشکیل داده و اجرایی می‌کند و مشتمل بر پروژه‌های متعدد است.	
پروژه	Project
یک اقدام سرمایه‌ای پیشنهادی، که نوعاً شامل برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای فعالیت‌های معین است.	
شخص / اشخاص / مردم تحت تأثیر پروژه	Project affected person/persons/people (PAPs)
اصطلاحی در بانک جهانی و موسسه‌ی مالی بین‌المللی است و گاهی مراد از آن هر کسی است که به شکل منفی از یک پروژه متأثر می‌شود. در عین حال برای اشاره به مردمی که در صورت اجرای پروژه بی‌جا و مکان خواهند شد و در نتیجه باید تحت برنامه‌ی اسکان مجدد قرار گیرند، نیز استفاده می‌شود.	
محدوده‌ی نفوذ پروژه	Project area of influence
شامل: ساختگاه اصلی پروژه و امکانات مرتبط با آن که توسط مجری (یا پیمانکار آن) ایجاد یا کنترل می‌شود؛ امکانات همراه پروژه که به دلیل اجرای پروژه شده‌اند (حتی اگر بودجه آن‌ها مستقیماً نه توسط پروژه بلکه توسط کارفرما یا شخص ثالث که می‌تواند دولت نیز باشد، تامین شده باشد)، هرآنچه که حضور و وجود آن منحصرأ به پروژه بستگی دارد و کالاها و خدماتی که برای اجرای موفقیت‌آمیز پروژه ضروری هستند؛ محدوده‌هایی که بطور بالقوه از آثار انباشتی ناشی از مداخلات آنی پروژه متأثر خواهند شد؛ و محدوده‌هایی که بطور بالقوه در معرض آثار گسترش غیربرنامه‌ریزی شده اما قابل پیش‌بینی پروژه در آینده خواهند بود.	

Project-induced in-migration	مهاجرت به محل اجرای پروژه
(ن.ک به اثر کوزه‌ی غسل)	
Projection	پیش‌نمایی
در اِتا، منظور از پیش‌نمایی به تخمین، برون‌یابی، پیش‌بینی، پیش‌نگری وضعیت آتی یک یا تعدادی از متغیرهای تأثیر اجتماعی است.	
Proponent	مجری یا متولی
سازمان (دولتی، تجاری یا مردم نهاد) یا فردی که در پی شروع یک پروژه‌ی مشخص است. به زبان مقررات، به سازمان یا فردی گفته می‌شود که برای اجرای اقدام توسعه‌ای درخواست داده یا اعلام آمادگی کرده است.	
Public comment period	بازهی زمانی اظهارنظر عمومی
در فرایندهای مبتنی بر مقررات ارزیابی اثرات، معمولاً این الزام وجود دارد که سند ارزیابی اثرات دسترس عموم قرار گرفته و یک دوره زمانی مشخص (مثلاً ۳۰ یا ۴۵ یا ۶۰ یا ۹۰ روزه) برای اخذ پیشنهادات در نظر گرفته شود.	
Public Consultation, Public Involvement, Public Participation, and Community Engagement	مشورت عمومی، مداخله‌ی عمومی، مشارکت عمومی، و دخالت اجتماع
اگر چه اغلب به جای یکدیگر بکار می‌روند ولی تفاوت‌های مهمی بین آن‌ها وجود دارد. روشن است که «مداخله‌ی عمومی» مفهومی جامع و عام‌تر است که به فرایندهای وارد کردن عموم در فرایندهای تصمیم‌گیری اشاره دارد. مشورت، بر احصای نظرات اجتماع دلالت دارد، در حالی که مشارکت ناظر بر دخالت دادن مردم در فرایند تصمیم‌گیری است.	
Quality of life	کیفیت زندگی
رفاه عمومی یک فرد، که با استاندارد زندگی از این حیث که شامل همه‌ی ابعاد ذهنی و غیراقتصادی زندگی است، متفاوت است.	
Regional multiplier	ضرب افزایش منطقه‌ای
یک اصطلاح اقتصادی است که نسبت اندازه‌ی اثر کل و نهایی اقتصادی یک محرک معین (مانند یک پروژه) بر اقتصاد منطقه‌ای را به اندازه‌ی تأثیر مستقیم آن و این‌که به واسطه‌ی پروژه تا چه اندازه سرمایه‌گذاری محلی در اقتصاد محلی تقویت شده است، نشان می‌دهد.	
Regulatory agency	سازمان مقررات‌گذار
(تنظیم‌کننده مقررات، مقامات تنظیم‌کننده مقررات، نهاد تنظیم‌کننده مقررات، مقام دارای صلاحیت یک مقام عمومی یا نهادی دولتی است که مسئول اعمال تصمیمات و نظارت بر فعالیت‌ها بر پایه‌ی صلاحیت قانونی یا نظارتی است. در اِتا این نهاد می‌تواند دیارتمان محیط‌زیست یا برنامه‌ریزی باشد. این نهاد مسئول تعیین کفایت بیانیه‌ی زیست‌محیطی پروژه و یا گزارش ارزیابی تأثیر اجتماعی و صدور مجوز برای ادامه‌ی پروژه است.	
Rehabilitation	باززنده‌سازی
در ارزیابی تأثیر، این مفهوم بطور کلی به برگرداندن چشم‌انداز به شکلی که قبل از پروژه بوده است (بازسازی) اشاره دارد، یا در جایی که این کار ناممکن است، به دست کم قابل پذیرش ساختن آن از منظر مردم (تسکین)، اطلاق می‌شود. در پروژه‌های معدنی، برای مثال، به جایگزینی خاک و دوباره رویاندن زمین اشاره دارد.	

Replacement cost	هزینه جابجایی
مفهومی در علم اقتصاد و بیمه که به هزینه تمام‌شده جایگزینی دارایی‌ها اشاره دارد. ارزش گذاری دارایی‌های تخریب‌شده در اثر اجرای پروژه، می‌تواند همواره مناقشه‌برانگیز باشد. ارزیابان بیمه اغلب گرایش دارند که ارزش این دارایی‌ها را کمتر از میزان واقعی آن‌ها برآورد کنند. در فرایند اسکان مجدد و جابجایی ناشی از پروژه، برای اطمینان از این‌که وضعیت مردم بدتر نمی‌شود، باید هزینه جابجایی به صورت کامل تامین شود.	
Reputational risk	مخاطره شهرت
(یا صدمه به شهرت)، مخاطره‌ی بالقوه برای شهرت یک سازمان از ناحیه‌ی ارتباط آن با یک اقدام خاص است.	
Resettlement	اسکان مجدد
فرایند برنامه‌ریزی‌شده‌ی نقل و انتقال افراد یا اجتماعات از مکانی به مکان دیگر به عنوان بخشی از تملک زمین مورد نیاز پروژه است. اسکان مجدد هنگامی اجباری قلمداد می‌شود که مکان پروژه غیرقابل تغییر است و اجتماعات محلی در واقع انتخاب دیگری جز جابجایی ندارند، و زمانی داوطلبانه خوانده می‌شود که قدرت دولت برای تملک اجباری زمین استفاده نشود و یا تهدید به استفاده از آن هم وجود نداشته باشد و جمعیت‌های متأثر از پروژه درباره موافقت یا عدم موافقت با جابجایی امکان انتخاب دارند.	
Resettlement Action Plan (RAP)	برنامه اقدام اسکان مجدد
در پیوند با چارچوب سیاست اسکان مجدد پروژه طراحی می‌شود و یک استراتژی تفصیلی درباره چگونگی اجرای فرایند اسکان مجدد در عمل است. در این برنامه، جزئیات فرایندهای چون ثبت شرایط مبنا، مشاوره با مردم و استراتژی (۱) محدودسازی یا اجتناب از اسکان مجدد (۲) جبران خسارت (۳) جابجایی و نوسازی مجدد در صورت ضرورت (۴) حصول اطمینان از این‌که مردم تحت تأثیر از فرصت‌های مناسب برای بهبود درآمدها، فعالیت‌های درآمدی و استانداردهای زندگی خود به نسبت دوره قبل از اجرای پروژه به‌رخوردار بوده‌اند، مشخص می‌شود.	
Resettlement Policy Framework (RPF)	چارچوب سیاست اسکان مجدد RPF
یک سیاست یا دستورالعمل عملیاتی برای پروژه در این خصوص که چگونه به مسائل مربوط به تملک اراضی، اسکان مجدد، جبران خسارت و احیاء معیشت در طول پروژه رسیدگی خواهد شد.	
Residual impact	تأثیر باقیمانده
تأثیرات منفی پیش‌بینی‌شده که حتی پس از بکارگیری اقدامات تعدیلی همچنان باقی می‌مانند.	
Resilience	تاب‌آوری
ظرفیت یک اجتماع برای ترمیم خود از تأثیرات تهدیدکننده است	
Resistance	مقاومت
ظرفیت یک اجتماع برای مقاومت در برابر تغییر و توانایی مبارزه بر علیه توسعه‌ی غیرضروری است.	
Rights-based approach	رویکرد مبتنی بر حقوق
(ن.ک به رویکرد مبتنی بر حقوق بشر)	
Rights holder	صاحب حق
افراد و گروه‌هایی که حقوق آنان تحت تأثیر قرار گرفته است و مسلماً شامل همه ذیمذخلان می‌شود. این اصطلاح در واقع مترادف ذیمذخلان است با این تفاوت که استفاده از آن برای بیان اولویت رویکرد مبتنی بر حقوق بشر بوده و آگاهی به این موضوع است که افراد و گروه‌های مورد اشاره دارای جایگاه حقوقی هستند.	

Risk	مخاطره
در اصل به معنی احتمال وقوع یک رویداد است. اما در معنای کمی متفاوت تر یک رویداد نامعین با احتمال ناشناخته نیز قابل کاربرد است که در صورت وقوع بر تحقق یک یا چند هدف تأثیرگذار خواهد بود. مخاطرات دارای انواعی هستند. مخاطرات غیرفنی (یا مخاطرات اجتماعی) که به مسائل مدیریتی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی پروژه مربوطند و مخاطرات فنی با جنبه‌های فیزیکی، ساختاری، مهندسی و محیط‌زیستی سروکار دارند.	
Rite/ritual	آیین‌ها / رسوم
یک عمل مربوط به آداب و تشریفات که ریشه در فرهنگ و اجتماع دارد.	
Rootedness	ریشه‌دار بودن
دارای جایگاه عمیق و نیرومند در یک اجتماع بودن -مانند درختی که ریشه دارد. به عنوان مولفه‌ای از دلبستگی مکانی و به موازات حس مکان، ریشه‌دار بودن به پیوندهای اجتماعی (سرمایه اجتماعی) فرد با دیگران در اجتماع اشاره دارد، برای مثال داشتن خویشاوندان محلی، داشتن دوستان قدیمی، داشتن دوستان نزدیک و غیره.	
Royalty	حق الامتیاز
در برداشتی کلی، حق الامتیاز پرداختی است که توسط یکی از طرفین (دارنده‌ی مجوز) به دیگری (اعطاکننده مجوز) جهت برخورداری از حق استفاده مستمر از یک دارایی انجام می‌شود. در اتا، حق الامتیازها پرداخت‌های شرکت‌های استخراج منابع به دولت‌ها و مالکان سنتی اراضی برای دسترسی به منابع استخراج شده است.	
Sabotage	خرابکاری
اقدام عمدی برای آسیب رساندن به یک شرکت از طریق ایجاد راه‌بندان، اختلال و تخریب است. ذیدخلان ناراضی ممکن است با هدف جلب نظر عموم، ایجاد تأخیر در پروژه و تا انتقام‌جویی، اقدام به سد کردن مسیر دسترسی پروژه یا تخریب تجهیزات آن کرده و بدین ترتیب مستقیماً به پروژه واکنش نشان دهند.	
Sacred	مقدس
واجد اهمیت معنوی یا مذهبی.	
Sacred site	محل مقدس
یک مکان دارای اهمیت معنوی ویژه برای مردم محلی است. اگرچه معمولاً اهمیت آن در پیوندش با زندگی مردم محلی است، به‌طور کلی برای اشاره به سایر اماکن مذهبی و معنوی و معابد دارای اهمیت از حیث میراث فرهنگی نیز استفاده می‌شود.	
Safeguard policies	سیاست‌های حفاظتی
مجموعه‌ای از سیاست‌های بانک جهانی که عملکرد اجتماعی و زیست محیطی را مورد تأکید قرار می‌دهند.	
Scoping	دامنه‌یابی
فرایند تعیین موضوعات اصلی و مهم و گروه‌های ذینفع متأثر در یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی شده مشخص است.	
Screening	غربالگری
فرایند تعیین ضرورت انجام ارزیابی تأثیرات، و در صورت تأیید، نوع ارزیابی تأثیر است که در اسناد قانونی به صورت مجموعه‌ای از معیارها و مقررات ذکر می‌شود. البته غربالگری همیشه در این معنا استفاده نمی‌شود و به طور کلی به تعیین شرایطی که باید محقق شود، یا رویه‌هایی که باید از آن‌ها پیروی شود و در رویه‌های قانونی شرکت‌ها، مقررات ملی یا بین‌المللی به آن‌ها اشاره شده است و یا الزاماتی که توسط شرکای مالی مانند بانک جهانی یا موسسه‌ی مالی بین‌المللی مطرح است، اشاره دارد.	

Self-determination	خودمختاری
یکی از بندهای حقوق بشر که بیشتر در مورد گروه‌ها (و نه افراد) موضوعیت دارد مبنی بر این که مردم باید بتوانند آزادانه جایگاه سیاسی خود را تعیین و توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را دنبال کنند.	
Sense of community	حس اجتماع
(ن.ک به اجتماع - آگاهی)	
Sense of place	حس مکان
رابطه‌ی شخصی فرد با محیط طبیعی و اجتماعی اطراف خود، که هر روز در زندگی روزمره تجربه می‌کند.	
Shared infrastructure	زیرساخت‌های مشترک
زیرساخت‌هایی که برای پروژه ساخته شده اما برای تأمین نیازهای اجتماع محلی نیز قابل استفاده است. شامل تولید برق، تأمین آب، تصفیه‌ی فاضلاب، پل‌ها، جاده‌ها، خطوط راه آهن، بنادر و فرودگاه‌ها.	
Shared value	ارزش مشترک
شیوه‌ای از تفکر درباره نقش یک شرکت است که می‌پذیرد نیازهای جامعه‌ای، و نه صرفاً نیازهای اقتصادی متعارف، بازار را تعیین می‌کند، و اینکه هدف شرکت را ایجاد ارزش مشترک و نه صرفاً سود می‌داند و جامعه هم به اندازه شرکت نفع می‌برد. این دیدگاه هم چنین تصدیق می‌کند که خدمات اجتماعی غالباً هزینه‌هایی را در قالب مخاطرات اجتماعی برای شرکت‌ها ایجاد می‌کنند و بنابراین بایستی با دقت مدیریت شوند.	
Significance	اهمیت
اولویت‌بندی موضوعات برای تحلیل بیشتر و یا اجرای برنامه‌ی تعدیل. پس از فرایند دامنه‌یابی، آثار بر اساس اهمیت‌شان و مطابق با معیارهای از پیش تعیین‌شده یا در فرایندی مشورتی با کمیته‌ی ارتباطات محلی مورد بررسی قرار می‌گیرند.	
SIMP	برنامه‌ی مدیریت آثار اجتماعی
SME	بنگاه‌های کوچک و متوسط
بنگاه‌های کوچک و متوسط، بر اساس تعداد کارکنان و یا معیار درآمد سالیانه، در کشورهای مختلف تعاریف متفاوتی دارند. این بنگاه‌ها در اِتا بسیار مهم‌اند چون پراکنده، سازمان‌نیافته و اغلب بسیار تحت تأثیر پروژه‌ها قرار می‌گیرند. با رعایت احتیاط، می‌توان از آن‌ها به شکل مثبتی در راستای تعهد به تدارکات محلی پروژه استفاده کرد.	
Social area of influence	محدوده‌ی اجتماعی نفوذ
اصطلاحی که معنایی مشابه «حوزه نفوذ» دارد اما تأکید آن بر اثرات اجتماعی ناشی از پروژه است. بدلیل تحرک جغرافیایی افراد و دامنه‌ی اثرات اجتماعی، پهنه‌ی اجتماعی نفوذ آثار ممکن است بسیار وسیع‌تر از محدوده‌ی جغرافیایی گسترش آثار پروژه باشد.	
Social baseline	وضعیت پایه‌ی اجتماعی
(ن.ک به وضعیت پایه)	

Social carrying capacity	ظرفیت تحمل اجتماعی
به تعداد افراد قابل حمایت در یک محدوده‌ی خاص جغرافیایی اطلاق می‌شود. اگر چه اصطلاح ظرفیت تحمل اکولوژیکی در اکولوژی جا افتاده است ولی ظرفیت تحمل اجتماعی به ندرت توسط محققان علوم اجتماعی استفاده می‌شود. مدیران پارک، زمانی درباره ظرفیت تحمل اجتماعی صحبت می‌کنند که بخواهند به تعداد گردشگرانی اشاره کنند که پارک می‌تواند پذیرای آنان باشد، و در عرصه‌ی گردشگری، این اصطلاح برای اشاره به تعداد گردشگرانی که یک جاذبه‌ی گردشگری خاص (مکان، روستا، منطقه، فرهنگ) به راحتی می‌تواند پاسخگوی آنان باشد استفاده می‌شود.	
Social capital	سرمایه‌ی اجتماعی
منابع اجتماعی که با تکیه بر آن‌ها، افراد اهداف معیشتی‌شان را پیگیری می‌کنند که مشتمل بر شبکه‌ها و پیوندها، و روابط مبتنی بر اعتماد، مبادلات و تعاملاتی که همکاری را تسهیل کرده، هزینه‌های معامله را کاهش می‌دهد و مبنایی برای تورهای حمایت غیررسمی فراهم می‌کنند، است. سرمایه‌ی اجتماعی شامل نهادها، ارتباطات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و قواعد مشترک برای سلوک اجتماعی است که بر تعاملات بین افراد حاکم بوده و به توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی مدد می‌رساند.	
Social change process	فرایند تغییر اجتماعی
فرایندهای تغییرات ملموس در اجتماعات متأثر از پروژه، که بواسطه یک مداخله‌ی برنامه‌ریزی‌شده، شروع، فعال، تسهیل یا تشدید می‌شوند. فرایند تغییر اجتماعی به خودی خود یک تأثیر اجتماعی نیست اما بسته به زمینه‌ی اجتماعی، ممکن است به بروز اثرات اجتماعی بیانجامد. به عنوان مثال مهاجرت به منطقه‌ی محل اجرای پروژه و اسکان مجدد فرایندهای تغییرات اجتماعی هستند که ممکن است منجر به تأثیرات اجتماعی بشوند.	
Social determinants of health	تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت
شرایط اجتماعی و اقتصادی و توزیع آن‌ها در جمعیت که تفاوت‌های وضعیت سلامت افراد و گروه‌ها را توضیح می‌دهد. این اصطلاح به جای عوامل فردی (مانند رفتارهای پرخطر یا ژنتیک) بر عوامل ریسک اجتماعی موجود در شرایط زندگی و شرایط کاری افراد به عنوان تعیین‌کننده‌های اصلی مخاطرات ابتلا به بیماری یا آسیب‌پذیری در مقابل بیماری‌ها یا صدمات تأکید می‌کند. توزیع این تعیین‌کننده‌های اجتماعی متأثر از وضعیت بهداشت عمومی و دیگر سیاست‌ها، حکمرانی ضعیف و ترتیبات اقتصادی ناعادلانه است که موجب می‌شوند سلامت افراد سالم و ثروتمند، بهتر شده و سلامت فقرا کمتر شود.	
Social development	توسعه‌ی اجتماعی
در اِتا، توسعه‌ی اجتماعی به روند حرکت یک جامعه معین به سوی اهداف مطلوب توسعه اشاره دارد و یک فرایند تغییر اجتماعی برنامه‌ریزی‌شده است که در پیوند با توسعه‌ی اقتصادی روی می‌دهد. اهداف توسعه‌ی اجتماعی در جوامع مختلف یکسان نیست اما به طور کلی معطوف به اهدافی چون افزایش رفاه و یا شکوفایی اقتصادی، بهبود معیشت پایدار، بهبود تأمین خدمات بنیادین اجتماعی نظیر بهداشت و آموزش، تقویت شمول اجتماعی، ظرفیت‌سازی‌ها، تقویت حکمرانی خوب و غیره است. توسعه‌ی اجتماعی شباهت بسیار زیادی به توسعه‌ی اجتماع‌محور دارد با این تفاوت که بر دستیابی به دستاوردهای توسعه‌ای بیشتر تأکید می‌کند.	
Social development outcomes	دستاوردهای توسعه‌ی اجتماعی
به نتایجی اطلاق می‌شود که انتظار می‌رود یک مداخله‌ی توسعه‌ای خاص به آنها دست یابد.	
Social disarticulation	از هم‌گسیختگی اجتماعی
فرایند بروز اختلال در شبکه‌های اجتماعی و سازوکارهای حمایتی در یک گروه اجتماعی که اغلب نتیجه‌ی پراکنده شدن اجتماع در جریان اسکان مجدد است.	
Social disintegration	فروپاشی اجتماعی
فرایندهای اضمحلال نظم اجتماعی در یک اجتماع است.	

Social diversity	تنوع اجتماعی
به ترکیب محلی گروه‌های اجتماعی و افراد بر اساس ویژگی‌هایی همچون جنسیت، قومیت، سن، فرهنگ و زمینه‌های اقتصادی اطلاق می‌شود.	
Social exclusion	طرد اجتماعی
فرایندهای که مانع تحقق ادغام اجتماعی و یکپارچگی اجتماعی شده و یا موجب به حاشیه رانده شدن گروه‌های آسیب‌پذیر می‌شود.	
Social footprint	ردپای اجتماعی
مفهومی که به عنوان معادل اجتماعی «ردپای اکولوژیکی» مطرح می‌شود، در واقع استعاره‌ای است از صدمات اجتماعی ایجاد شده ناشی از یک پروژه یا محصول است. این مفهوم چندان مورد علاقه‌ی دانشمندان علوم اجتماعی نیست و بدین ترتیب چندان هم در آن استفاده نمی‌شود، اما برخی دانشمندان حوزه فیزیک این واژه را در کنار ردپای اکولوژیکی استفاده می‌کنند.	
Social fund	صندوق اجتماعی
تامین بودجه (نه لزوماً برای جبران خسارات) از محل منابع پروژه که مستقیماً به مردم متاثر اختصاص می‌یابد. صندوق‌های اجتماعی معمولاً توسط اجتماع مدیریت می‌شوند و هدف از آن‌ها تقویت پروژه‌های اجتماعی است که کل اجتماع را منتفع می‌کنند. سهم صندوق‌های اجتماعی اغلب به صورت نسبت یا درصدی مانند دلار به ازای هر مگاوات ساعت برق تولید شده یا به ازای هر هزار تن سنگ معدن استخراج شده محاسبه می‌شود. صندوق اجتماعی با پرداخت ناشی از اعطای حق‌الامتیاز متفاوت است، هرچند ممکن است پرداخت حق‌الامتیاز به صورت تامین مالی صندوق اجتماعی انجام شود.	
Social impact	تأثیر اجتماعی
چیزی که به شکل ملموس یا ذهنی، در سطح یک فرد، واحد اجتماعی (خانواده، خانوار، جمع) یا اجتماع/جامعه تجربه یا احساس شود. (هم‌چنین ن.ک به فرایند تغییر اجتماعی).	
Social Impact Assessment (long form)	ارزیابی تأثیر اجتماعی (تفصیلی)
شامل فرایندهای تحلیل، پایش و مدیریت پیامدهای اجتماعی خواسته یا ناخواسته و مثبت یا منفی مداخلات برنامه‌ریزی‌شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) و هم چنین هرگونه تغییر اجتماعی ناشی از آن مداخلات است که هدف اصلی آن ایجاد محیط بیوفیزیکی و انسانی عادلانه‌تر و پایدارتر است.	
Social Impact Assessment (short form)	ارزیابی تأثیر اجتماعی (اجمالی)
تحلیل، پایش و مدیریت پیامدهای اجتماعی مداخله است.	
Social Impact Management Plan (SIMP)	برنامه‌ی مدیریت تأثیر اجتماعی
یک سند رسمی و سیستم مدیریت که راهبردهای مورد نیاز در فازهای مختلف یک طرح توسعه‌ای (حتی مرحله خاتمه‌ی پروژه) را برای پایش، گزارش‌دهی، ارزشیابی، بازنگری و پاسخ‌دهی موثر به تغییرات تعیین می‌کند. تاحدودی شبیه گزارش تأثیر اجتماعی است، با این تفاوت که در برنامه‌ی مدیریت تأثیر اجتماعی، تمرکز بر راهبردهای مدیریتی رسیدگی به تأثیرات است تا صرفاً ارائه‌ی فهرستی از تأثیرات بالقوه.	
Social Impact Statement	گواهی ارزیابی اجتماعی
نسخه اتای گواهی اثرات زیست‌محیطی، و یک سند رسمی است که به مراجع اداری و قانونی ارائه می‌شود.	
Social inclusion	شمولیت اجتماعی
مفهومی مرتبط با عدالت اجتماعی که به تعهد سیاستی و راهبردهای فعال حکومت در تمام سطوح و جامعه‌ی مدنی برای تقویت دسترسی افراد و گروه‌های گوناگون به فرصت‌های توسعه‌ای و مشارکت کامل در جامعه از طریق رفع محدودیت‌های نهادی مشارکت و تدارک مشوق‌های انگیزشی و سازوکارهایی برای مشارکت، اطلاق می‌شود.	

Social indicator	نشانگر اجتماعی
یک سنجهی آماری (متغیر) که برای پایش تغییرات در پدیده‌های اجتماعی بکار برده می‌شود. در اتا، برای سنجش موضوعات اجتماعی که به عنوان محورهای مهم در پایش شناسایی شده‌اند، از نشانگرهای اجتماعی استفاده می‌شود.	
Social innovation	نوآوری اجتماعی
گفتمانی در واکنش به مسالهی طرد اجتماعی است که موضوع آن بحث درباره‌ی روش‌های جدید تامین نیازهای اجتماعی یا ارائه‌ی مزایای اجتماعی به اجتماعات از طریق بازطراحی یا خلق محصولات، خدمات، ساختارهای سازمانی، ساختارهای حکمرانی، سیاست‌ها، رویه‌های و فعالیت‌های نو است به صورتی که اثربخش‌تر از بخش عمومی سنتی موجود و یا رویکردهای مبتنی بر بازار در واکنش به طرد اجتماعی عمل کند.	
Social integration	یکپارچگی اجتماعی
توانایی گروه‌های مختلف در جامعه برای زندگی مسالمت‌آمیز، مولد و مبتنی بر همکاری در کنار یکدیگر و پذیرش تفاوت‌ها در چارچوب منافع مشترک و مفید برای همه‌ی اعضاء است. یکپارچگی اجتماعی بر ضرورت تحقق عدالت در سطح فردی و ایجاد هارمونی در بین گروه‌های اجتماعی و کشورهای مختلف دلالت دارد و به معنی ایجاد انسجام در گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر از طریق تسهیل دسترسی آنان به نهادهای اجتماعی جامعه است.	
Social investment	سرمایه‌گذاری اجتماعی
در اتا، سرمایه‌گذاری اجتماعی به این ایده اشاره دارد که یک پروژه باید با تامین منابع لازم برای تحقق اهداف توسعه‌ای اجتماع تحت تاثیر پروژه، در توسعه‌ی محلی سهم داشته باشد. سرمایه‌گذاری اجتماعی هنگامی استراتژیک خوانده می‌شود که ایفای چنین نقشی برای شرکت مجری، از حیث کسب و کار هم اهمیت داشته باشد.	
Social justice	عدالت اجتماعی
به مفاهیم انصاف و برابری در یک جامعه اشاره دارد و فلسفه‌ای است در خصوص احترام به حقوق بشر، به این مفهوم که افراد باید از شانس رشد و بهبود خود بهره‌مند و فرصت مشارکت در تصمیم‌های تاثیرگذار بر زندگیشان را داشته باشند.	
Social licence to operate	مجوز اجتماعی فعالیت
عبارتی رایج برای اشاره به این موضوع که پذیرش اجتماعی جامعه‌ی میزبان برای اجرا و موفقیت پروژه ضرورت دارد.	
Social licence to operate and grow	مجوز اجتماعی برای اجرا و توسعه‌ی عملیات پروژه
نوعی «مجوز اجتماعی برای فعالیت» است که بر پذیرش اجرای پروژه یا کسب و کار توسط همه‌ی ذی‌مدخلان تاکید می‌کند.	
Social management system	نظام مدیریت اجتماعی
یک نظام مدیریتی است که به طور خاص بر مدیریت مسائل اجتماعی در یک شرکت یا پروژه متمرکز است.	
Social performance	عملکرد اجتماعی
رابط بین یک پروژه و جامعه به معنی صورتبندی اصول مسئولیت اجتماعی، فرایندهای پاسخگویی اجتماعی، و سیاست‌ها، برنامه‌ها و دستاوردهای ملموس یک سازمان تجاری در ارتباط با جامعه‌ی پیرامون آن است.	
Social profile	نمایه‌ی اجتماعی
(ن.ک به نمایه‌ی اجتماع)	

Social return investment (SROI)	بازگشت اجتماعی سرمایه
روشی برای اندازه‌گیری مزایای اضافی، فراتر از برگشت مالی فوری ناشی از سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و فعالیت‌ها مانند تأمین مالی در طرح‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی است که عموماً به صورت نسبتی از کل منابع سرمایه‌گذاری شده بیان می‌شود.	
Social risk	مخاطره‌ی اجتماعی
بانک جهانی مخاطره‌ی اجتماعی را چنین تعریف می‌کند «احتمال اینکه یک مداخله موجب ایجاد، تقویت یا تعمیق نابرابری یا تضاد اجتماعی بشود، یا اینکه ذهنیت‌ها و کنش‌های ذیمدخلان کلیدی مانع دستیابی به اهداف توسعه‌ای بشود، یا اینکه ذیمدخلان کلیدی، اهداف توسعه‌ی ابزار نیل به آن را متعلق به خود قلمداد نکنند.» چنین مخاطراتی ممکن است در زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، اجرایی یا نهادی یک کشور ریشه داشته باشند.	
Socially-responsible security	امنیت از حیث اجتماعی مسئول
رویکردی به خدمات امنیتی پیرامون یک پروژه که به حقوق بشر و دیگر موضوعات اجتماعی توجه می‌کند؛ و احتمالاً با اصول داوطلبانه در مورد امنیت و حقوق بشر هم‌راستا است.	
Soft regulation	مقررات نرم
(با قانون نرم) به فرایندهای غیررسمی اعمال کنترل بر فعالیت‌های یک شرکت نظیر استانداردها و دستورالعمل‌های صنعتی و همچنین به پیمان‌ها و توافق‌های جهانی اشاره دارد که بر فعالیت‌های شرکت‌ها و چگونگی قضاوت درباره آنها اثرگذار است.	
Spirit of place	روح مکان
به ابعاد منحصریفر، متمایز و خوشایند یک مکان اطلاق می‌شود. در حالیکه «حس مکان» یک احساس شخصی است که یک فرد درباره یک مکان دارد، روح مکان به ویژگی‌های ذاتی یک مکان برمی‌گردد.	
Stakeholders	ذیمدخلان
شامل تمام افراد یا گروه‌هایی است که تحت تأثیر پروژه (یا یک عملیات اجرایی) قرار گرفته یا می‌توانند بر آن تأثیر بگذارند. ذیمدخلان شامل افراد، گروه‌های ذینفع و سازمان‌ها می‌شوند.	
Stakeholder analysis	تحلیل ذیمدخلان
فرایند هدفمند تعیین تمام ذیمدخلان یک پروژه (بطور مثال افراد یا گروه‌هایی که احتمال دارد بر پروژه اثر گذاشته یا از آن تأثیر بپذیرند) و درک نگرانی‌های ایشان درباره پروژه و یا روابط آنها با پروژه است.	
Standard	استاندارد
هنجار، میناق یا قاعده‌ای است که به عنوان نقطه‌ی مرجع یا هدف استفاده می‌شود.	
Standard of living	استاندارد زندگی
شاخص‌های ملموس و عینی رفاه یک فرد یا گروه است.	
Strategic social investment	سرمایه‌گذاری اجتماعی راهبردی
سرمایه‌گذاری اجتماعی که به‌گونه‌ای طراحی شده است که توانان هم اهداف راهبردی پروژه/ شرکت را و هم نیازها و آرزوهای اجتماع محلی را برآورده سازد.	
Subjective wellbeing	رفاه ذهنی
به تجربه‌ی شخصی انسان در زندگی، سطح رضایتمندی هر شخص در زندگی و این‌که مردم بطور کلی چقدر از زندگیشان رضایت دارند، اطلاق می‌شود.	

Subsistence	معیشتی
صفتی که با مجموعه‌ای از کلمات مانند اقتصاد معیشتی، زیست معیشتی، کشاورزی معیشتی، ماهیگیری معیشتی و معدن‌کاوی معیشتی استفاده می‌شود. معیشتی به اقتصاد غیررسمی یا غیربازاری اطلاق می‌شود (در مقابل اقتصاد پولی) که در آن افراد کالاها و خدمات مورد نیاز خودشان را تولید می‌کنند و یا آن‌ها را بجای پول، با کالا یا خدمات متقابل مبادله می‌کنند.	
Sustainable development	توسعه پایدار
در گزارش کمیسیون برانتلند با عنوان آینده‌ی مشترک ما، توسعه‌ی پایدار به عنوان توسعه‌ای تعریف شده است که نیازهای نسل کنونی را بدون به مخاطره افکندن توانایی نسل‌های آینده در برآورده ساختن نیازهایشان برآورده می‌کند.	
Sustainable livelihood	معیشت پایدار
معیشت شامل توانایی‌ها، دارایی‌ها (ن.ک به انواع سرمایه‌ها) و فعالیت‌هایی است که برای زندگی مورد نیاز است. معیشت پایدار خواهد بود اگر بتواند با استرس‌ها و فشارها مقابله کرده و آن‌ها را پوشش دهد و دارایی‌ها و سرمایه‌ها را هم در زمان حال و هم در آینده حفظ نموده یا تقویت کند و در عین حال موجب تخریب یا تضعیف منابع طبیعی نگردد.	
Sustainable Livelihoods Approach (or framework)	رویکرد (یا چارچوب) معیشت پایدار
شیوه‌ای برای تحلیل آثار پروژه بر معیشت مردم و اجتماعات است. اساس این شیوه بر تحلیل سرمایه‌ها (دارایی‌های معیشتی) استوار است.	
SWOT analysis	تحلیل SWOT
تحلیلی مبتنی بر شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای یک سازمان یا یک اجتماع است.	
Taboo	تابو
آنچه که به لحاظ فرهنگی ممنوع است. پروژه‌ها اغلب با غفلت و نادیده انگاشتن تابوها، موجب آزردگی اجتماعات تحت تأثیر می‌شوند.	
Technocratic	تکنوکراتیک
واژه‌ای تحقیرآمیز که به افراد و سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که مهارت‌های فنی بسیار عالی دارند اما فاقد درک و آگاهی اجتماعی هستند؛ و بطور خاص افرادی که صرفاً بر اساس دانش فنی خود تصمیم‌سازی می‌کنند بدون آنکه به زمینه‌های اجتماعی و سیاسی توجه کنند.	
Traditional knowledge	دانش سنتی
(ن.ک به دانش محلی)	
Traditional owners	مالکین سنتی
واژه‌ای رایج در استرالیا برای اطلاق به مردم بومی که بدلیل بومی بودنشان، ادعای معتبری در خصوص به رسمیت شناخته شدن مالکیتشان بر اراضی دارند.	
Transboundary impacts	تأثیرات فرا-مرزی
به تأثیرات، اعم از اجتماعی و زیست‌محیطی، اطلاق می‌شود که از مرزها، معمولاً مرزهای ملی، فراتر رفته و به تبع آن از مرزهای قلمروهای قضایی نیز عبور می‌کنند.	

ارزش‌ها	Values
به مفروضات انتزاعی و اغلب ناخودآگاه افراد نسبت به آنچه در زندگی درست و مهم قلمداد می‌کنند، اطلاق می‌شود. این مفروضات در چارچوب یک نظام ارزشی سازماندهی می‌شوند و در بین گروه‌های فرهنگی بسیار متفاوت است.	
برون‌ریزی	Venting
فرایند «خالی کردن فشار» است. در اتا این عبارت به موقعیتی اطلاق می‌شود که به مردمی که عصبانی یا هیجان‌زده هستند اجازه داده می‌شود تا احساساتشان را بیان کنند. فرصت‌های برون‌ریزی، بخشی ضروری از فرایند دخالت دادن اجتماع در امور پروژه و تأثیرات است.	
میراث زبان مادری	Vernacular heritage
کلمه «زبان مادری» بطور عادی به زبان روزمره مردم عادی در یک منطقه‌ی مشخص اشاره دارد. به همین ترتیب، «میراث زبان مادری» نیز به میراث فرهنگی اشاره دارد که متعلق به زندگی مردم عادی است یا مختص گروه‌های کوچکی از مردم با زبان و یا مجموعه‌ای از تجربیات مشترک است.	
اصول داوطلبانه	Voluntary
بطور کلی در اتا به اصول داوطلبانه امنیت و حقوق بشر اشاره دارد.	
اسکان مجدد داوطلبانه	Voluntary resettlement
(ن.ک به اسکان مجدد)	
آسیب‌پذیری	Vulnerability
موقعیت یا شرایطی که مشخصه‌ی آن، تاب‌آوری پایین یا ریسک بالا و توانایی تنزل‌یافته یک فرد یا گروه یا اجتماع برای مقابله با شوک یا آثار منفی است. آسیب‌پذیری معمولاً نتیجه‌ی شرایط اجتماعی-اقتصادی ضعیف، معلولیت، قومیت، یا عواملی است که بر توانایی افراد برای دسترسی به فرصت‌ها و منابع توسعه‌ای اثرگذارند.	
گروه‌های آسیب‌پذیر	Vulnerable groups
گروه‌هایی که ویژگی آن‌ها آسیب‌پذیری است. اگرچه آسیب‌پذیری در متن و زمینه تعریف می‌شود و می‌تواند طیف وسیعی از گروه‌ها را در برگیرد، معمولاً شامل این گروه‌ها می‌شود: مردم بومی، اقلیت‌های قومی، مهاجران، افراد معلول، بی‌خانمان‌ها، فقرا، معتادانی که با سوء مصرف مواد مخدر درگیرند و افراد سالخورده منزوی شده.	
سازمان مردم‌نهاد مراقبتی	Watchdog NGO
سازمان غیردولتی که مأموریت یا هدف آن به طور خاص ایفای یک نقش پایشی در نظارت بر فعالیت‌های شرکت‌ها یا دیگر سازمان‌هاست. این سازمان‌ها برای ترغیب و ترویج عملکرد بهتر شرکت‌ها و سازمان‌ها در راستای مأموریت خود از استراتژی «نام بردن و شرم‌نده کردن» استفاده می‌کنند.	
مسافران آخر هفته	Weekenders
به مردمی اشاره دارد که برای تعطیلات و یا روزهای آخر هفته به خانه‌ی دوم خود می‌آیند. این گروه اغلب یک عنصر مهم در مطالعات اتا هستند، اما دسترسی به آنها به راحتی میسر نیست. آنان گاهی به صورت منفی از آثار پروژه متاثر می‌شوند و یا موضوعات و مسائل متفاوتی نسبت به مردم اجتماعات متاثر از پروژه دارند.	

رفاه	Wellbeing
وضعیت اجتماعی، اقتصادی، روانشناختی، روحی یا جسمی یک فرد یا گروه است.	
فیل سفید	White elephant
اصطلاحی عمومی که معمولاً برای اشاره به امکاناتی (همچون ساختمان یا غیره) اشاره دارد که با هزینه‌ی بالا احداث می‌شوند ولی سودمندی اندکی دارند. از حیث تاریخی، این عبارت معنای دقیق‌تری دارد و به هزینه‌های نگهداری فلج‌کننده و همزمان ناتوانی در حذف کردن این هزینه‌ها اشاره دارد. در صورت عدم دقت در انتخاب موضوع یا پروژه‌ی سرمایه‌گذاری اجتماعی، بسیاری از پروژه‌ها می‌توانند به فیل سفید تبدیل شوند.	
سیاست‌های حفاظتی بانک جهانی	World Bank safeguard policies
به مجموعه‌ای متشکل از ۱۰ سیاست عملیاتی اشاره دارد که توسط بانک جهانی تدوین شده و به عنوان مبنای مهمی برای حصول اطمینان از این‌که اجرای پروژه‌ها به مردم و محیط زیست آسیبی نمی‌رساند، استفاده می‌شوند، شامل: ارزیابی زیست‌محیطی (OP ۴،۰۱)، محدوده‌های محل مناقشه (OP ۷،۶۰)، جنگل‌ها (OP ۴،۳۶)، مردم بومی (OP ۴،۱۰)، آبراهه‌های بین‌المللی (OP ۷،۵۰)، اسکان مجدد غیرداوطلبانه (OP ۴،۱۲)، زیستگاه‌های طبیعی (OP ۴،۰۴)، مدیریت آفات (OP ۴،۰۹)، منابع فرهنگی ملموس (OP ۴،۱۱) و ایمنی سدها (OP ۴،۳۷).	
سیاست‌های حفاظت اجتماعی بانک جهانی	World Bank social safeguard policies
به زیرمجموعه‌ای از سیاست‌های حفاظتی (ن.ک به اصطلاح قبلی) اشاره دارد که محوریت آن‌ها موضوعات اجتماعی است (یا توسط بخش توسعه اجتماعی بانک جهانی مدیریت می‌شود) شامل مردم بومی (OP ۴،۱۰) و اسکان مجدد غیرداوطلبانه (OP ۴،۱۲).	
جهان‌بینی	Worldview
چشم‌اندازی که یک شخص (و گاهی اوقات یک جامعه یا فرهنگ) با آن جهان را نظاره می‌کند. به عبارت دیگر، یک چارچوب شناختی است. اصطلاحی که توسط متخصصان علوم اجتماعی و کارشناسان آنا زیاد استفاده می‌شود.	



ارزیابی تاثیر اجتماعی در ایران، دوره‌ی تاسیس را پشت سر گذاشته و وارد دوره‌ی استقرار و رشد شده است. دوره‌ای که انتظار می‌رود این حوزه‌ی مطالعات کاربردی از احتیاط‌های روش‌شناسانه و فرمالیسم ناگزیر روزهای آغازین فاصله گرفته و گام در مسیری بگذارد که فواید اجتماعی آن بیش از پیش آشکار شود. راهنمای حاضر، ارزیابی تاثیر اجتماعی را در پیوند با توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی و نیز پایداری توسعه آن‌هم با ارجاع به نمونه‌های تجربی پیشرو و متعدد مرور می‌کند و یکی از منابع محسوب می‌شود که (IAIA) مهم و مرجع انجمن بین‌المللی ارزیابی تاثیر تاکنون به بیش از ۱۰ زبان ترجمه شده است.



انجمن بین‌المللی ارزیابی تاثیر

۷۰۰۰ تومان



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ISBN 978-964-241-314-0



9 789642 413140